

شهباز میراث

نشریه کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی (ره)
- گنجینهٔ جهانی مخطوطات اسلامی -

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی
شناسهٔ پستی ۳۷۱۵۷
تلفن: ۸-۷۷۴۱۹۷۰ نمابر: ۷۷۴۳۶۳۷
[http:// www.marashilibrary.com](http://www.marashilibrary.com)
[http:// www.marashilibrary.net](http://www.marashilibrary.net)
[http:// www.marashilibrary.org](http://www.marashilibrary.org)
E-mail: Info@marashilibrary.org

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
دکتر سید محمود مرعشی نجفی
سر دبیر: محمد اسفندیاری
ویراستار: حسین رفیعی
زیر نظر شورای سردبیری

- میراث شهاب، مشتمل بر اخبار کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی (ره) است و در ضمن آن به مسائل ذیل می پردازد:
- معرفی نسخه های خطی کتابخانه.
- تصحیح رساله های خطی کتابخانه.
- معرفی کتابهای چاپی نفیس کتابخانه.
- معرفی انتشارات کتابخانه.
- گزارش سفرهای علمی محققان کتابخانه.
- مقالات ویژه کتاب پژوهی و نویسندگی.
- مقالات ویژه کتابداری و کتابشناسی.
- مقالات ویژه معرفی کتابخانه ها.

- هرگونه استفاده از مطالب میراث شهاب منوط به ذکر مأخذ است.
- مسئولیت مطالب هر مقاله به عهده نویسنده آن است.
- مقالات رسیده، بازگردانده نمی شود.
- میراث شهاب در ویرایش مقالات آزاد است.
- میراث شهاب در پایان هر فصل منتشر می شود.

صفحه آرای: محمد محمدی

میراث شهاب

سال سیزدهم، شماره ۳ و ۴، شماره پیاپی ۴۹ و ۵۰

پاییز و زمستان ۱۳۸۶



شماره استاندارد بین‌المللی: ۴۷۸۳-۱۰۲۹

ISSN:1029-4783

فهرست مطالب

- | | |
|--|---------------------------------|
| شناختنامه علامه حسینی دلجانی | سید محمود مرعشی نجفی ۳ |
| درنگی در انیس الوحدة | جواد بشری ۲۱ |
| درنگی در کتاب شواهد ضیائیه | ناصر محمدی ۳۱ |
| نیازهای مطالعاتی استفاده‌کنندگان از کتابخانه‌های مساجد | |
| | زهرا ابادری و هما نجفی ۴۱ |
| نسخه‌های عکسی | ابوالفضل حافظیان بابلی ۶۱ |
| نسخه‌های تازه‌یافته | حسین متقی ۱۲۵ |
| چند نسخه به خط حسن شیعی سبزواری | جواد بشری ۱۶۳ |
| سفرنامه ابن‌الشیخ | تصحیح محسن شریفی دانا ۱۷۵ |

شناختنامه علامه حسینی دلیجانی

سید محمود مرعشی نجفی

عالمان و دانشمندان اسلامی به ویژه شیعی در طول تاریخ علی‌رغم عدم امکانات لازم، آثار علمی بسیار ارزشمندی در موضوعات گوناگون، اعم از علوم انسانی یا علوم محض و پایه از خود به یادگار نهاده‌اند. با وجود جنگها و ستیزها، بلایای طبیعی، عدم توجه زمامداران بی‌کفایت به مسائل فرهنگی، و یورش قوم مغول به کشور عزیزمان ایران در سده‌های ۶ و ۷ هجری که طی آن بیشتر ذخائر فرهنگی از جمله تألیفات علمای اسلام را به آتش کشیدند و نابود ساختند، با این حال هم اکنون هزاران نسخه از صدها هزار نسخه خطی نفیس که در طول قرون و اعصار از بین رفته است، در کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور موجود می‌باشد.

دانشمندان مسلمان در آن روزگار، برای تدوین آثار علمی خود و به منظور استفاده از یک دانشمند دیگر که در شهرهای بسیار دور اقامت داشت، می‌بایست این فاصله دور را در چند ماه طی کرده و با عدم دسترسی به منابع مالی، رایانه، سیستمهای مخابراتی و وسائل نقلیه اعم از هواپیما، خودرو، راه‌آهن و غیره، موفق شدند آثار بسیاری را خلق نمایند. برخی از آنان افزون بر یکصد تألیف از خود به یادگار گذاشته‌اند. این حقیقت بر کسی پوشیده نیست که در طول تاریخ عالمانی که دارای آثار ارزشمند علمی مکتوب

بوده‌اند، نامشان زینت‌بخش برگ‌های تاریخ است. و متأسفانه آنان که فاقد اثر بوده‌اند، نام و جایگاهی در تاریخ ندارند.

مرحوم علامه سید عبدالهادی حسینی رضوی دلیجانی، چنانچه تألیفی از خود به یادگار نگذاشته بود، اکنون هیچ نامی از وی در منابع وجود نداشت. و همین چند اثر علمی است که تا حدودی با نام و زندگی او ما را آشنا ساخته است. از آنجا که مرقد مطهر آن بزرگوار در شهرستان دلیجان واقع شده و به نام «قبر آقا» مشهور می‌باشد و سال‌های متمادی در آن شهر می‌زیسته، تنی چند از اهالی متدین و مسؤولان آن شهر از این جانب خواسته‌اند تا گزارشی از زندگینامه آن عالم ربّانی را تهیه و به فرجام برسانم. ضمن استقبال از این خواسته، اکنون جا دارد که به بررسی نکاتی چند از زندگینامه علمی آن فقید ارجمند بپردازم.

یادآوری می‌شود که این گزارش کوتاه را از لابه‌لای منابع موجود - به ویژه کتاب‌شناسیها - از جمله: اعیان الشیعه، الذریعه، طبقات اعلام الشیعه و فهرست نسخه‌های خطی برخی کتابخانه‌ها همچون: کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله، کتابخانه مدرسه فیضیه در قم، کتابخانه مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) تهران، و کتابخانه تخصصی مرکز تحقیقات دار الحدیث - قم گرد آوردم.

متأسفانه هنگامی که نگارش این وجیزه را آغاز نمودم، هیچ‌گونه مطلبی از زندگینامه آن مرحوم به جز ۳ عنوان از آثار تألیفی وی در منابع، مطالب دیگری وجود نداشت.

آن گونه که از قراین و شواهد برمی‌آید، مرحوم سید عبدالهادی دلیجانی، عالمی است که به هیچ عنوان خود را مطرح نساخته و تا حدودی منزوی بوده و در گوشه انزوا به تألیف آثار خویش به ویژه کتاب هادی المصلّین که بیشتر عمر خود را در آن صرف نموده، پرداخته است. این کتاب که در شش جلد بسیار بزرگ نگاشته شده، اگر امروز به چاپ و انتشار آن اقدام شود، افزون بر ۲۵ یا ۳۰ جلد خواهد شد. امید است در آینده مؤسسات یا افرادی به چاپ این اثر علمی فقهی اقدام نمایند، تا از یک سو پی به اهمیت این کتاب ارزشمند برده و از دیگر سو مقام علمی ایشان بر دانشمندان و پژوهشگران آشکار گردد.

اینک که به پاس حرمت و قدرشناسی از یک عالم فرهیخته صاحب‌نظر و فقیهی

فرزانه، در نظر است مراسمی به همین منظور در شهرستان دلیجان برگزار گردد، مناسب است نظری به زندگینامه آن عالم شیعی، بیفکنیم و آثار علمی آن فقیه را به جوامع علمی خصوصاً حوزه‌های علمیه، مدرّسان و محققان معرفی نماییم.

همان گونه که متذکر شدم، متأسفانه از زندگینامه ایشان اطلاعی در دست نیست و حتی سالروز ولادت و رحلت آن مرحوم نیز مشخص نمی‌باشد. به هر حال این مهم را به فال نیک گرفته، امید است اهالی محترم دلیجان با سابقه علمی این دانشمند تا حدودی آشنا شده و به وجود آن فقیه فقید بر خود ببالند و بدانند آن بزرگ‌مرد علمی رغم امکانات موجود در چهارصد سال پیش، توانسته است آثار علمی مفیدی به ویژه اثر بزرگ و جاودانه‌اش کتاب هادی المضلین را به جوامع علمی آن روزگار ارمغان نماید.

در پایان یادآوری می‌گردد، آن گونه که مشخص است آن مرحوم به جز احاطه بر موضوعات علمی از جمله فقه و اصول، در حکمت و منطق نیز صاحب نظر بوده است. یک نسخه خطی از کتاب المحاکمات بین شرحی الاشارات، تألیف قطب الدین محمد بویه رازی در این کتابخانه بزرگ به شماره «۷۲۲۲» موجود می‌باشد که تمام نسخه به خط آن مرحوم به سال ۱۰۳۳ ق کتابت شده و بیشتر حواشی آن که نظرات ایشان است، نیز به خط خودشان می‌باشد.

علامه سید عبدالهادی بن رفیع الدین حسین بن غیاث الدین جمشید بن مهدی ثانی حسینی دلیجانی، متخلص به «هادی»، از علما و فقهای برجسته و سترگ امامیه - رضوان الله تعالی علیهم - در سده ۱۱ ه است که قدر و منزلت و جایگاه فقهی و علمی و عرفانی وی ناشناخته مانده است؛ چنانکه شرح احوال و آثار این بزرگوار آن گونه که بایسته است، از چشم و قلم تراجم نگاران دور مانده است. از جزئیات زندگی این فقیه فرزانه، در منابع و مصادر موجود آگاهی‌های افزونتر در دست نیست، جز چند شرح حال مختصر که به برخی از آنها اشاره خواهیم نمود.

از تاریخ زاد روز و درگذشت آن بزرگوار نیز اطلاع دقیقی در دست نیست، آنچه مسلم است، وی در اواخر سده ۱۰ ه زاده شده و ظاهراً چند سال پس از سال ۱۰۴۸ ق چشم از جهان فرو بسته و احتمالاً افزون بر ۷۰ سال عمر کرده است. آن مرحوم آن گونه که در برگ پایانی جلد نخست کتاب هادی المضلین، نسخه اصل به

خطّ خودش آمده، مدّتی از سالهای عمر خویش را در دلیجان گذرانده است. آرامگان آن عالم وارسته ظاهراً در شهرستان دلیجان قرار دارد و در آن منطقه معروف به «قبر آقا» می‌باشد، هیچ یک از منابع موجود، محل دفن ایشان را در جایی دیگر ذکر نکرده‌اند.

این شخصیت علمی و علامه مفضل دارای آثار و تألیفات چندی بوده است که به نظر می‌رسد، برخی مفقود شده و یا در خمول کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی، تاکنون ناشناخته مانده است؛ لیکن بر اساس فهرس و منابع منتشر شده، چند اثر علمی ارزنده، از وی شناخته و معرفی شده‌اند که اسامی اجمالی آنها چنین است. و در ادامه ان شاء الله در این نوشتار، از محتوای آنها به تفصیل بحث کرده و به کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی آنها خواهیم پرداخت:

۱. هادی المصلّین و مرشد المصلّین (شرح الرسالة النظامية)

۲. الدرّ و المرجان فی تفسیر الایمان.

۳. رساله درباره توقیت ظهور امام زمان علیه السلام.

در طبقات اعلام الشیعه^۱ مرحوم آقا بزرگ تهرانی از یک اجازه، از زین‌الدین بن علی عاملی، مشهور به شهید ثانی (شهادت ۱۵ رجب سال ۹۶۶) به پدر شیخ بهاء‌الدین عاملی - شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد حارثی جبعی عاملی (درگذشته ۸ ربیع‌الاول سال ۹۸۴) - به خطّ مرحوم سید عبدالهادی دلیجانی (مورخ ۱۵ رمضان المبارک سال ۱۰۱۶)، گزارش نموده و گفته است که: نسخه دستنویس آن در مدرسه آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی علیه السلام در نجف اشرف موجود است. به نظر می‌رسد همان گونه که علامه آیت‌الله سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه^۲ بیان داشته، این اجازه باید همان اجازه طویل شهید ثانی به پدر شیخ بهایی بوده باشد که به سال ۹۴۱ ق، از سوی شهید صادر شده و مرحوم صاحب الحدائق الناضرة، شیخ یوسف بن احمد بن ابراهیم بحرانی (درگذشته سال ۱۱۸۶ ق) نیز تمامی آن را در الکشکول خود آورده است.

۱. طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱ هـ): ص ۳۶۴.

۲. اعیان الشیعه: ۵۶/۶.

در کتاب مطلع الانوار^۱ (احوال دانشوران شیعه پاکستان و هند) آمده است: «سید عبدالهادی بن رفیع‌الدین حسین حسینی دلجانی، در دکن [هند] زندگی می‌کرد» به نظر صحیح نمی‌رسد. همان‌گونه که در ادامه این نوشتار به تفصیل بدان خواهیم پرداخت، از آنجا که وی شارح کتاب النظامیة اثر فقهی ارزنده شیخ عبدالعالی بن علی بن عبدالعالی کرکی عاملی (درگذشته سال ۹۹۳ ق) است، و در واقع او مقیم شهر دکن در حیدرآباد - هند بوده و کتاب النظامیة را به نام نظام شاه دکنی هندی نگاشته است و نه شارح، واللّه العالم.

نکته دیگر اینکه: در این مصدر، تاریخ درگذشت وی، سال ۱۱۰۰ ق آمده که با توجه به آثار دست‌نوشته ایشان که نخستین آن در سال ۱۰۰۵ ق نگارش یافته^۲ و واپسین آن به سال ۱۰۴۸ ق تألیف گردیده است^۳، قطعاً تاریخ قید شده (سال ۱۱۰۰ ق) در منبع مذکور صحیح نخواهد بود.

مهمترین اثر فقهی وی همان کتاب هادی المضلین و مرشد المصلین به زبان عربی می‌باشد. و همان‌گونه که گذشت، مرحوم علامه سید عبدالهادی دلجانی در آن به شرح الرسالة النظامیة اثر فقهی گرانسنگ شیخ عبدالعالی بن علی بن عبدالعالی کرکی عاملی (درگذشته سال ۹۹۳ ق) پرداخته است.

در اهمیت اثر ارزشمند مرحوم علامه دلجانی، همین بس که بر اساس منابع و مصادر و فهرستهای منتشر شده، متأسفانه از اصل نسخه الرسالة النظامیة کرکی، اکنون در کتابخانه‌ها اثری باقی نمانده است^۴. پیشنهاد می‌گردد پژوهشگری توانا بر اساس همین شرح (هادی المضلین) متن این رساله ارزنده را استخراج، تحقیق، بازسازی و منتشر نماید. خوشبختانه سه نسخه خطی از این اثر، که دو نسخه آن تمام به خط مبارک مؤلف کتابت شده، در کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته موجود است و اکنون به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

یادآوری می‌گردد که مرحوم آقا بزرگ تهرانی در دو جای کتاب‌شناسی بزرگ شیعه،

۱. مطلع الانوار: ص ۳۹۵.

۲. فهرست کتابخانه سپهسالار (شهید مطهری): ۲۶۱/۴.

۳. فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه: ۱۶۰/۲.

۴. مقدمه‌ای بر فقه شیعه (کلیات و کتاب‌شناسی): ص ۲۰۳.

الذریعہ^۱ از این اثر یاد کرده، لیکن در جلد ۲۴، ص ۱۹۵ سهواً النظامیہ (متن) را با ہادی المصلّین (شرح) یکی دانستہ است کہ بدین وسیلہ تصحیح می‌گردد.

۱. ہادی المصلّین و مرشد المصلّین (جلد ۱)

آغاز: «بسملة، الحمد لله على وجوب وجوده افتقار الغامرات، الذى خلق الإنسان وجعله أفضل أنواع العائدات... أما بعد، فإن الرسالة المدعوة بالنظامية فى فقه الصلاة من مصنفات الشيخ العالم الفاضل النحرير الكامل، المجتهد، فريد دهره و وحيد عصره، الشيخ عبدالعالى... رسالة لطيفة ومقالة نفيسة ولم يقع لها شرح يوضح مشكلاتها ويرفع قناع الخفاء عن وجوه معضلاتها، وقد التمس منى الولد العزيز، محمد على - وفقه الله لمراضيه - أن أكتب عليها شرحاً يأخذ عنها السرّ والخفاء و يكشف عما هو محتاج إلى الكشف والجلء، فأجبت التماسه و شرعت فى شرحها بأن أبين فيه أقوال العلماء - رضوان الله عليهم أجمعين - و استدلالاتهم و فتاويهم و ما هو الأصح عندى من أقاويلهم. و أذكر فيه ما اختلج بخاطرى من مبدأ الفياض بقدر استعدادى من ردّ و إبطال و تقرير و تقوية و توضيح و تمثيل و نظير و دليل و حجّة و نكته و تحقيق و نقض و أمثال ذلك.

و نذكر دليل قولى أيضاً فى كلّ مكان يحتاج إلى نقله وإن كان المكان الذى ذكرت هذا الدليل فيه، أقرب إلى المكان الذى يزيد أن نذكر فيه الدليل، ذا من الآيات و الأحاديث و الإجماع و الاستصحاب و غير ذلك، لأن لايشكل على الواجد وجدان ما أرادہ و لايلزم عليه التصفّح فشمرت عن ساق الجدّ و شرعت فى كتبه و سمّيته هادى المصلّين و مرشد المصلّين و أنا تراب أقدام الطلاب المحتاجين إلى غفران الله الملك الجليل السبحانى، عبدالهادى بن رفيع الدين حسين بن غياث الدين جمشيد بن مهدي الثانى الحسينى الدليجانى مسكناً، أرجو من الله تعالى أن يوفقنى لإتمام هذا الشرح، بحيث لم يمنع مانع من كتبه كتبه مستحسناً للطباع بأسرها و بقبولاً للإسماع عن آخرها، لأنّه ولى التوفيق و هو المستعان و عليه التكلان، اللهم تبّ من الذنوب، فأقلنى عنها، لأنك غافر الذنب و قابل التوب و أنت أرحم الراحمين. وها أنا

أشعر فی المقصود متوکلاً علی الصمد المعبود، فأقول: إن المصنّف ﷺ بعد الإتيان بالتسمية، افتتح كتابه بحمد الله سبحانه...».

انجام: «قال الشيخ أبو جعفر بن بابويه: فإن نمت عن الغدا حتى تطلع الشمس... يقال: بزغت الشمس، البزوع الطلوع، يقال: بزغت الشمس و بزغ القمر و غيرهما، إذا طلعت، احتج بأن الأمر...» افتاده.

گزارش متن: شرح استدلالی الرسالة النظامية في فقه الامامية تأليف شيخ عبدالعالي بن علي بن عبدالعالي محقق کرکی (درگذشته سال ۹۹۳ ق) است که به درخواست فرزند شارح، محمد علی، در ۶ جلد بزرگ نگاشته و در سال ۱۰۳۰ ق به پایان برده است. همان گونه که از نظر گذشت، از اصل الرسالة النظامية که به نام نظام شاه هندی در دکن تألیف گردیده، بر اساس مصادر و فهارس موجود، امروزه نسخه‌ای در دست نیست.

گفتنی است که نسخه حاضر از آغاز تا احکام و شرایط قضای نماز را داراست و در واقع جلد نخست کتاب هادی المضلین می باشد که چند برگ از انجام نسخه افتاده است.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: نسخه اصل به خط مؤلف (شارح) □ تاریخ کتابت (تألیف): اوایل سده ۱۱ ه □ عنوانها و نشانیها: قرمز و مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی □ تعداد برگ: ۶۵۳ □ تعداد سطر: ۱۲ □ اندازه متن: ۱۵/۵ × ۱۱/۵ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۲۵/۵ × ۱۸/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: دو رو تیماج؛ برون: زرشکی فرسوده، عطف، مغزی و گوشه: تیماج مشکی و حنایی؛ درون: زیتونی مجدول.

ویژگیها: نسخه‌ای بسیار نفیس به خط مصنف (شارح) است، دارای حاشیه‌نویسی‌های سودمندی از خود شارح و نیز تحشیه‌هایی با رمز «منه» است که آن نیز از خود شارح، ظاهراً از سوی کسی (شاید فرزندش محمد علی) - که کتاب را به نام وی نگاشته است - نقل گردیده است. عبارات «بلغت إلی هنا» در هامش برخی برگها آمده که گویا مربوط به تصحیح از سوی مؤلف (شارح) باشد، یا اینکه مربوط به مطالعه کننده است. قلم خوردگی‌هایی در متن دیده می شود که از شارح بوده و در هامش تصحیح گردیده است. در میان تحشیه‌ها نکات جالبی به چشم می خورد، به عنوان نمونه: ذیل مبحث مسکرات و فقاع از مؤلف (شارح) چنین نقل شده است: «ذهب أكثر علمائنا إلی آخرها و هكذا جمع كثير من المجتهدين المعاصرين لنا صرحوا بالخلاف و بحثوا عن أدلة الطرفين و صرحوا بأن أدلة النجاسة لا تدلّ علیها. و بعضهم توقفوا و لم يحكموا بأحد

الطرفین کشیخنا الجلیل العلامۃ الأردبیلی و السید السند الأیّد الفاضل السید محمّد و الشیخ الفاضل المتبحّر فی العلوم الشیخ حسن بن الشهید الثانی و غیرهم کالشیخ العالم فیما بین الأنام و الحبر التمام الشیخ بهاء الدین العاملی، کّل واحد من هؤلاء العظماء صرّحوا بالخلاف و ذکروا أدلّة الطرفین و بحثوا عنها و قالوا فیها ما قالوا، فتفکّر». در برگ آغازین نسخه، دستخط مبارک حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته درباره این اثر ارزشمند، چنین آمده است: «کتاب شرح النظامیة فی الصلاة فرائضها و مسنوناتها و سائر أحكامها و أقسامها، المتن للعلامة الشیخ عبدالعال ابن المحقق الکرکی، کتبه للسلطان نظام شاه من ملوک الهند و الشرح للعلامة السید عبدالهادی بن رفیع الدین حسین بن غیاث الدین جمشید الحسینی الدلیجانی، شرحه بالتماس ولده الفاضل، السید محمّدعلی، و ینظر منه علو کعب الشارح فی الفقه و جودة اختیاره فی المسائل و ینقل تارة عن صاحب المدارک. و کان قد ینشد الشارح شعراً منها فی المناجاة مع ربّه، شعر:

شکر به درگاه تو ای ذوالجلال
موجد و موجود تویی در مقال
هرکه تجاوز کند از امر تو
دوزخ جاوید بدانش مآل
و هذه النسخة، هی الأصلية التي بخطّ الشارح، فلا ترخص مهرها و أنا الراجی
شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی، ۱۳۷۱ ق.»

نیز بر فراز همان برگ عبارت «أرسلت اسمه إلى صاحب الذريعة» از معظم له آمده است که داده‌های نخستین اثر را جهت ثبت در الذریعه به مرحوم آقا بزرگ تهرانی ارسال نموده‌اند.^۱ در برگ آغاز همچنین ابیاتی عرفانی از شارح با عبارت «لمحرّره» آمده که چنین است:

شب وصل است ای دل رو دلی دیگر تو پیدا کن
لباس عافیت بگذار و خود را بی سر و پا کن
اگر خواهی کز انوار جمالش بهره ور گردی
بسان بلبان در عشق گل خود را تو شیدا کن

۱. حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته هر نسخه نفیس چاپ نشده‌ای که در اختیارشان قرار داشته، مشخصات هر یک را برای مرحوم آقا بزرگ تهرانی رحمته جهت درج در کتاب الذریعه ارسال می‌داشتند و در جای جای الذریعه بدان تصریح شده است.

تو را گر بوده باشد میل وصل جاودان ای دل
 بکن ترک همه اشیا به کوی دوست مأوی کن
 تو گر خودبین نئی و ما و من را نیستی مصدر
 تمامی دوست گشتی این زمان رو ترک اهو کن
 چو «هادی»^۱ هرچه بینی باید ای دل عین حق بینی
 که ایشان مظهر حقند بی شک دیده بینا کن
 در این برگ، همچنین ابیات دیگری نیز وجود دارد، مانند:

آستان جانان را در لباس پنهانی بوسها ز لب دارم سجدها ز پیشانی
 ای خدا خواهم دل دیوانه های های گریه مستانه
 آمد آمدی خواهم که از هوشم برد این قدر کز کاروان بس مانده ام پیشم برد
 در همان برگ یادداشتهای دیگری نیز دیده می شود که قاعده باید از شخص دیگری
 بوده باشد، مانند: «من سورة آل عمران: ﴿لن تنالوا البرّ حتی تنفقوا ممّا تحبّون و ما تنفقوا من
 شیء فإنّ الله به علیم﴾^۲. فی هذه الآية إشارة واضحة إلى العاشقین، لایخفی علی من له
 أدنی...».

شماره نسخه: «۸۰۱»

۲. هادی المصلّین و مرشد المصلّین (جلد ۱) (۲)

آغاز: «بسملة، الحمد لله الذي دلّ على وجوده ذرات الكائنات الذي خلق الإنسان و
 جعله عالماً بجميع صفاته الحسنی و ما يمكن... أمّا بعد، ما صنّفه الشيخ العالم الفاضل
 النحریر المتقن الكامل المجتهد...».

انجام: «و أوقعه فی الوقت كان إذن اتفاقاً و لا أثر لذلك الظنّ و كذا الكلام فی سایر
 الواجبات الموسّعة و الله الموفّق. قد وقع الفراغ عن تصنیف هذا الكتاب يوم الإثنين
 السادس و العشرين من شهر جمادى الأوّل سنة ۱۰۳۰».

گزارش متن: نسخه حاضر با اندکی اختلاف در عبارات، همانند نسخه پیشین است، با
 این تفاوت که نسبت به نسخه پیشین کاملتر است و انجام آن نیز سالم می باشد و به نظر

۱. «هادی» تخلص مرحوم سید عبدالهادی است که در سروده های خود می آورده است.

۲. آل عمران: ۹۲.

می‌رسد که از روی نسخه سابق نگاشته شده است. معمولاً برخی از عالمان گذشته آثار علمی خود را دو بار مبایضه می‌ساختند و برخی اوقات مجدداً به خط کاتبی دیگر می‌نگاشتند. از این کار احتمالاً دو منظور داشته‌اند: نخست آن که مطالب بیشتری که به ذهن آنان می‌آمد، در نسخه دوم تکمیل می‌نمودند؛ دیگر آن که جهت پیشگیری از سرقت یا مفقود شدن آثارشان چنین رویه‌ای را ادامه می‌دادند، بدین گونه که نسخه اول را در محلی و نسخه دوم را در محلی دیگر قرار می‌دادند. این جانب بر اثر کنکاش در آثار پیشینیان بارها به این نکته واقف شده‌ام، در کتابخانه بزرگ ما چند مورد از این گونه نسخه‌ها موجود می‌باشد.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نسخ و نستعلیق □ نام کاتب: عبدالله بن نعمت الله رضوی حسینی □ تاریخ کتابت: سال ۱۰۴۱ ق، در حیات مؤلف (شارح) □ عنوانها و نشانیها: قرمز و مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی □ تعداد برگ: ۴۳۳ □ تعداد سطر: ۱۷ □ اندازه متن: ۱۹/۵ × ۱۱ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۲۷ × ۲۰/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: تیماج حنایی □ رقم کاتب: «قد وقع من إتمام هذا الكتاب في يوم الأربعاء الثاني من شهر جمادى الأول سنة ۱۰۴۱، حرره العبد المذنب المعترف المقر بما فيه و المعتقد بما يطاويه، عبدالله بن نعمت الله الرضوی الحسینی، غفرالله...»

بحمدالله که این فرخنده بنیاد به پایان آمد و عمرم امان داد.»

ویژگیها: نسخه در حاشیه تصحیح گردیده و حاشیه نویسی با نشان «منه» دارد که از خود مؤلف (شارح) نقل گردیده است. روی برگ آغازین، تملک «محمود بن محمد رضا بیدگلی»^۱ با مهر مربع «عبده محمود» و «الوائق الراجی، عبده محمود» و نیز تملک «محمد بن ابراهیم بیدگلی» و همچنین عبارت «شرح آقا هادی، ابتیاع از ملا محمد ابراهیم بیدگلی شد» دیده می‌شود. و قیمت کتاب و صحافی آن به خط سیاق نوشته شده است و گویا نسخه در آغاز وقف نامه‌ای داشته که محور گردیده است!

شماره نسخه: «۱۱۶۷»

۱. مرحوم ملا محمود بن محمد رضا بیدگلی از علمای برجسته نیمه نخست سده ۱۳ هجری بوده که در منطقه بیدگل و آران می‌زیسته و کتابخانه شخصی نفیسی داشته است. این جانب تاکنون چند نسخه نفیس کتابخانه آن مرحوم را طی چند فقره برای کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته ابتیاع نموده‌ام.

۳. هادی المصلّین و مرشد المصلّین (جلد ۵) (۳)

آغاز: «بسملة، قال المقصد الرابع فى الإيلاء و فيه مطلبان... أى المقصد الرابع من المقاصد المتقدمة فى الإيلاء؛ و الإيلاء هو الحلف بالله على ترك وطى الزوجة المنكوحة بالعقد...».

انجام: «و المراد أنهم كانوا يعرفون خروجه من قبل أن يروح برائحة المسك و الله أعلم بالصواب، قد تمّ المجلد الخامس من هادی المصلّین باستعانة الملك العلى، عصر يوم الأربعاء العشرين من شهر رمضان المبارك على يدى العبد المذنب عبدالهادى الرضى. و يتلوه - إن شاء الله - المجلد السادس، الذى أوله بحث الشهادات و خاتمه آخر بحث الديات، باستعانة الملك الوهاب».

گزارش متن: نسخه حاضر جلد پنجم از کتاب هادی المصلّین و مرشد المصلّین و از بحث ایلاء تا کتاب التجارة و پایان «کلام فى السواک» را دارا می باشد.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: نسخه اصل به خط مؤلف (شارح) □ تاریخ کتابت (تألیف): اوایل سده ۱۱ ه □ عنوانها و نشانیها: قرمز و مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی □ تعداد برگ: ۵۰۱ □ تعداد سطر: ۱۹ □ اندازه متن: ۱۲ × ۱۷ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۲۶ × ۱۹/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: دو رو تیماج؛ برون: قهوه‌ای فرسوده با ترنج ضربی، زمینه گل و بوته؛ عطف و مغزی: تیماج قهوه‌ای؛ درون: قهوه‌ای مجدول.

ویژگیها: این نسخه نفیس (ظاهراً به وسیله خود شارح) در حاشیه تصحیح گردیده است، حاشیه نویسی با نشان «منه» دارد که به نقل از مؤلف (شارح) درج شده است. آثار اندکی از رطوبت و ترمیم و وصالی در برخی برگها مشاهده می گردد. بخشهای اندکی از مطالب برگ نخست، افتاده است. مهر بیضی شکل «أفوض أمری إلى الله، عبده محمد رضی الله عنه» ۱۲۷۰ روی برگ آغازین نسخه، آمده است. دستخط حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله در آغاز نسخه چنین آمده است: «[المجلد] الخامس من هادی المصلّین، تألیف العلامة السید عبدالهادی الرضى الدلیجانی، الذى قبره فى دلجان و يعرف «سر قبر آقا»، شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی». و در پایان نسخه نیز، دستخط دیگری از معظم له، با این عبارت آمده است: «النسخة بخط المصنّف، شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی» ضمناً یک تملک و یادداشت محو شده، در آغاز نسخه مشاهده می گردد.

شماره نسخه: «۲۱۵۳»

یادآوری می‌شود که از این شخصیت سترگ، آثار و تألیفات دیگری نیز در برخی کتابخانه‌ها نگهداری می‌گردد که می‌توان به دو اثر زیر اشاره نمود. این دو اثر در ضمن مجموعه‌ای در کتابخانه مدرسه فیضیه در شهر مقدس قم به شماره «۱۹۸۸»، به خط نستعلیق مؤلف موجود می‌باشد، مشخصات اجمالی این دو اثر ارزشمند چنینند:

۱. الدرّ و المرجان فی تفسیر الایمان (فارسی).

آغاز: «الحمد لله الذی خلقنا خلقاً فیہ غرائب و عجائب الأمور...».

گزارش متن: گویا متنی در اعتقادات است که در هشت باب به نام شمس الساده امیر زکیا رضوی بن جلالا منصور رضوی در سال ۱۰۴۸ ق تألیف گردیده است. این اثر در ضمن مجموعه شماره «۱۹۸۸» (برگ ۱ - ۳۸) در فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه^۱ گزارش شده است.

۲. رساله درباره توقیت ظهور امام زمان علیه السلام (عربی).

گزارش متن: رساله کوتاهی در توقیت ظهور حضرت ولی عصر، حجة بن الحسن العسکری - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است که مؤلف در روز دوشنبه اول ذی القعدة سال ۱۰۴۸ آن را به پایان برده است. به نظر می‌رسد این کتاب، واپسین تألیف مرحوم علامه سید عبدالهادی حسینی دلیجانی بوده است. این اثر نیز در ضمن مجموعه شماره «۱۹۸۸» (برگ ۳۹ - ۴۶) در فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه^۲ معرفی شده است.

از علامه سید عبدالهادی دلیجانی رضوی، علاوه بر نسخه اجازه شهید ثانی به پدر شیخ بهاء الدین عاملی که پیشتر اشاره نمودیم، نسخی نیز به خط وی کتابت شده که در برخی کتابخانه‌ها نگهداری می‌گردد و از آن جمله نسخه‌های زیر است:

الف - المحاکمات بین شرحی الاشارات: از قطب‌الدین محمد بن محمد بویه‌ی رازی (درگذشته سال ۷۶۶ هـ)، نسخه شماره «۷۲۲۲» در کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی

۱. فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه: ۱۶۰/۲.

۲. همان.

مرعشی نجفی رحمته، به خط نستعلیق عبدالهادی حسینی دلیجانی، در روز چهارشنبه ۲۱ محرم الحرام سال ۱۰۳۳ هـ در ۴۱۰ برگ نگارش یافته است. عناوین شنگرف، نسخه در حاشیه تصحیح گردیده و حواشی چندی به خط ایشان که حاوی نظریات علمی آن عالم ربانی می‌باشد، در این نسخه نفیس وجود دارد و مشخص می‌شود که آن مرحوم به جز فقه و اصول، در حکمت و فلسفه نیز صاحب نظر و دارای آرای محکمی بوده است.

ب - منية اللیب فی شرح التهذیب: از سید ضیاءالدین عبدالله بن محمد حسینی حلی (درگذشته پیرامون سده ۵۸هـ)، نسخه شماره «۱۳۹۷۲» در کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته به خط نستعلیق عبدالهادی حسینی دلیجانی، در شب سه شنبه ۱۳ رجب المرجب سال ۱۰۳۱ق در ۹۲ برگ نگارش یافته و نسخه‌ای است نفیس و ارزشمند به خط علامه سید عبدالهادی حسینی دلیجانی، همراه حواشی ایشان با نشان «هادی»^۱ و حاشیه نویسی دیگری نیز با نشان «۱۲» و «جع» وجود دارد. در حاشیه تصحیح و با نشان «بلغت الی هنا» مقابله گردیده است. در ضمن بخشهایی از متن کتاب تهذیب الوصول الی علم الاصول، علامه حلی در هامش برگها آمده است. در انجام نسخه یادداشتی از علامه سید عبدالهادی حسینی دلیجانی با این عبارت آمده است:

«کتبت هذا النسخة من نسخة كان فيها سقم صححتها بقدر الميسور والمقدور لعدم وجدان نسخة أخرى عندي صالحة، لأن نصحح نسختي هذه هنا لوقوعي وسكناتي في قرية لم يكن فيها أحد يلبق أن يقع مقابلي في مقابلة هذه النسخة معه، إن وجدت نسخة أخرى سواها. ولم يوجد عند سكانها متن رسالة الألفية وأمثالها، لاسيما مثل هذه النسخ. ولهذا لم يرتفع السقم منها بالكلية وهذه القرية كانت يذكر فيها اسم الايمان والاسلام وشهرت بهما غاية ما في الباب، لم يرفيها مسلم ومؤمن حقيقة؛ بل من وجد فيها كان أضعف من المستضعف شأنًا. والله أعلم بحقيقة الحال وصدق المقال (هادی)».

۱. همان‌گونه که ذکر شد مرحوم سید عبدالهادی به جز فقه و اصول در علوم دیگر نیز صاحب نظر بوده و می‌توان گفت آن عالم فرزانه جامع الاطراف بوده و از بسیاری از علوم اسلامی آگاهی داشته است. این نسخه حواشی بسیاری دارد که بیشتر آن حاوی نظریات آن مرحوم می‌باشد که با نشان «هادی» نگاشته شده است.

ناگفته نماند که نسخه آسیب دیده و متأسفانه بخشهایی از متن (۹ برگ نخستین) مورد هجوم حشرات قرار گرفته و ناقص شده است. در یادداشتی الصاقی از حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته در مورد نسخه و کاتب چنین آمده است: «نسخه من شرح تهذیب الأصون، بخط العلامة السید عبدالهادی الحسینی الدلیجانی، تاریخ الكتابة سنة ۱۰۳۱ ق و هی عندنا فی المكتبة العامة».

ج - حاشیه لوامع الأسرار: از میر سید شریف جرجانی (درگذشته سال ۸۱۶ ق) که گویا در میانسالگی یا حتی دوره جوانی وی، یعنی سال ۱۰۰۵ ق از سوی مرحوم دلیجانی، استنساخ شده است. این نسخه خطی که در ۲۰۹ برگ نگارش یافته، در روز یکشنبه ۲۷ رجب سال ۱۰۰۵ به انجام رسیده است. و نسخه آن اکنون در کتابخانه مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) در تهران به شماره «۶۶۷۶» نگهداری می‌گردد.^۱

د - الکافی (فروع): از ثقة الاسلام ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی (درگذشته سال ۳۲۹ ق)، نسخه شماره «۱۸۹» کتابخانه تخصصی مرکز تحقیقات دارالحديث - قم^۲، به خط نسخ عبدالهادی رضوی، در ۲۰ جمادی الثانی سال ۱۰۳۵ ق، در ۲۹۸ برگ نوشته شده است.

ه - حاشیه علی شرح مختصر المنتهی: از ابوالحسن علی بن محمد جرجانی حسینی، معروف به میر سید شریف (درگذشته سال ۸۱۶ ق)، نسخه شماره «۵۷۵۳» کتابخانه موزه ملی عراق در بغداد^۳، نسخه به خط عبدالهادی رضوی در سال ۱۰۳۶ ق در ۲۳۸ برگ کتابت شده است.

۱. فهرست کتابخانه سپهسالار (شهید مطهری): ۲۶۱/۴.

۲. فهرست کتابخانه دارالحديث: ۷۸/۱ - ۷۹.

۳. فهرس مخطوطات مكتبة المتحف العراقي (المخطوطات الفقهية): ۳۱/۱. پس از سقوط حکومت بعثی صدام در عراق، بسیاری از نسخه‌های نفیس موجود در کتابخانه‌های بزرگ بغداد، از جمله موزه ملی عراق سرقت شده است؛ احتمالاً نسخه یادشده از جمله آنها می‌باشد.

منابع:

۱. اعیان الشیعة، علامه آیت الله سید محسن امین عاملی. بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۳ ق.
۲. الذریعة، شیخ آقا بزرگ تهرانی. تهران: چاپ اسلامیة، ۱۳۹۸ ق.
۳. طبقات اعلام الشیعة (الروضۃ النضرة فی العلماء المئۃ الحادیة عشرة)، شیخ آقا بزرگ تهرانی. بیروت: مؤسسه فقه الشیعة، ۱۴۱۱ ق.
۴. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام، مجلّدات مختلف. چاپ قم.
۵. فهرست کتابخانه سهسالار، محمّد تقی دانش پژوه و علینقی منزوی. تهران: چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ ش.
۶. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه فیزیة قم، رضا استادی. قم: چاپ مهر قم، ۱۳۹۶ ق.
۷. مطلع الأنوار (احوال دانشوران شیعه پاکستان و هند)، سید مرتضی حسین صدرالافاضل (مؤلف)، دکتر محمدهاشم (مترجم). مشهد: انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ ش.
۸. مقدمه‌های بر فقه شیعه (کلیات و کتاب شناسی)، حسین مدرسی طباطبایی (مؤلف)، محمد آصف فکرت (مترجم). مشهد: انتشارات دفتر پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي دل على وجوده ضلت الكائنات الذي خلق الانسان وجعله افضل
 جميع صنائعه الحسنى وما يمكن ان يتعلق العالم بخلق الانبياء والائمة والملائكة الخ
 وخلق الانسان من قطرة ماء وكس خبيث في التراب الاولى واقامه بالكرم
 ويجعله في التراب الثانية الدال عليه بما في حكم التبرير قوله ومنزلنا مثلاً
 ونسب خلقه قال من يحيى العظام وهي رميم قل يحيا الذي انشا اول فزوه
 بكل خلقه يعلم صاحب القدرة والاسادة والكرامة وصلى على نبينا وادينا وشيعتنا
 محمد المبعوث الى الخافض والعام وغير الامام صاحب العجايب والفرخ الثرى
 لوجده الخ والكرم الحاكم على التعللين وكشف الخ الخيرة الازمنة عن الخ
 البتينة والذين هم خلقنا واه على عباده طرأ افاضنا بعد واحد كنوم

الاصح

برگ آغازین نخستین جلد کتاب هادی المضلین نسخه اصل به خط مبارک مؤلف، ش «۸۰۱»



پشت برگ آغازین کتاب هادی المضلین، نسخه اصل به خط مؤلف و دستخط
آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله علیه، ش «۸۰۱»

وفاقی
 نعتیہ تمکینہ مختلفہ فلان نظر الیہ انت المحدثان کما فی الحدیث و غیرہ و قراحت
 النوان بالہفت والعین المہلکۃ ہی الآیات التي یرتج بہا الشیطان کما یرتج بہ سطر و آراد
 الآیات التي من قراءہا است من شرا شیاطین و تفتت المسکب بالخصیۃ فی الجہنم و الدائم
 المستدرہ و آخرہ قنادی علی الخیر بہ و غیرہ و غیرہ و غیرہ و غیرہ و غیرہ و غیرہ
 سبت نہ عن الی محمد صہ عم قال کانت لرسول اللہ صہ عم سکرۃ اذ ہوہ ساء احد ما یر و صہ
 رلیتہ کان اذ فرج عروہ لرسول اللہ صہ عم سکرۃ المکینہ لولت صفر و صہ فی الملک
 و الخیر اللہ صہ کلا الی یوفون و وفیم یل ان یزیدہ برایمہ الملک و اللہ اعلم بالصواب

تم المجدد الحسن بن ابي الضمیر بمقتضی الکتاب الی

عصر لوم الامام ابو العزیز صفر صنادی لیکر

علی بن ابي عبد الجبیت عبد الہادی الرضوی

مسلوہ امہ و امہ الکتاب الی

الہدی اول کتب الہدی

و ما تروک

اسیۃ

بمقتضی

الکتاب الی

بح

نسخہ خطی المصنف
 تالیف علی بن ابي عبد الجبیت
 علی بن ابي عبد الجبیت

کتاب الخالہ عموم آیات اللہ العظمی

ہو تشی بنی بنی - نیم

برگ پایانی ہادی المضلین، نسخہ اصل، ش «۲۱۵۳»

درنگی در انیس الوحده

جواد بشری

سرآغاز

انیس الوحده و جلیس الخلوة، جُنْگی است به سبک کتب محاضرات، شامل آیات، روایات، کلمات قصار، اشعار عربی و فارسی و حکایات از قرن هشتم هجری. این کتاب را استاد ایرج افشار تصحیح و برای انتشار فراهم کرده است. اخیراً نسخه‌ای بسیار کهن و نسبتاً کامل، به گنجینه کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله پیوست که از نظر کامل بودن و کهن بر دیگر نسخه‌های اثر - که البته نمونه‌های کهن در میانشان وجود دارد - برتری داشت.

نوشته حاضر را در معرفی این دستنویس ترتیب دادم و چند یادداشت هم درباره خود اثر و مؤلفش بر آن افزودم که به این شکل به استاد افشار تقدیم می‌کنم. همچنین از حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی که از سر لطف، تصویری از نسخه حاضر را در اختیارم گذاردند سپاسگزاری می‌نمایم.

انیس الوحده و مؤلف آن

انیس الوحده، اثر محمود بن محمود بن علی الحسینی، المنسوب الی گلستانه را استاد ایرج افشار سالیانی است که تحت بررسی دارد و اطلاعات فراوانی از مؤلف و نسخه‌های پراکنده آن در مناطق مختلف گرد آورده است.^۱ او نخست نسخه کهن

۱. انیس الوحده و جلیس الخلوة (گلستانه اصفهانی و گلستانی سرابی)، ایرج افشار، یادنامه دکتر احمد تفضلی، به کوشش دکتر علی اشرف صادقی، سخن، ۱۳۷۹، صص ۶۷-۸۱.

سعید نفیسی را به مطالعه گرفت^۱ و پس از آن نسخه‌های آستان قدس رضوی و کتابخانه شهرداری اصفهان^۲ را به دست آورد. دیگر دستنویسهایی که به مرور زمان شناسایی و در اختیار ایشان قرار گرفت نسخه‌های برلین (مورخ ۸۹۶ هجری)، مرعشی به شماره ۷۹۳۶/۳ - که بخشی از جنگ دو جلدی «مجمع البحرین» است که قبلاً در کتابخانه مرحوم حسن وحید دستگردی قرار داشته -، سپهسالار و آستانه^۳ ری است.

خود استاد افشار، جز مقاله مفصلی که در یادنامه دکتر تفضلی دارد، یادداشتی نیز در راهنمای کتاب با عنوان «مجموعه شعرهای خوب و محمود گلستانه» نوشته است^۴. در آن یادداشت از مجموعه‌ای متعلق به کتابخانه ملی تبریز سخن رفت که جنگی از قرن هشتم و بسیار شبیه به انیس الوحده، ولی یقیناً با آن متفاوت است. در جنگ تبریز حتی مقداری از ابیات محمود گلستانه، تدوینگر انیس الوحده هم وجود دارد که بسیار حائز اهمیت است.

نکته‌ای که می‌توان بر این دانسته‌ها افزود این است که: جنگ کتابخانه تبریز - که قبلاً متعلق به محمد نخجوانی بوده - نسخه‌ای کهن از جنگ شعری روضة الناظر، از عز الدین عبدالعزیز کاشی است که البته نسخه‌های کهن دیگری هم دارد^۵.

منبع دیگری که از صاحب انیس الوحده ذکری به میان آمده است، تذکره عرفات العاشقین اثر اوحد الدین بلیانی است. متأسفانه اطلاعات تاریخی از این منبع

۱. این نسخه اکنون در مرکز احیاء میراث اسلامی قم، به شماره ۸۰۸ نگهداری می‌شود. رک: فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، سید احمد حسینی اشکوری، ۱۳۸۰، ج ۳، صص ۱۴-۱۷.
 ۲. نسخه شهرداری اصفهان، اکنون به کتابخانه دانشگاه اصفهان منتقل شده و در آنجا به شماره ۷۷ (شماره ثبت ۳۷۳۳) نگهداری می‌شود. رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه اصفهان، سید جعفر حسینی اشکوری، دانشگاه اصفهان با مشارکت مجمع ذخائر اسلامی قم، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۶۵-۶۷، بخش مورد نظر از نسخه حاضر - که مجموعه‌ای است - در این فهرست شناسایی نشده و عنوان «کتاب فی الاخلاق» گرفته، ولی چون فهرست ابواب آن نقل شده، می‌توان یقین داشت که همان نسخه شهرداری اصفهان است.

۳. در این باره به غیر از فهرست مرحوم دانش پژوه، رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آستانه حضرت عبدالعظیم حسنی، ابوالفضل حافظیان بابلی، دار الحدیث، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۹.
 ۴. راهنمای کتاب، ج ۱۸، صص ۹۵۷-۹۵۹.

۵. عزیز دولت آبادی در مقاله «آشنایی با جنگ نخجوانی» (نشریه کتابخانه ملی تبریز، دوره جدید، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۸۳، صص ۹۶-۱۲۰، به تفصیل این جنگ را معرفی کرد، ولی جامع آن را نشناخت. اما سید محمد عمادی حائری در مقاله مفیدش، ضمن برشمردن آثار عبدالعزیز کاشی، از این جنگ یاد کرده است. رک: عزالدین عبدالعزیز کاشی شناسایی کتاب‌شناسی نسخه جوئی»، نسخه پژوهی، به کوشش ابوالفضل حافظیان بابلی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴، ج ۲، صص ۳۸۵-۳۸۸.

به دست نیامد و حتی اشعاری هم که از او نقل کرده، همان است که در روضة الناظر آمده^۱ - به احتمال فراوان بلیانی از روضه الناظر گرفته -، ولی نکته‌ای که از این منبع می‌توان فهمید، لقب «رکن الدین» برای محمود گلستانه است که گویا در جایی دیده نشده است^۲. دیگر آنکه اوحد الدین بلیانی انیس الوحده را در اختیار نداشته که اگر می‌داشت، بیش از این از اشعار او - که در انیس الوحده آمده^۳ - نقل می‌کرد.

به هر حال مطالب بلیانی را در اینجا نقل می‌کنم: «گلستان بزرگی و سیادت، دبستان شگرفی و سعادت، رکن کعبه کمال جاودانه، شعله ذکای خُرشید زبانه، امیر رکن الدین محمود گلستانه، از سادات معتبر مشتهر صاحب قدرت عالی فطرت زمان خود بود. گل گلستان طبیعتش خُرشید را داغ و رکن کعبه فضیلتش ...^۴ سراغ نمودی. اشعار او کم به نظر رسیده، مگر این چند بیت که مرقوم می‌گردد:

یاد باد آنکه ما جوان بودیم بر خور از وصل دوستان بودیم

۱. ابیات مذکور در عرفات العاشقین، در روضة الناظر در پنج بیت و در خود انیس الوحده (نسخه کهن مرعشی، برگ ۲۰۳-۲۰۴) در ۱۷ بیت (در مقاله استاد افشار، از روی نسخه‌هایی که در اختیارشان بوده، ۱۶ بیت نقل شده، یادنامه تفضلی، ص ۷۷) آمده است. ضبط بیت نخست از این شعر، در انیس الوحده با روضة الناظر متفاوت است، ولی ضبط عرفات العاشقین با روضة الناظر مطابقت دارد، پس شاید ابیات مذکور در عرفات العاشقین از روضة الناظر اخذ شده باشد.

۲. از آنچه از جنگ پارسا تویسرکانی نقل شده (یادنامه تفضلی، ص ۷۷، پاورقی) می‌توان حدسی زد و آن اینکه: جنگ تویسرکانی از روی عرفات العاشقین تهیه شده است (با واسطه یا بی‌واسطه). نمونه‌های دیگری از جنگ‌های تهیه شده از عرفات العاشقین در دست است که حدس مطرح شده را تقویت می‌کند.

۳. اشعار محمود بن محمود گلستانه (متخلص به محمود) در انیس الوحده، نسخه کهن مرعشی در برگ‌های زیر آمده است: ۶ب، ۱۸ب، ۲۶الف، ۳۸الف، ۴۸الف، ۴۸ب، ۵۷ب، ۶۵الف، ۸۲ب، ۸۹ب، ۹۰الف، ۱۰۲ب، ۱۱۷الف، ۱۳۰ب، ۱۵۴ب (دوبیت عربی)، ۱۷۷ب، ۱۷۸الف، ۱۸۰ب، ۱۸۵الف، ۱۹۱ب، ۱۹۲الف، ۱۹۷الف و ب، ۲۰۳الف تا ۲۰۴الف، ۲۱۷الف، ۲۳۳الف، ۲۴۴الف، ۲۵۰الف و ب، ۲۶۱الف، ۲۷۳الف و ۲۸۰ب.

در اینجا نکته‌ای را باید تذکر دهم و آن اینکه: در کتابی از قرن ۱۰ هجری از انیس الوحده به میان آمده است. این کتاب مجمع الغریب نام دارد که مؤلف آن ناشناخته، اما پدرش - که از او در کتاب سخن رفته - ملا درویش محمد بلخی مفتی (م ۹۵۷ هـ) است. در نسخه‌ای از این کتاب که به شماره ۸۹۸ مجموعه اهدایی مشکاة به دانشگاه تهران محفوظ است، نام انیس الوحده و جلیس الخلوه به عنوان یکی از منابع تألیف، ذکر شده است. رک: فهرست کتابخانه اهدایی آقای سید محمد مشکاة به کتابخانه دانشگاه تهران ع. منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۲، ج ۲، صص ۶۵۱-۶۵۴. از مجمع الغریب نسخه‌ای نیز در کتابخانه مجلس به شماره ۲۹۶۰ موجود است که کتابت آن بسیار جدید است. رک: فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، عبدالحسین حائری، تهران، ۱۳۴۷، ج ۱۰، صص ۴۰۴-۴۰۵.

۴. کلمه‌ای ناخواناست.

در بر یار مهربان بودیم
خوشر از هر که در جهان بودیم
دائم الدهر در امان بودیم^۱

یاد باد آنکه هر شبی تا روز
بر بساط نشاط در هر وقت
وز غم روزگار پر فتنه

انيس الوحدة و محققين معاصر

شاید یکی از قدیمی ترین پژوهشهایی که در آن ذکری از این جُنگ کهن به میان آمده، مقاله سعید نفیسی با عنوان «ملاحظاتی چند در باب بعضی از اشعار فارسی امام عمر خیام» باشد که در شهریور ماه ۱۳۱۰ش به چاپ رسید^۲. او در این نوشته از نسخه وحید دستگردی - جُنگ قرن یازدهم مجمع البحرین - استفاده کرده و آن را اثری از اواخر قرن ۱۰هـ حدس زد^۳. مرحوم مجتبی مینوی نیز در مجموعه مصنفات بابا افضل کاشانی، دو بار از این جُنگ یاد و از آن - نسخه سپهسالار - استفاده نمود^۴.

از دیگر کسانی که از این منبع یاد کرده، سید علی میر افضلی است که از آن در گردآوری رباعیات خیام از منابع کهن - تا اول قرن نهم -^۵ استفاده نمود. او در این پژوهش درخشان و سرنوشت ساز، ضمن معرفی اثر و مؤلف آن، به مقالات افشار و نفیسی اشاره کرده و از آنها بهره برده است. در نوشته او از تصحیح استاد افشار و نسخه کتابخانه شهرداری اصفهان که نزد او بوده استفاده شده است.

من هم در مقاله‌ای که در بررسی پژوهش جناب میر افضلی بر رباعیات خیام نوشتیم، ضمن دیدن نسخه کهن مرکز احیاء - سعید نفیسی - و نیز نسخه بسیار کهن کتابخانه آیت‌الله مرعشی - نسخه بررسی شده در گفتار حاضر - سه رباعی بدون نام سراینده را که جزء منسوبات به خیام بود، از آنجا نقل کرده‌ام^۶.

۱. عرفات العاشقین، نسخه کتابخانه ملک، صفحه ۴۰۹.

۲. شرق، دوره اول، شماره نهم، صص ۵۲۶-۵۲۸.

۳. البته گویا پس از دستیابی نفیسی به نسخه قرن نهم، این اطلاع تصحیح شد و در تاریخ نظم و نثر (ج ۱، ص ۲۱۷) کتاب را از قرن ۸هـ دانست. به این نکته سید علی میر افضلی - در منبعی که پس از این خواهد آمد - اشاره کرده است.

۴. به نقل از مقاله استاد افشار (یادنامه تفضلی، ص ۶۹).

۵. رباعیات خیام در منابع کهن، سید علی میر افضلی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲، صص ۱۰۱-۱۰۳.

۶. نقد و بررسی کتاب «رباعیات خیام در منابع کهن» و نو یافته‌های خیام پژوهی، جواد بشری، کتاب ماه کلیات، ۹۲-۹۳، مرداد و شهریور ۱۳۸۴، ص ۱۱۰.

دو نسخه دیگر

جز نسخه‌هایی که در مقاله استاد افشار نام برده شده و نیز دستنویسی که در نوشته حاضر بدان پرداخته خواهد شد، دو نسخه دیگر از این کتاب شناسایی شد که هر دو در عراق قرار دارد و جدا از اینکه بدانها دسترسی نیست، باید گفت از نظر قدمت ارزش چندانی هم ندارند، ولی به هر صورت باید از وجود آنها اطلاع داد.

یکی از این نسخه‌ها - که از دیگری مهمتر است - در «متحف عراقی» به شماره ۹۰۹۵ نگهداری می‌شده است. این نسخه که گویا از قرن دهم هجری است و تاریخ کتابت هم ندارد، به خط عبدالرحمن بن محمد است که برای محی الدین عبدالقادر کتابت شده، بخشهایی از آن به خط نسخ و بخشهای فارسی به خط نستعلیق است.^۱

نسخه دوم، بخش دهم و انتهای مجموعه‌ای است که در مدرسه جامع الکبیر (النوری) در موصل نگهداری می‌شده و به شماره ۴۷ در فهرست آنجا معرفی گردیده است.^۲ از سرنوشت نسخه‌های عراقی در حال حاضر، اطلاعی در دست نیست.

نسخه کهن کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله

چنانکه گذشت، کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله نسخه‌ای از انیس الوحده را در میان مجموعه‌ای از قرن یازدهم در اختیار داشت، اما در فهرست جلد سی‌ام کتابخانه، نسخه‌ای دیگر از آن معرفی شد که از نظر کتابت و تمام بودن بر تمام نسخه‌های دیگر اثر برتری دارد.^۳

دستنویس حاضر که به شماره ۱۲۰۳۹، در مخزن این کتابخانه نگهداری می‌شود، گویا در سال ۱۳۷۶ نصیب کتابخانه شده، چرا که دکتر مرعشی در یادداشتی در آغاز نسخه چنین تاریخ زده است. یادداشت ایشان به تمامی چنین است:

«کتاب انیس الوحده و جلیس الخلوۃ در محاضرات، از محمود بن محمود حسینی

۱. مخطوطات الادب فی المتحف العراقی، اسامه ناصر النقشبندی و ظمیا محمد عباس، معهد المخطوطات العربیة المنظمة للتربیة و الثقافة و العلوم، الطبعة الاولى، کویت، ۱۴۰۶ هـ، ص ۵۶.

۲. فهرس مخطوطات مكتبة الاوقاف العامة فی الموصل، سالم عبدالرزاق احمد، الطبعة الثانية، ۱۴۰۲ هـ، ج ۲، ص ۲۹۶.

۳. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، سید محمود مرعشی و گروه فهرست نگاران، قم، ۱۳۸۰، ج ۳۰، صص ۴۰۳-۴۰۴.

کاشانی، مشهور به گلستانه. ایشان از سادات علاء الدین گلستانه، شارح نهج البلاغه و داماد مجلسی نمی‌باشد. این نسخه بسیار نفیس و تحریر قرن هشتم هجری قمری می‌باشد و تاکنون چاپ نشده، به کشف الظنون مراجعه شود، آثار مقابله در نسخه هست. قم - سید محمود مرعشی نجفی، اسفند ۷۶.

این دستنویس ۲۸۰ برگ دارد. نکته‌گفتنی اینکه: نسخه حاضر چهار بار شماره برگ خورده است؛ یکی از کهنترین این شماره‌ها، اعدادی است به شیوه سیاقی که در گوشه بالای سمت چپ رویه برگها دیده می‌شود. جز این، شماره‌ای است که در بالای هر برگ (سر برگها) به اعداد ریاضی آمده و آن هم تا حدودی کهن است. مورد سوم اعدادی است که به حروف فارسی تا ۹۶ در گوشه بالای سمت راست، پشت برگها خورده و البته نا تمام است. کسی بعدها سعی در اتمام این شماره گذاری کرده و آن را به زبان عربی تا ۱۳۰ ادامه داده است. آخرین شماره‌ای هم که خورده شماره‌ای است که در کتابخانه و با مداد - که مرسوم عدد گذاری نسخه است - در کنار اعداد سیاقی نوشته شده است.

عناوین اصلی هر باب با مرکب سیاه و عناوین ریز تر - از جمله نام شاعران - با شنگرف نوشته شده است. نکته جالب، وجود نقطه‌های فراوانی است که با قرمز - شنگرف - در پایان جمله‌ها و نیم جمله‌های بخش حکایات منثور آمده و کهن هم هست. در هر صفحه ۱۵ سطر کتابت شده که این نظم در تمام نسخه دیده می‌شود.

اگر چه از میان سه نسخه کهنی که از این اثر باقی است - نسخه‌های سعید نفیسی، شهرداری (دانشگاه) اصفهان و نسخه حاضر - این نسخه از همه کاملتر است، ولی افتادگی‌های اندکی به شرح زیر دارد:

- بین اوراق ۱۵۵ و ۱۵۶ تناسبی دیده نمی‌شود، شعر پایانی برگ ۱۵۵ ناتمام مانده و شعر آغاز برگ ۱۵۶ بیت آخر قطعه‌ای است که آغاز آن را نداریم. پس گویا بین این دو برگ، مقداری افتاده باشد.

توضیح اینکه، این اوراق بخشی از ابیات عربی باب چهاردهم (در عشق و ...) را تشکیل می‌دهد که طولانی‌ترین باب از میان ابواب بیست گانه است. شاید با جستجو در دیگر بخشها، برگ یا برگهای افتاده یافت شود.

- بین برگ ۲۲۸ و ۲۲۹ افتادگی هست. این افتادگی، کمی از آغاز باب پانزدهم - فی شوارد الامثال و لطائف الاقوال - را که قاعده شامل آیات، احادیث، کلمات حکما و فصحا و کمی از ابیات عربی می‌شده، از بین برده است.

- از پایان کتاب هم بخشی که شامل حکایات باب بیستم است، در این نسخه نیست و جمله «قد تم الكتاب» که در انتها دیده می‌شود، به خط جدید و الحاقی است. به جز این، دو سه مورد هم هست که برگهای نسخه در صحافی‌های پیشین جا به جا شده که پس از بررسی دقیق، نظم اصلی به دست آمد. برای اصلاح این موارد برگهای ۱۱۰ تا پایان ۱۲۲ - يك برگ آخر باب دهم و تمام باب یازدهم و يك صفحه آغاز باب دوازدهم - باید بین برگهای ۹۶ و ۹۷ قرار گیرد. همچنین برگهای ۲۲۳ تا ۲۲۷ آشفته صحافی شده که ترتیب آن باید به این شکل باشد: نخست برگ ۲۲۶، سپس ۲۲۴، بعد ۲۲۳، پس از آن ۲۲۵ و در آخر ۲۲۷، برگ ۲۷۹ هم پشت و رو قرار گرفته است. رسم الخط و املاي این نسخه مشخصاتی دارد که به اختصار توصیف می‌شود: «گ» همه جا بدون سرکش است؛ «چ» با يك نقطه است و من مورد سه نقطه‌ای ندیدم؛ «پ» در بیشتر موارد يك نقطه دارد، ولی نمونه‌های زیادی هست که با سه نقطه نوشته شده^۱؛ «ژ» - که طبیعاً کاربرد آن در میان حروف دیگر فارسی کمتر است - در بسیاری جاها با سه نقطه کتابت شده است^۲؛ قاعدهٔ ذال معجمه - کتابت و شاید تلفظ دالهایی که پس از مصوت می‌آیند به صورت ذال - در اکثر قریب به اتفاق نسخه جاری است؛ «که» در موارد فراوانی، به صورت «کی» نوشته شده است؛ «ب» پیشوندی متصل به فعل در برخی موارد جدا کتابت شده، مثل «به ندانست» (۶ الف) و «به نزیست» (۳۶ الف) که با بررسی بیشتر می‌توان آن را قاعده‌مند کرد.

به یک ویژگی رسم‌الخطی دیگر این نسخه باید اشاره شود و آن کتابت یک «ک» کوچک به شیوهٔ خط نسخ است، به جای سرکش اصلی «ک» - به شکل کوچکتر روی آن کتابت می‌شده و در نسخه‌های کهن، به خط نسخ نمونه‌های فراوان دارد - و این در

۱. از میان «پ» سه نقطه‌ای، آنچه تا برگ ۹۰ دیده شد، برای نمونه چنین است: برگهای ۳۵ ب سطر ۸، ۳۶ الف س ۱۲، ۳۷ ب س ۵، ۳۹ الف س ۹ و س آخر، ۴۶ الف س ۸، ۶۳ الف س ۱۱، ۶۳ ب س ۱ و س ۱۲، ۶۴ ب س ۱، ۶۵ الف س ۷، ۷۳ ب س آخر، ۷۴ ب س ۹ و س ۱۴، ۷۵ الف س ۲ و س ۱۱، ۷۵ ب س ۸، ۷۶ الف س ۱۳، ۷۶ ب س ۷، ۷۷ الف س ۱۱، ۷۸ الف س ۱۱ و س ۱۳، ۷۹ الف س ۱۳ و س ۱۵، ۷۹ ب س ۱۲، ۸۰ الف س ۹، ۸۱ الف س ۸ و س ۱۱ و س آخر، ۸۱ ب س ۱۱، ۸۲ الف س آخر، ۸۴ ب س ۱۰ و س ۱۱، ۸۹ ب س ۱۳. ۲. برای نمونه این موارد دیده شود: «کز» در برگهای ۲۶ الف س ۱، ۹۵ الف س ۶، ۱۷۵ ب س ۶، ۱۷۶ الف س ۲؛ «باز» [= باج] در برگ ۸۳ ب س ۹؛ «بژمرد» [= پژمرد] در برگ ۸۹ الف س ۳؛ «ژیان» در برگ ۱۱۶ ب س ۵؛ «مژه» در برگهای ۱۷۵ الف س ۶، ۱۷۶ الف س ۶، ۱۸۶ الف س ۹، ۱۹۶ ب س ۹؛ «دژم» در برگ ۱۷۵ الف س ۷؛ «نژند» در برگ ۲۲۶ ب س ۸؛ «مژه» [= مزه] در برگ ۲۶۴ ب س ۱۰.

مواردی است که «ک» حرف اول کلمه باشد و به حروفی چون الف و ... بچسبند.^۱ در این قسمت اشاره‌ای به مشکول بودن واژگان فارسی این نسخه بی‌مناسبت نخواهد بود، لغات فارسی فراوانی در این دستنویس مضبوط دیده می‌شود که با زیر و زبر و پیش و سکون، مشکول شده‌اند. اما موارد قابل توجه از نظر زبان‌شناسی تاریخی در میان آنها فراوان نیست، آنچه از این میان ارزش یادآوری دارد چنین است: پُسر (برگهای ۳۵ ب س ۱ و ۱۱۷ الف س ۸)، تونکر [= توانگر] (برگهای ۳۶ ب س ۷، ۷۵ ب س ۹، ۷۸ الف س ۴ و ۸۰ الف س ۳)، جاذر [= چادر] (۳۸ الف س ۲)، زَبان (۴۷ ب س ۷، ۱۰۱ ب س ۱۳ و ۱۲۶ ب س ۷)، کُربَه (۴۹ الف س ۱)، زَهْرَه (۴۹ الف س ۳)، سَخُن (۵۸ ب س ۷)، خَوذ (برگهای ۶۳ ب س آخر، ۶۴ الف س ۱ و ۶۶ الف س ۶)، بیهَوذَه (۷۷ ب س ۹)، جنکَل [= چنگال] (۷۸ ب س ۵)، پخته (۷۹ ب س ۱۲)، آورَه [به جای آواره که چون در بیت شعری آمده،^۲ یا اشتباه کتابتی است، یا باید مصوت کوتاه فتحه را کشیده و به صورت بلند خواند] (۹۴ ب س ۱۰)، جهْرَه (۱۸۷ الف س ۱۳)، مَی (۲۰۰ الف س ۵)، پَی (۲۰۱ ب س ۹) و مَخَوَز (برگ ۲۷۹ الف و ب که «غم مخور» ردیف غزل است و همه جا به این صورت مشکول شده است).

ضبطهای این نسخه

این دستنویس با ویژگی‌هایش، شایستگی آن را دارد که به عنوان نسخهٔ اساس قرار گیرد که البته چگونگی کار تصحیح آن به این گفتار مربوط نمی‌شود. اما مانند تمام نسخه‌هایی که با دست نوشته شده‌اند از اغلاط کتابتی خالی نیست. برای نمونه مواردی هست که کاتب کلماتی را ننوشته و به اصطلاح جا انداخته، مثل برگهای ۱۷۷ ب (در يك رباعی از مؤلف)، ۲۰۴ الف سطر ۱۲، ۲۱۵ الف سطر ۱۱ و ۲۶۰ ب سطر ۱۴. برعکس نمونه‌هایی هم هست که کاتب روی برخی کلمات که به اشتباه کتابت کرده یا اضافه نوشته، خط کوچکی کشیده است. چند موردی هم دیدم که به شکل قدما، کاتب بدون اینکه کاغذ را با خط خوردگی سیاه کند، از شیوه‌ای استفاده کرده

۱. برای نمونه این برگها ذکر می‌شود: ۱۳۲ ب س ۷، ۱۷۵ الف س ۱۴، ۱۷۶ الف س ۶، ۱۷۶ ب س ۷، ۱۸۰ الف س ۴، ۱۸۲ الف س ۹، ۱۸۳ الف س ۷، ۱۸۹ ب س ۳، ۱۹۰ الف س ۱ و ۵، ۱۹۳ الف س ۱۲، ۲۰۹ الف س ۲، ۲۰۹ ب س ۱۲، ۲۱۰ الف س ۱، ۲۱۲ الف س ۵، ۲۱۳ الف س ۱۰، ۲۲۲ الف س آخر، ۲۴۹ ب س ۱۰ و س آخر، ۲۶۰ الف س آخر، ۲۶۱ الف س ۱۰، ۲۷۶ الف س ۳.

عدلت ستم از زمانه آورده کُنند
آن یاره کی بیراهن کل باره کُنند

۲. لطفت به کرم جاره بیچاره کُنند
در موسم عدل تو صبارا نَبُوذ

که برای اصلاح دو کلمه جا به جا استنساخ شده از آن بهره می‌برده‌اند. شیوه مورد بحث، نوشتن حروف «ح» و «م» روی دو کلمه‌ای است که جا به جا کتابت شده‌اند، در برگه‌های ۱۳۲ الف س ۳، ۱۸۷ الف س ۵ و ۲۰۹ الف س ۱.۳

اما بیشترین موارد اصلاح را کاتب به شیوه‌ای که قدما آن را «تصحیح» می‌نامیده‌اند اعمال کرده، این شیوه به این شکل است که پس از کتابت نسخه، یک بار به نیت رفع اغلاط، آن را با متن مورد مراجعه (یا با نسخه مضبوط دیگری) مقابله می‌کرده و اشتباهات را در حواشی با علامت «صح» متذکر می‌شده‌اند.

از نمونه‌های اعمال این روش در نسخه حاضر، برگه‌های زیر را می‌توان نام برد: ۸۵ ب، ۱۲۱ الف، ۱۳۲ الف، ۱۳۸ ب، ۱۵۱ ب، ۱۵۴ الف، ۱۵۸ ب، ۲۰۵ الف، ۲۲۷ الف، ۲۵۸ ب، ۲۷۴ الف و ۲۷۷ ب.

همچنین هنگام مقابله، کاتب مواردی را می‌دیده که در استنساخ از قلم افتاده، پس آنها را در حواشی می‌آورده است. این موارد در برگه‌های زیر دیده می‌شود: ۱۰۰ ب، ۱۵۷ الف، ۲۲۷ الف، ۲۴۰ الف و ۲۴۷ الف.

اگر متن استنساخ شده با نسخه‌ای دیگر از کتاب مقابله می‌شد، در مورد برخی کلمات که در دو نسخه موجود متفاوت ضبط شده، ضبط یکی را در حاشیه با علامتی خاص و یا بدون علامت می‌نوشتند.

این نمونه در نسخه حاضر فراوان نیست و نمی‌دانم می‌توان با همین تعداد کم نتیجه‌گیری کرد که کاتب، نسخه‌ای دیگر از کتاب را در اختیار داشته که متن را با آن مقابله کرده است یا نه.

به هر صورت موارد یاد شده چنین است: برگ ۷۹ ب سطر آخر، نسخه بدل «خورد» برای واژه «برد»؛ برگ ۲۷۵ ب، نسخه بدل «رسید» برای واژه «درآمد» (چون نوبت مصطفی ﷺ درآمد) و برگ ۱۴۷ الف، نسخه بدل «وجودک» برای کلمه «حیاتک» که در این مورد خاص، کاتب روی کلمه نسخه بدل، علامت «خ» گذارده و این بسیار مهم است. گفتنی است جریان مقابله نسخه‌های خطی پدیده‌ای است که بیشتر در میان نسخه‌های عربی متداول بوده، و اینکه نسخه‌های فارسی مقابله و تصحیح شده باشد، بر

۱. این شیوه اصلاحی را در چند نسخه دیگر هم دیده‌ام که عجله از این موارد یاد می‌کنم: نسخه جنگ محمود شاه نقیب، کتابت شده در شیراز مورخ ۸۲۷ هجری؛ جنگ مونس العشاق، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته مورخ ۸۶۰ ق؛ نسخه خطی جامع الالحان به خط مؤلف (حافظ مراغی).

اهمیت و صحت آن می‌افزاید. و اینکه در یادداشت دکتر مرعشی در آغاز نسخه به این مورد اشاره شده بود، حاکی از همین واقعیت است.

حواشی مالکان نسخه

بحث بر سر حواشی این نسخه، آنجا که به خطی غیر از خط کاتب اصلی است، موضوعی حاشیه‌ای به شمار می‌رود که برای تکمیل گفته‌ها، مطرح می‌شود.

مهمترین حاشیه‌ای که دیده می‌شود، یادداشتی است که در گوشهٔ پایین برگ ۱۹۲ ب آمده و تاریخی به این ترتیب دارد:

«طالع فی هذا الكتاب المبارك، العبد الضعیف الراجی رحمة ربّه، عبدالوهاب بن ابراهیم بن زکریا بن ابی... البصری. و ذلك فی بند الماجور (/الماجوب)، یوم عاشر [ذی] القعدة الحرام سنة ثلاث ... و ثمان مائه».

حاشیهٔ دیگری که نام کاتب دارد، در برگ ۱۵۰ دیده می‌شود که شخصی ماجرای معروف جوان عاشق و اصمعی را که پس از مکاتبه، بر روی قطعه سنگی در کنار آن جان می‌دهد تکمیل کرده و در انتها نام خود را نوشته است: «محمد مقیم المردوخی التختی» [کذا]، این حاشیه تا حدودی قدیمی است.

در چند مورد هم ابیاتی به فارسی در حاشیه آمده، از جمله در حواشی برگهای ۱۳ ب، ۲۵ ب، ۴۸ ب، ۱۷۸ ب و ۲۰۷ الف که مورد نخست به خط نستعلیق قرن ۹ و ۱۰ ق شباهت دارد.

در بخش حکایات و اشعار عربی، توضیحاتی دربارهٔ برخی لغات و مفردات آمده که بعضاً کهن به نظر می‌رسد. این حواشی مثلاً در برگهای زیر دیده می‌شود: ۲۲ ب تا ۲۴ الف، ۱۴۲ ب، ۱۴۳ ب، ۱۴۴ الف، ۲۱۷ ب، ۲۱۸ الف، ۲۴۴ الف، ۲۴۷ ب. در یکی دو مورد، این حواشی از کتابی به نام «جامع اللغة» نقل شده است.

جدیدترین حاشیهٔ این نسخه که با خودکار آبی نوشته شده و بسیار جدید و البته حاکی از بلاهت نویسنده آن است، در برگهای ۹۰ و ۹۱ دیده می‌شود. در این مورد مالک که شخص متعصبی بوده، با دیدن لفظ «گرد» در یکی از حکایات این کتاب و اینکه آن شخص نقش مثبتی در جریان ماجرا نداشته، زبان به مدح گردان گشاده و روی تمام حکایت را با خودکار خط زده است. حال آنکه «گرد» در این متن معنای متفاوتی دارد نسبت به آنچه امروز بر قوم پرافتخار «گردان» اطلاق می‌شود و به معنای چوپان و دامدار صحرائنشین است.

درنگی در کتاب شواهد ضیائیه

ناصر محمدی

چکیده

در این مقاله به معرفی یکی از علمای بزرگ قرن ۱۳ق در یزد، به نام شیخ محمد باقر بفرویی یزدی و یکی از آثار ناشناخته او در زمینه ادبیات عرب به نام شواهد ضیائیه پرداخته می‌شود. در کتاب مذکور ۳۴۷ بیت از شواهد شعری کتاب البهجة المرضیة معروف به سیوطی، به جهت درک و فهم بهتر مبتدیان، به طور کامل شرح و تبیین شده است. مؤلف پس از ذکر شعر مورد استشهاد، در چهار مبحث به ترتیب: معنای لغات دشوار، ترکیب نحوی، معنای شعر و شاهد آن را به تفصیل تشریح می‌کند. در مجموع ۷ نسخه خطی از این کتاب شناسایی شد که از ویژگیهای هر نسخه بحث خواهد شد. معرفی روستای بفرویی و شیخ محمد باقر بفرویی و آثار قلمی او و از جمله نگاهی دقیقتر به کتاب شواهد ضیائیه، از اهداف این مقاله است. واژگان کلیدی: شیخ محمد باقر بفرویی، شواهد ضیائیه، سیوطی، اشعار، ترکیب نحوی، شاهد، نسخ خطی.

مقدمه

نسخه‌های خطی، آثار به جا مانده از دانشمندان گذشته این مرز و بومند که تا زمانهای نه چندان دور، تنها راه انتقال معارف و موارث علمی آنها به ما بوده است. از آنجا که بسیاری از آنها هنوز به زیور طبع آراسته نشده‌اند، معرفی این آثار و مؤلفان آنها می‌تواند تا حدی نقیصه مذکور را جبران کند.

گذشته از این، از بررسی بسیاری از این نسخه‌های خطی که توسط مؤلفان یا کاتبان صاحب فضل به رشته تحریر در آمده است، برخی زوایای تاریک از تاریخ ادب و فرهنگ این کشور به روشنی می‌گراید. در اقصی نقاط این سرزمین بزرگان و عالمان گمنامی می‌زیسته‌اند که در زمان خود جز در محدوده منطقه‌ای که در آن می‌زیسته‌اند، ناشناخته مانده‌اند. و اکنون ما با جستجو در آثارشان، می‌توانیم به وسعت علم و دانش آنها و ذخایر گرانبهایی که برای ما به جا گذاشته‌اند پی ببریم.

یکی از اینها دانشمند فاضلی از خطه یزد است، به نام شیخ محمدباقر بفرویی که دارای آثار مکتوب چندی است.

این مقاله در حد بضاعت در صدد معرفی او و یکی از آثار ارزشمندش در زمینه ادبیات عرب است. از آنجا که شیخ محمد باقر اهل بفروئیه یزد است، مقاله را در چند بخش به این ترتیب تنظیم کرده‌ام:

بخش اول درباره بفروئیه است؛ بخش دوم درباره زندگی و آثار شیخ بفروئیه است؛ بخش سوم به معرفی کتاب شواهد ضیائیه او اختصاص دارد؛ بخش چهارم به معرفی نسخ خطی موجود این کتاب و از جمله نسخه‌ای که نگارنده جدیداً آن را در یزد یافته است، پرداخته می‌شود.

امید است که این تلاش سهمی هرچند کوچک، در معرفی بزرگان گمنام علم و ادب این سرزمین و آثار علمی آنها ایفا کند.

بفروئیه

بفروئیه از روستاهای شهرستان میبد در استان یزد می‌باشد. قدیمی‌ترین اطلاع از بفروئیه شرحی است که صاحب تاریخ جدید یزد در ذیل عنوان ذکر عمارت قریه بفروئیه آورده است: «ظاهراً در گذشته‌های دور بفروئیه که قریه‌ای معتبر بوده است، به وسیله سیل ویران می‌شود و رعایای آن متفرق می‌گردند، تا اینکه توسط خواجه معین الدین علی میبیدی تجدید بنا می‌شود. پس از آن، وی رعایای متفرق را جمع کرده و آن محل را بر اساس نام خود معین آباد می‌نامد»^۱، «محمد مفید مستوفی هم در جامع مفیدی دو بار به وضوح تمام همین را ذکر و تاریخ ۸۵۹ ق را سال تجدید آبادانی بفروئیه قید کرده است.

۱. تاریخ جدید یزد: ص ۲۷۶ (نقل قول با دخل و تصرف).

و عباراتی دارد که از آن برمی آید که نام بفروئیه را در عصر صفوی مجدداً بر محل معین آباد استعمال کرده‌اند»^۱.

آثار قدیمی که اکنون در بفروئیه دیده می‌شود عبارتند از:

۱. مسجد جامع بفروئیه که بر روی درب آن دو تسمه آهنی با عباراتی دیده می‌شود و بالای دیوار کتیبه‌ای با کاشی به تاریخ ۸۶۶ ق است.^۲

۲. پیر بفروئیه: زیارتگاهی است تقریباً مخروبه که در بهمن ۱۳۴۵، مقدمات تعمیر آن را فراهم کرده بودند. این زیارتگاه در ۲ کیلومتری مرکز بفروئیه و در میان کشتزارها قرار دارد و مجموعه‌ای از پنج اتاق است و گنبد کوچکی دارد.

۳. از محلات معروف بفروئیه، محله قلعه و محل سر پل است که به ترتیب ۵۰۰ و ۲۰۰ سال قدمت دارند.^۳

از علمای معروف بفروئیه که در کتب تاریخ و تراجم نامی از آنها رفته است، می‌توان به این اسامی اشاره کرد: شیخ محمد باقر بفرویی - صاحب شواهد ضیائیه که مقاله حاضر به موضوع آن اختصاص یافته است -، ملا محمد حسین بفرویی، ادایی بفرویی، شیخ جواد بفرویی، سید ذاکر بفرویی و علامه بفرویی.

شیخ محمد باقر بفرویی

نام دقیق او شیخ محمد باقر بن محمد حسین بفرویی است که از علمای بنام یزد، در قرن ۱۳ ق بوده است: «او در علوم مختلف همچون: فقه، حدیث، منطق و به ویژه در ادبیات عرب، صرف، نحو و لغت، تبحر فراوان داشته است»^۴.

از تاریخ زندگی او اطلاع دقیقی در دست نیست، تنها صاحب کتاب دائرة المعارف الشیعة العامة^۵ و نیز احمد منزوی در فهرست نسخه‌های خطی فارسی^۶ تاریخ وفات وی را به سال ۱۲۵۱ ذکر کرده‌اند. در کتب رجال و فهرست، از او و تألیفاتش نام برده شده است.

۱. طرح هادی روستای بفروئیه: ص ۲۹.

۲. بلوک میبد: ص ۱۹.

۳. طرح هادی روستای بفروئیه: ص ۲۹-۳۰.

۴. هفته نامه ندای یزد، سال نهم، شماره ۳۵۴.

۵. دائرة المعارف الشیعة العامة: ج ۱۶.

۶. فهرست نسخه‌های خطی فارسی: ۲۰۶۸/۳.

از آثار او می‌توان کتب زیر را نام برد:

۱. کتاب قصوی: که شرح مزجی متوسطی بر رساله کبری سید میر شریف گرگانی در منطق است، به اضافه مطالب مفیدی که به کار مبتدیان می‌آید. این شرح به سال ۱۲۵۲ ق نوشته شده است. این نسخه که دستنویس مؤلف است، به شماره ۷۱۳۹ در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی وجود دارد^۱.

۲. شرح الفیه ابن مالک: در علم نحو که به زبان فارسی است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه سید مهدی صدر در کاظمین موجود است.

۳. رساله اجماعیه: که در سال ۱۲۵۱ ق به رشته تحریر در آمده است. این کتاب در ۲۸۰۰ بیت با یک مقدمه و ۶ باب و یک خاتمه است. صاحب الذریعه می‌نویسد: «نسخه‌ای از آن در نزد سید محمد موسوی جزایری در شهر نجف اشرف موجود است»^۲.

۴. رساله استصحابیه: که آن را قبل از رساله اجماعیه و به همان ترتیب نوشته است^۳.
۵. رساله‌ای کوتاه در نکاح: که نسخه‌ای از آن به خط محمد مهدی بن حسین ابراهیم بیدایی به شماره ۲۷۸۴/۳، در کتابخانه وزیری یزد موجود است. تاریخ کتابت این نسخه ۱۲۹۷ و در مجموع ۹ صفحه می‌باشد^۴.

۶. شواهد ضیائیه: که به تفصیل از آن سخن خواهیم گفت.

در اینجا ذکر این نکته لازم است که نباید شیخ محمد باقر بن محمد حسین بفرویی یزدی را، با ملا محمد باقر بن محمد حسین یزدی که عالم ریاضی عصر صفوی و از مشایخ و استادان شیخ بهایی است و صاحب آثاری چون: شرح خلاصه الحساب، مطالع الانوار، عیون الحساب، حاشیه بر شرح اکر و مساحت کره و فتوحات غیبیه است اشتباه گرفت که تنها تشابه اسمی دارند و آلا شیخ ما اهل بفروئیه و ملا محمد باقر اهل یزد است.

شواهد ضیائیه

این کتاب به زبان فارسی و در زمینه ادبیات عرب است. مؤلف در این اثر شواهد منظوم

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی: ۲۸۵/۱۸.

۲. الذریعة: ۶۵/۱۱.

۳. همان.

۴. فهرست نسخ خطی کتابخانه وزیری یزد: ۱۴۲۶/۴.

و اشعار کتاب البهجة المرضية فی شرح الالفية، معروف به سیوطی، تألیف جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی را شرح کرده است. تاریخ تألیف کتاب شواهد ضیائیه بر اساس آنچه که مؤلف خود در مقدمه کتاب آورده است، در سال سی و دو بعد از گذشتن از هزار و دویست از هجرت مقدسه نبویه [۱۲۳۲] بوده است.

سید جواد مدرسی یزدی در کتاب النجوم المسرد از این کتاب یاد کرده، ولی آن را به اشتباه به شخص دیگری به نام محمد حسین بن محمد حسن بفرویی یزدی نسبت می‌دهد.^۱ همین اشتباه را صاحب کتاب گنجینه دانشمندان نیز مرتکب شده است.^۲ در اعیان الشیعه نیز، نام مؤلف به غلط «بصرویی یزدی» قید شده که همان بفرویی یزدی است.^۳

شیخ محمد باقر بفرویی، انگیزه تألیف کتاب شواهد را حل معضلات شواهد و اشعار سیوطی و آسان کردن فهم نکات و شواهد سیوطی بر مبتدیان اعلام می‌کند و می‌گوید: «بنده فقیر حقیر عاصی، محتاج به رحمت پروردگار غنی، محمد باقر بن محمد حسین بفرویی یزدی که در سال سی و دو بعد از گذشتن هزار و دویست از هجرت مقدسه نبویه، به مباحثه شرح الفیه که مسما به بهجة المرضية، از مصنفات ملا جلال مشهور به سیوطی - حشره الله مع من کان یحبّه - مشغول بود، دید که محتوی است بر اشعار چندی که مبتدی به آسانی درک معانی و شواهد آن را نمی‌تواند کرد. و شواهد فارسی که نوشته شده بود، به جهت اغتشاش در آن چندان نفعی نداشته؛ لهذا این قلیل البضاعة با کثرت اشتغال و اختلال احوال، بر خود لازم کرد که به هر قدر میسر شود، در توضیح و تبیین آن اشعار برآید».

در باره روش کار خود در این کتاب می‌گوید: «به این ترتیب که اول لغات مشکله آن را در کتب لغت، مانند: کتز، منتخب، مهذب و غیر آنها رجوع کرده، بیان کند. و بعد تراکیب آن را به کمک شواهد سید محمد و شواهد فواید که مشهور به عینی است و غیر آن رجوع کرده، به اختصار بیان کند، تا درک آن بر مبتدی آسان شود».

۱. النجوم المسرد: ص ۴۸. نام دقیق این کتاب النجوم المسرد فی الصرح المسرد است که در شرح حال علمای بزرگ یزد است و اکنون به صورت نسخه خطی، در کتابخانه وزیری یزد موجود است.

۲. گنجینه دانشمندان: ۴۲۸/۷.

۳. اعیان الشیعه: ۱۰۷/۴.

بر این اساس شیوه کار او در مورد ۳۴۷ بیت، از اشعار و شواهد کتاب سیوطی را که در این کتاب به تفصیل تجزیه و تحلیل کرده است، به ترتیب فصول و عناوین ذیل است:

۱. ابتدا ذکر شعر مورد استشهاد در کتاب سیوطی، تحت عنوان «شعر».

۲. بیان معنای لغات مشکل شعر، تحت عنوان «اللغة».

۳. بیان ترکیب نحوی شعر، تحت عنوان «الترکیب».

۴. بیان معنای شعر، تحت عنوان «المعنی».

۵. بیان شاهد و نکته مورد استشهاد در شعر مورد نظر، تحت عنوان «الشاهد».

البته به مناسبت مباحث و فصول دیگری را هم تحت عنوان: الاصل، تتمیم، تنبیه و تبصره، در میان فصول فوق می‌گشاید که هر کدام به روشنی بیشتر بحث و نکات ناگفته آن کمک می‌کند.

اشخاص، منابع و مآخذ او در این کتاب که تقریباً رعایت کامل امانتداری را کرده، عبارتند از:

۱. کتب لغت همچون: کنز، منتخب و مهذب.

۲. شواهد، سید محمد که گاهی به اختصار، تنها به عبارت «سید می‌گوید» اکتفا می‌کند. نام کامل این کتاب «شرح شواهد البهجة المرضیة» و متعلق به فاضل ادیب سید محمد می‌باشد که نام یکی دیگر از آثار او شواهد یزیدیه است که آن هم در همین باره است.

۳. شواهد فواید، معروف به عینی که در نقل قول از آن گاهی به «صاحب فواید می‌گوید» یا «ظاهر کلام عینی چنین است» تعبیر می‌کند.

مؤلف در این اثر از دو منبع فوق استفاده بیشتری برده است، همانطور که در مقدمه کتاب عباراتی از آن نقل شد، به ویژه نام این دو اثر را برده است.

۴. شواهد زکریا که تنها در یک مورد، به این منبع استناد شده است.

۵. شواهد کبیر، محمد جعفر قائنی که در ۲ یا ۳ مورد، به آن استناد شده است.

۶. شرح قطر، که احتمالاً همان «شرح شواهد قطرانندی» از محمد جعفر بن محمد کاظم قائنی است.

۷. صاحب فرائد، این کتاب فارسی و مؤلف آن مولا نظام الدین بن مولا احمد اردبیلی

است. و آن ترجمه شرح شواهد العینی است که آن را الفرائد نامیده است.^۱
۸. ابن هشام که بدون ذکر نامی از آثار او، تنها به رأی و نظر او استناد شده است.
۹. در برخی از موارد هم صرفاً می‌گوید: «بعضی گفته‌اند»، بدون اینکه نام آن بعضی یا اثر مورد نظر را بیان کند.

در پایان کتاب، مؤلف چنین می‌گوید: «و این آخر [ین] شعری است که در شواهد وارد کرده و آن را به خیر و خوبی ختم کردم، بحمدلله تعالی. و امیدوارم از برادران دینی که هرگاه غلطی یا سهوی یا نسیانی در آن یابند، عفو نماید که انسان جایز الخطاست. و در حاشیه آن به کلک رقم صحیح تنبیه نمایند که ناظرین در آن متنبه شوند، فَقَدْ تَمَّ الْكِتَابُ بِعَوْنِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْوَهَّابِ».

در مجموع ۷ نسخه خطی از این کتاب شناسایی شد: دو نسخه از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی، دو نسخه در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، یک نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، یک نسخه در کتابخانه ملک و یک نسخه که نگارنده آن را یافته است، در مسجد قلعه روستای ندوشن قرار دارد.
در بخش بعدی مقاله، مشخصات تفصیلی این ۷ نسخه و ویژگیهای آنها بیان می‌شود.

نسخ خطی مسجد قلعه ندوشن

این نسخه در دهستان ندوشن از توابع شهرستان صدوق استان یزد قرار دارد، ندوشن که با بفروئیه زادگاه شیخ محمد باقر بفرویی فاصله چندانی هم ندارد، موطن نسخه‌های خطی قرآنی و غیر قرآنی بسیاری است که نسخه مورد نظر ما در مسجد قلعه یا مسجد محله سالاران روستای ندوشن قرار دارد.

در این مسجد در مجموع ۴۸ نسخه خطی وجود دارد که ۳۹ نسخه آن قرآنی و ۹ نسخه خطی آن غیر قرآنی و در زمینه‌های تفسیر، فقه، اصول و ادبیات عرب می‌باشد. نسخه خطی کم نظیر شواهد ضیائیه، تألیف شیخ محمد باقر بفرویی در میان این نسخه‌هاست و احتمال می‌رود به خط مؤلف باشد.

این نسخه در قطع رقعی در ابعاد $11/5 \times 17/5$ سانتیمتر می‌باشد، اندازه سطور آن ۷ سانتیمتر، تعداد سطور در هر صفحه ۱۹، تعداد صفحات نسخه مورد نظر ۱۷۶ صفحه

می‌باشد، به خط نسخ تحریری و غیر مشکول است، کاغذ آن اصفهانی حنایی و دارای جلد با تیماج مشکی است. این نسخه کامل است و افتادگی ندارد و کلیه علائم و نشانه‌ها و عناوین مباحث آن شنگرف می‌باشد.

نسخه خطی کتابخانه آستانه قدس رضوی (۱)

شماره این نسخه ۳۹۶۳ و تاریخ تحریر و کتابت آن به سال ۱۲۴۸ می‌باشد، اما نام کاتب آن مشخص نیست، به خط نسخ و در صفحات ۲۰ سطری است و جمعاً دارای ۱۰۱ ورق یا ۲۰۲ صفحه می‌باشد، ابعاد نسخه ۱۵×۲۱ سانتیمتر و عناوین و فصول آن به شنگرف است، تاریخ وقف آن تیرماه ۱۳۱۰ می‌باشد و نام واقف آن حاج عماد است.

در برگ ۹۷ این نسخه حاشیه‌ای به زبان عربی است، در تفاوت میان: نکره و اسم جنس، مرکب و مؤلف، ابداع و اختراع و احداث، جنس و علم جنس، جنس و اسم جنس، خبر و انشاء، مثال و نظیر، ضدین و نقیضین، صفت و نعت، علم و معرفه، و وجه تسمیه جار و مجرور به ظرف.

و از ورق ۹۸ تا ۱۰۱ رساله کوتاهی به زبان فارسی و به نظم، در موضوع صرف است که شروع آن با تقسیم کلمات عرب بر ۳ نوع تا مباحث اعلال همزه است. در پایان این رساله آمده است: تمّ هذه الرسالة الوجيزة بالخير والعافية، سنة ۱۲۵۵.

نسخه خطی کتابخانه آستان قدس رضوی (۲)

تاریخ کتابت این نسخه صفر ۱۲۴۵ ق و به خط نسخ است، اما کاتب آن نامعلوم است. و در صفحات ۲۰ سطری با ۷۴ ورق یا ۱۴۸ صفحه است. ابعاد این نسخه ۲۱×۱۶ سانتیمتر و عناوین آن به شنگرف، با جلد تیماج یک لا و کاغذ آبی است. در اسفند ۱۳۷۴ ش وقف شده، و نام واقف آن سید عبدالباقی آیت الله شیرازی است. این نسخه دارای دو ضمیمه است؛ یکی نسخه‌ای از کتاب کافیه در شرح جامی و دیگری کتاب الهدایه به خط سید محمد بن محمد باقر موسوی، به تاریخ ۱۲۴۴ ق.

این نسخه دارای فهرست مطالب است و به شماره ۲۲۸۵۴، در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.

نسخه خطی کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله (۱)

این نسخه به شماره ۷۳۷۹، به خط نستعلیق توسط محمد حسین بن حاجی علی قاری شهر بابکی، در جمادی الاول سال ۱۲۶۵ ق نگاشته شده است. دارای ۴۸ برگ و جلد گالینگور است و در تملک شخصی به نام حسین بن علی اکبر شهر بابکی بوده است.

نسخه خطی کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله (۲)

نسخه شماره ۸۷۳۵، در چهاردهم ربیع الاول ۱۲۶۴ کتابت آن به اتمام رسیده، ولی نام کاتب آن مشخص نیست. به خط نسخ و دارای ۱۶۷ برگ و جلد تیماج مشکی بدون مقواست.

نسخه خطی کتابخانه ملک تهران

این نسخه به شماره ۲۰۸۹، به خط نسخ توسط ابوطالب موسوی، در سده ۱۳ ق کتابت شده است و دارای جلد میشن قهوه‌ای است.

نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (دانشکده الهیات)

این نسخه نیز به شماره ۱۶۰ د، به خط نستعلیق شیخ یوسف آقا محمد نبی است و اتمام کتابت آن در دوم ذی الحجه ۱۲۸۱ بوده است. عناوین و نشانه‌ها به شنگرف است، ضمن آنکه در برگ ۱ و ۲ دارای حواشی به خط شیخ عبدالحسین است. نسخه مذکور در ۱۲۸ برگ، با کاغذ فرنگی و جلد تیماج مشکی است.

جدول نسخه‌های خطی به ترتیب تاریخ کتابت

ردیف	تاریخ کتابت	نام کاتب	محل نگهداری	شماره نسخه
۱	۱۲۴۵	نامعلوم	کتابخانه آستان قدس رضوی	۲۲۸۵۴
۲	۱۲۴۸	=	=	۳۹۶۳
۳	۱۲۶۴	=	کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی <small>رحمته الله</small>	۸۷۳۵
۴	۱۲۶۵	محمد حسین بن حاجی علی قاری شهر بابکی	=	۷۳۷۹
۵	۱۲۸۱	شیخ یوسف آقا محمد نبی	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران	د ۱۶۰
۶	سده ۱۳	ابوطالب موسوی	کتابخانه ملک	۲۰۸۹
۷	نامعلوم	نامعلوم	مسجد قلعه ندوشن	-

فهرست منابع و مآخذ

۱. بلوک میبد، محمود حیدریه زاده، چاپ کاویان.
۲. تاریخ جدید یزد، احمد بن حسین بن علی کاتب، به کوشش ایرج افشار، انتشارات امیرکبیر.
۳. دائرة المعارف الشيعة العامة، علامه شیخ محمد حسین اعلمی حائری.
۴. الذریعة الی تصانیف الشيعة، شیخ آغا بزرگ تهرانی.
۵. طرح هادی روستای بفرویه، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی یزد.
۶. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی.
۷. فهرست نسخ خطی کتابخانه وزیری یزد.
۸. فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله.
۹. فهرست نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی.
۱۰. فهرست نسخ خطی کتابخانه ملک.
۱۱. فهرست نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
۱۲. گنجینه دانشمندان، حاج شیخ محمد شریف رازی، چاپخانه پیروز قم.
۱۳. النجوم المسرد فی الصرح الممرّد، سید جواد مدرّس یزدی.
۱۴. هفته‌نامه ندای یزد، مقاله شیخ محمد باقر بفرویی، غلامرضا نصراللهی، سال نهم، شماره ۳۵۴.

نیازهای مطالعاتی استفاده‌کنندگان

از کتابخانه‌های مساجد

زهرا ابهاری^۱ و هما نجفی^۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی نیازهای مطالعاتی استفاده‌کنندگان از کتابخانه‌های مساجد استان تهران می‌پردازد. یافته‌ها روشن ساخت، استفاده از سالن مطالعه بیشترین هدف مراجعه افراد به این کتابخانه‌ها می‌باشد. در اولویت نیازهای مطالعاتی موضوعات علمی - آموزشی و کمک آموزشی بالاترین و موضوعات تاریخی - سیاسی در پایین‌ترین رتبه‌ها قرار دارند. استفاده‌کنندگان داشتن وقت کافی و علاقه به مطالعه را از مهمترین عوامل مؤثر در مراجعه به کتابخانه، و نبود فرهنگ مطالعه و نیز نبود منابع مناسب را، از مهمترین عوامل مؤثر بر عدم مراجعه افراد ذکر کرده‌اند.

در این پژوهش تأثیر سطح تحصیلات بر رفتار اطلاع‌یابی بررسی شد و مشخص گردید بین نیازهای مطالعاتی افراد و سطح تحصیلات آنها رابطه معناداری وجود ندارد.

۱. دکترای کتابداری و اطلاع‌رسانی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

در این پژوهش همچنین مشخص شد که نیازهای مطالعاتی استفاده‌کنندگان در سطح یکسانی نبوده و گوناگون است. و میزان برآورده شدن این نیازها، توسط کتابخانه‌های مساجد در سطح متوسط قرار دارد.

کلیدواژه

کتابخانه مسجد، نیاز مطالعاتی، رفتار اطلاع‌یابی، مساجد.

مقدمه

کتابخانه‌ها در نظام‌های اجتماعی جزء جدایی‌ناپذیر جوامع محسوب می‌شوند و اهداف و وظایف گوناگون از جمله اندیشه ورزی و بالابردن سطح دانایی افراد بشر را به عهده دارند، اما به نظر می‌رسد از جمله مهم‌ترین این وظایف، برآورده کردن نیازهای مطالعاتی جامعه استفاده‌کننده، از آنها باشد.

رانگانانان به کتابخانه‌ها به چشم موجوداتی رشد‌یابنده و به استفاده‌کنندگان به منزله هسته مرکزی کلیه فعالیت‌های کتابخانه‌ای می‌نگرد و پیوسته به این اصل تأکید می‌ورزد که همه تلاشها باید در جهت برآوردن نیاز استفاده‌کنندگان باشد، به گونه‌ای که در کمترین زمان ممکن، کتاب مورد نظر هر مراجعه‌کننده‌ای تأمین گردد و به این صورت در وقت خواننده نیز صرفه جویی شود!

در کشور ما به دلیل اهمیت نقش مساجد از یکسو و وجود کتابخانه‌های مساجد در نقاط مختلف کشور از سوی دیگر، برنامه ریزی برای این کتابخانه‌ها ضروری و مهم به نظر می‌رسد. وجود کتابخانه در پایگاه معنوی مسجد، می‌تواند در ترویج فرهنگ دینی جامعه و همچنین ارتقاء فرهنگ کتابخوانی اقشار گوناگون جامعه، نقش مؤثر و مفیدی ایفا کند.

هدف و فایده پژوهش

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نیازهای مطالعاتی اعضای استفاده‌کنندگان از کتابخانه‌های مساجد استان تهران می‌باشد. به نظر می‌رسد با مشخص شدن نوع نیاز مطالعاتی جامعه بهره‌گیر، بتوان مجموعه این کتابخانه‌ها را به گونه‌ای فراهم آورد تا

حداکثر استفاده از ظرفیت آنها را در پی داشته باشد. و این مسأله در رابطه با این کتابخانه‌ها که عموماً بودجه مختصر و محدودی دارند و توسط مردم اداره می‌شوند، بسیار حائز اهمیت به نظر می‌رسد.

پرسشهای اساسی

۱. نیازهای مطالعاتی استفاده‌کنندگان از کتابخانه‌های مساجد استان تهران چه موضوعاتی می‌باشد؟
۲. استفاده‌کنندگان، به چه منظوری از کتابخانه مسجد استفاده می‌کنند؟
۳. مهمترین محملها و منابع کسب اطلاعات استفاده‌کنندگان چیست؟
۴. آیا بین سطح تحصیلات و نیازهای مطالعاتی استفاده‌کنندگان رابطه معناداری وجود دارد؟
۵. کتابخانه‌های مساجد تا چه حد نیازهای مطالعاتی استفاده‌کنندگان را برآورده می‌کنند؟

متغیرهای اساسی پژوهش

متغیرهایی که در این پژوهش مورد مطالعه قرار می‌گیرد عبارتند از: کتابخانه‌های مساجد استان تهران به عنوان متغیر مستقل؛ و نیازهای مطالعاتی جامعه استفاده‌کننده از این کتابخانه‌ها به عنوان متغیر وابسته.

فرضیه پژوهش

استفاده‌کنندگان از کتابخانه‌های مساجد، دارای نیازهای مطالعاتی گوناگونی هستند.

روش پژوهش

در تحقیقات مختلف متناسب با موضوع تحقیق، روشهای مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در تحقیق حاضر با توجه به آنکه هدف، شناخت نیازهای مطالعاتی استفاده‌کنندگان کتابخانه‌های مساجد استان تهران از طریق جمع‌آوری داده‌ها می‌باشد، لذا تحقیق حاضر یک تحقیق پیمایشی - تحلیلی است و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است.

محدوده مکانی و زمانی تحقیق

میدان تحقیق شامل ۳۰ کتابخانه مجهز مساجد استان تهران می‌باشد که از نظر ستاد

عالی کانونهای فرهنگی - هنری مساجد درجه یک محسوب می‌شوند، قلمرو زمانی تحقیق از ابتدای سال ۱۳۸۵ تا پایان نیمه اول سال می‌باشد.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری مورد مطالعه شامل افرادی است که به صورت عضو از امکانات کتابخانه‌ها استفاده می‌کنند.

روش نمونه‌گیری

در این تحقیق از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی^۱، برای انتخاب اعضای نمونه استفاده شده است. برای این منظور از کتابخانه هر مسجد متناسب با تعداد اعضای فعال آن، به صورت تصادفی نمونه‌گیری انجام گرفت. پرسشنامه شامل ۲۲ سؤال بسته بود و سؤالات در ۹ بخش مطابق با جدول ۱ طراحی شد.

شماره سؤال	تعداد سؤالات	موضوع سؤالات
-	۲	مشخصات کتابخانه مسجد
-	۴	مشخصات پاسخ دهندگان
۱-۳	۳	سؤالات کنترلی
۴	۱	برنامه‌های جنبی مسجد
۵	۱	هدف از مراجعه
۶	۷	عوامل مؤثر بر مراجعه افراد
۷	۶	منابع اطلاعاتی مورد نیاز
۸	۱	منابع موجود در کتابخانه
۹	۱۰	حوزه‌های مورد علاقه
۱۰	۴	نیازهای اطلاعاتی اجتماعی
۱۰	۴	نیازهای اطلاعاتی تاریخی
۱۰	۳	نیازهای اطلاعاتی مذهبی
۱۰	۴	نیازهای اطلاعاتی علمی
۱۰	۴	نیازهای اطلاعاتی ادبی
۱۰	۶	نیازهای اطلاعاتی مرجع
۱۱	۴	نیازهای اطلاعاتی ادیان
۱۲ و ۱۳	۵	نیازهای مطالعاتی نشریات
۱۴	۴	برنامه‌های جنبی مساجد
۱۵	۱	رفع نیازهای اطلاعاتی
۱۶-۲۲	۷	دلایل عدم استفاده از کتابخانه

به منظور سنجش روایی^۱ پرسشنامه، از نظرات استاد راهنما، استاد مشاور و همکاران متخصص در امور کتابداری و اطلاع رسانی و به منظور سنجش پایانی^۲ پرسشنامه، از معیار آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار آماری علوم اجتماعی^۳ استفاده شد و خروجیهای لازم، استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

مبانی نظری

پژوهندگان به هنگام حل مسائل خاص یا تعریف و تعیین استراتژیهای خرد و کلان، دچار کمبود اطلاعات مورد نیاز خود هستند. این نقصان یا به دلیل نبود اطلاعات است که مشخصاً برای مسأله‌ای خاص مورد نیاز است، یا به سبب دشواریاب بودن از میان انبوه اطلاعات غیر مرتبط و پراکنده که در واقع چندان متفاوت با نبود اطلاعات نیست.^۴ یکی از دغدغه‌های همیشگی کتابداران و اطلاع رسانیان در اشاعه خدمات کتابخانه‌ای، دسترس‌پذیر ساختن منابع اطلاعاتی مفید و مناسب که منطبق با نیازهای واقعی استفاده‌کنندگان می‌باشد است. به عبارت دیگر شاید بتوان گفت که برای کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع رسانی، وظیفه‌ای مهمتر از پاسخگویی به نیازهای مطالعاتی و اطلاعاتی کاربران نمی‌توان تصور کرد.

نیاز

نیاز^۵ یک مفهوم عمومی است که در زمینه‌های مختلف، کاربردهای نسبتاً وسیعی دارد و تعاریف متعددی از آن ارائه می‌شود. این تعاریف گرچه همگی یک مفهوم یا احساس مشترک را انتقال می‌دهند، با این وجود از منظر و ابعاد مختلف و بعضاً متفاوتی بدان می‌نگرند. در یک تعریف عمومی، نیاز چیزی است که برای ارضاء و تحقق یک هدف قابل دسترس، ضروری و مفید است.^۶

1.Validity.

2.Reliability.

3.Spss=Statistical Package For Social Sciences.

۴. فصلنامه کتاب، شماره ۳۸، ص ۵.

5.Need.

۶ نیازسنجی آموزشی در سازمانها: ص ۵۶.

- نیاز سنجی در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع رسانی، علاوه بر کمک به توسعه هدفمند مجموعه‌ها، دارای مزایای قابل توجهی است که به چند مورد اشاره می‌گردد:
۱. به حداکثر رساندن توان بالقوه کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع رسانی، برای پشتیبانی از نیازهای اطلاعاتی کاربران.
 ۲. فراهم نمودن داده‌هایی مؤثر و مفید برای تصمیم‌گیری در تخصیص منابع و نیز پشتیبانی برنامه ریزی.
 ۳. منطقی نمودن درخواست تهیه منابع نو و جدید.
 ۴. حصول اطمینان از همخوانی منابع با نیازهای کاربران.
 ۵. توجه‌پذیر نمودن کاهش فعالیت‌های مجموعه سازی در حوزه‌هایی که چندان مورد استفاده کاربران قرار نمی‌گیرد.
 ۶. منطقی شدن عملیات وجین مجموعه‌ها.^۱

مساجد و کتابخانه‌های مساجد

هر جامعه‌ای برای تداوم حیات فردی و اجتماعی، ناگزیر به رفع نیازهای اساسی خود می‌باشد، از جمله این نیازها می‌توان به تعلیم و تربیت، زاد و ولد، معاش، نظم و امنیت اشاره نمود. و نیازهای فوق به صورت مجموعه‌ای پیچیده از ارزشها، هنجارها، قوانین و مقررات اجتماعی در جامعه شکل گرفته و به نحوی جا می‌افتد که اصطلاحاً آن را نهادینه شده می‌گویند. هر یک از این نیازها که در جامعه نهادینه شده، به ظهور یک نهاد اجتماعی منجر شده است. به طور کلی در مفهوم جامعه شناختی، نهاد اجتماعی را می‌توان به معنای نظامی از روابط اجتماعی ساخته و پرداخته و پایدار، با هدفی مشخص که کنش آن از شخصیت افرادی که عهده دار آن هستند می‌گذرد و به افراد دیگری منتقل می‌شود و در طول زمان استمرار و مداومت پیدا می‌کند، دانست.^۲

یکی از اهدافی که در نتیجه اجتماعی شدن یا جامعه پذیری حاصل می‌گردد، انتقال فرهنگ است که اگر استعداد یادگیری و اجتماعی شدن، آن گونه که در انسان هست وجود نداشت، انتقال فرهنگی صورت نمی‌گرفت و زندگی اجتماعی انسان با سایر

۱. بیلاز: ص ۷.

۲. مبانی جامعه‌شناختی: ص ۱۴۸.

حیوانات تفاوتی نداشت. بنابراین اجتماعی شدن می‌تواند هم انتقال میراث فرهنگی و هم رشد شخصیت را میسر سازد. از جمله عواملی که می‌تواند در اجتماعی شدن نقش اساسی ایفا کند عبارتند از: خانواده، روابط با گروه همسالان، مدارس، رسانه‌های همگانی و نیز مراکز مذهبی مثل مساجد، کلیساها و غیره.

مسجد از ریشه «سجده» گرفته شده و اسم مکان به معنای محل سجده، عبادت و دعاست. در دایرة المعارف انگلیسی بریتانیکا ذیل واژه Mosque آمده است: «مسجد واژه‌ای عربی است، در اسلام محل نماز و دعا و محل عبادت است، آن هم به منزله مرکز عبادت دسته جمعی که در آن همه به طور یکسان در برابر خداوند قرار می‌گیرند».

واژه مسجد به طور صریح در قرآن کریم ۲۸ مرتبه به کار برده شده است که ۲۲ مورد آن به صورت مفرد و ۶ مورد به صورت جمع می‌باشد^۱.

علاوه بر اهمیت مسجد به عنوان پایگاهی عبادی در تاریخ اسلام و در بستر تمدن اسلامی، برای این نهاد معنوی جنبه‌های دیگری نیز مطرح است. از جمله، می‌توان تأثیرات علمی مساجد را در سراسر دنیای اسلام عنوان کرد. یکی از آنها، نقش آموزشی مسجد به عنوان اولین نهادهای علمی - آموزشی است که صاحب نظران و پژوهشگران فرهنگ و تمدن اسلامی در آثار خود به آن پرداخته‌اند و یا تألیفات مستقلی در این زمینه داشته‌اند. از دیگر نهادهای فرهنگی - آموزشی رایج در مساجد، وجود دارالکتاب یا کتابخانه‌های غنی و عظیم آن بوده است.

اگر کتابخانه‌ها به عنوان یکی از پایگاههای مهم و مؤثر در پیشرفت فرهنگ و علوم اسلامی مطرح شود، سهم کتابخانه‌های مساجد در این رهگذر بسیار است. به طوری که ویل دورانت، نویسنده و محقق معروف تاریخ در کتاب خود آورده است: «در غالب مساجد کتابخانه بود که تعداد زیادی کتاب داشت و درهای آن به روی طالبان علم گشوده بود»^۲.

مؤلف کتاب تاریخ عرب نیز در این باره می‌نویسد: «مسجد، کتابخانه نیز بود و کتابخانه‌های مسجد از هدیه‌های مردم، مخصوصاً از کتب افراد ثروتمند پر بود»^۳.

۱. تحلیل جامعه‌شناختی مسجد، نشریه فرهنگ اصفهان، ش ۱۳.

۲. تاریخ تمدن، عصر ایمان (بخش اول): ص ۳۰۴.

۳. تاریخ عرب: ص ۵۴۹.

پیشینه پژوهش

سابقه مطالعه نیاز اطلاعاتی به سال ۱۹۲۰م بر می‌گردد، برای اولین بار کار عملی در سال ۱۹۵۰ در امریکا شروع شد. کوور^۱ با بررسی که در مطالعات انجام شده، بین سالهای ۱۹۵۳-۱۹۶۶ به عمل آورد، علت رشد چنین تحقیقاتی را در افزایش اطلاعات در علوم و فن آوری دانست.^۲

و از طرفی ویلسون^۳ در سال ۱۹۴۴ اظهار می‌دارد که مطالعه نیازهای اطلاعاتی و رفتار اطلاع‌یابی استفاده‌کنندگان کتابخانه به سال ۱۹۱۶ بر می‌گردد، زمانی که کتاب کتابخانه‌های عمومی و مدارس عمومی توسط آیرس^۴ و مکینیک^۵ منتشر شد.^۶ در باب کاربران، نیازهای اطلاعاتی و رفتار اطلاع‌یابی و بهره‌جویی از اطلاعات، بررسی‌های گوناگون صورت گرفته است که شمار انتشارات در این زمینه را به بیش از ۲۰۰۰ عنوان تخمین زده‌اند.^۷

در سال ۱۹۸۰ گردهمایی با عنوان: «کتابخانه‌های مؤسسات و نهادهای آموزشی دانشگاه» در کلمبیا برگزار گردید. در این گردهمایی بررسی نیازهای اطلاعاتی در برنامه‌ریزی و توسعه کتابخانه‌ها، به عنوان یک ضرورت مطرح شده است. و بر مواردی مانند: توجه به نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان، کافی بودن منابع موجود و خدمات و لزوم بررسی نیازهای استفاده‌کنندگان در کتابخانه‌های دانشگاه کلمبیا تأکید شده است.^۸ در زمینه مساجد نیز تحقیقاتی صورت گرفته که به برخی از آنها به طور گذرا اشاره می‌کنیم:

سعید دامادی در سال ۱۳۷۱ در تحقیقی به بررسی کتابخانه‌های مساجد در شهر تهران پرداخته است که در این تحقیق منطقه ۱۵ پستی تهران، مورد مطالعه قرار گرفته است. به کمک این تحقیق می‌توان به آدرس و زمان فعالیت کتابخانه‌های

1. Coover.

۲. بررسی نیازهای اطلاعاتی...: ص ۱۰.

3. Wilson.

4. Ayres.

5. Mickinnic.

۶. کیکاز: ص ۷.

۷. روشی برای شناخت نیازهای اطلاعاتی کاربران: ص ۱۵.

۸. بررسی نیازهای اطلاعاتی...: ص ۸۹.

مساجد در منطقه ۱۵ پی برد و اینکه چه تعدادی از کتابخانه‌های مساجد در این منطقه قرار داشته‌اند.

فاطمه شکوفه در سال ۱۳۷۶ در تحقیق خود به منظور معرفی مسجد، به عنوان یک مکان آموزشی که قابلیت ارائه آموزشهای فرهنگی - تکمیلی را دارد، به بررسی فعالیتهای آموزشی مساجد پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان داد که آموزشهای ارائه شده در مسجد:

۱. شامل تمامی انواع مختلف آموزشهای فرهنگی - تکمیلی نمی‌باشند.

۲. این آموزشها براساس نیاز سنجی و امکان سنجی محلی صورت نمی‌گیرد و از تداوم برخوردار نیست.

سعید غفاری در سال ۱۳۷۷ تحقیقی با هدف بررسی وضعیت فعلی کتابخانه‌های مساجد شهر تهران انجام داده است. یافته‌ها نشان داد که بالغ بر نیمی از کتابخانه‌های مساجد شهر تهران از نظر مجموعه، فضا، تجهیزات و منابع در وضعیت مناسبی نمی‌باشند.

ابوالفضل هاشمی در سال ۱۳۸۲ تحقیقی را با هدف بررسی وضعیت کتابخانه‌های مساجد که زیر نظر ستاد عالی کانونهای فرهنگی - هنری مساجد کشور هستند و نیز میزان رضایت اعضا از خدمات ارائه شده انجام داده است. نتایج تحقیق نشان داد، بیشترین رضایت افراد از خدمات امانت کتاب بوده است.

آدامز در سال ۲۰۰۳، تحقیقی با هدف بررسی توسعه تاریخی کتابخانه‌های اسلامی به صورت بین‌المللی در آفریقای جنوبی و نیز بررسی کتابخانه‌های اسلامی گیتس ویل^۱ به صورت مطالعه موردی و به منظور شناخت اینکه جوامع چگونه برای یافتن راه حلی برای تسهیلات کتابخانه‌ای کافی برای نیازهای خاص جوامع مسلمان در ناحیه بزرگتر کیپ تاون، انجام داده است. همچنین انواع گوناگونی از کتابخانه‌ها مانند کتابخانه‌های مساجد، شخصی، عمومی و دانشگاهی مورد بحث قرار گرفته‌اند.

آدامز در این تحقیق ایجاد وب سایت برای کتابخانه‌ها و کارگاههای آموزشی، برای پرسنل را پیشنهاد می‌کند.

محمد مکی السباعی در سال ۱۹۹۰، تحقیقی را در رابطه با کتابخانه‌های مساجد و نقش آن در تمدن اسلامی انجام داده است. این تحقیق از ابتدای شکل‌گیری مساجد، نقش آنها را از نظر سیاسی، فرهنگی، آموزشی و چگونگی شکل‌گیری کتاب در کشورهای اسلامی و نقش آموزش در مساجد و نهایتاً به وجود آمدن کتابخانه‌های مساجد را توضیح می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

همانند روشهای معمول و رایج در بیشتر مطالعات میدانی، از پرسشنامه به عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. به همین منظور پرسشنامه‌ای در راستای سنجش نیازهای مطالعاتی استفاده‌کنندگان، در ابعاد مختلف طراحی شد و در اختیار کاربران فعال کتابخانه‌ها قرار داده شد. با توجه به اینکه علی‌رغم پیگیریهای مکرر محقق، از ۲۲۰ پرسشنامه توزیع شده، تنها ۱۹۰ پرسشنامه عودت داده شد و از این تعداد پرسشنامه، ۱۴ عدد به صورت ناقص، ۱۲ عدد فاقد اعتبار و ۴ عدد نیز متعلق به افراد غیر عضو کتابخانه بود. بنابراین از تجزیه و تحلیل کنار گذاشته شدند و اساس تجزیه و تحلیل، براساس نظرات ۱۵۸ نفر از اعضای کتابخانه‌های مساجد انجام شد.

گروه‌های سنی					جنسیت کاربران	
جمع	بین ۴۱ تا ۵۰ سال	بین ۳۱ تا ۴۰ سال	بین ۲۱ تا ۳۰ سال	بین ۱۰ تا ۲۰ سال		
۹۳	۱	۲	۲۳	۶۷	فراوانی	زن
%۵۹/۲	%۰/۱۶	%۱/۳	%۱۴/۶	%۴۲/۷	درصد فراوانی	
۶۴	۰	۶	۱۳	۴۵	فراوانی	مرد
%۴۰/۱۸	%۰	%۳/۱۸	%۸/۳	%۲۸/۷	درصد فراوانی	
۱۵۷	۱	۸	۳۶	۱۱۲	فراوانی	جمع
%۱۰۰	%۰/۱۶	%۵/۱	%۲۲/۹	%۷۱/۳	درصد فراوانی	

جدول ۲: مقایسه توزیع فراوانی جنسیت استفاده‌کنندگان کتابخانه‌های مساجد استان تهران

بررسی جنسیت پاسخ‌دهندگان، به منظور بررسی متفاوت بودن نیازهای آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به جدول ۲ مشاهده می‌شود که ۵۹/۲ درصد کاربران

کتابخانه‌ها را زنان و ۴۰/۸ درصد کاربران را مردان تشکیل می‌دهند. جدول ۲ نشان می‌دهد که ۷۱/۳ درصد کاربران بین ۱۰ تا ۲۰ سال، ۲۲/۹ درصد بین ۲۱ تا ۳۰ سال، ۵/۱ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال و تنها ۰/۶ درصد بالای ۴۰ سال هستند. بیشترین فراوانی مربوط به کاربرانی است که دارای سن ۱۰ تا ۲۰ سال می‌باشند و حدود ۹۵ درصد کاربران را افراد کمتر از ۳۰ سال تشکیل می‌دهند. این موضوع مؤید این مطلب است که شناخت نیازهای مطالعاتی کاربران کتابخانه‌ها، از اهمیت زیادی برخوردار است.

جدول ۳ فراوانی استفاده‌کنندگان را بر حسب میزان تحصیلات نشان می‌دهد.

درصد فراوانی	تعداد کاربران	میزان تحصیلات کاربران
۱/۳	۲	راهنمایی
۳/۲	۵	سیکل
۸۰/۴	۱۲۷	دیپلم
۲/۵	۴	فوق دیپلم
۱۱/۴	۱۸	لیسانس
۰/۶	۱	فوق لیسانس و بالاتر
۰/۶	۱	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۵۸	جمع

جدول ۳: توزیع فراوانی میزان تحصیلات استفاده‌کنندگان از کتابخانه‌های مساجد استان تهران

بررسی سطح تحصیلات کاربران از این جهت دارای اهمیت است که دامنه خدمات دهی کتابخانه‌ها به افراد مختلف، و نیز توانایی برآورده ساختن نیاز کاربران مختلف را نشان می‌دهد.

جدول ۳ میزان تحصیلات کاربران و استفاده‌کنندگان از کتابخانه‌ها را نشان می‌دهد، بررسی پاسخها نشان می‌دهد که ۱/۳ درصد راهنمایی، ۳/۲ درصد سیکل، ۸۰/۴ درصد دیپلم، ۲/۵ درصد فوق دیپلم، ۱۱/۴ درصد لیسانس و ۰/۶ درصد فوق لیسانس یا بالاتر هستند.

جدول ۴ توزیع فراوانی استفاده‌کنندگان را بر حسب شغل آنها نشان می‌دهد.

درصد فراوانی	فراوانی	شغل کاربران کتابخانه‌ها
۷۲/۸	۱۱۵	دانش آموز
۵/۱	۸	دانشجو
۷/۶	۱۲	معلم
۳/۸	۶	کارمند
۲/۵	۴	شغل آزاد
۳/۲	۵	خانه‌دار
۱/۹	۳	بیکار
۳/۲	۵	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۵۸	جمع

جدول ۴: توزیع فراوانی شغل کاربران کتابخانه‌های مساجد استان تهران

بررسی پاسخها نشان می‌دهد که ۷۲/۸ درصد کاربران دانش آموز، ۵/۱ درصد دانشجو، ۷/۶ درصد معلم، ۳/۸ درصد کارمند، ۲/۵ درصد شغل آزاد، ۳/۲ درصد خانه‌دار، ۱/۹ درصد بیکار هستند، ضمن اینکه ۳/۲ درصد کاربران پاسخی به این سؤال نداده‌اند. باتوجه به جدول فوق، به نظر می‌رسد که توجه خاص به نیازهای مطالعاتی دانش آموزان، می‌تواند نقش مثبت و به‌سزایی در جذب و پرورش ذهنی و فکری این افراد داشته باشد.

در تحقیق حاضر به‌طور کلی ۷ موضوع مختلف، در موارد ذیل مورد بررسی قرار گرفت:

۱. اهداف مراجعه به کتابخانه‌ها.
۲. موضوعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان کتابخانه‌ها.
۳. زمینه‌های مورد نیاز استفاده‌کنندگان کتابخانه‌ها.
۴. مهمترین منابع کسب اطلاعات استفاده‌کنندگان کتابخانه‌ها.
۵. بررسی رابطه بین نیازهای مطالعاتی استفاده‌کنندگان و سطح تحصیلات آنها.
۶. میزان برآورده شدن نیازهای مطالعاتی استفاده‌کنندگان، توسط کتابخانه‌های

مساجد.

۷. آزمون فرضیه پژوهش.

الف - اهداف مراجعه به کتابخانه ها

هدف مراجعه کاربران		زنان		مردان		کل	
فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی
۸	۸/۶	۱	۱/۵	۹	۵/۷		
۲	۲/۲	۶	۹/۲	۸	۵/۱		
۷۶	۸۱/۷	۵۳	۸۱/۵	۱۲۹	۸۱/۶		
۶	۶/۵	۵	۷/۷	۱۱	۷/۰		
۱	۱/۱	۰	۰	۱	۰/۶		
۹۳	۱۰۰/۰	۶۵	۱۰۰/۰	۱۵۸	۱۰۰		

جدول ۵: توزیع فراوانی اهداف مراجعه کاربران به کتابخانه های مساجد استان تهران

باتوجه به جدول ۵ مشاهده می شود که ۵/۷ درصد به منظور پرکردن اوقات فراغت، ۵/۱ درصد به منظور استفاده از منابع تخصصی مذهبی، ۸۱/۶ درصد به منظور استفاده از سالن مطالعه کتابخانه و ۷ درصد به منظور کسب اطلاعات جاری و روزآمد به کتابخانه های مساجد مراجعه می کنند.

ب - موضوعات مورد نیاز استفاده کنندگان کتابخانه ها

موضوعات مورد نیاز کاربران	میانگین میزان نیاز	انحراف معیار	میانگین رتبه	رتبه
علمی	۴/۰۴	۹۲	۷/۴۳	۱
آموزشی و کمک آموزشی	۳/۸۷	۱/۲۳	۶/۹۰	۲
اجتماعی	۳/۲۸	۱/۱۰	۵/۸۴	۳
فرهنگی	۳/۲۷	۱/۲۶	۵/۷۶	۴
ادبی	۳/۳۰	۱/۱۹	۵/۷۲	۵
مذهبی	۳/۰۸	۱/۳۳	۵/۴۵	۶
هنری	۲/۹۵	۱/۲۷	۵/۰۲	۷
ورزشی	۲/۸۴	۱/۴۱	۴/۷۸	۸
تاریخی	۲/۵۹	۱/۲۹	۴/۲۲	۹
سیاسی	۲/۴۶	۱/۲۶	۳/۸۹	۱۰

جدول ۶: رتبه بندی موضوعات مورد نیاز استفاده کنندگان کتابخانه های مساجد استان تهران

باتوجه به اینکه جامعه استفاده کنندگان از کتابخانه‌ها از افراد مختلف با سنین متفاوت و سطح تحصیلات بالا و پایین تشکیل شده‌اند، لذا شناخت موضوعات مورد نیاز کاربران از اهمیت زیادی برخوردار است. باتوجه به جدول ۶ مشاهده می‌شود که موضوعات علمی با میانگین رتبه ۷/۴۳ درصد در دریف اول، و موضوعات آموزشی و کمک آموزشی با میانگین رتبه ۶/۹۰ درصد در دریف دوم قرار دارد. با توجه به اینکه بیش از ۸۰ درصد کاربران را افراد دارای مدرک دیپلم تشکیل می‌دهند و حدود ۴۰ درصد کاربران را دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند، لذا نیاز به موضوعات علمی - آموزشی و کمک آموزشی توجیه پذیر می‌باشد.

باتوجه به جدول ۶ موضوعات اجتماعی و فرهنگی در رتبه سوم و چهارم نیاز کاربران قرار دارند، در حالی که موضوعات تاریخی و سیاسی در رده‌های آخر قرار دارند.

ج - زمینه‌های مورد نیاز استفاده کنندگان کتابخانه‌های مساجد

رتبه در هر موضوع	میانگین رتبه	میانگین میزان نیاز	زمینه‌ها	موضوعات مورد نیاز کاربران
۳	۲/۲۶	۲/۸۶	زناشویی	اجتماعی
۱	۳/۰۱	۳/۵۹	تربیتی و اخلاقی	
۲	۲/۶۱	۳/۲۸	روان‌شناسی	
۴	۲/۱۲	۲/۷۵	مسائل حقوقی	
۱	۲/۶۵	۳/۰۱	علوم تجربی	علمی
۲	۲/۵۹	۳/۱۰	علوم ریاضی	
۴	۲/۳۳	۲/۷۳	علوم انسانی	
۳	۲/۴۳	۲/۷۲	هنر	
۴	۲/۲۵	۲/۹۰	تاریخ ادبیات	ادبی
۳	۲/۳۰	۲/۹۲	زندگینامه شخصیت‌های ادبی	
۲	۲/۷۱	۳/۲۸	ادبیات داستانی	
۱	۲/۷۴	۳/۳۴	ادبیات شعری	
۲	۲/۴۸	۲/۷۹	تاریخ اسلام	تاریخی
۴	۲/۱۹	۲/۵۹	تاریخ ادیان	
۳	۲/۴۲	۲/۷۴	تاریخ جهان	
۱	۲/۹۱	۳/۱۴	تاریخ ایران	

۱	۲/۲۲	۳/۰۹	احکام مذهبی	مذهبی
۲	۱/۹۱	۲/۷۷	اماکن مذهبی	
۳	۱/۸۷	۲/۷۱	زندگینامه دانشمندان مسلمان	
۲	۲/۴۶	۲/۹۱	زرتشت	ادیان
۱	۳/۰۰	۳/۳۲	مسیحیت	
۳	۲/۳۲	۲/۷۴	یهودیت	
۴	۲/۲۱	۲/۷۰	سایر ادیان	
۱	۴/۱۵	۳/۰۸	واژه‌نامه‌ها	منابع مرجع
۳	۳/۸۴	۲/۸۴	دایرةالمعارفها	
۴	۳/۲۱	۲/۴۵	ها	
۶	۲/۸۹	۲/۲۸	چکیده نامه‌ها	
۵	۲/۹۳	۲/۲۷	منابع جغرافیایی	
۲	۳/۹۸	۲/۹۳	زندگینامه‌ها	

جدول ۷: رتبه بندی زمینه‌های مورد نیاز استفاده کنندگان کتابخانه‌های مساجد استان تهران

جدول ۷ به رتبه بندی زمینه‌ها و ابعاد گوناگون مورد نیاز کاربران پرداخته است. با توجه به جدول مشاهده می‌شود که زمینه‌های تربیتی و اخلاق در موضوعات اجتماعی، منابع علوم تجربی در زمینه موضوعات علمی، منابع ادبیات شعری در موضوعات ادبی، منابع تاریخ ایران در موضوعات تاریخی، منابع احکام مذهبی در موضوعات مذهبی، منابع مسیحیت در زمینه ادیان غیر از اسلام و واژه‌نامه‌ها در زمینه موضوعات مرجع، از ابعاد مهم و مورد نیاز استفاده کنندگان کتابخانه‌های مساجد می‌باشند.

بررسی مهمترین منابع و محملهای کسب اطلاعات کاربران

در این پژوهش، به طور کلی ۶ منبع مختلف کسب اطلاعات، برای کاربران منظور شده است.

د - مهمترین منابع کسب اطلاعات استفاده کنندگان کتابخانه های مساجد

رتبه	میانگین رتبه	انحراف معیار	میانگین میزان نیاز	شکل منابع مورد نیاز کاربران
۱	۵/۰۹	۶/۸	۴/۳۳	کتاب
۲	۳/۶۰	۱/۱۸	۳/۱۹	مجله
۳	۳/۳۳	۱/۲۳	۳/۰۱	روزنامه
۴	۳/۲۷	۱/۱۹	۲/۹۰	منابع مرجع
۵	۲/۸۸	۱/۳۰	۲/۶۷	بانکهای اطلاعاتی و نرم افزارها
۶	۲/۸۴	۱/۳۲	۲/۶۰	مواد دیداری - شنیداری

جدول ۸: رتبه بندی مهمترین منابع کسب اطلاعات مورد نیاز استفاده کنندگان کتابخانه های مساجد استان تهران

بررسی رابطه بین نیازهای مطالعاتی استفاده کنندگان و سطح تحصیلات آنها

با توجه به اینکه اکثر کاربران کتابخانه دارای مدرک دیپلم بوده و تعداد کاربران با سطح تحصیلات زیر دیپلم کم می باشد؛ لذا افراد نمونه را به دو طبقه با سطح تحصیلات دیپلم و پایین تر و کاربران با سطح تحصیلات بالای دیپلم تقسیم بندی نموده اند. و از سوی دیگر تعداد منابع و موضوعات مختلف مورد نیاز کاربران به ۳ سطح کم، متوسط و زیاد تفکیک شد که نتایج مربوط به این سؤال پژوهشی، مبنی بر اینکه آیا بین نیازهای مطالعاتی استفاده کنندگان کتابخانه های مساجد و سطح تحصیلات آنها رابطه معنا داری وجود دارد یا خیر؟ در جدول ۹ ارائه شده است.

برای پاسخ به این سؤال از فرض صفر و مقابل، به صورت زیر مطرح و از آزمون کای دو پیرسون برای آزمودن آن استفاده خواهیم نمود.

فرض صفر: بین نیازهای مطالعاتی کاربران و سطح تحصیلات آنها رابطه معناداری وجود ندارد.

فرض مقابل: بین نیازهای مطالعاتی کاربران و سطح تحصیلات آنها رابطه معناداری وجود دارد.

میزان تحصیلات			تعداد موضوعات
جمع	فوق دیپلم و بالاتر	دیپلم و پایین تر	مورد نیاز
۳۵	۷	۲۸	کم
۵۲	۶	۴۶	متوسط
۳۰	۶	۳۴	زیاد
۱۲۷	۱۹	۱۰۸	جمع

جدول ۹: مقایسه توزیع فراوانی تعداد موضوعات مورد نیاز و سطح تحصیلات کاربران کتابخانه های مساجد استان تهران

میزان برآورده شدن نیازهای مطالعاتی کاربران

میانگین امتیازات	جمع امتیازات	درصد فراوانی	فراوانی	میزان برآورده ساختن نیازهای مطالعاتی کاربران
۳/۲۰	۱۰۰	۱۲/۷	۲۰	خیلی زیاد
	۱۳۲	۲۰/۹	۳۳	زیاد
	۱۸۹	۳۹/۹	۶۳	متوسط
	۴۸	۱۵/۲	۲۴	کم
	۹	۵/۷	۹	خیلی کم
	-	۵/۷	۹	بدون پاسخ
	۴۷۸	۱۰۰	۱۵۸	جمع

جدول ۱۰: توزیع فراوانی میزان جوابگو بودن کتابخانه های مساجد استان تهران به نیازهای مطالعاتی کاربران

با توجه به جدول مشاهده می شود که میزان برآورده شدن نیازهای مطالعاتی ۱۲/۷ درصد کاربران در حد خیلی زیاد، ۲۰/۹ درصد در حد زیاد، ۳۹/۹ درصد در حد متوسط، ۱۵/۲ درصد در حد کم و ۵/۷ درصد کاربران در حد خیلی کم می باشند. به طور کلی می توان گفت که منابع موجود در کتابخانه های مساجد با ۳/۲۰ امتیاز در سطح متوسط، جوابگوی نیاز کاربران می باشد.

آزمون فرضیه پژوهش

برای آزمون فرضیه پژوهش، فرض صفر و مقابل به صورت زیر مطرح و از آزمون کای دو برای آزمودن آن استفاده می شود.

فرض صفر: نیازهای مطالعاتی کاربران کتابخانه های مساجد استان تهران در سطح

یکسانی می باشد.

فرض مقابل: نیازهای مطالعاتی کاربران کتابخانه‌های مساجد استان تهران متفاوت می‌باشد.

تعداد موضوعات مورد نیاز کاربران	تعداد کاربران	مقدار مورد انتظار
بین ۱۰ تا ۱۰۰ موضوع	۱۱	۲۱/۲
بین ۱۱ تا ۱۵ موضوع	۲۴	۲۱/۲
بین ۱۶ تا ۲۰ موضوع	۳۱	۲۱/۲
بین ۲۱ تا ۲۵ موضوع	۲۶	۲۱/۲
بین ۲۶ تا ۳۰ موضوع	۲۴	۲۱/۲
بیشتر از ۳۰ موضوع	۱۱	۲۱/۲
جمع	۱۲۷	-

جدول ۱۱: توزیع فراوانی تعداد موضوعات مورد نیاز کاربران کتابخانه‌های مساجد استان تهران

برای آزمون فرضیه پژوهش، ابتدا تعداد موضوعات مورد نیاز کاربران به ۶ رده تقسیم بندی شده و سپس فراوانی مربوط به هر رده محاسبه می‌شود که نتایج آن در جدول ۱۱ ارائه شده است. با توجه به جدول مشاهده می‌شود که ۱۱ کاربر بین ۶ تا ۱۰ موضوع، ۲۴ کاربر بین ۱۱ تا ۱۵ موضوع، ۳۱ کاربر بین ۱۶ تا ۲۰ موضوع، ۲۶ کاربر تعداد ۲۱ تا ۲۵ موضوع، ۲۴ کاربر بین ۲۶ تا ۳۰ موضوع و ۱۱ کاربر بیشتر از ۳۰ موضوع را مورد نیاز خود عنوان نموده‌اند. نتایج آزمون کای دو در جدول ۱۲ ارائه شده است.

آماره آزمون کای - دو	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه آزمون
۱۶/۱۹	۵	۰/۰۰۶	رد فرض صفر

جدول ۱۲: نتایج آزمون کای دو، در مورد فرضیه یکسان بودن تعداد موضوعات

و منابع مورد نیاز کاربران کتابخانه‌های مساجد استان تهران

با توجه به نتایج جدول ۱۲ مشاهده می‌شود که چون سطح معناداری آزمون ۰/۰۰۶ درصد از سطح آزمون $a=0/05$ درصد کوچکتر است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. به این معنا که بین تعداد موضوعات مورد نیاز کاربران اختلاف وجود دارد و آنها دارای نیازهای مطالعاتی گوناگون هستند.

نتیجه گیری و پیشنهادها

۱. کتابخانه‌های مساجد می‌توانند به گونه‌ای شایسته پاسخگوی نیازهای مطالعاتی جامعه استفاده کننده بوده و ابزار بسیار مناسبی برای غنا بخشیدن به اوقات فراغت نوجوانان و جوانان باشند، اگر فعالیتهای آنها با برنامه‌ریزیهای مدوّن و دقیق همراه باشد. از جمله این برنامه‌ریزیها، تجهیز این کتابخانه‌ها به منابع مطالعاتی متناسب با نیاز استفاده کنندگان است. پیشنهاد می‌گردد مسؤولین و دست اندرکاران امور این کتابخانه‌ها، از طریق طراحی پرسشنامه‌های دوره‌ای و یا برگزاری جلسات آزاد با حضور اعضای علاقمند نسبت به جمع آوری و آگاهی از نظرات کاربران در زمینه بهبود هر چه بیشتر وضعیت کتابخانه‌های مساجد اقدام نمایند.

۲. باتوجه به اینکه اکثریت اعضا از سالن مطالعه کتابخانه‌های مساجد استفاده می‌کنند، پیشنهاد می‌گردد نسبت به تجهیز این سالنها به امکانات مناسب از جمله تهویه مطبوع، وسایل گرمایشی و سرمایشی، نور مناسب و... اقدامات لازم صورت پذیرد. ۳. از آنجا که بیشتر اعضا از برنامه‌های جنبی مساجد اطلاع کافی نداشتند، توصیه می‌شود که بروشورهایی حاوی اطلاعات در این زمینه فراهم شده و در اختیار افراد قرار گیرد.

منابع فارسی

۱. حتی، فیلیپ خلیل. تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۶.
۲. حری، عباس. فصلنامه کتاب، شماره ۳۸، ۱۳۷۸.
۳. دامادی، سعید. بررسی کتابخانه‌های مساجد منطقه ۱۵ پستی تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۱۳۷۱.
۴. دورانت، ویل. تاریخ تمدن، عصر ایمان (بخش اول)، ترجمه ابوطالب صارمی و ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.
۵. دیوادسون، ف.ج. روشی برای شناخت نیازهای اطلاعاتی کاربران، ترجمه اسدالله آزاد در گزیده مقالات ایفلا ۹۶ (چین: ۲۵-۳۱ اوت ۱۹۹۶)، زیر نظر عباس مروی، به همت تاج‌الملوک ارجمند. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶.
۶. شکوفه، فاطمه. بررسی عملکرد آموزشی مساجد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۶.

۷. صفری راد، فاطمه. بررسی نیازهای اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز و نقش کتابخانه‌ها در تأمین این نیازها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی، دانشگاه شیراز، دانشکده تحصیلات تکمیلی.
۸. عباس زادگان، محمد؛ ترک زاده، جعفر. نیازسنجی آموزشی در سازمانها. تهران، ۱۳۷۹.
۹. غفاری، سعید. بررسی وضعیت کتابخانه‌های مساجد شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، ۱۳۷۷.
۱۰. کارناسا. بررسی رفتار استفاده کنندگان، ترجمه همایون حمیاری. نشریه پیام کتابخانه، دوره چهارم، شماره ۱۲، ۱۳۷۳.
۱۱. نوری، مهدی. تحلیل جامعه شناختی مسجد. نشریه فرهنگ اصفهان، شماره ۱۳، ۱۳۷۸.
۱۲. وثوقی، منصور. مبانی جامعه شناختی. تهران: انتشارات خردمند، ۱۳۷۲.
۱۳. هاشمی، ابوالفضل. بررسی میزان رضایت اعضا از کتابخانه‌های مساجد کشور. پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، ۱۳۸۲.

منابع انگلیسی

1. Adams, roldah. 2003. "Historical devalopment of islramic libraries internationally and in south africa a case study of the islamic library in gatesville.
www.worldcatlibraries.org/wcpa/top3mset/33862bfb57c8b528a1qafeb4da09e.526.html.
2. Biblarz, dora; bosch, stephen; sugnet, chris (2001). collection management and development guide, no.11. "guide to library user needs assessment for Integrated information resource management and collection development". USA: the scarecrow press.
3. Kikas, konard. 1997. information needs of estonian specialists and collection composition of research libraries (1996-1997). tallin: tehenikaulikooli available at: kivyastus. also
<http://www.lib.ttu.ee/ttyrpub1/kkikas-information-needs-of.pdf-supplemental result>.

نسخه‌های عکسی

ابوالفضل حافظیان بابل

بخش یازدهم

(۱۴۵۳) مکارم اخلاق النبی والأئمة صلوات الله عليهم اجمعین (مناقب - عربی)

از: قطب الدین ابوالحسین سعید بن هبة الله بن حسین راوندی (۵۷۳ ق).
سعید بن هبة الله، معروف به قطب راوندی از دانشمندان بزرگ شیعه در قرن ششم هجری که در تفسیر، حدیث، فقه و کلام صاحب نظر بوده و آثار مهمی در علوم مختلف نگاشته است. وی بالغ بر دویست استاد از علمای اهل سنت و شیعه را درک کرده و شاگردان بسیاری تربیت کرده که از جمله آنها محمد بن علی بن شهر آشوب سروی است.

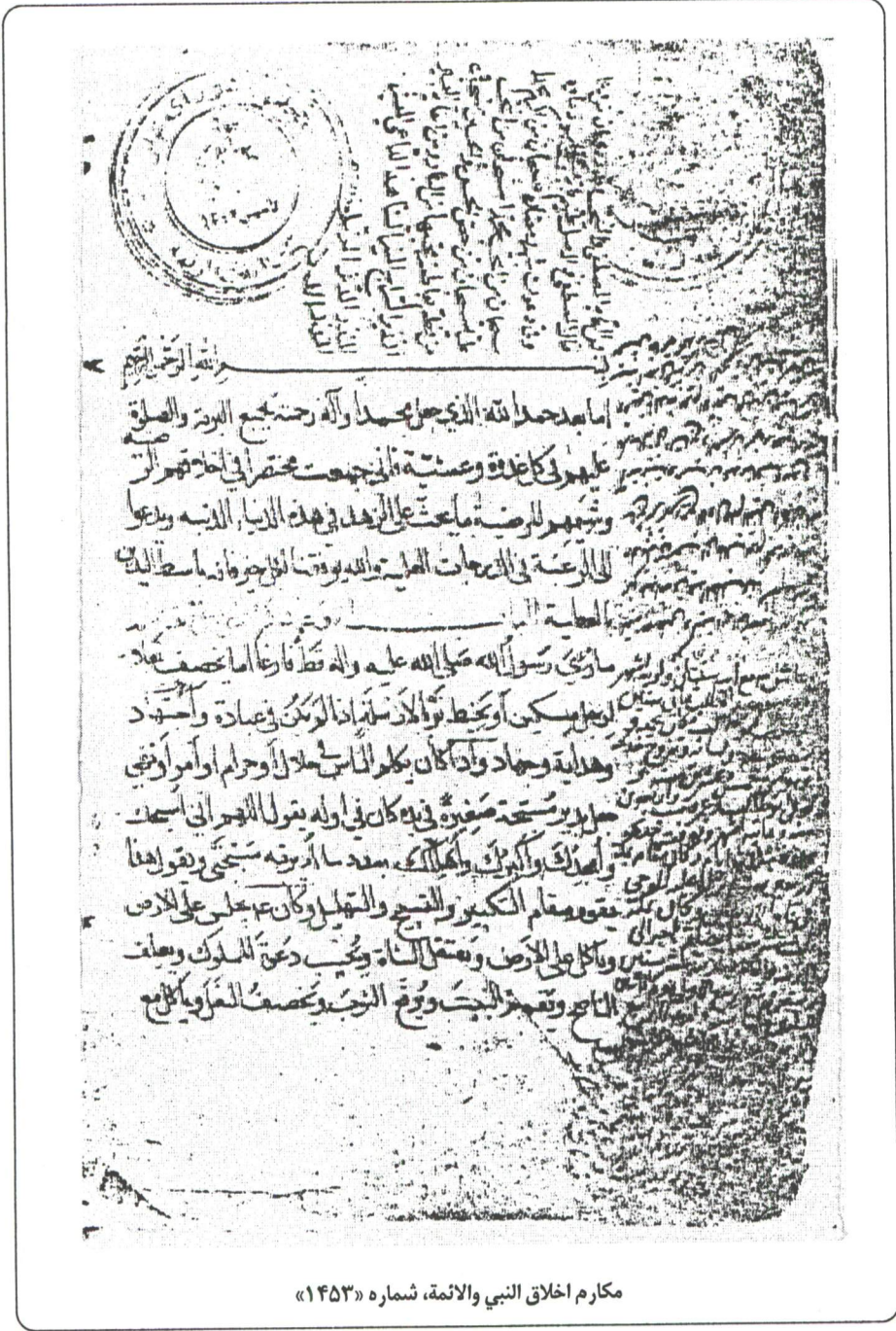
شمار تألیفات قطب راوندی را بالغ بر هشتاد جلد دانسته‌اند که مرحوم استاد سید عبدالعزیز طباطبایی معرفی تفصیلی آثار وی را همراه با اطلاعات و نسخه‌شناسی در مجله وزین تراثنا آورده است.

عناوین برخی از آثار قطب راوندی: فقه القرآن، الخرائج والجرائح، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، قصص الانبياء، سلوة الحزین مشهور به دعوات الراوندی، ضیاء الشهاب، اللباب المستخرج من فصول عبدالوهاب و....

کتاب حاضر در بیان مکارم اخلاق معصومین علیهم السلام است در چهارده باب دارای فصول:

باب اول: در مکارم اخلاق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ باب دوم: در مکارم اخلاق حضرت فاطمه علیها السلام؛

باب سوم: در مکارم اخلاق امیرالمؤمنین علیہ السلام؛ و بقیہ ابواب در ذکر مکارم اخلاق ائمه اطہار علیہم السلام تا امام زمان علیہ السلام (عج).



مکارم اخلاق النبی والائمة، شماره «۱۴۵۳»

در منابع کتاب‌شناسی و فهرست‌نامه‌های نسخه‌های خطی نامی از این کتاب به میان نیامده و چنین کتابی به قطب راوندی منسوب نشده است. نسخه منحصراً به فرد این اثر در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود و به خط قدیمی بر روی نسخه، انتساب آن به قطب راوندی ثبت شده، و در فهرست مجلس نیز به عنوان «مکارم اخلاق النبی والائمة» از قطب راوندی معرفی شده است.

استاد فقید مرحوم سید عبدالعزیز طباطبایی نیز - با استناد به مطالب گذشته - این کتاب را در جمله آثار قطب معرفی کرده است، ولی در مقام نفی یا اثبات این انتساب، اظهار نظری نکرده است.

منابع: مجله تراث، شماره ۳۸-۳۹، صص ۲۵۴-۲۹۷.

آغاز: بسمله. أما بعد حمدالله الذي جعل محمداً و آله رحمته بجميع البرية والصلاة عليهم في كل غدوة وعشية، فاني جمعت مختصراً في أخلاقهم الرضية وشيمهم المرضية ما يحث على الزاهد في هذه الدنيا الدنية ويدعوا الى الرغبة في الدرجات العلية والله يوفقنا لكل خير، فانه باسط اليدين بالعطية. الباب الأول: ذكر النبی ﷺ ما رأي رسول الله ﷺ قط فارغاً.

انجام: حين جمعته، كما أمرني لتقروا بما فيه، فاذا أبيتم ذلك فأنتم وحلاكم. تم المختصر بحمدالله وتوفيقه والصلاة على نبيه محمد وآله المعصومين.

نسخ، بدون نام‌کاتب، ۱۲ ربیع الاول ۹۸۵، عناوین و نشانیه‌ها شنگرف، در حاشیه تصحیح شده و علامت بلاغ دارد. اطلاعات تاریخی راجع به معصومین علیهم‌السلام در حاشیه برخی صفحات افزوده شده است، در اول نسخه به خطی قدیمی نوشته شده: «جمع الشيخ السعيد قطب الدين ابى الحسين سعيد بن هبة الله بن الحسين الراوندی رحمة الله عليه» و نیز تملک لطف الله عاملی میسی و تملک پسرش عبدالعالی بن لطف الله در ۱۰۳۵ ق.

۱۶۵ صفحه، ۱۶ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، نسخه شماره ۵۳۶۴، رساله

اول مجموعه.

فهرست مجلس: ۲۷۱/۱۶-۲۷۲.



(۱۴۵۵) الكواكب الدراری فی ترتیب مسند الامام احمد علی ابواب البخاری

(حدیث - عربی)

از: علی بن حسین بن عروه مشرقی دمشقی حنبلی (۸۳۷ ق).

ابوالحسن علی بن حسین بن عروه مشرقی دمشقی، معروف به ابن زکنون، فقیه حنبلی و عالم به حدیث و اسانید آن، در سال ۷۵۸ ق چشم به جهان گشود و فقه و حدیث را از اساتید فن فراگرفت و در مسجد جامع اموی در دمشق به تدریس پرداخت. سخاوی در الضوء اللامع شرح حال وی را آورده و از الكواكب الدراری وی چنین یاد کرده است:

«رتب المسند علی ابواب البخاری وسماه الكواكب الدراری فی ترتیب مسند الامام أحمد علی ابواب البخاری وشرحه فی مئة وعشرين مجلداً، طریقته فيه أنه اذا جاء لحدیث الافك مثلاً يأخذ نسخة من شرحه للقاضی عیاض فیضعها باتمامها واذا مرت به مسألة فیها تصنیف مفرد لابن القیم أو شیخه ابن تیمیة أو غیرهما وضعه بتمامه ویستوفی ذاك الباب من المغنی لابن قدامة ونحوه كل ذلك...، وحدث سمع منه الفضلاء وقرىء علیه شرحه المشار الیه أو أكثره فی آیام الجمع بعد الصلاة بجامع بنی أمیة»^۱.
چنانکه سخاوی گفته، الكواكب الدراری در ۱۲۰ جلد تنظیم شده و تنها مجلداتی پراکنده از آن باقی مانده است. از جمله نسخه‌های: دانشگاه توبنگن در آلمان، رضا رامپور در هند، مجموعه گارت یهودا در آمریکا، دارالکتب قاهره در مصر و چستربیتی در ایرلند^۲.

تصویر حاضر از نسخه کتابخانه چستربیتی تهیه شده است. این نسخه در حیات مؤلف به سال ۸۲۷ ق کتابت شده است و شگفت اینکه در فهرست آربری به عنوان «الكواكب الدراری فی تفسیر القرآن الکریم» معرفی شده^۳، و این اشتباه به الفهرس شامل نیز راه یافته و در آنجا نیز در ردیف کتابهای تفسیری معرفی شده است!^۴
نسخه حاضر جلد ۳۵ الكواكب الدراری را در بر دارد و فهرست مطالب این جلد در

۱. الضوء اللامع لأهل القرن التاسع: ۲۱۴/۵.

۲. الفهرس شامل للتراث العربی الاسلامی المخطوط، علوم القرآن، مخطوطات التفسیر و علومه: ۴۵۹/۱ و الحدیث النبوی الشریف و علومه: ۱۳۰۸/۳ و ۱۳۲۲ و ۱۴۴۷.

۳. فهرس المخطوطات العربیة فی مكتبة تشتریبیتی، آربری، ترجمه محمد شاکر سعید: ۲۳۳/۱.

۴. الفهرس شامل، علوم القرآن، مخطوطات التفسیر و علومه: ۴۵۹/۱.

آغاز نسخه چنین درج شده است:

«فیه من تفسیر سورة النساء، وقطعة من کتاب ابن مفلح، وکتاب الخراج من المغنی، وشرح انما الأعمال بالنیات، وشرح حدیث بدأ الاسلام غریباً... لابن رجب... من شرح المنازل وکتاب صلاة المسافر من المغنی...».

آغاز نسخه: بسملة. ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم رب يسر واعن، قوله تعالى: من يشفع شفاعة حسنة یکن له نصیب منها... قال ابو البقا: قوله تعالى مقیتاً التابدل من الواو وهو مفعول من القوت. قال أبو عبید: قوله تعالى وكان الله على كل شیء مقیتاً، قيل: مقتدرأ يعطى كل انسان قوته، وقيل: حفیظاً یحفظ كل شیء.

انجام نسخه: إن ذلك كان لأجل حاجتهم، اذ ذاك الى هذه المتعة وتلك الحاجة قد زالت والله سبحانه وتعالى اعلم. آخر كلام شیخ الاسلام أبی العباس ابن تیمیة... آخر المجلد الخامس والثلاثون من الكواكب والحمد لله...

نسخ، ابراهیم بن محمد بن محمود بن بدر حنبلی، شب یکشنبه ۳۰ جمادی الاولی ۸۲۷، بخشی از انجامه کاتب: «آخر المجلد الخامس والثلاثون من الكواكب... وكان الفراغ من نسخه على ضوء السراج ليلة الأحد الثلاثون من شهر جمادی الاولی سنة سبع وعشرين وثمان مئة من الهجرة النبویة على يد أفقر عباد الله الى مغفرته وعفوه ورضوانه ابراهیم بن محمد بن محمود بن بدر الحنبلی - غفر الله لمؤلفه وکتابه ولقاریه ولمن نظر فيه ولجميع المسلمين... - يتلوه إن شاء الله تعالى قوله تعالى: واذا كنت فیهم فاقمت لهم الصلاة الآیة...»، مقابله و تصحیح شده و بلاغ قرائت و مقابله دارد: «بلغ قراءة على مریه أسبغ الله تعالى له فی المجلس ۷ ق فی الجامع الاموی وسمع ولدی محمد وغيره» و«بلغ مقابلة فصح بحسب الطاقة» ودر اول نسخه آمده است: «وقف شیخنا الزاهد أبی الحسن علی بن الحسین بن عروة الحنبلی - تغمده الله برحمته وأسکنه فصح جنته -».

۵۳۳ صفحه، ۲۹ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه چستربیتی در ایرلند، شماره ۳۳۹۶.

فهرست آربری: ۶۳/۲؛ فهرس المخطوطات العربیة فی مكتبة تشستربیتی، آربری، ترجمه

محمود شاکر سعید: ۲۳۳/۱.



(۱۴۵۸) التذكرة النصيرية في علم الهيئة

(هیئت - عربی)

از: خواجه نصیرالدین محمد بن محمد طوسی (۶۷۲ ق).

تکرار تصویر شماره ۱۲۸۶ است. خصوصیات کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی در آن شماره به تفصیل بیان شده است.



(۱۴۶۱) جوامع العلوم

(چند دانشی - عربی)

از: شعیا بن فریغون (قرن ۴ ق).

دایرة المعارف مختصری است شبیه به مفاتیح العلوم خوارزمی که در آن تقسیمات مباحث علوم و صنایع مختلف در قالب شجره‌ها و اشکال هندسی ترسیم شده است. این کتاب در نیمه اول قرن چهارم هجری برای امیر ابی علی احمد بن محمد بن مظفر در دو مقاله تألیف شده است و در آن از کتاب العین خلیل بن احمد نقل شده است. مؤلف در این اثر از برخی کلمات عربی غیر رایج استفاده کرده است؛ مثلاً به جای فعل ماضی می‌گوید: «عابر» و به جای فعل مضارع: «غابر» و به جای اسم فاعل و صفت مشبیه «مقیم».

تاکنون سه نسخه خطی از این کتاب شناخته شده است:

۱. نسخه شماره ۹۵۰ کتابخانه اسکوریال در اسپانیا، کتابت در ۳۹۳ ق. تصویر حاضر از این نسخه تهیه شده است.

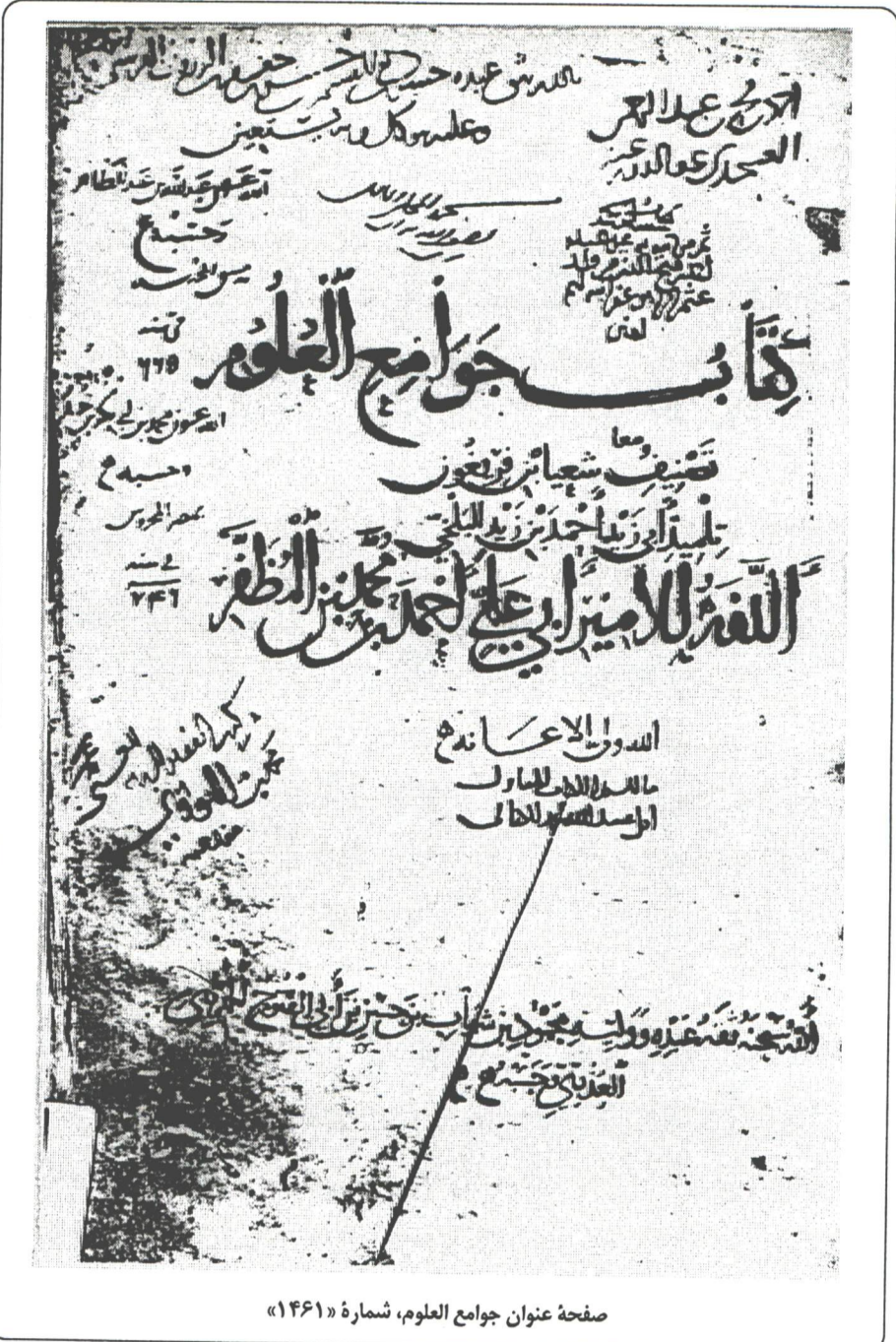
۲. نسخه شماره ۲۷۶۸ کتابخانه موزه طوپقاپی سرای در ترکیه، کتابت در ۳۹۶ ق.

۳. نسخه شماره ۲۶۷۵ کتابخانه موزه طوپقاپی سرای در ترکیه، از قرن ششم هجری^۱. کتاب دارای دو مقاله است و در هر مقاله مشجرات و جداول هندسی متعددی ترسیم شده است:

المقالة الأولى: فی اللغة العربية والكتابة وآدابها والحساب والهندسة.

المقالة الثانية: فی العلوم الحکمیة والفلسفیة والکیمیائیة و علم الفراسة والسحر وتعبیر الرؤیا وأحكام النجوم^۲.

۱. فهرست نسخه‌های خطی عربی کتابخانه طوپقاپی سرای: ۵۹۴/۳؛ فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: ۳۱۵-۳۱۴/۱ و ۸۰۷؛ نشریه نسخه‌های خطی، دفتر ۱۱ و ۱۲، ص ۹۹۵.
۲. در فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه دانشگاه تهران (ج ۱، ص ۳۱۴) جوامع العلوم چنین معرفی شده است: «دستور زبان عربی و آداب نویسندگی در دیوانهاست» که تعریف دقیق و کاملی نیست.



صفحه عنوان جوامع العلوم، شماره «۱۴۶۱»

نام مؤلف در صفحه عنوان نسخه اسکوریال به صورت واضح «شعیا بن فریغون» تلمیذ ابی زید احمد بن زید البلخی» ثبت شده است، ولی در نسخه‌های ترکیه به نحوی

درج شده که به صورت‌های مختلف خوانده می‌شود، مانند: «منعبی، متغبی و مبتغی» لذا سزگین نام مؤلف را «متغبی/مبتغی» آورده است.^۱

عبارت نسخه‌ اسکور یال ترجیح دارد، به دلیل اینکه اقدم و اصحّ نسخ موجود از کتاب است و با نسخه‌ اصل مقابله شده است.

در انجنامه این نسخه نیز نام مؤلف بدین صورت آمده است: «وألّفه للأمیر أبی علی أحمد بن محمد بن المظفر، شعبی بن فریغون، تلمیذ أبی زید أحمد بن زید البلخی». مینورسکی گفتاری در باره‌ جوامع العلوم دارد که در یادنامه او چاپ شده و در حدود العالم با ترجمه‌ حواشی او از میرحسین شاه، چاپ ۱۳۴۲ کابل به فارسی در آمده است. وی در تعلیقاتش بر حدود العالم ادله‌ای بر اتحاد ابن فریغون (مؤلف جامع العلوم) با مؤلف ناشناخته‌ حدود العالم ارائه کرده است و تحقیقاتی در باره‌ آل فریغون نموده است. مرحوم سید حسین خدیو جم، این رساله را از روی نسخه موجود تصحیح کرده و جزوه‌ای در ۲۴ صفحه راجع به آن نوشته به نام: «دراسات حول جوامع العلوم» که در سال ۱۳۵۰ ش در تهران به چاپ رسیده است.^۲ در این مقاله در باره‌ جوامع العلوم و شعیا بن فریغون و امیر ابی علی احمد بن محمد بن مظفر و استاد مؤلف (ابی زید بلخی) و نسخه‌های موجود از کتاب و مباحث مندرج در آن، اطلاعات ارزنده‌ای ارائه شده است و ما در این معرفی از آن بسیار استفاده کردیم. مرحوم مجتبی مینوی نیز مقاله‌ای در باره‌ جوامع العلوم نوشته که در نامه‌ مینوی (ص ۱۴۸-۱۶۲) به چاپ رسیده است.

جوامع العلوم، به نام امیر ابی علی احمد بن محمد بن مظفر تألیف شده که از امراء خاندان آل محتاج چغانی بوده که در چغانیان ماوراء النهر حکومت داشته‌اند. محمد خان قزوینی در چهار مقاله به تفصیل در باره‌ آنان سخن گفته است.

امیر ابی علی در ۳۲۷ ق به حکومت رسید و در ۳۴۴ ق در وبای ری جان باخت. مؤلف، شاگرد ابو زید احمد بن زید بلخی بوده است، چنانکه در صفحه‌ عنوان و انجنامه نسخه‌ اسکور یال بدین معنا تصریح شده است. و در نسخه‌های ترکیه نیز، نام وی احمد بن زید درج شده است. شخصیتی که در قرن چهارم هجری می‌زیسته و «کتب الأجوبة» را برای ابی علی احمد بن محمد بن مظفر نگاشته، ابو زید احمد بن

۱. تاریخ التراث العربی، المجلد الأول، الجزء الثاني فی التدوین التاريخی: ۲۹۶-۲۹۷.

۲. این جزوه به شماره ۱۱۱۵/۱۰۰ در مخزن کتابهای چاپی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته موجود است.

منابع: ترجمه احصاء العلوم فارابی، حسین خدیو جم: ۱۱؛ تاریخ التراث العربی: المجلد الاول، الجزء الثاني فی التدوین التاريخی، ص ۲۹۶-۲۹۷؛ ترجمه مفاتیح العلوم خوارزمی، خدیو جم: صفحه بیست و یکم؛ دراسات حول جوامع العلوم، حسین خدیو جم؛ فهرس المخطوطات المصوّرة (معهد المخطوطات العربية): الجزء الرابع (المعارف العامة والفنون المتنوعة)، ص ۸۳-۸۴؛ فهرست میکروفیلماهای کتابخانه دانشگاه تهران: ۳۱۴-۳۱۵ و ۸۰۷؛ فهرست نسخه‌های خطی عربی کتابخانه موزه طوقایی سراي: ۵۹۴/۳؛ فهرستواره کتابخانه مینوی: ۱۷۰؛ نشریه نسخه‌های خطی: دفتر ۱۱ و ۱۲، ص ۹۹۵؛ حدیث عشق: ۱۴۳/۲-۱۴۴.

آغاز: بسمله. المقالة الاولى من كتاب جوامع العلوم، اللغة العربية تنقسم الى لفظ وما يصححها: النحو والصرف. الاسماء والصفات وهي مركبة من حروف معجمة ومبنية من أربعة أمثلة: ثنائي، ثلاثي، ورباعي و خماسي. الكلام مركب من اسماء وافعال وادوات. انجم: خداع العقول والحواس... تم الكتاب بحمد الله ومنه والحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد النبي وآله وسلم تسليماً وحسبنا الله ونعم الوكيل.

نسخ کهن، اسحاق بن عبدالله بن ابراهيم بن فواله، ۳۹۳ق، کاتب این نسخه را برای خود کتابت کرده و در انجنامه آورده است: «کتبه لنفسه اسحاق بن عبدالله بن ابراهيم بن الفواله بخطه في رجب سنة ثلاث وتسعين وثلاثمئة. وألفه للامير ابي على احمد بن محمد بن المظفر، شعبي بن فريغون، تلميذ ابي زيد احمد بن زيد البلخي. نسخ من نسخة استدلل باستعجام مواضع منها على أن المعارضة لم يقع بها وعورض بهذا على أصله وأصلح ما أمكن (اصلاحه غير) ما استعجم، فلم يكن اصلاحه على حقيقة منه. والحمد لله رب العالمين وصلى الله على خيرته من خلقه محمد النبي وآله وسلم تسليماً»^۱ عناوين به خط درشت، این نسخه تصحيح و مقابله شده و عبارتهای «بلغت المقابلة» و «عرض على أصله وصح ان شاء الله» در اواخر برخی از فصول آن دیده می شود، نام کتاب و مؤلف در صفحه عنوان چنین درج شده است: «كتاب جوامع العلوم تصنيف شعيا بن فريغون تلميذ ابي زيد احمد بن زيد البلخي، ألفه للأمير ابي على أحمد بن محمد بن المظفر»، یادداشت‌های مختلفی در ابتدای نسخه به چشم می خورد، از جمله: «احمد بن محمد بن عبدالرحمن العسجدی -

۱. این عبارت را حسین خدیو جم خوانده و در ظهر برگ آخر نسخه به خط خود در تیرماه ۱۳۵۰ باز نوشته است.

عفی الله عنه - «فی نوبة محمد بن محمد العثماني سنة ٨٦٣» و«الله عفی، عبدالله بن طاهر وحبسه ع بدمشق المحروسة فی سنة ٦٦٥» و«الله ولی الاعانة، مالک هذا الكتاب المبارك اقل عبدالله محمد الاکنانی» و«الله سبحانه ثقة عبده ولیه محمود بن شهاب بن حسن بن ابی الفتوح... وحبسه» و«بالله یشق عبده حسین بن ابی القاسم بن حسن بن جعفر بن الرزون القرشی وعلیه یتوکل وبه یشتعی». ١٦٤ صفحه، سطور مختلف.

نسخه اصل: کتابخانه اسکوریال در مادرید اسپانیا، نسخه شماره ٩٥٠.
فهرست نسخه‌های خطی عربی اسکوریال، درنبرگ: ج ٢، بخش ٣، ص ٨٢-٨٣.



(١٤٦٤) الحدائق الوردية فی مناقب أئمة الزيدية (ترجم - عربی)

از: حمید بن احمد محلی همدانی (٦٥٢ق).

شیخ الاسلام ابو عبدالله حمید بن احمد محلی تمیمی وادعی همدانی به سال ٥٨٢ ق زاده شد و در روز جمعه دوم رمضان ٦٥٢ به شهادت رسید. وی از دانشمندان و فقهای بزرگ زیدیه بوده و آثاری چند از تألیفاتش به جای مانده، که از این قرار است:

١. الحدائق الوردية فی مناقب أئمة الزيدية.
٢. محاسن الأزهار فی فضل مناقب العترة الأطهار.
٣. عمدة المسترشدين فی اصول الدين.
٤. الثعبان النفاث بهلاك أهل المسائل الثلاث.
٥. الوسيط المفيد الجامع بين الايضاح والعقد الفريد.
٦. النصيحة القاضية لقاتلها بالعيشة الراضية.
٧. نصيحة الولاية الهادية الى سبل النجاة.
٨. الرسالة الكاشفة عن لوازم الامامة لطالب الأمن يوم القيامة.
٩. الحسام البتار فی الرد على القرامطة الکفار.
١٠. أجوبة فقهية.
١١. مناهج الأنظار العاصمة من الأخطار فی العقائد.
١٢. رسالة الى أحد الأشراف يحثه على طلب العلم.
١٣. الرسالة الزاجرة لذوی الحجب عن الغلو فی ائمة الهدی.

کتاب حاضر در بیان حالات و فضائل و تاریخ زندگانی امامان زیدیه است که از حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام شروع شده و به منصور بالله، عبدالله بن حمزه (۶۱۴ ق) ختم می‌شود. و در مجموع شرح حال سی تن از ائمه زیدیه را در دو جلد آورده است. این کتاب به دستور بزرگی تألیف شده که مؤلف از او به عنوان قاضی الأجل الأوحد الاعز الأسعد یاد می‌کند، مقدمه کتاب به روایات مروی در فضائل اهل بیت اختصاص یافته و خاتمه آن شامل اشعار و قصاید مربوط به مدایح ائمه مذکورین در کتاب است. «الحدائق الوردية» منبع مهمی در تاریخ یمن محسوب شده و نسخه‌های خطی فراوانی در کتابخانه‌های یمن و دیگر نقاط عالم دارد. از جمله نسخه‌ای از آن در کتابخانه حاضر به شماره ۶۹۵۸ نگهداری می‌شود.

کتاب مذکور به صورت عکسی از روی نسخه خطی به چاپ رسیده است.

منابع: أعلام المؤلفين الزيدية: ۴۰۷-۴۱۰؛ التراث العربي: ۳۸۲/۲؛ فهرس مخطوطات بعض المكتبات الخاصة في اليمن: ۲۲۷ و ۴۱۳؛ فهرس مخطوطات مكتبة الجامع الكبير صنعاء: ۱۷۶۳/۴-۱۷۶۴؛ فهرس مخطوطات المكتبة الغربية بالجامع الكبير بصنعاء: ۶۶۱؛ طاووس يمانی: ۹۰؛ مصادر التراث اليمني في المتحف البريطاني: ۴۶-۴۹؛ مصادر التراث في المكتبات الخاصة في اليمن: ۱/۴۳، ۲۰۹، ۳۰۱، ۴۰۸، ۴۷۳، ۴۷۶، ۵۱۵، ۵۴۳، ۱۲۱/۲، ۱۲۲، ۱۲۸، ۲۵۰، ۴۵۱، ۵۷۲؛ مصادر الفكر الاسلامي في اليمن: ۴۵۸-۴۵۹؛ مؤلفات الزيدية: ۱/۴۲۰.

نسخه حاضر جلد اول کتاب است.

آغاز: بسملة. الحمد لله الذي أفاض علينا أنوار الهداية وزحزحنا بلطفه عن مدارج الغواية وحمانا بتأييده عن الانخداع بتمويهات أهل الضلالة وألهمنا النظر في البراهين. انجام: قال السيد أبو طالب عليه السلام وروى عن حسين بن زيد بن علي عليه السلام....

نسخ، بدون نام کاتب و بی تاریخ، عناوین اصلی به خط درشت، عناوین فرعی و نشانیها سنگرف، در حاشیه تصحیح شده است و بلاغ مقابله دارد، نام کتاب و مؤلف در صفحه عنوان درج شده و یادداشتهای تملک به تاریخ ۱۱۷۸ و ۱۲۸۸ ق دارد.

۳۱۵ صفحه، ۱۹ سطری.

نسخه اصل: در یکی از کتابخانه‌های شهر صنعاء در یمن محفوظ است.



(ادبیات عرب - عربی و فارسی)

از: سید محمد تقی بن میر سید علی مدنی اصفهانی چهار سوقی (معاصر).
سید محمد تقی مدنی از علمای معاصر در اصفهان، چند کتاب علمی و حوزوی را به
نظم عربی و فارسی در آورده است، از جمله:

۱. مغنی اللیب ابن هشام را مختصر کرده و به عربی و فارسی به نظم کشیده است.
 ۲. المطول تفتازانی را اختصار نموده و به نظم عربی در آورده است.
 ۳. قاموس القرآن سید علی اکبر قرشی که در هفت جلد درباره لغات قرآن بوده، به زبان فارسی به نظم در آورده و تا تاریخ ۸ صفر ۱۴۱۳ ق دو ثلث از آن را به عربی نیز، به نظم کشیده است.
 ۴. وسائل الشیعة شیخ حر عاملی. مجلداتی از آن را به نظم فارسی در آورده و برخی از ابواب فقهی را نیز به نظم عربی آورده است.
 ۵. معالم الأصول، مقداری از اصول و فصول آن را به نظم عربی در آورده است.
 ۶. بحار الانوار علامه مجلسی. جلد اول آن را به نظم فارسی در آورده است.
 ۷. وقایع الایام، را به نظم فارسی و عربی در آورده است.
- همچنین راجع به چهارده معصوم علیهم السلام اشعاری سروده و در باب مواعظ و نصایح نیز اشعاری دارد و کتاب ستاره درخشان در باره آیه تطهیر به نظم فارسی، از وی به چاپ رسیده است.

وی در روز هفتم ماه ذیقعد ۱۴۰۷ شروع به نظم عربی «گزیده مغنی» کرد و در روز پنج شنبه ۱۵ محرم ۱۴۱۳ آن را به پایان رسانید و در ماه صفر ۱۴۱۳ مشغول به نظم فارسی «گزیده مغنی» شد.

ناظم در مقدمه نظم عربی آورده است: «نظر به اینکه گاه گاهی ابواب مغنی را مطالعه می‌کردم و می‌دیدم مطالبی را در هر بابی از این کتاب و گویا مثل این کتاب مانند بوستانی است که در آن انواع گلها و ریاحین پدید آمده و یا مانند باغستانی است که انواع میوه‌ها را در بر گرفته، چون چند جزء از قرآن کریم را برای مطالب اعرابی شاهد آورده، و اشعار عربی که دارای لطائف ادبی بوده نیز شاهد گرفته و بعضی از طلاب نسبت به برخی از ابواب این کتاب یا بی توجه بوده‌اند یا کم توجه، بدین لحاظ این بنده از پروردگار متان خواستار شدم که توفیق به نظم آوردن تمام این کتاب را به من عنایت فرماید و عنایت

فرمود؛ لذا از باب اول تا به آخر مطالب این کتاب را فشرده به نظم آوردم... چون این اشعار کمکی می‌باشد، برای پیشبرد پایه‌های علمی و ادبی سلسله جلیله اهل علم [لازم می‌باشد]. و ناگفته نماند که این منظومه، چه برای کسانی که مغنی را تدریس می‌کنند و یا شروع به خواندن می‌کنند، برای هر دو دسته نافع است.»

زبدة المغنی در سال ۱۴۱۴ ق در قم به چاپ رسیده است.

آغاز: بسمله. حمد له، والصلاة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین... اما بعد، این جانب حاج سید محمد تقی مدنی اصفهانی چهار سوقی...

سهولة لأهل فضل یا أخوا
نظمت من مغنی ممن الی الی
انجام:

که هست چار ز معنا برای آن قربان

یکی است ظرف ز ماضی چهار ز نکته در آن

در پایان این کتاب، این جانب خادم خدام اهل بیت نبوی... از این عمل برکاتی دیده‌ام، برکات مادی و معنوی.

نسخ، به خط مؤلف، ماه صفر ۱۴۱۳، ابیات عربی معرب است، در حواشی برخی صفحات تصحیحاتی از مؤلف به چشم می‌خورد، نام کتاب و مؤلف در صفحه عنوان به خط مؤلف، در ۱۷ ربیع الاول ۱۴۱۳ با یک بیت فارسی ثبت شده است: زبدة المغنی نهادم نام او چونکه اسمائی نمودم جستجو این نسخه عکسی را مؤلف در روز دوشنبه ۹ شعبان ۱۴۱۳، مطابق با ۱۲ بهمن ۱۳۷۱ به کتابخانه حاضر وقف کرده است و یادداشت وقف به خط وی، در صفحه اول درج شده است.

۱۲۴ صفحه، ۱۹ سطری.

نسخه اصل: در کتابخانه شخصی مؤلف.



(۱۴۶۶) جوامع اللذة (پزشکی - عربی)

از: ابو نصر بن علی کاتب طبیب (قرن ۴ ق).

کتاب متوسطی است در علم پزشکی و مسائل و آداب مربوط به روابط جنسی و زناشویی. نام این کتاب به چند نحو ضبط شده است، از جمله: «جوامع اللذات»

و «جامع اللذة» و «جامع اللذات». درباره ضبط نام مؤلف نیز در منابع اختلاف است؛ در صفحه عنوان نسخه حاضر، نام مؤلف به دو صورت ثبت شده است: «ابی نصر بن علی کاتب»، «ابونصر علی بن عبدالصمد الشهیر بالكاتب الطیب» و در كشف الظنون چنین آمده است: «ابی نصر «نصر منصور» بن علی الكاتب الشهير السمانی». آربری در فهرست کتابخانه چستربیتی، وی را ابوالحسن علی بن نصر کاتب معرفی کرده که بعد از قرن چهارم هجری وفات یافته است و در فهرس المخطوطات العربية المصورة دانشگاه کویت مؤلف «ابن سمسانی ابونصر (نصر منصور) بن علی کاتب زنده در قرن ۴ ق» خوانده شده است.

اطلاع بیشتری درباره مؤلف و عصر وی به دست نیامد، جز اینکه در صفحه عنوان نسخه حاضر از او به عنوان «الشیخ العالم الفاضل المتقن العلامة» یاد شده است. و درباره این کتاب، در كشف الظنون آمده است: «هو کتاب کبیر حسن السبک والترتیب».

و دیگر اینکه در کتاب «جمهرة الخطاطین البغدادیین» نامی از ابو نصر محمد بن علی سمسانی کاتب (متوفی ۴۳۴ ق) که از خوشنویسان بوده است، به میان آمده است.^۱

این کتاب دارای بابها و عناوین متعددی است، از جمله: باب اجتذاب مودات النساء، باب السفارة و الرسل، باب قواعد النکاح، باب آداب المحادثة، ما یختاره النساء من أخلاق الرجال، باب آداب المفترش، باب ما یقوی علی الباه، الأغذیة المعینة علی الباه، باب معجونات الباه، الأدوية التي تحبب النساء الی الرجال، باب الأحوال التي یستطاب فیها النکاح، باب وصف الأخذ القبیح والنکاح الشنیع، باب أنواع النکاح، القول فی الخلط، باب فضل الاغتسال و ماجاء فیہ، باب الاحتراس من الحبل، باب تلافی المضار الحادثة من اکثر الباه، باب من الحیل فی الباه وأحواله، باب النقایص و الجوابات، باب من المصحف، باب فی الغیرة، باب فی القيادة، باب فی فضل الثیب علی البکر، باب فی مناكح الحيوانات و ...

مؤلف در لابه لای مطالب کتاب، از سروده‌های خود و دیگر شاعران عرب بسیار نقل می‌کند و در برخی موارد به مسائل فقهی و آداب و مستحبات مربوط به نکاح اشاره می‌کند و نقلهایی از امامان شیعه دارد، از جمله در جایی می‌گوید: «روی عن الزبیر ابن نکازد (بکار)؟ قال حدثنی ابن اَبی اسرائیل المکی، قال: قال لی علی بن موسی الرضا علیه السلام» و در جای دیگر می‌آورد: «روی أبو مزاحم الناقانی عن جعفر بن محمد علیه السلام، قال: یکره الجماع ما بین طلوع الفجر الی طلوع الشمس».

مؤلف در موارد متعدد از جاحظ مطالبی نقل کرده است، از جمله در جایی آورده است: «روی علی بن الحسین الکاتب، قال: حدّثنا جعفر بن قدامة، قال: قال الجاحظ». همچنین از کتابهای طبی مطالبی نقل نموده، از جمله در جایی گفته است: «أما اليونانيون فوجدت كتاباً منسوباً الى انطباس الرومي يشتمل على أكثر المعاني التي تضمنها كتاب هر بربط ابن طمش الهندي، فاقتصر على ايراد ما وجدته...».

منابع: كشف الظنون، ۵۷۱/۱ و ۶۱۱؛ بروکلان، ملحق: ۱/۹۴۶؛ فهرس المخطوطات العربية المصوّرة الموجودة بمكتبة المخطوطات بجامعة الكويت: ۴۲/۲-۴۳.

آغاز: بسمله. باب اجتذاب مودّات النساء؛ اعلم ان النساء لا... الا بموافقتهنّ ولا يبلغ موافقتهنّ الا بمعرفة طاعتهنّ ولا ينال معرفة طاعتهنّ.

انجام: و ذهب نشاطه فلما رأى ذلك، قال: عودى الى عمك وقولى خيراً، تمّ كتاب جوامع اللذة بحمدالله تعالى وعونه وحسن توفيقه.

نسخ معرب زیبا، محمد بن حسن بن عبدالله ابن هلال، ۱۹ رمضان ۷۷۱، عناوین به خط درشت، نام کتاب و مؤلف و کاتب و تاریخ کتابت در ابتدای نسخه ثبت شده است، در اول نسخه کتیبه و شمسۀ مذهبی است که نام کتاب و مؤلف به خط زیبا در آن درج شده و مهر کتابخانه خدیویه مصر و چند یادداشت تملک نیز دیده می شود. ۲۲۵ صفحه، ۱۷ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه چسترییتی در ایرلند، نسخه شماره ۴۶۳۵.

فهرست آربری: ۴۲/۶؛ ترجمه فهرست آربری: ۸۸۸/۲.



(۱۴۶۷) دیوان نجیب الدین جرفاد قانی (شعر - فارسی)

از: ملک الشعراء نجیب الدین جرفادقانی (۶۶۵ ق).

به شماره ۱۲۷۰ رجوع شود.

این نسخه شامل قصائد و ترکیب بند و غزل و رباعی است، مرتب به ترتیب قوافی به حروف هجا، حدود ۱۵۰۰ بیت می باشد.

آغاز نسخه:

ز بس که بر طرف باغ در منشور است

جهان چو افسر خاقان و تخت فغفور است

انجام:

از چرخ کلاه ملک بر فرق تو باد انصاف که قدّ پادشاهی داری
 نسخ، عبرت نائینی، محرم ۱۳۳۷ برای سردار معظم خراسانی، مالک نسخه به
 خط خود برخی از آیات را از روی نسخه دیگر که به دست آورده تصحیح، و آیاتی
 که در این نسخه نبوده در کنار صفحات و در آخر نسخه افزوده، و در حاشیه صفحه
 اول نوشته است. در نسخه دیگر مطلع این قصیده این بیت است:
 بیا که جعد بنفشه چو طره حوراست ز شمع گل همه اطراف باغ پر نور است
 ۱۲۷ صفحه، ۱۳ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه شماره ۱۰۷۹.
 فهرست مجلس، استاد حایری: ۳/۳۲۰-۳۲۲.



(۱۴۶۸) انوار العقول من اشعار وصی الرسول (ادب - عربی)

از: قطب الدین محمد بن حسین بیهقی کیدری (زنده در ۵۷۶ ق).
 برای توضیحات کتاب‌شناسی به شماره ۱۰۳۵ رجوع شود.^۱ تکرار تصویر شماره
 ۳۴۰ است.^۲
 این نسخه خطبه و مقدمه ارزنده مؤلف را داراست و کتابت آن منسوب به یاقوت
 مستعصمی است.

أغاز: الحمد لله الذی دانت لعزته الجبابة وتضععت دون عظمته الأکاسرة وأتضحت
 الأعلام... قال أمير المؤمنين وامام المتقين ووصی رسول رب العالمین... قافية الهمزة:
 الناس من جهة التمثال اکفاء أبوهم آدم والأُم حواء
 انجام:

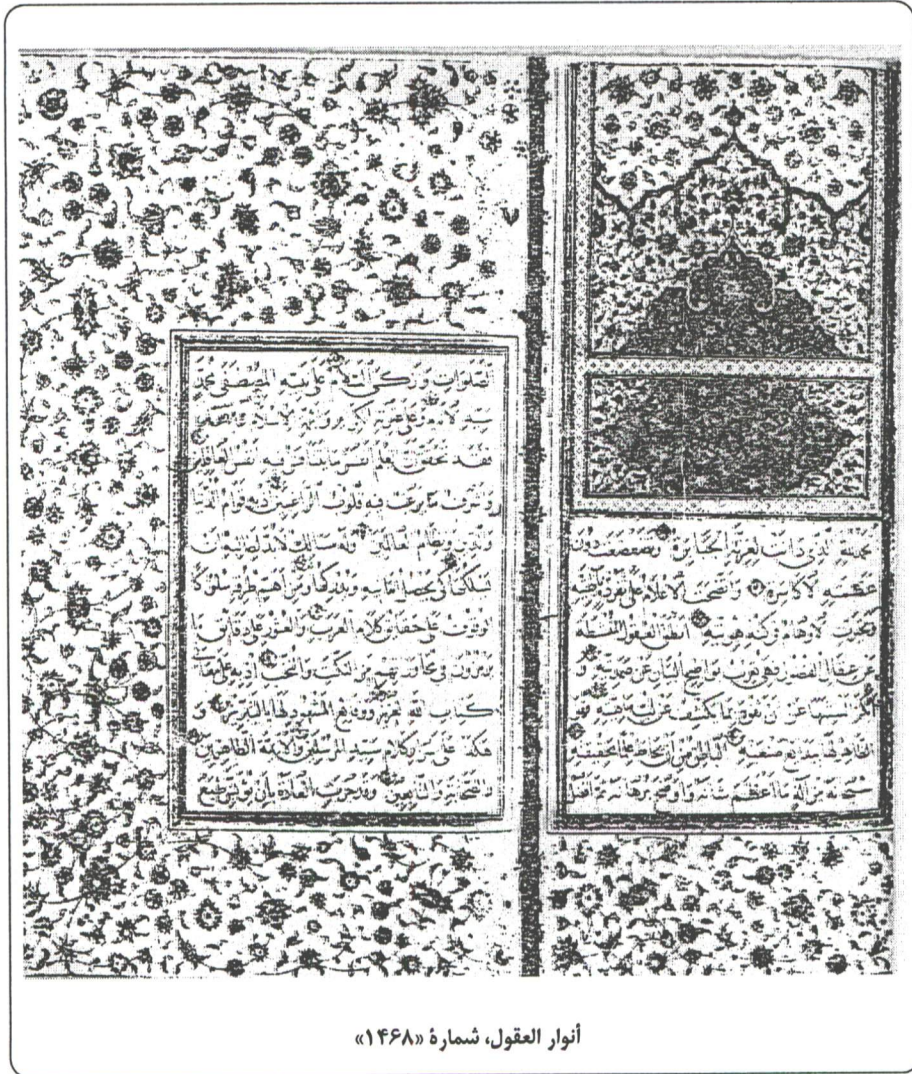
ولکننا اذا متنا بعثنا ونسأل بعده عن کل شیء
 هذا ما اكدى اليه كدى وأدى اليه جهدى من التقاط هذه الدرر الفريدة... تمت وطابت
 يا ليتها زادت... والحمد لله وحده العزيز.
 نسخ معرب زیبا، بر روی صفحه عنوان آمده است: «کتاب دیوان میمنت نشان

۱. فصلنامه میراث شهاب، شماره ۳۳-۳۴، ص ۸۴-۸۶

۲. فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیت الله مرعشی: ۳۰/۱-۳۰.

حضرت علی بی ابی طالب علیه السلام، خط یاقوت مستعصمی «گر چه سبک نسخ شباهت به خط یاقوت دارد، ولی احتمال می رود که کار یکی از شاگردان یا پیروان او باشد، تمامی صفحات مجدول، صفحه آغاز دیوان دارای سرلوح مزدوج مذهب و در حاشیه دو صفحه اول نقش گل و بوته دیده می شود، عناوین به خط درشت. ۲۸۵ صفحه، ۱۱ سطری.

نسخه اصل: در کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، شماره OR7534.



أنوار العقول، شماره «۱۴۶۸»

(شعر - فارسی)

(۱۴۶۹) دیوان قضایی یزدی

از: عبدالرحیم قضایی یزدی (۱۲۵۳ ق).

دیوان اشعار عبدالرحیم یزدی، متخلص به قضایی است - که در برخی منابع او را همدانی دانسته‌اند - شامل:

- قصاید (از صفحه ۱ تا ۸۰)، مرتب شده بر حسب ترتیب الفبایی آخر قوافی از الف تا یاء.
- غزلیات (از صفحه ۸۱ تا ۱۹۱)، مرتب شده بر حسب ترتیب تهجی آخر قوافی از الف تا یاء.

- قطعات (از صفحه ۱۹۱ تا ۲۰۶).

- رباعیات (از صفحه ۲۰۷ تا ۲۱۸).

- مثنوی (از صفحه ۲۱۸ تا ۲۲۰).

نسخه‌ای دیگر از این دیوان به شماره ۱۴۰۱ گذشت.

منابع: الذریعه: ۸۸۳/۹؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی: ۲۴۸۳/۳؛ فهرست آستان قدس

رضوی: ۴۸۹/۷؛ فهرست دانشگاه تهران: ۲۴۹۳/۱۱.

آغاز:

به نام آنکه ز دربانی علو و علا نه منتها به درش راه جسته نه مبدا
بهر نظر که گمان می‌بری از آن پنهان ولی بهر چه نظر می‌کنی در آن پیدا

انجام:

تا رود از عشق سخن در جهان تا بود از حسن به عالم نشان
عشق وی و حسن تو پاینده باد رای وی و رای تو پاینده باد

ستعلیق، بدون نام کاتب و بدون تاریخ، از سده سیزدهم هجری، صفحات
مجدول، در اول قصاید و اول غزلیات سرلوح مزدوج مذهب، در ابتدای نسخه
یادداشتی است بدین عبارت: «هو الله تعالی شأنه العزیز، دیوان مولانا قضایی یزدی
مدت دو سال بود که در خدمت حضرت شیخ المشایخ شیخ محمد حسن بود که
الحق مطاعی لازم الاطاعه است. در شب شنبه نهم شهر ذی‌قعدة الحرام که با اردوی
کیوان شکوه شهر ری وارد دار المؤمنین کاشان شده بودیم و در خانه ایشان مهمان
بودیم، خود یادآور شدند که نزد من است والتفات فرمودند به تاریخ شهر مزبور سنه
۱۲۶۷ قلمی شد».

گویا این تصویر در دست کسی بوده که او این نسخه را با نسخه‌ای دیگر از دیوان
قضایی مقابله کرده و موارد اختلاف را ثبت کرده است.
۲۲۱ صفحه، ۱۰ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه ملی ایران، تهران، نسخه شماره ۱۴۶۹.
فهرست کتابخانه ملی: ۵/۳/۱۵.



(کلام - عربی) تحصیل الایقان فی شرح نظم البرهان فی سمط الایمان (۱۴۷۳)

از: سید حسین بن محمد ابراهیم حسینی قزوینی (۱۲۰۸ ق).
کتاب‌شناسی این اثر در معرفی تصویر شماره ۱۲۰۹ گذشت.
شرح حال و آثار مؤلف را آقای دبیر حاج سید جوادی تنظیم کرده و به ابتدای نسخه
حاضر ضمیمه نموده است.

نسخه حاضر جلد اول کتاب را در بردارد و ادامه آن در شماره ۱۲۰۹ گذشت.
آغاز: بسمله. الحمد لله الذی تفرّد بالقدم وخاض ما سواه فی ظلمات العدم والصلاة
والسلام علی سید ولد آدم المکرّمین بالکرامۃ من ربّ الأکرم وآله الحاوین لمواهب
العلوم... .

بعد اسم الربّ حمدٌ لازمٌ
عند عقل شکر حقّ جازم
الاسم مأخوذ من الوسم وهو العلامة.

انجام نسخه: فی خطبة البیان وتوضیح المدعی يستعلم مفصلاً من الزيارة الجامعة
المروية عن جناب الهادی عليه السلام، فانّ التعمق فی معانیه یشفی العلیل... وبالجملة لا یعلم
سرّ قدرهم ولا منتهی فضلهم أحد الا الذی خلقهم فتبارک الله أحسن الخالقین
والحمد لله ربّ العالمین. ویتلوه مبحث العدل.

نسخ، ظهیر الدین محمد ابراهیم بن نورالدین محمد^۱، متن منظومه به خط نسخ
معرب، نشانها مشکى، در حاشیه تصحیح شده و در پایان بلاغ مقابله دارد، با
حواشی به لفظ «منه رفع الله درجته»، در اول نسخه نام کتاب و مؤلف درج شده و نیز
وقف نامه نسخه به خط و مهر مؤلف در تاریخ شعبان ۱۱۹۸ دیده می‌شود. در
ابتدای نسخه حاضر، رساله‌ای در شرح حال و آثار مؤلف که دبیر حاج سید جوادی

۱. به قرینه نسخه شماره ۱۲۰۹ که ادامه نسخه حاضر است.

آن را تنظیم کرده ضمیمه شده و پسر عمویش سید اسماعیل سید جوادی، مشهور به پژوهی آن را کتابت کرده است. این رساله در ۲۵ صفحه شامل اطلاعات مهمی درباره میر حسینا و تألیفات اوست، میر حسینا جدّ اعلای خاندان حاج سید جوادی بوده است که وصیت کرده ثلث اموالش صرف استنساخ کتابهایش شود و نسخه حاضر نیز طبق وصیت وی استنساخ شده است.

۳۲۶+۲۶ صفحه، ۲۵ سطری.

نسخه اصل: در نزد خاندان مؤلف محفوظ است.



(احکام دینی و اخلاقیات - فارسی)

(۱۴۷۴) الحقایق

از؟:

کتابی است در بیان احکام دینی همچون نماز، روزه، حرمت زنا و لواط و شرب خمر و دروغ. و همچنین ذکر پاره‌ای از مسائل اخلاقی مانند تواضع، حُسن خلق، سخاوت، ستر عیب، حفظ لسان، فضل ذکر الله و... با استفاده از آیات قرآن و احادیث نبوی. مؤلف - که گویا از دانشمندان مسلمان و اهل سنت از اهالی چین بوده است - در مقدمه، آموختن مسائل مورد نیاز را بر مؤمنین واجب دانسته و می‌گوید که: این کتاب را در آموزش مسائل دینی مورد نیاز مؤمنین نگاشته است «برای کسانی که مدرسه‌ها و مجلسها کمتر می‌روند و توفیق می‌نیابند، خاصه از بهر برادرانی که با من شفقتها می‌کنند... که حقوق ایشان را مکافات کنم، این تحف و هدیه از برای ایشان جمع کردم و آن را حقایق نام کردم... و به اختصار انجامیدم تا هیچ کس را بهانه نماند و ملالت نیفزاید و باب باب ساخت آمد...».

کتاب شامل ۲۲ باب، بدین شرح است:

باب ۱. فی العلم.

۲. فی الصلاة.

۳. فی الدعاء.

۴. فی الصوم.

۵. فی التواضع.

۶. فی حُسن الخلق.

۷. فی السخاوة.

۸. فی العقل.

۹. فی ستر العیب.

۱۰. فی حفظ اللسان.

۱۱. فی الزجر عن الغیبة.

۱۲. فی الزجر عن الكذب والخیانة.

۱۳. فی سب المؤمن.

۱۴. فی النمیمة.

۱۵. فی مظالم الناس وایذائهم.

۱۶. فی الوزن بالقسط.

۱۷. فی حرمة توقیر أهل البدعة.

۱۸. فی الزجر عن الزنا.

۱۹. فی حق الوالد علی الولد.

۲۰. فی فضل ذکر الله تعالی.

۲۱. فی شارب الخمر.

۲۲. فی الزجر عن اللواطه.

مرحوم دانش پژوه نسخه‌ای از این کتاب را در کتابخانه ملی پاریس به شماره SP2066 دیده و عصر تألیف آن را در سده‌های ششم یا هفتم هجری تخمین زده است. نسخه‌ای دیگر از این کتاب در مسجد دون شه چین نگهداری می‌شود.

منابع: نشریه نسخه‌های خطی: ۲۸۰/۹-۲۸۱ و ۱۰۲۳/۱۲.

آغاز: بسمله. به نام خدای بخشاینده مهربان، الحمدلله رب العالمین فاطر السموات والارضین منشیء الخلاق اجمعین ومصورهم فی أرحام الامهات بألوان الصفات... اما بعد، بدانید ارباب الارباب واحساب واصحاب کساکم الله تعالی لباس التقوی که علم آموختن فریضه است.

انجام: و آنچه رأی ایشان به حاصل آید. اللهم اغفر لنا ولوالدینا ولاستادینا ولمن قرأ فیہ ولمن نظر فیہ ولمن سمع فیہ برحمتک یا أرحم الراحمین.

نسخ، بدون نام کاتب و بی تاریخ، نشانیها مشکئی، در مواردی اعراب گزاری شده

و در بین سطور برخی کلمات به عربی یا به زبان چینی ترجمه شده است، این نسخه باید به خط کاتبی چینی باشد.

۲۶۷ صفحه، ۱۵ سطری.

نسخه اصل: در یکی از کتابخانه‌های چین نگهداری می‌شود.



(موضوعات متنوع - عربی)

زهرة الحياة الدنيا (۱۴۷۵)

از: محمد مؤمن بن محمد قاسم شیرازی جزایری (بعد از ۱۳۰۱ ق).

محمد مؤمن شیرازی ادیب، سخن دان، شاعر، طبیب، ریاضی دان، مورخ و رجالی سده دوازدهم هجری که در روز شنبه ۱۷ رجب ۱۰۷۴ در شیراز دیده به جهان گشود. دانشهای گوناگون را از محضر اساتید بزرگ فرا گرفت، صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع را از سید محمد قاسم حسینی آموخت، در لغت و فقه و اصول به درس زین العابدین انصاری حاضر گشت و علم کلام و حکمت الهیه و تفسیر و علوم ریاضی و منطق را از محمد اسماعیل فسوی استفاده نمود. و در علم حدیث و حکمت، سالها شاگردی علامه شاه محمد اصطهباناتی را نمود و علم طب را از طبیب حاذق محمد هادی فرا گرفت.

محمد مؤمن شیرازی دارای نثری بدیع و روان و نظمی عالی و تحسین برانگیز بوده، و در تألیف و تصنیف نیز دستی داشته، و قریب به ۴۰ کتاب و رساله از خود به جای گذاشت. شرح حال وی در امل الآمل و الکواکب المنتشرة^۱ و زندگی خود نوشت وی «زهرة الحياة الدنيا» آمده است.

مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی^(ره) نیز رساله‌ای در شرح حال وی نگاشته، موسوم به «کاشفة الحال فی ترجمة مؤلف خزانة الخيال» که در ابتدای خزانه الخيال محمد مؤمن شیرازی به چاپ رسیده است.

زهرة الحياة الدنيا شرح زندگی علمی آن ادیب سخن پرور است، که مجلس پنجم از مجالس هفت گانه کتاب مفصل او، به نام مجالس الأخبار و مجالس الأخیار را تشکیل می‌دهد. شیرازی مجموعه‌ای کشکول مانند دارد به نام مجالس الأخبار و مجالس الأخیار در هفت جلد که هر جلد از آن مجلسی را شامل است و برای هر مجلس نام ویژه‌ای انتخاب کرده است، بدین ترتیب:

۱. الکواکب المنتشرة فی القرن الثاني بعد العشرة: ۷۴۸-۷۵۰.

مجلس اول: «معارض القدس» در تاریخ انبیا.
 مجلس دوم: «تحفة الابرار» در مناقب ائمه علیهم السلام.
 مجلس سوم: «بحر المعارف» در اصول پادشاهان.
 مجلس چهارم: «ربیع الابرار» در اصول اولیا و علما و شعرا.
 مجلس پنجم: «زهرة الحیاة الدنیا» در حالات مؤلف.
 مجلس ششم: «روح الجنان» در شرح سبب حدیث.
 مجلس هفتم: «لطائف الظرائف» در فوائد متفرقه از انواع علوم و فنون.
 تألیف این اثر از سال ۱۱۰۲ تا ۱۱۰۹ ق هفت سال به طول انجامیده و مؤلف در ایام حضورش در هند، این کتاب را نگاشته است.

زهرة الحیاة الدنیا جلد پنجم از کتاب مذکور است که در ذیل جلد چهارم - که در احوالات علما و شعرا بود - به بیان حالات مؤلف اختصاص دارد و شامل یک مقدمه و هشت جنت و یک خاتمه است، و مؤلف در ۳۱ سالگی به سال ۱۱۰۶ ق مشغول تألیف آن بوده است.

شیرازی در مقدمه، شرح حال خود را از بدو تولد تا زمان تألیف این اثر باز گفته و سیر تحصیلی و اساتید خود را معرفی کرده است. فهرست جنت‌های هشت گانه کتاب:

- جنت اول: قصائد مؤلف.
- جنت دوم: در ذکر ابیاتی که کمتر از ۹ بیت است.
- جنت سوم: در احاجی و ابیات مشکله.
- جنت چهارم: الغاز وامثال و اقران.
- جنت پنجم: در مغالطات.
- جنت ششم: در مراسلات.
- جنت هفتم: در مطالب علمیه.
- جنت هشتم: سوانح موهبیه مؤلف.
- خاتمه: در ایراد نصایح.

نسخه‌هایی از زهرة الحیاة الدنیا در کتابخانه‌های آستان قدس رضوی، ملی ملک، مجلس و مدرسه صدر بابل^۱ موجود است.

۱. فهرست کتابخانه ملک، ج ۵، ش ۲۱۳۴؛ فهرست مجلس، ج ۲۵، ص ۱۹۰-۱۹۱، ش ۷۱۹۰.

بخشهایی از این کتاب را در مجله پیام حوزه (شماره پیاپی ۷) و میراث اسلامی ایران (دفتر سوم) به چاپ رساندم.

منابع: الذریعه: ۷۳/۱۲ و ۳۵۷/۱۹؛ الكواكب المنتشرة فى القرن الثانى بعد العشرة: ۷۴۸-۷۵۰؛ میراث اسلامی ایران، دفتر سوم: ۸۴۹-۸۵۲.
نسخه حاضر از آغاز افتاده است.

آغاز نسخه: مثلاً ومنها ما حکى انّ صبيحاً، قال: الحسن بن وهب ما تصحيف كلبى... وبعد فيقول أحقر الخليفة... أتى لما خصصت المجلد الرابع من هذا الكتاب المسمى بمجالس الأخبار ومجالس الأخيار بذكر العلماء والشعراء ومن والاهم كنت أحببت أن أذيله بذكر نبذ من أحوالى وأبث فيه شيئاً من نوابى وأهوالى وأورد بعضاً من سوانحى ونتائج فكرى.

انجام: تيسرلى فى المجلد الخامس من مجلّدات كتاب مجالس الاخبار ومجالس الأخيار جمعه مع تفرّق البال... انه ولّى ذلك والحمد لله أولاً وآخراً وصلى الله على محمد وآله وسلم تسليماً كثيراً.

نسخ زيبا، محمد باقر بن محمد قادر بن عبدالغفار اويسى ملتانى، جمعه ۲۵ محرم ۱۱۱۱، تمامی صفحات مجدول محرّر مذهب، عناوين شنكرف، با حواشى به لفظ «منه عفى عنه»، در چند جای نسخه تملك و مهر محمد مكى از احفاد شهيد اول به تاريخ ۱۱۵۵ و ۱۱۶۴ ق دیده مى شود.
۸۹۲ صفحه، ۱۹ سطرى.

نسخه اصل: كتابخانه مدرسه خاتم الانبياء (صدر)، بابل، ايران، نسخه شماره ۱۴۹.
فهرست نسخه‌های خطی مدرسه خاتم الانبياء بابل: ۱۰۱-۱۰۲.



(رجال اهل سنت - عربى) المقتنى فى سرد التكنى (۱۴۷۶)

از: شمس الدين محمد بن احمد ذهبى شافعى (۷۴۸ ق).
در این کتاب از کنیه‌هایی که در آغاز آنها «اب» یا «ام» است گفتگو شده و از روى الكنى نسایى و ابو احمد حاکم که در چهارده سفر است، نوشته شده است، چرا که دو کتاب مذکور ترتیبی نداشتند و ذهبى آنها را مرتب کرده و کنیه‌های «ام» را هم که در آنها نبوده، بر آن افزوده است. حاجى خلیفه در كشف الظنون پایان تألیف «المقتنى» را سال ۷۳۷ ق

نوشته و گفته است که سقافسی در همین سال، کتاب را در نزد مؤلف خوانده و جزئی در کنی نساء بر آن افزوده است.^۱

در نسخه دار الکتب قاهره به خط سقافسی چنین ثبت شده است: «بلغت مقابلة وقراءة البعض بلفظی والبعض بلفظ وصنعة شيخنا شمس الدين الذهبي فسح الله في مدته يوم الخميس الخامس والعشرين من شهر الحجة سنة ۷۳۷ وكتبه محمد بن محمد السقافسی».^۲

ذهبی در مقدمه خود، این کتاب را چنین معرفی کرده است: «فهذا مؤلف تمس اليه أعظم الحاجة في معرفة الكنى، فانّ الناس أقسام، منهم من اسمه كنيته، أو لا يعرف بغير كنية، ومنهم من اشتهر بالكنية وخفى اسمه، ومنهم بالضد من اشتهر باسمه أو نسبه وخفيت كنيته، ومنهم من شهر بالأمرين ومنهم من لا يعرف سواء سمي أم كنى. وقد جمع الحفاظ في الكنى كتباً كثيرة، و من أجلها وأطولها كتاب النسائي، ثم جاء من بعده أبو أحمد الحاكم، فزاد وأفاد، وحرر وأجاد، وعمل ذلك في أربعة عشر سفرأ، يجيء بالخط الرفيع خمسة أسفار أو نحوها، ولكنه يتعب الكشف منه لعدم مراعاته ترتيب الكنى على المعجم، فرتبه واختصرته وزدته وسهله...».^۳

نسخه‌های شناخته شده از المقتنی:

۱. دارالکتب قاهره، نسخه شماره ۲۰۷۸۶ که یادداشتی از سقافسی در تاریخ ۷۳۷ ق دارد.^۴

۲. معهد المخطوطات مدرسه احمدیه حلب، نسخه شماره ۳۲۸، به خط سبط ابن عجمی در ۷۸۶ ق.

۳. کتابخانه سلطنتی برلین، نسخه شماره ۹۹۴۲ کتابت در ۱۱۳۲ ق.^۵

۴. کتابخانه سید محمد مشکوة اهدایی به دانشگاه تهران، نسخه شماره ۱۱۵۶، به خط عمران بن عامری از هری مالکی در ۱۰۹۰ ق.^۶

۱. كشف الظنون: ۱۷۹۴/۲.

۲. فهرست المخطوطات، فؤاد سید: ۹۴/۳.

۳. المقتنی فی سرد الكنى: ۱۶/۱.

۴. فهرست المخطوطات، فؤاد سید: ۹۴/۳.

۵. فهرست المخطوطات العربية بالمكتبة الملكية فی برلین: ۳۹۴/۹.

۶. فهرست دانشگاه تهران: ۲۳۶۰/۶-۲۳۶۱.

۵. کتابخانه اوقاف بغداد، نسخه شماره ۹۷۲ تاریخ، به خط ابراهیم بن عبدالرحیم حلبی در ۱۳۰۵ ق^۱.

چاپهای المقتنی:

۱. تحقیق محمد صالح عبدالعزیز مراد، مدینه منوره، الجامعة الاسلامیة، ۱۴۰۸ ق،

۲ جلد در یک مجلد^۲.

۲. تحقیق ایمن صالح شعبان، بیروت لبنان، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ ق، ۲ جلد.

منابع: دلیل مؤلفات الحدیث الشریف المطبوعه: ۲۳۱/۱؛ الفهرس الشامل للتراث العربی الاسلامی المخطوط، الحدیث النبوی الشریف وعلومه ورجاله: ۱۵۵۵/۳؛ فهرست المخطوطات، فؤاد سید، ۹۴/۳؛ کشف الظنون، ۱۷۹۴/۲؛ مقدمه ایمن صالح شعبان بر المقتنی.

نسخه حاضر برگهای آغازین کتاب را در بردارد و تا ابتدای باب الزاء را شامل است که در نسخه چاپ لبنان (ج ۱، ص ۲۷۹) می‌شود.

آغاز: بسمله. وصلى الله على سيدنا محمد وآله، الحمد لله الذى لم يتخذ ولداً ولم يكن له شريك فى الملك أبداً وأشهد أن لا اله الا الله وحده الهاً صمداً.

انجام نسخه: حرف الزای أبو زائد أو زید عن ابن مسعود فى الوضوء بالنبيذ... أبو الزاعرا عمرو بن عمرو أو ابن عامر الجشمى عن عمه.

نسخ، عمران بن عامر ازهری مالکی، یکشنبه ۲۲ شوال ۱۰۹۰، تمامی صفحات مجدول، عناوین شنگرف، رساله اول مجموعه است.

۱۸ صفحه، ۲۹ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه دانشگاه تهران، نسخه شماره ۱۱۵۶ رساله اول مجموعه.

فهرست دانشگاه تهران: ۲۳۶۰-۲۳۶۱.



(فقه و اصول - عربی)

(۱۴۷۷) عوائد الأيام وقوائد الأنام

از: ملا غلامرضا بن محمد علی آرانى كاشانى (۱۲۶۵ ق).

شرح حال و ذکر آثار مؤلف را در معرفی رساله هلالیه وی به شماره ۱۰۷۷ آورده‌ایم. در کتاب حاضر قواعد اصولی و مسائل فقهی مرتبط با دو مسأله مهم فقهی را در پانزده

۱. فهرس المخطوطات العربیة فى مكتبة الأوقاف العامة فى بغداد: ۲۶۳/۴.

۲. دلیل مؤلفات الحدیث الشریف المطبوعه: ۲۳۱/۱.

«عائده» دارای فصول و مطالب متعدد، بیان کرده است.

این کتاب در دو جلد تنظیم شده، جلد اول دارای ۹ «عائده» و جلد دوم شامل ۶ «عائده» است. تألیف این اثر در صبح روز جمعه ۹ رجب ۱۲۳۶ به انجام رسیده است، مؤلف در این هنگام ۴۳ سال و هفت ماه از عمرش سپری شده بود.

مؤلف در این کتاب به طور مفصل و استدلالی پیرامون دو مسأله مهم و مشکل فقهی بحث می کند و قواعد اصولی و مطالب فقهی مرتبط با این دو را مطرح می نماید:

۱. انّ عبادة الصبي شرعية أو تمرينية؟

۲. انّ الفاصلة بين أجزاء الصيغة سيّما صيغة المناكحة، هل هي مبطلّة لها أو غير

مبطلّة بها؟

در مقدمه، راجع به موضوع کتاب و نام آن چنین آمده است: «و هذه الجملة مشتملة على مسألتين معضلتين من المسائل الفقهية وهما انّ عبادة الصبي شرعية أو تمرينية وانّ الفاصلة بين أجزاء الصيغة سيّما صيغة المناكحة، هل هي مبطلّة لها أو غير مبطلّة بها وفي الحقيقة ما ذكرته فيها من المسائل الأصولية أو الكلامية مما توقّف عليها هاتان المسألتان، فهي ملققة من العلمين غير مختصة باحدى القبيلتين. وان كانت العمدة في النظر حلّ تينك المسألتين وسميتها عوايد الأيام وقوايد الأنام في علمي الفقه والأصول لشريعة الرسول - صلوات الله عليه وآله، مادام للشمس طلوع وأقول وللأذهان ذكر وغفول - ولعمري أنّها فرايد الدهر وقوايد العصر... ثمّ انّ كتابنا هذا مصدرة المباحث بالعوايد المعدودة والقوايد المألوفة...».

پس از آن فهرست تفصیلی عوايد پانزده گانه کتاب آمده است، عناوين عوايد جلد

اول چنین است:

العائدة الاولى: في انّ المندوب ليس بتكليف.

العائدة الثانية: في انّ الأمر بالأمر بالشىء، هل يكون أمراً بذلك الشىء أم لا؟

العائدة الثالثة: في بيان حال دليل آخره وجدناه على القول بأنّ الأمر بالأمر للثالث.

العائدة الرابعة: في أنّ العبد يستحق الثواب بالطاعة والعقاب بالمعصية (وهي مسأله

كلامية).

العائدة الخامسة: في مبحث اللطف، در ۷ مقصد.

العائدة السادسة: في أنّ القيد يرجع الى القيد الأخير من المتعدد.

العائدة السابعة: فى تفصيل انّ الصلة تابع للموصول وغير تابع له كذلك... .
العائدة الثامنة: فى فساد مثال ذكره المحقق البهبهاني رحمته الله لورود المطلق فى طى
حكم غيره.

العائدة التاسعة: فى أنّ عبادة الصبى شرعية أم لا؟ شامل ١٠ مطلب و ٢ تميم و ١
اكمال.

العائدة العاشرة: فى ذكر مجمل من الاختلاف فى جواز اخراج أكثر أفراد العام
بالتخصيص، شامل ٣ فايده.
عناوين عوايد جلد دوم:

العائدة الحادية عشر: فى حكم استثناء الأكثر والمساوى من أنّه يجوز أم لا وبيان ما
هو الحقّ فيه، شامل ٣ مقام و ٢ تميم و ١ اكمال در دو تذنيب.

العائدة الثانية عشر: فى أنّه هل يجوز اخراج الأكثر فى غير الاستثناء من المخصصات
المتصلة؟

العائدة الثالثة عشر: فى بيان حقيقة التمسك بأية: ﴿يا أيها الذين آمنوا اوفوا بالعقود﴾،
على لزوم الوفاء بالعقد، إذا شكّ فى فرد من افراد.

العائدة الرابعة عشر: فى بيان حكم الفصل بين ايجاب النكاح وقبوله.

العائدة الخامسة عشر: فى بيان ردّ الاشكالات الخمسة، التى ذكرناها سابقاً على
الصيغة الصادرة بالعنوان المذكور فى أوّل العائدة السابعة.

مؤلف در پایان کتاب از زلزله‌ای که ۱۲ روز قبل از تولدش به سال ۱۱۹۲ ق در کاشان
اتفاق افتاده، یاد کرده است.

در اوّل نسخه تقریظ یکی از علما بر این کتاب درج شده، به تاریخ ۱۲۵۱ ق و در آخر
نسخه نیز صورت اجازة ملا محمد جعفر استرآبادی به مؤلف دیده می‌شود.

نسخه حاضر کامل است و جلد اول و دوم کتاب را در بردارد.

آغاز: بسمله. نحمدك اللهم بدليلك خصصتنا من بين المطلّين بقيد معلوم مضمون
الكتاب والسنة وبتبيانك أخبرتنا من المقيدين بأمر مفهوم منطوق الخطاب والحكمة.

انجام: فى ادعاء العموم لمثله، فتأمل وليكن هذا آخر ما أردنا بيانه فى هذا الكتاب،
فإنّ المرجع الكافى فى بيان مسألة هذا الباب... والحمد لله أولاً وآخراً وظاهراً وباطناً
حمداً نعهه ليوم لقائه ذخرأً وأجرأً وخلصاً من الشدائد فيه تماماً وكمالاً.

نسخ، محمدعلی بن حاج ملا محمدحسن بن حاج ابوطالب کاشانی آرائی ۱۲۴۶ ق، به امر مؤلف، عناوین به خط درشت، نشانیها شنگرف، در حاشیه تصحیح شده و حواشی به لفظ «منه دام ظلّه» دارد، در اول نسخه تقریظ یکی از علما به تاریخ ۱۲۵۱ ق و در آخر نسخه صورت اجازه ملا محمد جعفر استرآبادی به مؤلف درج شده است، تعداد ابیات کتاب در اول نسخه ۳۳ هزار بیت، از قرار هر صفحه ۷۵ بیت برآورد شده است.

۶۰۹ صفحه، ۲۵ سطری.

نسخه اصل: در کتابخانه شخصی یکی از ساکنین آران کاشان (گویا آقای میثم نمکی) محفوظ است.



(اصول فقه - عربی)

۱۴۷۸ (الاعراب)

از: ابن حزم اندلسی علی بن احمد بن سعید ظاهری (۴۵۶ ق).

ابن حزم اندلسی (۳۸۴-۴۵۶ ق) فقیه، محدث، فیلسوف، عالم ادیان و مذاهب، ادیب و شاعر و یکی از نام آورترین دانشمندان اسلامی در اندلس که مدتی وزیر المستظهر بالله والمعتد بالله بوده است. شمار نوشته‌های وی در فقه، حدیث، اصول، نحو، لغت، ملل و نحل، تاریخ و نیز ردیه‌هایی که بر مخالفان نوشته به حدود ۴۰۰ مجلد می‌رسیده، و نزدیک به ۵۰ اثر از تألیفات وی به چاپ رسیده است.^۱

ابن حزم نخست پیرو مذهب شافعی و مدافع سرسخت آن بود، اما سپس از آن روی گردان شد و به مذهب ظاهریان، یعنی مذهب داود بن علی بن خلف اصفهانی (۲۷۰ ق) گروید. وی در مذهب ظاهری خود نیز سخت استوار بود و بی باکانه و گستاخانه از آن دفاع می‌کرد و مخالفان را زیر تازیانه نکوهش می‌کشید. وی درباره بنی امیه و فرمانروایان ایشان، از گذشته و معاصران سخت تعصب می‌ورزیده و از دل و جان هوادار و مدافع حاکمیت آنان بوده و ایشان را بر دیگر وابستگان به قریش برتری می‌داد.

ابن حزم در همه نوشته‌های اساسی خود می‌کوشد که از موضع گرایش و مذهب ظاهری خود سخن گوید و از آن دفاع کند. وی در دفاع از مذهب ظاهری، رساله

۱. المعجم الشامل للتراث العربی المطبوع: ۱۸۲/۲-۱۹۵.

مستقلی دارد که در آن مبانی فقهی اهل سنت مانند قیاس، رأی، استحسان را رد می‌کند.^۱

پیرامون شرح حال، آثار وافکار و نظریات ابن حزم کتابها و مقالات متعددی نوشته‌اند، از جمله:

۱. ابن حزم حیات و عصره، آراؤه و فقهه، محمد ابو زهره، دار الفكر العربی، ۱۳۷۳ ق، ۵۳۶ ص.

۲. ابن حزم الأندلسی حیات و أدبه، الدكتور عبدالکریم خلیفه، بیروت دار العربیة للطباعة والنشر والتوزیع، ۲۷۸ ص.

۳. مدخل «ابن حزم» در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، به قلم شرف الدین خراسانی رحمته الله.

۴. مقاله «ابن حزم» در دوره جدید «دائرة المعارف اسلام» نوشته آرنالدز.

کتاب حاضر که نسخه منحصر به فرد آن در کتابخانه چستربیتی نگهداری می‌شود، در فهرست آربری چنین معرفی شده است:

«الاعراب، ابن حزم، جزء من کتاب یدافع عن المذهب الظاهری و فقهه، تاریخ النسخ: ۱۸ جمادی الاولی ۷۶۱، لم تظهر نسخة أخرى من المخطوطة، نقلت هذه النسخة عن اخرى مورخة ۵۶۰ هـ، ومقارنة مع النسخة الأصلية للمؤلف، وتشتمل على اشارة تفيد ان الكتاب يسمى أيضاً «الاشارة» وان الجزء المتبقى قد أكمله المؤلف فى رمضان ۴۴۵ هـ»^۲.
نامی از این کتاب در منابع کهن به میان نیامده است و ذهبی نیز در سیر اعلام النبلاء، با اینکه شرح حال و آثار ابن حزم را به تفصیل ذکر کرده^۳، به آن اشاره‌ای نکرده است.

این کتاب در صفحه عنوان نسخه چستربیتی چنین معرفی شده است: «هذا مفرد فيه الجزء الثانى من كتاب الاعراب من تأليف الشيخ الامام الحافظ... الوزير الشهير أبى محمد على بن أحمد بن سعيد بن حزم الظاهرى الأندلسى رحمته الله».

در این اثر مباحث مختلف فقهی و اصولی به صورت استدلالی با استفاده از آیات و روایات و اقوال فقهای اهل سنت مطرح شده است.

در نسخه چستربیتی، پس از اتمام بخش موجود از کتاب الاعراب، بحثی درباره

۱ و ۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ۳۴۵/۳-۳۵۶.

۳. فهرس المخطوطات العربیة فى مكتبة تشستربیتی، آربری، ترجمه دكتور محمود شاکر سعید: ۲۸۰/۱.

۴. سیر اعلام النبلاء: ۲۱۲-۱۸۴/۱۸.

تقلید از کتاب الاعراب به صورت مستقل در ۹ صفحه درج شده است و در ابتدای آن آمده است:

«... ما وقفت عليه من هذا الكتاب وقد رأيت على جزء من نسخة من كتاب الأحكام وهو الثالث قوبل بنسخة الامام أبي العباس الفتح بن ابى رافع الفضل بن أبى محمد على بن احمد بن سعيد بن حزم -رضى الله عنهم -، فألقيت فى آخر الجزء المذكور فصلاً من كتاب الاعراب اثبته مطالعة ولينفع الله تعالى به من شاء...».

منابع: الأعلام، زرکلی: ۲۵۴/۴-۲۵۵؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامى: ۳/۳۴۵-۳۵۶؛ سير أعلام النبلاء: ۱۸/۱۸۴-۲۱۲؛ المعجم الشامل للتراث العربى المطبوع: ۲/۱۸۲-۱۹۵؛ هدية العارفين: ۱/۶۹۰-۶۹۱.

آغاز نسخه: بسمله. صلى الله على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه وسلم، قال الشيخ الامام الحافظ الشهير الوزير... ابن حزم الأندلسى رحمته الله: القول على طرف يسير من تناقضهم فى العموم والخصوص فى القرآن والسنن، قال الله تعالى: «واستشهدوا شهيدين من رجالكم فان لم يكونا رجلين فرجل وامرأتان ممن ترضون من الشهداء». انجام نسخه: قال أبو محمد -رحمه الله تعالى - قد ذكرنا من تناقضهم فى القياس، كما وعدنا بحول الله تعالى وقوته كما فيه كفاية لمن نصح نفسه وبالله لو تتبعناه لكان أضعاف ما ذكرنا. وبالجملة فما يسلم لهم قياس أصلاً من تركهم لمثله فى تلك المسألة نفسها أو تركهم لأقوى منه وبالله تعالى التوفيق... هنا تم هذا الجزء المبارك....

نسخ، برخی از کلمات معرب، بدون نام کاتب، ۷۶۱ ق از روی نسخه مورخ ۵۶۰ ق، در صفحه عنوان یادداشت ناخوانایی بدین مضمون دیده می شود: «منه نسخه لنفسه... لمالکه بحسن الخاتمة ابراهيم الشهير بالبدر شتکی؟ لطف الله تعالى به». همچنین در این صفحه نام کتاب و مؤلف درج شده و آمده است: «علقت هذا الأصل من نسخة كان فى آخرها ما هذا نصه: بلغت المعارضة بأصل المؤلف رحمته الله بخطه ومنه نسخ والحمد لله... أقول: قد رأيت الأصل الذى أتممت منه كتب هذا السفر ترجمة بغير الأصل وهى هذ الجزء الأول من كتاب الاشارة وعلى الاعلى الاعتماد والله تعالى أعلم...»، انجامه: «هنا تمّ هذا الجزء المبارك والله تعالى الحمد وبه جلّ وعلا وكان فى آخره ما هذا نصّه: تمّ الجزء الأول والحمد لله ربّ العالمين وصلواته على سيدنا محمد خاتم النبيين وحسبنا الله ونعم الوكيل ويتلوه فى الثانى

ان شاء الله تعالى طرف يسير من شنع أقوالهم فى الدين لم يتعللوا فى شىء منها لا بقرآن ولا بسنة وفيه بلغت المقابلة بأصل المؤلف بخطه ومنه نسخ، أقول ومنه علقت هذا الأصل الا اليسير فى أوله وصلوات الله تعالى على سيدنا محمد وآله وصحبه وتاريخ الأصل فى المذكور يوم السبت رابع عشر شهر شعبان من سنة ستين وخمسمائة وانتهى تعليق هذا الأصل يوم الأحد ثامن عشر جمادى الأول سنة ٧٦١»، نشانیها مشکى، در حاشیه تصحیح شده است، پس از بخش مذکور از کتاب الاعراب بخشی از الاعراب به صورت مستقل در ٩ صفحه کتابت شده است. ٤٢٩ صفحه، ١٦ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه چستربیتی، دبلین ایرلند جنوبی، نسخه شماره: ٣٤٨٢. فهرست آربری: ٩٩/٢؛ فهرست آربری، ترجمه دکتر محمود شاکر سعید: ٢٨٠/١.



(١٤٨٠) المحيط الأعظم والبحر الخضم فى تاویل كتاب الله العزيز المحکم

(تفسیر عرفانی - عربی)

از: سید رکن الدین حیدر بن علی بن حیدر حسینی آملی (قرن ٨ ق). سید حیدر آملی عارف نامدار شیعی در سال ٧١٩ یا ٧٢٠ ق در آمل به دنیا آمد. نام او حیدر و لقب او رکن الدین و نسب او با هیجده واسطه به امام سجاد علیه السلام می‌رسد. خاندان وی در آمل، سلسله ساداتی متشخص و مشهور و احتمالاً مرتبط با حاکمان آن دیار بوده‌اند. سید حیدر از حدود ده سالگی در آمل شروع به تحصیل نمود و پس از چندی با سفر به خراسان و استرآباد و اصفهان به مدت ٢٠ سال از اساتید آن شهرها بهره برد و پس از آن راهی عراق شد و از تاریخ حدود ٧٥١ ق تا پایان عمر، یعنی سال ٧٨٧ ق یا قدری بیشتر، در نجف و حله و بغداد بوده و سالها در محضر فخرالمحققین به تلمذ پرداخته است. سید حیدر آملی زندگینامه خود نوشتی بر جای نهاده و در آن از توفیقات الهی و مدارجی که طی نموده و اندیشه‌ها و آثار خود به تفصیل سخن گفته است. وی در سال ٧٨١ ق، یعنی در ٦٢ سالگی که می‌خواست نگارش شرح فصوص را آغاز کند، در مقدمه آن آورده است: «در این مدت طولانی سی ساله (که از آمل بیرون آمده و در نجف و حله بوده‌ام) حدود چهل کتاب و رساله به زبان عربی و فارسی نوشته‌ام» و تعدادی از آنها را به ترتیب تاریخ تألیف، یاد کرده است.

برخی از آثار چاپ شده سید حیدر از این قرار است:

۱. جامع الأسرار ومنبع الأنوار.

۲. أسرار الشريعة وأطوار الطريقة وأنوار الحقيقة.

۳. نقد النقود في معرفة الوجود.

۴. نصّ النصوص في شرح الفصوص.

۵. المحيط الأعظم...^۱.

تفسیر المحيط الاعظم که نام کامل آن «المحيط الأعظم والبحر الخضم في تأويل كتاب الله العزيز المحکم» است و در المقدمات من کتاب النصوص آملی از آن به عنوان «المحيط الاعظم والطود الاشم في تأويل كتاب الله العزيز المحکم» یاد شده است^۲، تفسیر عرفانی مفصلی است در ۷ مجلد که در برابر تفسیر نجم دایه موسوم به بحرالحقائق نوشته شده است.

آملی در مقدمات نصّ النصوص درباره این تفسیر می نویسد: «... بعد از تألیف تمامی اینها (۳۵ کتاب و رساله) در این مدت طولانی که بالغ بر سی سال کامل می شود، دست به تألیف کتاب دیگری در تأویل قرآن کریم زدم موسوم به «المحيط الاعظم والطود الاشم في تأويل كتاب الله العزيز المحکم» که در هفت جلد بزرگ نگاشته شده و این کتاب در برابر تأویل شیخ نجم الدین رازی معروف به دایه است، زیرا کتاب او که موسوم به بحرالحقائق ومنبع الدقائق است، مشتمل بر شش جلد بزرگ است و ما نیز خواستیم تفسیری داشته باشیم که از هر لحاظ مانند تفسیر او باشد و لذا به مقتضای حدیث شریف: «انّ للقرآن ظهراً و بطناً و لبطنه الى سبعة ابطن» و نیز به مقتضای اشتمال قرآن کریم بر سبعت معلومه و دیگر دلایل، آن را در هفت مجلد مرتّب کردم و این تفسیر در اکثر کشورها و مناطق جهان مشهور گردید و صورت آن را نزد بزرگان از اهل معرفت و عرفان تحقیق کردیم. و بر آنان معلوم شد که این کتاب خصوصاً از لحاظ اشتمال آن بر علوم قرآنی نظیر و ماندنی ندارد و این چیزی نیست که به کسب و کوشش فراچنگ آمده باشد، بلکه افاضه ای غیبی است

۱. نك: مقاله سید حیدر آملی از رضا استادی در آینه پژوهش، ش ۸۳، ص ۱۱۴-۱۲۷.

۲. المقدمات من كتاب نصّ النصوص، سید حیدر آملی، به اهتمام هنری کرین و عثمان اسماعیل یحیی، تهران، انتشارات توس: ص ۱۳ و ۵۳۶.

که به طریق کشف از حضرت رحمان نصیب من گردیده است»^۱.
 مؤلف مقدّماتی هفتگانه و تفصیلی در آغاز تفسیرش قرار داده که عبارتند از:
 ۱. در بیان تأویل و تفسیر و فرق میان آنها و بیان اینکه تأویل قرآن عقلاً و نقلاً واجب است.

۲. در معرفی کتاب الله کبیر آفاقی و تطبیق آن با کتاب الله قرآنی جمعی.
 ۳. در بیان حروف الهی آفاقی و تطبیق آن با حروف الهی قرآن.
 ۴. در بیان کلمات الهی آفاقی و تطبیق آن با کلمات الهی قرآن.
 ۵. بیان آیات الهی آفاقی و تطبیق آن با آیات الهی قرآن.
 ۶. بیان شریعت و طریقت و حقیقت و بیان اینکه اینها اسماء مترادف و حاکی از حقیقتی واحد، با عبارات مختلف هستند.

۷. در بیان توحید و اقسام آن و مراتب آن از توحید فعلی و وصفی و ذاتی و انحصار آن در توحید الوهی و وجودی و بحثهایی دقیق در این باره و شمه‌ای از اسرار شریعت.
 البته پیش از این هفت مقدمه، سه مقدمه پیشگفتار گونه کوتاه دیگر هست:
 ۱. علت مقدم داشتن مقدمه‌ها بر متن و وجه انحصار آن به هفت.

۲. ویژه بحث در کتب چهارگانه: دو تفسیر (کشاف و مجمع البیان) و دو تأویل (بحرالحقائق نجم دایه و تأویلات عبدالرزاق کاشانی) و اغراضی که هر یک ویژه آنهاست.
 ۳. بیان رسوخ و تعیین راسخان^۲.

سید حیدر پس از درآمدها به متن پرداخته است. این تفسیر در هفت جلد بوده و جلد اول آن در آخر شوال سال ۷۷۷ق، به پایان رسیده است. از هفت جلد مذکور فقط جلد اول - که مشتمل بر مقدّمات مفصل هفتگانه است - و نیز جلد دوم - که مشتمل بر تفسیر و تأویل آیات سوره حمد و قسمتی از آیات سوره بقره می‌باشد - در اختیار است و از پنج جلد دیگر نشانی در دست نیست.

نسخه‌های به جامانده از المحيط الاعظم از این قرار است:

۱. نسخه شماره ۳۰۱ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته که به خط مؤلف در

۱. نک: آن سوی آینه (درآمدی بر تفسیر عرفانی شیخ نجم الدین رازی)، دکتر محمد رضا موحدی:

۱۱۳-۱۱۴.

۲. نک: دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی: ۷۵۲/۱.

شوال ۷۷۷ در نجف اشرف کتابت شده و مشتمل بر جزء اول و دوم که جلد اول شامل مقدمات و جلد دوم تفسیر سوره حمد تا آیه ۴۰ سوره بقره می‌باشد. این نسخه در تملک حاج میرزا ابی طالب قمی (داماد میرزای قمی) بوده که به نوه‌اش، مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا حسن حسینی قمی، مشهور به سیدی رسیده و سپس به کتابخانه حاضر منتقل شده است.^۱ تصویر حاضر از این نسخه برگرفته است.

۲. نسخه‌ای که مرحوم آیت الله حاج سید مصطفی خوانساری از روی نسخه خط مؤلف استنساخ کرده و تصویر آن به شماره ۱۹۲ و ۱۹۳، در کتابخانه حاضر نگهداری می‌شود.^۲

۳- نسخه شماره ۵۷۹ خزانه حیدریه در نجف اشرف که به خط مؤلف در ۷۷۷ ق کتابت شده و جلد اول کتاب را در بردارد.^۳ این نسخه برای تقدیم به خزانه سلطان شاه شجاع کتابت شده است.

بخش باقی مانده از تفسیر المحيط الاعظم براساس نسخه کتابخانه حاضر به همت دانشمند محترم حضرت آقای موسوی تبریزی تحقیق و تصحیح شده و با مقدمه‌ای جامع و سودمند، همراه با فهرس فنی در ۷ جلد به چاپ رسیده است.

منابع: التراث العربی: ۴/۴۷۵-۴۷۶؛ آن سوی آینه، دکتر موحدی: ۱۱۱-۱۱۵؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی: ۱/۷۵۲-۷۵۳؛ الذریعه: ۱۶۱/۲۰؛ فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیت الله مرعشی: ۱/۱۷۵-۱۷۶؛ فهرست مخطوطات خزانه الروضة الحیدریه فی النجف الأشرف: ۲۷-۲۸؛ فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه دانشگاه تهران: ۲/۱۲۰؛ فهرست نسخه‌های خطی آثار سید حیدر آملی در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته: ۲۰-۲۳؛ کشف الفهارس: ۴/۱۴۳-۱۴۴؛ کتاب‌شناسی سید حیدر آملی (مقاله آقای رضا استادی)، آینه پژوهش: ش ۸۳، صص ۱۱۴-۱۲۷؛ مقدمه تصحیح تفسیر المحيط الاعظم.

نسخه حاضر جلد اول و دوم از کتاب را در بر دارد و طرفین آن افتاده است.

۱. التراث العربی: ۴/۴۷۵-۴۷۶؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی: ۱/۳۴۶-۳۴۷؛

فهرست نسخه‌های خطی آثار سید حیدر آملی در کتابخانه آیت الله مرعشی: ۲۰-۲۳.

۲. فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی: ۱/۱۷۵-۱۷۶.

۳. فهرست مخطوطات خزانه الروضة الحیدریه فی النجف الأشرف: ۲۷-۲۸.

آغاز نسخه: ... بلغ منها أن أكتب لهم كتاباً جامعاً للتأويل والتفسير مشحوناً بتلك النحو، بحيث يكون التأويل مطابقاً لأرباب التوحيد وأهل الحقيقة غير خارج عن قاعدة أهل البيت عليهم السلام.
 انجام نسخه: باتخاذكم العجل فتوبوا الى بارئكم... أي انا جعلنا له انساناً كاملاً مستحقاً، بأن يسمى له انساناً... .

تعلیق، به خط مؤلف، در آغاز جلد دوم تاریخ اتمام کتابت جلد اول سلخ سوال ۷۷۷ در نجف اشرف ثبت شده است، عناوین و آیات و نشانیها شنگرف، در حاشیه تصحیح شده متن خط خوردگی دارد و با حواشی به خط مؤلف، در برخی از صفحات کتاب دایره‌های خاصی ترسیم شده با عنوانهای: صورة الدائرة الآفاقية تطبيقاً بالأقطاب والائمة صورة ومعنى بحکم قوله تعالى، دائرة أهل الاسلام وتقسيمهم على ثلاث وسبعين فرقة...، دائرة أهل الكفر وتقسيمهم على ثلاث وسبعين فرقة...، برگهایی از نسخه فرسوده و تعمیر شده است. در نسخه اصل یادداشتی از مرحوم آیت الله مرعشی نجفی درباره کتاب حاضر و مؤلف آن به تاریخ ۱۳۹۱ ق دیده می شود که متن آن در «فهرست نسخه‌های خطی آثار سید حیدر آملی در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی» به چاپ رسیده است^۱، مهر «از کتب موقوفه مرحوم میرزا ابوطالب» در چند جای نسخه دیده می شود.
 ۳۳۱ صفحه، سطور مختلف میانگین ۳۵ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی عليه السلام، نسخه شماره ۳۰۱.

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی عليه السلام: ۱/۳۴۵-۳۴۷.



(۱۴۸۱) تنوير الغبش في فضل السودان والحش
 از: ابن جوزی، ابوالفرج جمال الدین عبدالرحمن بن علی ابن جوزی قرشی بکری
 بغدادی (۵۹۷ ق).

ابن جوزی (ح ۵۱۱-۵۹۷ ق) مورخ، واعظ، مفسر و فقیه حنبلی است که نسبش به محمد بن ابی بکر می رسد. وی در بین سالهای ۵۰۸ - ۵۱۲ ق، در بغداد به دنیا آمد. در

۱. فهرست نسخه‌های خطی آثار سید حیدر آملی در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی: ۲۲-۲۳.

دوران کودکی و نوجوانی در مجالس درس بسیاری از بزرگان علم و ادب حضور یافته و از آنان در علوم متداول زمان اجازه کتبی یا شفاهی اخذ کرده است.

ابن جوزی در جای جای المتظم به ویژه در وفیات آن (ج ۹، ۱۰) بیش از ۷۰ تن و در مشیخه ۸۹ تن (صص ۱۹۷-۲۰۲) از استادان خود را نام می برد که بسیاری از آنان به وی اجازه روایت داده اند.

ابن جوزی پس از رسیدن به مراتب مهمی از دانش و فضل، به خطابه و وعظ، تدریس و تألیف همت گماشت. مجالس وعظ و خطابه های او، سخت مورد استقبال مردم و حاکمان قرار گرفت و او را به شهرت رساند. جز خطابه و وعظ، تدریس بخش مهمی از زندگی او را در بر می گرفت، به طوری که از او استادی بزرگ و مدرسی توانا ساخت، چنانکه خود می گوید: در پنج مدرسه تدریس می کرد، و گروه زیادی در رشته های مختلف علمی از او بهره مند شده و جمعی کتابهایی را نزد او خوانده اند. گروه بی شماری از امامان، حافظان، فقیهان و جز اینان، حدیث از وی شنیده و تصانیفش را بر او خوانده اند. عده ای نیز از او روایت کرده اند که از آن جمله اند: دو فرزندش محیی الدین یوسف و علی ناسخ و نوه اش شمس الدین یوسف، معروف به سبط ابن جوزی.

ابن جوزی با اینکه به عنوان شخصیت ممتاز حنبلیان در روزگار خویش شناخته شده است و معاصران او شوکت و رونق مذهب حنبلی را بر اثر تلاش و شخصیت علمی او می دانسته اند، اما بزرگانی از حنبلیان پس از او، از تصانیف و روش وی اظهار ناخشنودی نموده اند.

ستایشهای ابن جوزی از اهل بیت علیهم السلام، نظیر ذکر فضائل امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و ذکر روایاتی در ستایش از امام حسین علیه السلام و نقل حدیث از برخی امامان معصوم علیهم السلام، بعضی از بزرگان شیعه را بر آن داشته که در باب شیعه بودن ابن جوزی سخن گویند، گر چه پذیرش تشیع وی مشکل است، اما ارادت او را نسبت به امام علی علیه السلام نمی توان انکار کرد.

ابن جوزی صدها کتاب و رساله در دانشهای گوناگون تألیف کرده است؛ شماری از تألیفات وی در موضوعات مختلف، همچون علوم قرآنی، حدیث و رجال، فقه و اصول، وعظ و اخلاق، طب، شعر و لغت، تاریخ و جغرافیا باقی مانده، و بخشی از آثار باقی مانده وی به چاپ رسیده است.

مقام علمی و کثرت تألیفات ابن جوزی، جمعی از محققان را بر آن داشته است که به بحث و استقصای آثار او پردازند. ابن جوزی خود نخستین کسی است که آثار خویش را فهرست کرده است. سید عبدالحمید علوجی کتابی با عنوان مؤلفات ابن جوزی نوشته و در آن به شمارش و طبقه بندی آثار او پرداخته است. وی در این کتاب، ۳۰ اثر چاپی و ۱۳۹ اثر خطی و ۲۳۳ اثر مفقود ابن جوزی را بر اساس منابع بسیار و فهرستهای متعدد کتب خطی معرفی کرده است. این کتاب در سال ۱۳۸۵ ق، در بغداد به چاپ رسیده است. از میان آثار بازمانده ابن جوزی المنتظم و تلبیس ابلیس دارای اهمیت خاصی است.^۱

کتاب حاضر که در ۲۸ باب دارای فصول تنظیم شده است، در بیان فضایل سیاه پوستان و اهالی حبشه است. مؤلف در مقدمه، انگیزه تألیف این اثر را چنین بیان می‌کند: «أما بعد، فإني رأيت جماعة من أختيار الحبشان تنكسر قلوبهم لأجل اسوداد الألوان فاعلمتهم ان الاعتبار بالاحسان لا بالصور الحسان ووضعت لهم هذا الكتاب في ذكر فضل خلق كثير من الحبش والسودان».

ابواب ۲۸ گانه کتاب:

۱. فی ذکر من ینسب الیه السودان.
۲. فی ذکر سبب سواد ألوانهم.
۳. فی ذکر احياء عیسی بن مریم، حام بن نوح.
۴. فی ذکر ممالك السودان من الأرض و سعتها.
۵. فی ذکر فضایل اجتمعت فی طباع السودان.
۶. فی ذکر فضل أشياء خصت بسواد اللون من الحيوانات و النبات و الأحجار.
۷. فی بیان انه لا فضل لأبيض علی أسود، انما الفضل بالتقوی.
۸. فی ذکر من هاجر من الصحابة الی الحبشة.
۹. فی انفاذ قریش الی النجاشی لیسلم الیهم أصحاب رسول الله ﷺ.
۱۰. فی ذکر مکاتبة رسول الله ﷺ النجاشی و اسلامه و اسلام أصحابه.
۱۱. فی ذکر قدوم الحبشة علی رسول الله ﷺ و لعبهم بالجرباب فی المسجد و رسول الله ﷺ ینظر.

۱. این شرح حال برگرفته از دائرة المعارف بزرگ اسلامی است، مدخل «ابن جوزی» به قلم هادی عالم زاده: ج ۳، صص ۲۶۲-۲۷۷.

۱۲. فی ذکر ما جاء من القرآن موافقاً للغة الحبشة.
 ۱۳. فی ذکر ما سمعه رسول الله ﷺ من كلام الحبشة فأعجبه.
 ۱۴. فی ذکر تخصيص الحبشة بالاذان.
 ۱۵. فی ذکر من كان نبياً من السودان.
 ۱۶. فی ذکر كبار ملوك الحبشة.
 ۱۷. فی ذکر أشرف السودان من الصحابة.
 ۱۸. فی ذکر أشرف السوداوات من الصحابيات.
 ۱۹. فی ذکر المبرزين فی العلم من السودان.
 ۲۰. فی ذکر شعرائهم و من تمثل منهم بشعر.
 ۲۱. فی ذکر جماعة من فطناء السودان وأذكيائهم وكرمائمهم.
 ۲۲. فی ذکر المتعبدين منهم والزهاد.
 ۲۳. فی ذکر المتعبدات من نسائهم والفاضلات.
 ۲۴. فی ذکر من كان يؤثر الجوارى السود على البيض و من كان يعشقهن و من مات من عشقهن.
 ۲۵. فی ذکر أبناء الحبشيان من قريش.
 ۲۶. فيه مواعظ و وصايا.
 ۲۷. فيه أذكار و تسبيحات.
 ۲۸. فيه أدعية.
- دو نسخه از این کتاب، در کتابخانه اسکوریال به شماره‌های ۱۷۶۴ و ۱۸۳۵ موجود است و نسخه‌هایی نیز در مکتبه بلدیة اسکندریه و مکتبه رامپور دارد.
- شمس الدین محمد لؤلؤی شافعی، آن را تلخیص کرده و تذکرة الايقاظ نام نهاده است. نسخه‌ای از توير الغيش فی فضائل السودان والحش به زبان ترکی در ترکیه محفوظ است^۱.
- منابع: دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ۲۶۲/۳-۲۷۷؛ کشف الظنون: ۱/۱-۵۰۲-۵۰۳؛ مؤلفات ابن الجوزی: ۸۸؛ مخطوطات العربية فی مکتبه الاسکوریال، ترجمه سیده می‌کنفانی: ۳۳۳ و ۳۸۵-۳۸۶؛ فهرست المخطوطات المصوّرة (معهد المخطوطات العربية)، الجزء الثاني التاريخ: ۱۲۷/۴.
- آغاز: بسمله. رب عوناً، قال الشيخ الامام العالم الحافظ جمال الدين أبوالفرج بن

علی بن محمد بن الجوزی رحمته الله: الحمد لله الذی اختار من جمیع المخلوقات الانسان، ثم اصطفى منه أهل التقی والایمان، ثم جعل محلّ نظره القلوب لا الأبدان.
انجام: اللهم انّی ضعيف فقوّنی، وانّی ذلیل فأعزّنی، وانّی فقیر فاغنّنی؛ تمّ الكتاب بحمدالله و عونه والحمد لله أولاً و آخراً وصلاته علی سیدنا محمد وآله وسلامه.
 نسخ، در برخی موارد معرب، بدون نام کاتب و بی تاریخ، گویا از قرن هفتم هجری، در حاشیه تصحیح شده است، نام کتاب و مؤلف در صفحه عنوان درج شده و یادداشت مطالعه و تملک نیز در این صفحه دیده می‌شود.
 ۲۳۴ صفحه، ۱۲ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه اسکوریال در اسپانیا، نسخه شماره ۱۸۳۵.
 فهرست نسخه‌های خطی عربی اسکوریال، درنبرگ: ۳/۱۱۳؛ مخطوطات العربیة فی مکتبة الاسکوریال، ترجمه سیده می‌کنفانی: ۳۸۵-۳۸۶.



(۱۴۸۳) العقد الثمین فی تبیین احکام الأئمة الهادین (عقاید زیدیه - عربی)
 از: امام المنصور بالله عبدالله بن حمزه حسنی یمنی (۶۱۴ ق).
 امام المنصور بالله عبدالله بن حمزه حسنی یمنی (۵۶۱-۶۱۴ ق) از ائمه زیدیه و دانشمندان بزرگ آنان بوده است که آثار و تألیفات بسیاری نگاشته است. در اعلام المؤلفین الزیدیه بیش از ۸۰ عنوان از تألیفات وی معرفی شده است.^۱ و در مصادر التراث نسخه‌های موجود از آثار وی، در کتابخانه‌های یمن شناسایی شده است.^۲
 کتاب حاضر در اثبات اعتقادات زیدیه و مناقشه با عقاید شیعه امامیه در مسأله امامت و مسائل اعتقادی دیگر همچون بداء، غیبت، عصمت و غیر آن است. مؤلف، موارد اختلاف شیعه با زیدیه را در مسائل مذکور بیان کرده و به ردّ عقاید شیعه پرداخته است. عبدالسلام عباس الوجیه از این کتاب به عنوان «العقد الثمین فی تبیین احکام الأئمة الهادین ورد شبه الروافض الغالین» یاد کرده و نسخه‌های موجود آن را برشمرده و از مهیا بودن آن برای چاپ خبر داده است.^۳ گویا مکتبه دارالایمان در

۱. اعلام المؤلفین الزیدیه: ۵۷۸-۵۸۶؛ مؤلفات الزیدیه: ۲۱۸/۳-۲۲۰.

۲. مصادر التراث فی المکتبات الخاصة فی الیمن: ۶۴۵/۱-۶۴۶ و ۷۵۲/۲-۷۵۵.

۳. اعلام المؤلفین الزیدیه: ۵۸۴؛ مصادر التراث فی المکتبات الخاصة فی الیمن: ۱۸۰/۱، ۵۰۹ و ۳۸۳/۲.

یمن، این کتاب را به چاپ رسانده است^۱.

منابع: الأعلام، زرکلی: ۸۳/۴؛ أعلام المؤلفین الزیدية: ۵۷۸-۵۸۶؛ فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی: ۳۲/۱؛ مؤلفات الزیدية: ۲۶۷/۲؛ مصادر التراث فی المكتبات الخاصة فی اليمن: ۱۸۰/۱، ۵۰۹ و ۳۸۳/۲.

آغاز: بسمله. الحمد لله الذى تعالى عن الضد المنادى وتقدس عن صفة الولد والوالد، القادر العليم السميع الحكيم، الحى القيوم، الذى لا نظير له ولا عدیل... أما بعد، فانّ أولى ما اشتغل به فكر الناظر وكدّت فى ادراك مطلوبه الخواطر علم الاصول الذى هو الأساس لسائر العلوم.

انجام: وكان من دين الله على أعظم زوال وفقنا الله وأياكم لصالح الأعمال وصلى الله على محمد وآله خير آل، والحمد لله أولاً وآخراً، كما هو أهله وحسبنا الله ونعم الوكيل.

نسخ، بدون نام كاتب، ۲۸ ذيقعه ۱۰۶۸، تمامی صفحات مجدول، عناوین به خط درشت، نشانیها مشکى. این نسخه از روی نسخه‌ای مصحح کتابت شده و با آن مقابله شده است، چنانکه در انجامه نسخه آمده است: «وتمت مقابلته بحسب الامکان على نسخة مقابلة على نسخة المؤلف - سلام الله عليه - ضحى يوم الثلاثاء خامس شهر ربيع الآخر من سنة احدى وسبعين وألف من الهجرة بمحروس حصن ذمر مر... قال فى آخر الأم المنسوخة هذه النسخة منها ما لفظه: بلغ معارضة على نسخة عليها مكتوبة بخط الامام عليه السلام، أنه قرأها مرتين وهى مصححة بخطه - سلام الله عليه - وذلك بتاريخ شهر جمادى الآخرة من شهور سنة خمس وثلاثين وستمئة وصلى الله على محمد وآله، انتهى.» در صفحه عنوان نام کتاب و مؤلف ثبت شده و یادداشت استکتاب نسخه چنین آمده است: «مما استكتبه مولانا السيد الأكرم صفى الاسلام والمسلمين وعضد... عين أعيان الآل الأكرمين... أبقاء الله حياةً للاسلام...» و یادداشت مطالعه از حسن السحولى به تاریخ ۱۲ صفر ۱۱۸۱ دیده می‌شود. ۲۱۸ صفحه، ۲۵ سطری.

نسخه اصل: مكتبة سيد محمد بن عبدالعظيم الهادى، يمن، نسخة شماره ۳۷۵.

مصادر التراث فى المكتبات الخاصة فى اليمن: ۵۰۹/۱.



از: قاضی ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن علی اسفراینی عامری شفعوی.
رساله‌ای است دربارهٔ آیات مشتمل بر احکام ناسخ و منسوخ در قرآن کریم، که به ترتیب سوره‌های قرآن، احکام نسخ شده در هر سوره مورد بررسی قرار می‌گیرد. در آغاز این رساله ابواب و فصولی چند در معنای نسخ و حقیقت و احکام و انواع آن آمده است.

مؤلف در مقدمه به اهمیت دانستن ناسخ و منسوخ و سبب تألیف و مآخذ این رساله، چنین اشاره کرده است: «اعلم انّ کلّ من أراد ان یتکلم فی کتاب الله بعد ان یعرفها، فیجب ان یعرف الناسخ من المنسوخ؛ لانه اذا لم يعرف ربّما یحکم بوجوب شیء یكون ذلك منسوخاً وبتحلیل (کذا) شیء یكون كذلك وأجمعوا انّ الاستدلال بالمنسوخ لا یجوز... ثمّ الدلیل علی أنّ فی القرآن أحكاماً منسوخة بأحكام آخر قوله تعالی: ﴿ما ننسخ من آیه أو ننسها نأت بخیر منها أو مثلها﴾، فبین الله تعالی ان آیات من القرآن نسخت عبادات وعبادات أخرى... فللمفسّر ان یعرف أعیان تلك الآیات والأحكام المنسوخة لیصحّ منه الوعظ والاحتجاج...»

انّی لما رأیت المفسرین سلکوا هذا الطریق وخلطوا بعضها ببعض وأوردوا فیها ما لیس منها وخلطوا الاستثناء بالنسخ والنسخ بالاستثناء ألفت هذا الكتاب علی سبیل الاختصار بعون الله وحسن توفیقه لیسهل حفظه علی من أرادہ...

وقد أخرجت هذا من التفاسیر التي سمعتها من الأئمة الثقات؛ فمنها ما سمعتها من الاستاذ الامام أبی اسحاق ابراهیم بن محمد الاسفرانی^۱ وهو یقول من التفاسیر، مثل تفسیر مقاتل بن سلیمان والکلبی و غیرهما؛ ومنها ما سمعتها من الحاکم الامام ابی الحسن علی بن الحسن، المعروف بابن السقاء الحافظ من أئمة الحدیث ومن الأستاذ الامام أبی بکر الحدیثی ومن الشیخ العالم الزاهد أبی بکر محمد بن سعید بن سختویه ومن غیرهم من الأئمة الثقات، لم اعتمد الا بما صحّ عندی بتواتر واستفاضة أو روى فی الصحاح بغير طعن الطاعن.»

شرح حال مؤلف به دست نیامد، احتمالاً از دانشمندان سدهٔ دهم هجری بوده است.

نسخه‌های شناخته شده از این رساله:

۱. الأعلام، زرکلی: ۶۶/۱ (عصام الدین ابراهیم بن محمد اسفراینی متوفی ۹۴۵ق).

۱. مکتبه الأسد الوطنية، نسخه شماره ۶۱۰۱.
۲. مکتبه الأسد الوطنية، نسخه شماره ۹۸۹۶.
۳. مکتبه الأسد الوطنية، نسخه شماره ۱۲۶۶۹.
۴. مکتبه الأسد الوطنية، نسخه شماره ۱۷۳۱۲.
۵. کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله، نسخه شماره ۲۴۳۶۳.
۶. کتابخانه آستان قدس رضوی، نسخه شماره ۱۳۳۹۸، که تصویر حاضر از آن برگرفته است.

نسخه‌های موجود از این کتاب، در آغاز و انجام و در زیادت و نقصان تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند.

منابع: بروکلیمان، ذیل: ۹۸۷/۲؛ التراث العربی: ۲۳۳/۵؛ الفهرس الشامل للتراث العربی الاسلامی المخطوط، علوم القرآن، مخطوطات التفسیر وعلومه: ۸۳۷/۲؛ فهرس المخطوطات العربیة المحفوظة فی مکتبه الأسد الوطنية: ۳۰۶/۵-۳۰۷.

آغاز: بسمله. الحمد لله مستحق الحمد ذاته وصفاته وهدینا لدينه وأكرمنا بأعز الرسل وأجل الكتب... قال القاضي الامام أبو عبدالله محمد بن عبدالله بن علی الاسفرانی رض وعن أسلافه: اعلم ان من أراد أن یکلم فی معانی کتاب الله يجب أن يعرف الناسخ والمنسوخ.

انجام: وفي خمسة الباقية ليس فيهن ناسخ ولا منسوخ، تمت.

نستعلیق، سید محمد عبدالرحمن قادری، جمعه ماه رمضان ۱۳۰۶، در بلده ناگور، عناوین و نشانیها شنگرف، مهر اهدای نسخه از طرف مرحوم حجة الاسلام حاج میرزا اسدالله فاضلی موسوی سبزواری، به کتابخانه آستان قدس در اول نسخه دیده می شود.

۱۰۶ صفحه، ۱۲ سطری.

۱. نسخه اصل: کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد، نسخه شماره ۱۳۳۹۸.
۲. فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی: ۶۹۶/۱۱ - ۶۹۷.



۱. فهرس المخطوطات العربیة المحفوظة فی مکتبه الأسد الوطنية: ۳۰۶/۵-۳۰۷.
 ۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله: ۳۶۱/۱۱ - ۳۶۲.

(۱۴۸۶) حلیة النبى

(مناقب - عربی)

به روایت از امام علی علیه السلام.

نسخه دیگری از این رساله در تصویر شماره ۹۴۱ گذشت که در فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیت الله مرعشی (ج ۲، ص ۴۲۱) معرفی شده است. اضافه بر آن باید گفت: این روایت را محمد بن حسن انصاری از مکحول از ابی هریره از امام علی علیه السلام نقل می‌کند. آغاز: هذه حلیة النبى - صلی الله تعالی علیه و سلم - باسناد صحیح، عن علی - کرم الله وجهه ورضی الله تعالی عنه -، انه قال: سمعت النبى صلی الله تعالی علیه و سلم يقول: ما من عبد مؤمن یکتب صفتی، ثم یضعها فی بیته... أخبرنا محمد بن الحسن الأنصاری - رضی الله تعالی عنه -، عن مکحول وعن ابی هریره - رضی الله تعالی عنه -، انه قال: سألت عن علی - کرم الله وجهه ورضی الله تعالی عنه -، عن صفة رسول الله صلی الله تعالی علیه و سلم، فقال علی - کرم الله وجهه - : یا ابا هریره، ان النبى صلی الله تعالی علیه و سلم رسول رب العالمین.

انجام: وصل علی محمد كما أمرتنا بالصلاة وصل علی محمد، كما ینبغی الصلاة علیه، اللهم صل علی محمد، حتی لا یبقی من صلاتك شیء.

نسخ معرب زیبا، ایوب عارف من تلامیذ علی وصفی، ثم من تلامیذ الحاج محمد هاشم مأمور ضربخانه عامره، تمامی صفحات مجدول، صفحه اول سرلوح مزدوج مذهب، دو صفحه اول طلا اندازی بین سطور دارد، فواصل جملات دایره‌های زرین.

نسخه اصل: امانت خزانه سی (طوب قاپی سرای) ترکیه، نسخه شماره ۱۲۵۱.

فهرست نسخه‌های خطی عربی کتابخانه موزه طوب قاپی سرای استانبول: ۴۱۷/۳.



(۱۴۸۷) سلسلة الذهب فی بیان احوال الرواة

(رجال اهل سنت - عربی)

از: احمد بن عبدالعزیز بن حسین بن حافظ خلیل ایوبی (بعد از ۱۲۸۸ ق).
مؤلف که قاضی قصبه طوبخانه (در نزدیکی استانبول) ^۱ بوده، کتاب حاضر را در شرح اسناد کتاب بخاری و بیان احوال روات احادیث صحیح بخاری نگاشته است. وی از شروح بخاری بهره برده و تألیف کتاب را در ۲۵ ربیع الثانی ۱۲۸۷ شروع نموده و در ۲۰ ربیع الثانی ۱۲۸۸ در محکمه قصبه طوبخانه به پایان رسانده است.

در مقدمه مؤلف آمده است: «... وبعد فيقول الفقير أحمد عبدالعزيز ابن حسين بن حافظ خليل ايوبى في الخامس والعشرين من ربيع الآخر لسنة سبع وثمانين و مئتين وألف، قد كنت مأموراً قاضياً قصبه طوبخانه لما كان قراءة البخاري الشريف موقوفاً على معرفة السندات وحال الرواة ليعلم الحديث أظهر بيان، فشرعت أن أبين حال الرواة من شروح البخارى ولسهول القارى البخارى وذخراً لنا يوم الجزاء مستعيذاً من كل حاسد ولئيم بالله العظيم الجليل، فصنفت بيان الرواة على ترتيب حروف الهجاء وسميته رسالة سلسلة الذهب في بيان أحوال الرواة وأرجو ممن نظر اليه من الفحول أن يقبله بحسن القبول وأن يصلح عمّا وجد فيه من الخطأ والغفول... وذلك في يمن أيام دولة السلطان الأكرم عضد سلاطين الأمم... السلطان العرب والعجم والخاقان، السلطان ابن السلطان ابن السلطان، السلطان عبدالعزيز خان ابن السلطان الغازى محمود خان ابن السلطان الغازى عبدالحميد خان...».

ايوبى در تأليف اين اثر از كتابهاى ذيل استفاده کرده است: شرح البخارى للعينى، شرح البخارى ليوسف افندى زاده، شرح بخارى عينى افندى، شرح بخارى للكرمانى، شرح بخارى قسطلانى، الهداية، در المختار في الوصايا و...
نسخه‌هاى شناخته شده از سلسله الذهب:

۱. مدرسه محموديه در مدينه منوره، نسخه شماره ۱۶۵۳، گویا تصوير حاضر از اين نسخه اخذ شده است.

۲. دار الكتب قاهره، نسخه شماره ۲۱۵ طلعت، به خط مؤلف ۲.

۳. کتابخانه موزه طوپ قاپى سراى استانبول، نسخه شماره M.۴۹۷.۶۵۲۱.۳.
درباره چاپ اين کتاب اطلاعى به دست نيامد.

منابع: الأعلام، زركلى: ۱۵۱/۱؛ عثمانلى مؤلفرى: ۱۹۷/۳؛ الفهرس الشامل للتراث العربى الاسلامى المخطوط، الحديث النبوى وعلومه ورجاله: ۸۹۵/۲.

آغاز: بسملة. الحمدلله الذى هدانا لطريق العلم وهو اهدى السبيل للمؤمنين وأمرنا باتباع القرآن والأحاديث الصحيحة بين المحدثين الموثوقين... باب الألف أبو أيوب خالد بن زيد بن كليب الأنصاري البخاري شهد بداراً والعقبه الثانية.

۱. الفهرس الشامل للتراث العربى الاسلامى المخطوط، الحديث النبوى وعلومه ورجاله: ۸۹۵/۲.
۲. فهرس المخطوطات (دار الكتب المصرية، قسم حماية التراث)، مصطلح الحديث: ۲۳۴-۲۳۵.
۳. فهرست نسخه‌هاى خطى عربى كتابخانه موزه طوپ قاپى سراى: ۵۷۹/۳.

انجام: وخلص أصولنا وفروعنا وأقربائنا وتعلقاتنا واستاذنا وتلميذنا ومشايخنا...، عن يد أفقر العباد وتراب أقدام الطالبين وخادم نعال علماء العاملين الواصلين، أحمد عبدالعزيز ابن حسين بن حافظ خليل مولداً بابا قلعه لى موطناً أيوبى - غفرالله تعالى لنا ولوالدينا -... الحمدلله وفقنا باتمام تأليف المسمى بسلسلة الذهب في بيان حال الرواة في محكمة قسبة طوبخانه في اليوم العشرين من شهر ربيع الآخر، لسنة ثمان وثمانين ومئتين والى من هجرة سيد المرسلين. وليكن آخر كلامنا أشهد أن لا اله إلا الله وأشهد أن محمداً عبده ورسوله.

نسخ زیبای ترکی، تنها انجامه مؤلف در نسخه آمده، ممکن است به خط مؤلف باشد؟ عناوین به خط درشت، نشانیها سنگرف، تمامی صفحات مجدول، صفحه اول سرلوح مزدوج مذهب، در اول نسخه یادداشت وقف بر کتابخانه مدرسه جلیله محمودیه در مدینه منوره، از سید یوسف در ۱۱ رمضان ۱۲۸۹ دیده می‌شود.

۵۶ صفحه، ۲۱ سطر.



(۱۴۸۹) مثالب النواصب (عقاید شیعی - عربی)

از: رشید الدین ابو عبدالله محمد بن علی بن شهر آشوب سروی مازندرانی (۵۸۸ق).
تکرار تصویرهای شماره ۳۱۱، ۳۱۲ و ۳۱۳ است^۱. معرفی این کتاب را در فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه حاضر (ج ۱، صص ۲۷۷-۲۷۹) بخوانید.

از این کتاب، تاکنون دو نسخه شناخته شده است:

۱. نسخه کتابخانه صاحب عبقات در لکهنو هند، کتابت در ۸۴۵ق، تصویر حاضر از روی این نسخه تهیه شده است.
۲. نسخه کتابخانه مدرسه سپهسالار تهران، به شماره ۱۸۴۱ کتابت در قرن نهم هجری، تصویری از این نسخه در کتابخانه حاضر به شماره ۴۳۷ نگهداری می‌شود^۲.

منابع: الذریعه: ۷۶/۱۹؛ فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی: ۲۷۷/۱ - ۲۷۹ و ۳۸۶-۳۸۷؛ فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی: ۸۱/۱ - ۸۲ و ۲۳۰/۲؛ معجم الآثار المخطوطة حول الامام علی عليه السلام: ۲۹۰-۲۹۱.

۱. در شماره‌های پیشین، کتاب به سه قسمت تقسیم شده، ولی در تصویر حاضر کل متن کتاب، به صورت کامل تصویربرداری شده است.

۲. فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی: ۳۸۶-۳۸۷.

کذبت بعد ذلك
 من على العبد محمد بن عبد الله
 السهري قطب الذين
 عيى عهده

كتاب الصوائت والقواصب في مقامات النواصب
 لجليل محمد بن علي بن محمد اشوب المازندراني تقديسه

استعمل في اللغة العربية
 النقي في الدين محمود
 في اللغة العربية
 في اللغة العربية
 في اللغة العربية

وقد كتبت في عمومي حضرت آية الله العظمى آية الله العظمى
 قم ١٣٥٢ هـ

صفحة عنوان مثالب النواصب، شماره «١٤٨٩»

آغاز: بسمله. الحمد لله الذي أظهر الحق ولو كره المشركون وبتين المنهاج لذوى الاحتجاج ولو نبذه المبطلون وصلى الله على سيدنا محمد صفوته من بريته وعلى الطاهرين المعصومين من عترته، هذا أذان لأصحاب الأذان.
انجام: من دون الكمال فقهوا أم الله لا يرضى بشرع نبيه فأصبحوا وهم في ذلك الشرع أقوم... فلم يحرموا ما كان حل ويحللوا بفتواهم ما جاء وهو محترم... على يد العبد الضعيف النحيف المحتاج...

نسخ، مسعود بن يحيى بن حسن بن امیدوار بن فضل الله... ابن فضل الله بن محمد بن ابی المکارم بن احمد بن علی بن ابی احمد بن ابی الغنائم محمود بن افضل بن قاسم بن فاضل بن مفضل بن يحيى بن عقيل بن يحيى بن ذر بن ابی ذر الغفاری، رمضان المبارک ۸۴۵ ق، عناوین به خط درشت، نشانیها سنگرف، در حاشیه تصحیح شده است. در اول نسخه نام کتاب چنین ثبت شده: «کتاب الصواب والقواصب فی مطاعن النواصب» ومهر کروی بزرگ به سجع: «فضایل خان خانه زاد فدوی، پادشاه عالم گیر غازی ۱۱۰۴». وتملك حاجی محمد بن بخشایش در کاشان و مهر بیضوی به سجع: «جمال الدین محمد الحسینی» و در آخر نسخه یادداشت مبیعه از طرف مولانا شاهان احمد بن احمد بن احمد بن احمد بن حسن بن احمد کاشانی، کرم خوردگی به نسخه اصل آسیب رسانده است.
۷۲۳ صفحه، ۱۹ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه ناصریه (صاحب عباقت) در لکهنو هند.



(کلام - عربی)

(۱۴۹۰) نهاية المرام في علم الکلام

از: علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۷۲۶ ق).

تکرار تصویر شماره ۸۶۱ است که در فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیت الله مرعشی رحمته (ج ۲، ص ۳۳۹) معرفی شده است. افزون بر آن می‌گوییم: نهاية المرام در چهار جزء تألیف شده، ولی سه جزء از آن موجود است و از جزء چهارم نشانی در دست نیست. این کتاب شریف با تحقیق فاضل عرفان در سه جلد، به سال ۱۴۱۹ ق، به وسیله انتشارات مؤسسه امام صادق علیه السلام در قم به چاپ رسید.

نسخه‌های شناخته شده از نهاية المرام:

۱. خزانه حیدریه در نجف، نسخه شماره ۶۲۸، کتابت در سلخ جمادی الثانی ۷۱۳ق، شامل جزء دوم^۱.
 ۲. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه شماره ۱۰۱۹۲ که تصویر حاضر از روی آن تهیه شده است و شامل جزء اول و دوم از کتاب است.
 ۳. کتابخانه آیت الله مرعشی، نسخه شماره ۲۵۴، از قرن هشتم هجری^۲.
 ۴. کتابخانه آستان قدس رضوی، نسخه شماره ۱۱۶۰۶، کتابت در ۱۱۴ق، به خط محمد باقر هزار جریبی که از روی نسخه مجلس کتابت شده است^۳.
- منابع: الذریعه: ۴۰۷/۲۴؛ معجم التراث الکلامی: ۴۲۴/۵؛ مکتبه العلامة الحلی: ۲۰۸-۲۰۹؛
- نهاية المرام في علم الکلام، مقدمه فاضل عرفان: ۸۳/۱ - ۸۵.
- آغاز: بسمله. وبه الاستعانة، الحمد لله القديم الازلي الدائم الأبدی الفرد الصمد الواحد الحليم الکریم العظیم الجواد الماجد.

نستعلیق کم نقطه، گویا از سده هشتم هجری، عناوین به خط درشت، نشانیها شنگرف، در حاشیه تصحیح شده و برخی کلمات دارای اعراب است. این نسخه را فاضل هندی^۴، از روی نسخه ناصر بن ابراهیم بویهی مقابله و تصحیح کرده و در پایان نوشته است: «بذل المستمسک بحبل الله المتین محمد بن الحسن الاصبهانی المدعو بهاء الدین، مجهوده في عرض هذه النسخة من أولها الى هنا على أصلها، الذي كان بخط الشيخ الجليل ناصر بن ابراهیم البویهی^۵ - رضوان الله عليه -، قد استنسخه من أصل النسخ وأما التي كانت بخط مصنفها العلامة - أكرم الله مقامه - وقابلها بها مقابلة تامة. ولكن كانت مع ذلك يشتمل على أغلاط وأوهام، فأصلحت ما أمكن اصلاحها وبقى بعضها في بهيم الابهام. واتفق الفراغ في سؤال من سنة ألف واحد وتسعين».

۶۶۰ صفحه، ۲۵ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، نسخه شماره ۱۰۱۹۲.



۱. فهرست مخطوطات خزانه الرضوية الحيدرية في النجف الأشرف: ۳۷.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی: ۲۸۰/۱.

۳. فهرست الفبایی آستان قدس رضوی: ۵۹۳.

۴. فاضل هندی بهاء الدین محمد بن حسن اصفهانی (۱۱۳۵ق)، نک: ریحانة الادب: ۲۸۴/۴.

۵. شیخ ناصر بن ابراهیم بویهی احسائی (۸۵۳ق) صاحب شرح بر الأبحاث المفيدة علامه حلی، نک:

مکتبه العلامة الحلی: ۲۵-۲۶.

(۱۴۹۱) مبادئ الوصول الى علم الأصول

(اصول فقه - عربی)

از: علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۷۲۶ ق).

متن مختصر و جامعی است در اصول فقه شیعی که به درخواست تقی الدین ابراهیم بن محمد بصری در ۱۲ فصل و هر فصلی ضمن چند بحث، بدین تفصیل تألیف شده است:

الفصل الأول: في اللغات.

الفصل الثاني: في الأحكام.

الفصل الثالث: في الأوامر والنواهي.

الفصل الرابع: في العموم والخصوص.

الفصل الخامس: في المجمل والمبين.

الفصل السادس: في الأفعال.

الفصل السابع: في النسخ.

الفصل الثامن: في الاجماع.

الفصل التاسع: في الأخبار.

الفصل العاشر: في القياس.

الفصل الحادي عشر: في الترجيح.

الفصل الثاني عشر: في الاجتهاد وتوابعه.

این کتاب علیرغم صغر حجم، مورد توجه دانشمندان قرار گرفته و شروح و حواشی بسیاری بر آن نوشته شد، که تعدادی از آنها در الذریعه ذکر شده است.

برخی از حواشی و شروح مبادئ الوصول از این قرار است:

۱. أشرف المحصول، شیخ عبد علی اوالی بحرانی (۱۳۰۳ ق).^۱

۲. الأیادی فی شرح المبادی، عبدالواحد بن علی شوشتری از دانشمندان عصر صفویه.^۲

۳. خلاصة الأصول، تاج الدین علی بن حسن طبری امامی، از شاگردان علامه حلی

(زنده در ۷۳۳ ق).^۳

۱. فهرست کتب خطی آستان قدس رضوی: ۲۰/۱۶-۲۱.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی: ۲۷۳/۱۶.

۳. فهرست کتب خطی آستان قدس رضوی: ۲۱/۱۶-۲۱۲.

۱۱۶

۱۹۹۲۸

تعلیم اذلہ و مذاقہ

کتاب ابدی الوصول الى علم اصول

من تصانيف امام العلامة الفاضل المقدس واعلم المآثرين
 قلبه السيد ناصر الشرفه معي للزمن جلال الله ونحو ذلك
 سيد اسلام المسلمين ابو منصور احمد يوسف المظفر الحارثي العامه

مسرا على القول السيد الموفق الحمد المسير
 رساله طالب العالم الفاضل المرشد
 على ايد الورع رساله علمي الحمد المسير
 رساله طالب الوصول الى علم اصول مسرا
 نقضا و رد على علم و رد ادراكه رواه هذا يقضى

الفا عني و الذي المصنف ادام الله ايامه
 رفعة القبول رواه جمع ما رواه و رواه
 لي رواه فله و ذلك على السرا اخطا المصنف

هذا بن تصنف محمد بن الحسن المظفر عن حماد بن ابي اسحاق
 عن زرارة بن عبيد بن عمير و احمد بن محمد بن ابي اسحاق
 بن ابي اسحاق بن ابي اسحاق بن ابي اسحاق

3



اجازة فخر المحققين به سرايشنوی، شماره «۱۴۹۱۸»

۶. لوامع الفصول، مولی محمد تقی بن حسن علی هروی اصفهانی (۱۲۹۹ق) ۱.
۷. مجمع الأصول فی الحاشیة علی مبادئ الوصول، از دانشمندی در قرن سیزدهم هجری، نسخه خط مؤلف کتابت شده در ۱۲۴۱ ق، در کتابخانه حاضر نگهداری می شود ۲.
۸. الهادی إلى شرح المبادئ، حسام الدین طریحی نجفی ۳.
۹. نهاية المأمون، فاضل مقداد سیوری (۸۲۶ق) ۴.
- نسخه های خطی نفیس و مهمی از مبادئ الوصول در دست است که ۱۵ نسخه کهن از آن در مکتبه العلامة الحلّی (صفحات ۱۶۹-۱۷۲) معرفی شده است. قدیمی ترین نسخه مبادئ الوصول در کتابخانه حاضر به شماره ۴۹ نگهداری می شود که به خط شاگرد مؤلف، هارون بن حسن بن علی طبری در ۲۱ شعبان ۷۰۰ در حله کتابت شده و اجازه مؤلف به کاتب به تاریخ ربیع الاول ۷۰۱ ق، در آن دیده می شود ۵.
- مبادئ الوصول بارها در هند، ایران و لبنان به چاپ رسیده است. نخستین چاپ آن به سال ۱۳۰۱ ق، در لکهنو بوده است ۶.
- منابع: التراث العربی: ۴/۴۲۶؛ الذریعة: ۶/۱۹۰، ۱۴/۵۲-۵۴، ۱۹/۴۳-۴۴؛ فهرست کتب خطی آستان قدس رضوی: ۱۶/۳۹۲-۳۹۳؛ فهرست کتابهای چاپی عربی، مشار: ۷۸۰-۷۸۱؛ مکتبه العلامة الحلّی: ۱۶۹-۱۷۳ و ۲۵۱-۲۵۲.
- آغاز: الحمد لله المتفرد بالأزلیة والدوام المتوحد بالجلال والاکرام، المتفضل بسواغ الانعام... أما بعد، فهذا کتاب مبادئ الوصول الی علم الاصول، قد اشتمل من علم اصول الفقه علی ما لا بد منه واحتوی علی ما لا یستغنی عنه.
- انجام: فهو باطل، لأن العلم أو الظن بالنفی لا بد له من دلیل. ولیکن هذا آخر ما نذکره فی هذه المقدمة والحمد لله تعالی علی بلوغ ما قصدناه وحصول ما أردناه والصلاة والسلام علی أشرف الأنبیاء محمد المصطفی وعترته الاتقیاء.
- نسخ، علی بن حسن بن رضی علوی حسینی سرابشروی، سلخ رجب ۷۱۵، عناوین در

۱. مکتبه العلامة الحلّی: ۱۷۲-۱۷۳.

۲. فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی: ۲/۲۴۰.

۳. مکتبه العلامة الحلّی: ۱۷۳.

۴. الذریعة: ۱۴/۵۴.

۵. فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی: ۱/۶۰-۶۱.

۶. مکتبه العلامة الحلّی: ۲۵۲.

نسخه اصل به سنگرف، در حاشیه تصحیح شده و حواشی بسیاری دارد. این نسخه با نسخه‌ای که بر فرزند مؤلف خوانده شده بود، مقابله شده است و بلاغ مقابله در جاهای مختلف آن دیده می‌شود، از جمله در پایان نسخه آمده است: «بلغت المقابلة مع نسخة قرأت علی الامام العالم فخر الملة والدين ابن الامام العالم الكامل مصنف الكتاب، الحسن بن يوسف المطهر - أدام الله اظلالهما -». انجامه کاتب نیز چنین است: «نجز الكتاب علی یدی العبد الضعیف المحتاج الی رحمة الله تعالی، علی بن الحسن بن الرضی العلوی الحسینی السراشونی فی سلخ رجب سنة خمس عشر وسبعمئة حامداً ومصلياً». در صفحه عنوان نام کتاب و مؤلف چنین درج شده است: «کتاب مبادئ الوصول الی علم الاصول، من تصانیف الامام العلامة أفضل المتقدمین وأعلم المتأخرین، قطب الشیعة، ناصر الشریعة، مفتی الفریقین، جمال الملة والحق والدين، سدید الاسلام والمسلمین، ابومنصور الحسن بن یوسف المطهر الحلی - أدام الله أيامه -»، کاتب این کتاب را بر فرزند مؤلف جناب فخرالمحققین قرائت کرده و در ابتدای نسخه گواهی قرائت کتاب و اجازه به کاتب به خط فخرالمحققین به تاریخ غره جمادی الاول ۷۲۵ بدین عبارت دیده می‌شود: «قرأ علیّ المولی السید المعظم، الحسیب النسیب، شرف آل أبی طالب، العالم الفاضل الزاهد العابد الورع، زین الدین علی بن الحسن بن الرضی العلوی الحسینی السراشونی، کتاب مبادئ الوصول الی علم الاصول قراءة تشهد بفضله وتدّل علی علمه وقد أجزت له رواية هذا الكتاب عنی، عن والدی المصنّف - أدام الله أيامه - وكذلك أجزت له رواية جميع ما قرأته ورويته واجیز لی روايته، فلیرو ذلك علی الشرائط المعبّرة «المقررة؟» وکتب محمد بن الحسن بن یوسف بن المطهر، فی غرة جمادی الاولى سنة خمس وعشرین وسبعمئة والحمد لله وحده وصلى الله علی سیدنا محمد وآله».

۷۴ صفحه، ۱۶ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه موزه بریتانیا در لندن، مجموعه شماره ۱۰۹۶۳.



(تراجم - عربی)

(۱۴۹۲) الدرجات العلیة فی طبقات العلماء الحنفیة

از: ابو الخیر محمد بن محمد ابن جزری عربی سلفی (۸۳۳ ق).

تکرار تصویر شماره ۱۱۳۳، با همان خصوصیات است.



(۱۴۹۳) ایضاح ترددات الشرایع

(فقه امامیه - عربی)

از: نجم الدین جعفر بن زهدری حلی (قرن ۸).

شرحی است با عناوین «قال - اقول» بر «شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام» محقق حلی (۶۷۶ ق)^۱. مسائلی را که محقق در شرایع با تردید مطرح کرده و با «فیه تردد»، «علی الأشبه»، «علی الأصح» و مانند آن از آنها گذشته و فتوای صریح در آنها نداده، در این کتاب مورد شرح و بررسی قرار گرفته است. شارح وجه تردید در مسائل مذکور را بیان کرده و ادله طرفین را آورده و قول صحیح در نزد خود را مشخص ساخته است.

شارح از شاگردان علامه حلی (۷۲۶ ق) بوده و کتاب شرایع را در نزد وی خوانده است و این شرح را در زمان حیات استادش نگاشته است، چنانکه در جایی از شرح می نویسد: «شیخنا - دام ظلّه - فی المختلف»، و در جای دیگر در توجیه عبارت شرایع می نویسد: «أقول: الذی سمعت من شیخنا وقت القراءة علیه، أنّ المراد بالوجه الآخر هنا عدم صحة، الخ».

شرح حال جعفر بن زهدری حلی در منابع و تراجم نیامده و اطلاعات زیادی از وی در دست نیست، جز اینکه در کتاب حاضر، خود را از شاگردان علامه حلی دانسته و دو کتاب از تألیفات خود را نام برده است: ۱. مناهج الوصول در اصول فقه؛ ۲. کتاب فی علم الکلام.

شارح در این کتاب، اقوال سید مرتضی، شیخ مفید، شیخ طوسی، ابن ادریس، ابی الصلاح حلبی، سلار، محقق حلی و محقق آبی (صاحب کشف الرموز) را نقل می کند. تاکنون دو نسخه خطی از ایضاح ترددات الشرایع شناخته شده است:

۱. نسخه شماره ۵۱۷۷ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی که در سالهای ۷۵۴ و ۷۵۵ ق، در حله از روی نسخه مؤلف کتابت شده است.^۲

۲. نسخه شماره ۵۵۰۸ کتابخانه مجلس، کتابت در ۷۵۶ ق، مقابله شده با نسخه احمد بن فهد حلی رحمته الله.^۳

فاضل معاصر جناب حجة الاسلام سید مهدی رجایی، این کتاب را از روی نسخه های مذکور تصحیح کرده و کتابخانه آیت الله مرعشی آن را در سال ۱۴۰۸ ق، در دو جزء (۲۰۰+۳۵۲ ص) به چاپ رسانده است.

۱. الذریعة: ۴۷/۱۳-۵۰.

۲. التراث العربی: ۳۵۳/۱؛ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی: ۳۸۳/۱۳.

۳. فهرست کتابخانه مجلس: ۴۰۹/۱۶.

علامه تهرانی در الذریعة متذکر شده که شهید ثانی در مسالك از شرح تردّدات الشرايع نقل کرده و نام مؤلفش را ذکر نکرده است^۱.

در فهرس التراث، تألیف این اثر به محقق حلی (صاحب شرايع) منسوب شده^۲ و دلیلی بر این انتساب ارائه نشده است.

در کتاب‌شناسی شروح شرايع الاسلام، ۱۲۴ کتاب در شرح شرايع معرفی شده است^۳، از جمله: «التوضیح النافع في شرح تردّدات صاحب الشرايع» از شیخ حسین فرطوسی حویزی (معاصر)، چاپ دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۶ق، ۴۷۶ص^۴.

منابع: التراث العربی: ۳۵۳/۱؛ الذریعة: ۱۴۵/۱۳؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی: ۳۸۳/۱۳؛ معجم المطبوعات العربية في ایران: ۴۷۰؛ مقدمه تصحيح «ايضاح تردّدات الشرايع».

نسخه حاضر از آغاز یک برگ افتادگی دارد.

آغاز نسخه: في غسل الجنابة، قال ﷺ: والاسار كلّها طاهرة، عدا سور الكلب والخنزير والكافر، وفي سور المسوخ تردّد والطهارة أظهر. أقول: منشأه النظر الى أصالة الطهارة، ترك العمل بها في تنجيس سور الثلاثة بالاجماع.

انجام: فتكون ديته عليهم، وحيث أتينا بما قصدنا اثباته وذكره، وأوردنا ما أردنا إيراده وسطره، فلنحمد الله الذي جعلنا من المتمسكين بأهذاب مذهب الأئمة الأطهار، المنزهين عن الخطل والزيغ والاصار... وعدة نستدفع بها أهوال تلك الدار، أنه هو الكريم الغفار المتطول بالأنعم السنية الغزار.

نسخ، علی بن حسن بن علی حلی، چهارشنبه ۲۱ صفر ۷۵۶ در مدرسه صاحب الزمان (عج)، عناوین به خط درشت، مقابله و تصحیح شده و بلاغ مقابله و تصحیح در آخر نسخه چنین درج شده است: «اتفقت المقابلة والتصحيح من أوّله الى آخره بنسخة بخط شيخنا العلامة جمال الدين أحمد بن فهد - قدس الله روحه - والمفهوم من النسختين أنّهما غير مقابلتين، لكن بحسب ما أمکن وكتب الفقير علی بن قاسم، المعروف بابن عداقة (؟) - عفی الله عنهم -». انجامه کاتب: «تم الكتاب والحمد لله حقّ

۱. الذریعة: ۱۴۵/۱۳.

۲. فهرس التراث، محمد حسین حسینی جلالی: ۶۶۷/۱.

۳. گنجینه شهاب، دفتر دوم: ۲۳۵-۲۷۲، مقاله «کتاب‌شناسی شروح شرايع الاسلام» از ناصرالدین انصاری.

۴. همان: ص ۲۴۳.

حمدہ و صلی اللہ علی سیدنا محمد النبی وآلہ الطاہرین وسلم تسلیماً کثیراً، برحمتک یا أرحم الراحمین. فرغ من تعلیقہ أفقر عباد اللہ وأحوجہم الی مغفرته ورحمته ورضوانه علی بن حسن بن علی... الحلی محتداً... مسکناً ومولداً، نصف نهار الأربعاء حادی وعشرين من شهر صفر من شهور سنة ستّ وخمسين وسبعمئة و صلی اللہ علی محمد وآلہ - غفر اللہ له ولوالديه ولجميع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الأحياء منهم والأموات ولجميع من قرأ فيه أو نظر فيه أو نسخ منه أو طالعہ وترحم علی المؤمنین والمسلمین ولوالديه ودعا له بالمغفرة والرحمة وغفر اللہ...». در آخر نسخه تملک محمد تقی بن محمد رضا رازی در اصفهان به سال ۱۰۵۱ ق و چند تملک دیگر دیدہ می شود. ۲۸۲ صفحه، ۲۲ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه مجلس، تهران، نسخه شماره ۵۵۰۸.
فهرست کتابخانه مجلس: ۴۰۹/۱۶.



(۱۴۹۴) بحر فراسة الالفاظ في شرح ديوان حافظ (ادب - فارسی)

از: عبدالله خویشگی قصوری چشتی، متخلص به عبدی (۱۱۰۶ ق).
غلام معین الدین، فرزند عبدالقادر بن احمد شوریانی، معروف به عبدالله خویشگی قصوری چشتی و متخلص به عبدی (۱۰۴۳-۱۰۶۱ ق) دانشمند ادیب و صوفی که تباری افغانی داشته و آثار بسیاری در ادب و عرفان نگاشته است. محمد اقبال مجددی در «احوال و آثار خویشگی» ۵۱ اثر برای خویشگی بر شمرده که از آن میان ۱۱ اثر باقی مانده و از ۴۰ اثر دیگر وی، تنها نامی بازمانده است.

عناوین تعدادی از آثار وی از این قرار است:

۱. اسرار مثنوی و انوار معنوی^۱.
۲. اوراد خویشگی^۲.
۳. اخبار الاولیاء^۳.
۴. بحر الفراسة (کتاب حاضر).
۵. بهارستان^۴.
۶. تحفة بدریه و هدیه قدریه^۵.

۱. فهرست مشترک پاکستان: ۱۶۴۳/۳، ۱۶۵۵ و ۱۸۶۰.

۲. همان: ۱۳۰۴/۳.

۳. همان: ۹۲۲/۱۱.

۴. همان: ۹۷/۱۴.

۵. همان: ۱۳۳۴/۳.

۷. تحفه نوریه^۱.
 ۸. خلاصة البحر^۲.
 ۹. شرح کلمات وافیات^۳.
 ۱۰. فواید خرده در شرح قصیده برده^۴.
 ۱۱. فواید موقنه در شرح رساله مؤمنه^۵.
 ۱۲. مرج البحرين^۶.
 ۱۳. معارج الولاية^۷.

کتاب حاضر شرح بیت‌های دشوار غزلیات حافظ است به ترتیب تهجی، سپس بیت‌هایی از «ساقی‌نامه» حافظ را شرح کرده و آن را «بحر فراسة الالفاظ في شرح ديوان حافظ» نامیده و به شاه جهان پادشاه هند (۱۰۳۷-۱۰۶۸ ق) تقدیم داشته است. شارح در «اخبار الاولیاء» خود، درباره این کتاب می‌نویسد: «در ۲۳ سالگی (که باید ۱۰۶۶ ق باشد) به قصور آمدم، به مدت یک سال به تدریس مقید شدم و در آنجا به مدت شش ماه جلد یکم را محرر نمودم. جلد دوم (غزلها از ردیف ش به پایین) را بعدها در بیجاپور ساختم»^۸. و در «معارج الولاية» می‌گوید: «چون آن را نگاهشتم، برای اصلاح خدمت شیخ محمد رشید جونپوری ارسال داشتم و پسندیدند».

شارح در این کتاب، به مناسبت ابیاتی از سعدی، جلی، انوری، فردوسی، جامی و دیگران آورده و از آیات، اخبار و حکایات نیز بهره برده است. همچنین از گزارشهای دیگران بر دیوان حافظ استفاده نموده و از آنها نام برده است.

«خلاصة البحر قدیم و جدید» و «جامع البحرين في زوائد النهرین» و «خلاصة البحرين في زوائد النهرین» کارهایی است که شارح درباره دیوان حافظ و بحر الفراسه خود انجام داده و از آنها تنها نامهایی به جای مانده است.

نسخه‌های متعددی از بحر الفراسه در کتابخانه‌های ایران و پاکستان شناسایی شده

۱. همان: ۱۳۴۲/۳ و ۱۴۷۵.
 ۲. همان: ۴۷۴/۷.
 ۳. همان: ۱۶۲۶/۳.
 ۴. همان: ۹۷۰/۸.
 ۵. همان: ۱۱۵۶/۲ و ۱۲۴۵/۳.
 ۶. همان: ۱۶۰۵/۳.
 ۷. همان: ۱۳۴۲/۳ و ۹۲۳/۱۱؛ احوال و آثار خویشگی قصوری، پرفسور محمد اقبال مجددی، لاهور، ۱۹۷۲ م.
 ۸. بنابراین آنچه در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۳، ص ۳۵۶) آمده و تاریخ انجام این شرح سال ۹۳۷ ق ذکر شده، صحیح نمی‌باشد. چنانکه گذشت تولد شارح در سال ۱۰۴۳ ق بوده است.

است، از جمله دو نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره‌های ۱۱۱۰ و ۱۱۱۱^۱ و دو نسخه موجود در کتابخانه گنج بخش به شماره‌های ۲۹۸ و ۴۷۵.
منزوی در فهرست مشترک پاکستان، بیش از ۱۵ نسخه خطی از بحر الفرافسه شناسانده است.^۳
اما در باره چاپ این اثر اطلاعی به دست نیامد.

منابع: فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی: ۱۰۶۱/۲ و ۳۴۴۲/۵؛ فهرست مشترک پاکستان: ۱۵۹۹/۳-۱۶۰۱ و ۴۷۳/۷؛ فهرست کتابخانه مجلس: ۳ (چاپ اول)/۴۸۸-۴۹۰ و ۳ (چاپ دوم)/۳۵۵-۳۵۶.

یک برگ از ابتدای نسخه حاضر افتاده است و از انجام نیز افتادگی دارد.
آغاز نسخه: ابیات:

نظمی که بود تصرف آمیز باشد همه را به خود دل آویز
و چون فقیر بحسب اراده صمیمی، کتب این فن را بسیار مطالعه... بسمله. کتاب
ردیف الألف مع الألف:

الا یا ایها الساقی أدر کأساً وناولها

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکله

الا: دانا و آگاه باشد، یا ایها الساقی: ای هر کدام نوشاننده، أدر کأساً: بگردان پیاله را.

انجام نسخه: مطرب عشق عجب ساز و نوایی دارد، مطرب عشق مراد از مرشد یا

سالک یا اضافه بیانیه باشد.

نستعلیق، بدون نام کاتب و بی تاریخ، گویا از سده دوازدهم هجری، عناوین

و نشانیها شنگرف، طرفین نسخه افتاده است.

۷۴۸ صفحه، ۱۳ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه گنج بخش، پاکستان، نسخه شماره ۲۹۸.

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش، منزوی: ۱۴۳۳/۳-۱۴۳۴؛ فهرست نسخه‌های

خطی کتابخانه گنج بخش، محمد حسین تسبیحی: ۲۵۸/۱-۲۶۱.



۱. فهرست کتابخانه مجلس: ۳۵۵/۳-۳۵۶.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش، منزوی: ۱۴۳۳/۳-۱۴۳۴.

۳. فهرست مشترک پاکستان: ۱۵۹۹/۳-۱۶۰۱ و ۴۷۳/۷.

(۱۴۹۵) بحر فراسة الالفاظ في شرح ديوان حافظ (ادب - فارسی)
 از: عبدالله خویشگی قصوری چستی، متخلص به عبدی (۱۰۶ ق).
 معرفی این کتاب، در شماره ۱۴۹۴ گذشت.
 آغاز: سپاس عظمت اساس واحدی رارسد که محمود است به جلال ذات و برتری را
 که موصوف است به کمال صفات،
 حمدش به دهان نمی توانم گفتن شکرش به زبان نمی توانم گفتن
 امری که به ذات خود تسلسل دارد نتواند کس به انتهایش رفتن...
 الا یا ایها الساقی أدر کأساً وناولها که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکله
 الا: دانا و آگاه باش، یا ایها الساقی: ای هر کدام نوشاننده، أدر کأساً: بگردان پیاله را.
 انجام: پس این دور از خود دفع می کنم و می را که پایدار است می گیرم.
 نستعلیق، ملا محمد یوسف خان بخاری، شعبان ۱۲۶۶، عناوین و نشانیها
 سنگرف، انجامه کاتب: «تمت کتابه هذه النسخة الشريفة، شرح ديوان حضرت
 لسان الغیب، ترجمان الاسرار حافظ الشیرازی - علیه الرحمه - فی يد^۱ ملا محمد
 یوسف خان البخاری فی شهر شعبان المعظم ۱۲۶۶».
 ۶۶۸ صفحه، ۱۹ سطر.

نسخه اصل: کتابخانه گنج بخش، پاکستان، نسخه شماره ۴۷۵.
 فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش: تسبیحی ۴۱/۲-۴۳، منزوی ۱۴۳۳/۳-۱۴۳۴.



(۱۴۹۶) الهدایة القرآنیة الی الولاية الامامیة (تفسیر، امامت - عربی)
 از: سید هاشم بن سلیمان توبلی بحرانی (۱۱۰۷ ق).
 سید هاشم بحرانی فقیه، محدث، مفسر و ادیب نامدار شیعی است که او را در زهد
 و پارسایی، همچون مقدس اردبیلی و در پژوهش اخبار و احادیث، به مانند علامه
 مجلسی دانسته‌اند. سید هاشم دارای بیش از ۷۵ تألیف بزرگ و کوچک و متوسط بوده
 که صاحب ریاض العلماء همه آنها را در نزد فرزندش سید علی دیده است.
 مهمترین آثار وی از این قرار است:

۱. در فهرست گنج بخش (تسبیحی و منزوی) این کله «فرید» خوانده شده و جزئی از نام کاتب به حساب آمده است!

۱. البرهان في تفسير القرآن.
۲. معالم الزلفی في أحوال النشأة الأخری.
۳. مدينة المعاجز.
۴. سلاسل الحديد.
۵. ترتيب التهذيب.
۶. حلیة الأبرار.
۷. المحجة فيما نزل في القائم الحجة.
۸. غاية المرام في فضائل امیر المؤمنین والائمة عليه السلام.
۹. عمدة النظر في أئمة الاثنی عشر.
۱۰. الهدایة القرآنیة الى الولاية الامامية.

مؤلف پس از نگارش دو دوره تفسیر روایی به نامهای البرهان و کتاب الهادی و مصباح النادی و کتابی درباره اهل بیت علیهم السلام به نام اللوامع النورانیة فی أسماء علی و بنیه القرآنیة و دستیابی به آیات بسیاری که درباره ولایت امام علی ۷ و ائمه اطهار وارد شده، تصمیم به تألیف کتابی گرفت که در بردارنده آیات نازله درباره اهل بیت به همراه روایات مأثوره در تفسیر آن آیات باشد، لذا کتاب حاضر را نگاشت و آن را الهدایة القرآنیة الى الولاية الامامية نام نهاد.

در این کتاب ۵۲۲ آیه که بر ولایت اهل بیت دلالت دارند، به ترتیب سوره‌های قرآنی تنظیم شده و روایات رسیده در تفسیر آنها بیان شده است. تألیف این کتاب در سوم جمادی الآخر ۱۰۹۶ به پایان رسیده است. مؤلف در این اثر، از دیگر آثار تفسیری خود همچون: البرهان، نور الأنوار، اللباب، اللوامع و الهادی یاد می‌کند. الهدایة القرآنیة با مقدمه‌ای شامل سه فایده شروع می‌شود و مؤلف آن را به «ایمانی بیک» تقدیم کرده است. دو نسخه خطی از این کتاب شناخته‌ایم:

۱. کتابخانه آستان قدس رضوی، نسخه شماره ۱۴۳۱، کتابت در قرن ۱۱ ق.
۲. کتابخانه شخصی سید هادی آل بالیل موسوی در قم، که تصویر حاضر از روی این نسخه تهیه شده است.

تصویر دیگری نیز از همین نسخه به شماره ۹۲۶ گذشت. الهدایة القرآنیة به همت مؤسسه بعثت در قم، به سال ۱۴۲۰ ق، در دو جلد به چاپ

منابع: دایرة المعارف تشیع: ۱۰۶/۳-۱۰۷؛ الذریعة: ۱۸۸/۲۵؛ فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی: ۵۹۹-۵۹۸/۱؛ کتّاف الفهارس: ۸۳-۸۱/۳ و ۲۸۶/۴-۲۸۷؛ معجم التراث الکلامی: ۴۶۹/۵-۴۷۰؛ فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی: ۴۰۶/۲-۴۰۷. آغاز: بسمله. وصلى الله على محمد وآله الطاهرين الأخيار الأنجبيين ورحمة الله وبركاته. الحمد لله رب العالمين القائل هنالك الولاية لله الحق هو خير ثواباً وخيراً عقبا المنزل أنما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا... أما بعد، لما وفقني الله جلّ جلاله لتصنيف كتاب البرهان وكتاب الهادى ومصباح النادى.

انجام: لو أحتبك أهل الأرض، كما يحتبك أهل السماء لما عذب الله أحد منهم بالنار والحمد لله... وقع الفراغ من تأليف هذا الكتاب الشريف، المسمى بالهداية القرآنية الى الولاية الامامية، على يد مؤلفه فقير الله الغني، عبده هاشم بن سليمان بن اسمعيل بن عبد الجواد الحسيني البهراني... .

نسخ، محمد بن شمس الدين طريحي^۱، غزه ذيقعدة ۱۱۹۱ در فلاحيه، در حاشيه تصحيح شده و حواشى دارد از: محمد شمس الدين به لفظ «م ح ط» و «م ح ش» و از شيخ خلف بن عبد على عصفورى بهراني، به لفظ «خ ع ر ه» و «خ ل» و حاشيه‌اي نيز از حسن بن احمد احسايبى فلاحى ديده مى شود، در اول نسخه تملك كاتب «محمد بن شمس الدين طريحي» درج شده و دارنده فعلی نسخه «جناب سيد هادى آل باليل» شرح حال مؤلف و كاتب و واقف نسخه «شیر سيد ابراهيم بن سيد اسماعيل موسوى» را در آغاز و انجام نسخه به خط خود نوشته و مهر کرده است. ۵۱۱ صفحه، ۱۸ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه شخصی سيد هادى آل باليل موسوى در قم.



(شعر - فارسی)

(۱۴۹۹) دیوان سحاب اصفهانی

از: سيد محمد سحاب اصفهانی، فرزند سيد احمد هاتف (۱۲۲۲ق).
قصاید، غزلیات و رباعیات سحاب اصفهانی است، شامل حدود ۴۲۶۰ بیت. وی از شعرای مشهور قرن سیزدهم هجری است که در دربار فتحعلی شاه قاجار با لقب «مجتهد الشعراء»، منصب داروغگی دفترخانه شاهی را داشته و طبیب هم بوده است. از

آثار اوست: سحاب البكاء (= روضة البكاء) در مرآئی سیدالشهداء علیه السلام به نظم و نثر و رشحات سحاب در احوال شعرای معاصر وی.

نسخه‌های خطی فراوانی از دیوان سحاب در کتابخانه‌های مختلف یافت می‌شود، از جمله نسخه شماره ۵۶۲۹ کتابخانه حاضر^۱.

این دیوان به کوشش احمد کرمی، در سال ۱۳۶۹ در تهران به چاپ رسید.
منابع: الذریعة: ۴۳۲/۹؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی: ۲۳۴۵/۳-۲۳۴۶؛ فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی: ۴۲۱/۷-۴۲۲.
آغاز:

زهی طغرای نام نامیت عنوان دیوانها نیابد زیب بی نام همایون تو عنوانها
انجام:

هر شعر کز اوراق کهن می‌خوانی سهلست اگر ز خویشتن می‌خوانی
با این چکنم که هر زمان شعر مرا می‌دزدی آنگاه به من می‌خوانی
نستعلیق، منصور تویسرکانی، ۱۳۳۹ ق، تمامی صفحات مجدول، نام دیوان و شاعر و تعداد ابیات در صفحه عنوان درج شده است.
۳۳۰ صفحه، ۱۳ سطری.

نسخه اصل: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه شماره ۳۵۹۷.
فهرست دانشگاه تهران: ۲۶۰۷/۱۲-۲۶۰۸.



(۱۵۰۰) الدرجات العلیة فی طبقات العلماء الحنفیة
از: ابوالخیر محمد بن محمد ابن جزری عربی سلفی (۸۳۳ ق).
تکرار تصویر شماره ۱۱۳۳، با همان خصوصیات است.



نسخه‌های تازه‌یافته

حسین متقی

بخش سوم

۸۴. اللعنیة

(دعا - عربی)

از: شیخ علی.

آغاز: «بسملة، اللهم العن من شید الكفر وأکنافه وهدم الدین القویم وأخافه کسر أضلاع الشرع وقطع أکنافه خالف کتاب الله وأتبع خلافه نصب نفسه بالخلاف علی الخلافة...».

انجام: «مع فرعون وهامان فی کلّ آنٍ واغفر لنا ولکافة أهل الإیمان وأدخلنا الجنان یا متآن وصلی الله علی سیدنا ونبینا محمد وآله إلی یوم القیام؛ تم».

گزارش متن: رساله‌ای مختصر است، در تبری جستن از دشمنان و مخالفان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام که این اثر به «شیخ علی علیه‌السلام» منسوب است. ممکن است مراد منظور شیخ علی بن عبدالعالی کرکی (درگذشته سال ۹۴۰هـ) بوده باشد، لیکن از او در این موضوع دو رساله در دست است به نامهای نجات اللاهوت فی لعن الجبت والطاغوت که نسخه‌هایی از آن به شماره‌های ۲۵۶۰، ۴۹۵۳، ۱۱۴۹۲ در این کتابخانه موجود است و دیگری الرسالة اللعنیة که گاهی با عنوان تعیین المخالفین لأئمة المؤمنین علیهم‌السلام، نیز معرفی شده است. از این اثر هم دو نسخه در این کتابخانه بزرگ به شماره‌های ۶۳۵۷/۶ و ۱۲۱۳۵/۵ نگهداری می‌گردد و البته اثر حاضر هیچ یک از آن دو هم نیست. در ضمن یک رساله اللعنیة هم از محمد کاظم هزارجریبی در دسترس است که به شماره ۱۰۷۳، در این کتابخانه موجود است که آن هم با نسخه حاضر همخوانی ندارد.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نسخ معرّب □ تاریخ کتابت: سده ۱۱ هـ □ عنوانها و نشانیها: قرمز و مشکی □ نوع کاغذ: فرنگی نخودی آهار مهر زده □ تعداد برگ: ۲ (۹۵ ب - ۹۶ الف) □ تعداد سطر: به صورت چلیپا کتابت شده است □ اندازه متن: ۱۳×۲۴ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۶×۳۰ سانتیمتر □ نوع جلد: دو رو تیماج؛ برون: قهوه‌ای روشن، مجدول، ضربی؛ درون: مشکی.

ویژگی‌های نسخه: برگها مجدول به زر، و دارای کمند طلایی است. لبه برگها اندکی سائیده شده که البته وصالی و ترمیم گردیده است. بین برگهای «۶۹ الف - ۱۰۰ ب» مطالبی منقول از سرالعلمین ابو حامد غزالی (متوفای سال ۵۰۵ هـ)، دوازده امام منظوم، دعا در وقت دیدن ماه، دعای عند الافطار و دعای صباح دیده می‌شود. برای تیمن، دوازده امام منظوم در اینجا آورده می‌شود:

وبنی عربی ورسول مدنی	وأخیه أسدالله مسمی بعلی
وبزهراء بتول وبأم ولدتها	وبسبطیه وشبلیه هما نجل زکی
وبسجاد وبالباقر والصادق حقاً	وبموسی وعلی و تقی و نقی
وبذی العسکر والحجة القائم بالحق	الذی یضرب بالسیف بحکم أزلتی
أجب الوقت دعانا وترحم حضرانا	بنبی وعلی وعلی وعلی

«ذیل نسخه شماره ۳۰۰»



۸۵. لغز الکشاف (معماً - عربی)
از: بهاء الدین محمد بن حسین حارثی جبعی عاملی، متخلص به بهایی (درگذشته: سال ۱۰۳۰ هـ).

آغاز: «أیها الصاحب الزکی والفاضل الذکی، أخبرنی عن اسم واحدی الأحاد وثلاثی المئات رباعی الحروف، إن نقص عنه حرف واحد بقی حرف واحد وهذا عجیب...»
انجام: «حروفه ثلاثة، لكن إن حذف منه حرف واحد، بقی واحد. وهذا من الغرائب وإن ضعف منه حرف واحد، صار ستة أحرف. وهذا من أعجب العجائب، تم.»

گزارش متن: یکی از معماها و لغزهای شیخ بهایی است که مولی مهدی قزوینی معاصر شیخ حرّ عاملی رحمته الله نیز شرحی بر آن دارد.

گزارش نسخه: □ نوع خط: شکسته نستعلیق □ نام کاتب: حیدر بن علی بن اسماعیل بن

عبدالعالی هاشمی عاملی کرکی (به قرینه برگ ۳۸ الف) □ تاریخ کتابت: سال ۱۰۷۲ هـ □
 عنوانها و نشانیها: قرمز □ نوع کاغذ: شرقی نخودی آهار مهر زده □ تعداد برگ: ۲ (۴۲) ب - ۴۳
 الف) □ تعداد سطر: ۱۵ □ اندازه متن: ۱۱/۵ × ۶/۵ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۹/۵ × ۱۲
 سانتیمتر □ نوع جلد: تیماج قهوه‌ای فرسوده.

ویژگی‌های نسخه: تعلیقات و حاشیه نویسی‌های اندکی، در ذیل برخی کلمات دارد
 که با نشان «۵» نگاشته شده است، در انجام نسخه یک فایدهٔ طبّی آمده است.
 رک: الذریعة: ج ۱۸، ص ۳۳۶.

«ذیل نسخه شماره ۱۰۱»



(فلسفه - عربی)

۱۸۶. المباحثات

از: شیخ رئیس ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا (درگذشته: سال ۴۲۷ هـ).
 آغاز: «الحمد لله واهب العقل مفيض العلم، والصلاة على رسله خصوصاً على محمد
 وآله؛ سؤال: ما معنى العقل بالقوة، فانّ الشيء الذى يدرك منا المعقولات...»
 انجام: «فان كانا مقومين، فالشيء مركب غير بسيط، فان كانا لازمين، فالكلام فيها
 كالكلام فى «ا» و «ب»، هذا آخر الموجود من هذا الكتاب، تم».

گزارش متن: مجموعه‌ای از مراسلات و مکاتبات فلسفی بین ابوالحسن بهمنیار بن
 مرزبان آذربایجانی، مشهور به «کیارئیس» (متوفای سال ۴۵۸ هـ) و شیخ رئیس ابوعلی
 سینا، با عناوین «س - ج» (مخفف سؤال - جواب) بوده است. و در واقع جواب سؤالاتی
 است که بهمنیار و دیگران (بیشتر بهمنیار) از ابن سینا پرسیده و او جواب داده است
 و غالباً به کتاب الشفاء نظر دارد. در صدر برخی نسخ، اشاره به نام ابو منصور بن زبیه شده
 که مرحوم مهدوی بر این باور است که آن نشانگر این است که برخی از جوابها به سؤالات
 وی مربوط می‌شود و می‌افزاید: «این مراسلات و سؤالها و جوابها را کس یا کسان دیگری،
 غیر از شیخ رئیس و بهمنیار و ابن زبیه جمع آوری و تدوین کرده و به صورت کتاب در
 آورده‌اند. و شاید همین امر، منشأ اختلاف نسخ، از حیث ترتیب و تنظیم این مباحثه‌ها و
 عده آنها باشد. و نیز اینکه در بعضی از آنها، برخی از رقعه‌ها در صدر سؤال و جوابهای
 دیگری قرار گرفته است».

نکته مهمی که باید توجه داشت اینکه، این اثر در اواخر عمر ابن سینا نگاشته شده

و ابن سینا در پاسخ برخی از این پرسشهای غامض اظهار عجز کرده است، ملاصدرا صدرالمتألهین شیرازی، بعدها در مقام پاسخگویی به برخی پرسشهای فلسفی بهمنیار برآمده است.^۱ برخی از عناوین مراسلات عبارتند از:

۱. مسألة بخط عبدالملک، قيل فی کتاب الشفاء عند الکلام فی بقاء النفس... (۱۷۷ الف).

۲. کتاب: وصل الشيخ الفاضل، عدّه کتب نزل فی الإیناس... والشيخ ابومنصور بن زيلة... (۱۷۸ ب).

۳. کتاب: وصل کتاب الشيخ الفاضل - أطال الله بقاءه وأدام تأييده -... فعندی أنّ هذا الكتاب يوجد له نسخة محفوظة وأما المسائل المشرقية قد کنت... (۱۸۱ ب).

۴. کتاب: وصل خطاب الشيخ الفاضل، معرباً من خبر سلامته... والذی حکاه امتعاض الشيخ ابی القاسم الکرمانی، حین بلغه ما بلغه، فليس من حق مثله... (۱۸۵ ب).

۵. المسألة: قد وصلت إليّ بعد أن کتبت الكتاب والذی يجب أن يعلم فی هذا أنّ... (۱۸۹ الف).

گفتنی است که همانند بسیاری از نسخ موجود، نسخه حاضر هم کامل نیست، چنانچه مرحوم مهدوی نیز مرقوم داشته است: «تمام نسخ کامل نیست و حتی بعضی از آنها فقط مشتمل بر قسمتی از سؤال و جوابهاست...». ناگفته نماند که این اثر در سال ۱۹۴۷م، به همت عبدالرحمن بدوی در ضمن ارسطو عندالعرب به چاپ رسیده است.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: [شاه مراد (بن نقد علی) فراهانی ورامینی (به قرینه برگ ۴۴۷ الف)] □ تاریخ کتابت: [سال ۱۰۷۲ هـ] □ عنوانها و نشانیها: مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۳۵ (۱۷۴ ب - ۲۰۸ الف) □ تعداد سطر: ۲۷ □ اندازه متن: ۲۰×۱۱/۵ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۸×۲۷/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: دورو تیماج؛ برون: مشکی، ضربی، مجدول زرین، با ترنج و سر ترنج طلایی، قرمز و طرح گل و بوته؛ دارای لبه برگردان با عطف تیماج مشکی؛ درون: زرشکی مجدول به زر □ رقم کاتب: «تم کتاب المباحثات، المعروف ببهمنیار للرئيس أبی علی بن سینا، بحمدالله وتأییده، کتبناها من نسختین وکانتا سقیمتین، کما وجدنا فیها، تم».

ویژگی‌های نسخه: آثار بسیار ناچیزی از رطوبت دیدگی و چربی در فراز برگها دیده می‌شود.

رک: الذریعة: ج ۱۹، ص ۳۹؛ فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا: صص ۲۰۲-۲۱۲.
«ذیل نسخه شماره ۲۸۶»



(فلسفه - عربی)

۱.۸۷. المبدأ والمعاد

از: شیخ الرئيس ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا (درگذشته: سال ۴۲۷هـ).
آغاز: (۱۲۴ الف): «الفصل الخامس عشر: فی السعادة والشقاوة فی الآخرة ذوی الحقیقة وأما الأنفس الجاهلة، فإنها إن كانت خیره لم يحدث فیها شوق إلى المعقولات...».

آغاز: (۱۶۱ ب): «الفصل [الثانی عشر]: فی أن النفس حادث مع حدوث البدن الإنسانی وذلك لأن نفس الإنسانیة كثيرة بالعدد...».

انجام: (۱۶۱ ب): «كما يتولد بدن إنسانی علی المزاج الخاص بالإنسان، فيتولد معه نفس إنسانیة علتها العقل الفعال، لأن كل حادث فله علّة».

آغاز: (۱۶۸ ب): «الفصل مب [الثانی والأربعون] من كتاب المبدأ والمعاد: فی أن أي الأجسام مستعدة للحياة، ذاتها ليست بمستعدة...».

انجام: (۱۶۸ ب): «أن يكون الأجرام الفاسدة ينال الحياة ويكون الأجرام الإلهیة الكريمة منه الجواهر».

آغاز: (۱۶۸ ب): «[ال] فصل [الرابع]: فی تكون الإنسان وقوى نفسه وتعريف العقل الهیولانی».

انجام: (۱۶۸ ب): «لما قبلت غيرها قبولاً مستقیماً كاللوح المكتوب فيه ولكنها استعداد محض لقبول الصور كلها؛ تمت».

انجام: (۱۲۴ الف) «ولكن لا علی سبیل اتصال معقول بمعقول، فیزداد فسخه بالازدحام».

گزارش متن: بخشهای اندکی از رساله المبدأ والمعاد ابن سیناست که به صورت پراکنده در این نسخه آمده است و غالب مسائل این اثر مربوط به الهیات و طبیعیات است. مرحوم مهدوی درباره این اثر، در کتاب گرانسنگ مصنفات ابن سینا می‌نویسد: «در

رساله سرگذشت مسطور است که [ابن سینا] این کتاب و إحصاء الكلية وأوسط الجرجانی فی المنطق را برای ابی محمد شیرازی تصنیف کرده است، اما همانطور که ابن ابی اصیبعه متذکر شده، در مقدمه غالب نسخ این کتاب، نام این شخص ابو احمد محمد بن ابراهیم الفارسی ثبت شده است. به هر تقدیر چون این کتاب جزء مصنّفات شیخ در جرجان است، تاریخ تصنیف آن بایستی در حدود ۴۰۴هـ باشد.

گفتنی است که این اثر مشتمل بر سه مقاله و هر مقاله مشتمل بر چندین فصل می باشد. نسخه حاضر، فقط شامل فصل چهل و دوم از مقاله ثانیه و شامل فصلهای چهارم، دوازدهم و پانزدهم از مقاله ثالثه می باشد. و متأسفانه فاقد باقی مقالات و فصول است، البته نسخه کاملی از این اثر به شماره ۶۸۹۵/۱۰، در همین کتابخانه بزرگ موجود است.

این اثر نخستین بار به تصحیح محی الدین صبری الکردی و محمد حسین نعیمی الکردی در سال ۱۳۲۸هـ در قاهره، و سپس با تحقیق عالمانه آیت الله شیخ عبدالله نورانی در سال ۱۳۶۳ش، از سوی مؤسسه مطالعات دانشگاه مک گیل کانادا در تهران، به چاپ رسیده است.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: [شاه مراد (بن نقد علی) فراهانی ورامینی (به قرینه برگ ۴۴۷ الف)] □ تاریخ کتابت: [سال ۱۰۷۲هـ] □ عنوانها و نشانها: مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۳ (۱۲۴ الف) و (۱۶۱ ب) و (۱۶۸ ب) □ تعداد سطر: ۲۷ □ اندازه متن: ۱۱/۵ × ۲۰ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۸ × ۲۷/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: دو رو تیماج؛ برون: مشکی، ضربی، مجدول زرین، با ترنج و سر ترنج طلایی، قرمز و طرح گل و بوته، دارای لبه برگردان با عطف تیماج مشکی؛ درون: زرشکی مجدول به زر.

ویژگی های نسخه: در انجامة برگ «۱۲۴ الف» رقمی آمده که گمان می رود مربوط به نسخه مستنسخ عنه بوده باشد و عبارات آن چنین است: «سطر تلك الأسطر... لمن كان أمره مطاعاً صاحب الشميمة الشاهقة والقريحة الدامغة والتحقيقات الشائعة والتدقيقات العائقة. وهو صاحب الكتاب طوبى له وحسن مأب وأنا أحوج المربوبين إلى باريه محمد، المكتنى بأبى نصر نصير. وكان ذلك فى ليلة كان صاحبها يوماً يزيد فيه الرّحال والارتحال من بلدة شیراز، حفت بالإعزاز إلى مدينة إصفهان... الغاليات الفائضات على مشرفيها الصلوات».

رک: الذریعة: ج ۱۹، ص ۴۹؛ فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا: صص ۲۱۲-۲۱۶؛ معجم المطبوعات العربية فی ایران: ص ۵۸۴؛ المعجم الشامل للتراث العربی، المطبوع: ج ۳، ص ۲۶۳.
«ذیل نسخه شماره ۲۸۶»



۸۸. مختارات من نوادر کلمات الفلاسفة (فلسفه - عربی)

مؤلف: ناشناخته.

آغاز: «بسملة، مختارات من نوادر کلمات الفلاسفة العظام، أفلاطن قال: ليس ينبغي الرجل أن يشغل فكره فيما ذهب منه، لكنه يعني ما يفى وسئل كم ينبغي أن يكسب الإنسان المال؟ فقال المقدار الذي لا يحتاج معه...».

انجام: «لأن لذاتها لا يصفوا له في الدنيا، لأنها آلام بالحقيقة وهي يفضى به في المعاد إلى آلام لا ينفد وأوجاع لا يتناهي؛ تم».

گزارش متن: مجموعه‌ای برگزیده از کلمات فیلسوفان، طبیبان و ریاضی دانان یونان، همچون: افلاطون، ارسطاطالیس، اسکندر، دیوجانس، جالینوس، دیمیانس، فیلامون ملک، دلقولمس، فلاطیس، هرمس، سولون، اومیرس، سقراط، دیمقراطیس، فیثاغورس، بقراط و... است. نسخه‌ای دیگر از این اثر ضمن مجموعه‌ای فلسفی به شماره ۱۲۵۵، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (سنای سابق) موجود است.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: [شاه مراد (بن نقد علی) فراهانی ورامینی (به قرینه برگ ۴۴۷ الف)] □ تاریخ کتابت: [سال ۱۰۷۲ هـ] □ عنوانها و نشانیها: مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۲ (۳۹۷ الف - ۳۹۸ ب) □ تعداد سطر: ۲۷ □ اندازه متن: ۱۱/۵×۲۰ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۸×۲۷/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: دو رو تیماج؛ برون: مشکی، ضربی، مجدول زرین، با ترنج و سر ترنج طلایی، قرمز و طرح گل و بوته، دارای لبه برگردان با عطف تیماج مشکی؛ درون: زرشکی مجدول به‌زر.

ویژگی‌های نسخه: روی برخی کلمات قلم خوردگی‌هایی دیده می‌شود.

رک: فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (سنای سابق): ج ۲، ص ۱۹۱.

«ذیل نسخه شماره ۲۸۶»



۸۹. مرآة (رساله فی...) = الرسالة المرآة (فلسفه - عربی)
 از: سید ابوالحسن علی بن محمد جرجانی، مشهور به «میرسید شریف» (درگذشته: سال ۸۱۶ هـ).

آغاز: «بسملة، الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله. وبعد، فالناظر في المرآة ربما كان متوجهاً إلى الصورة المرتسمة فيها ومشتغلاً بها باحثاً...»
 انجام: «أو بوجه آخر فيستحيل أن يعلم الشيء بوجه واحد منفرداً عن علم الآخر به وهو باطل اتفاقاً؛ بل ضرورة. تمت من إفادات السيد النحرير الأمير سيد شريف الشيرازي رحمته الله».

گزارش متن: رساله فلسفی موجزی است در آیینہ (مرآت) که مؤلف آن از چگونگی نقش بستن تصویر مرآتی در ذهن و نیز نوع وجود آن بحث می نماید. در انجام نسخه، به نام مؤلف با عبارت: «من إفادات السيد النحرير الأمير سيد شريف الشيرازي» تصریح شده است. باید افزود که نسخه دیگری از این اثر به شماره ۱۱۰۷۷/۳، در همین کتابخانه معرفی شده است.^۱

گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: [شاه مراد (بن نقد علی) فراهانی ورامینی (به قرینة برگ ۴۴۷ الف)] □ تاریخ کتابت: [سال ۱۰۷۲ هـ] □ عنوانها و نشانها: مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۱ (۳۹۸ ب) □ تعداد کل سطور: ۲۳ □ اندازه کل متن: ۱۷/۵ × ۱۱/۵ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۸ × ۲۷/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: دو رو تیماج؛ برون: مشکی، ضربی، مجدول زرین، با ترنج و سر ترنج طلایی، قرمز و طرح گل و بوته، دارای لبه برگردان با عطف تیماج مشکی؛ درون: زرشکی مجدول به زر.
 رک: فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (سنای سابق): ج ۲، ص ۱۹۰؛
 مجموعات مخطوطة في مكاتب استانبول: ص ۶۱.

«ذیل نسخه شماره ۲۸۶»



۹۰. مراتب الموجود = الرسالة الشريفة = مراتب الموجودات (فلسفه - عربی)
 از: سید ابوالحسن علی بن محمد جرجانی، مشهور به «میرسید شریف» (درگذشته: سال ۸۱۶ هـ).

آغاز: «بسملة، مراتب الموجودات فی الموجودیة، بحیث التقسیم العقلی ثلاث^۱ لا مزید علیها أَدناها الموجود بالغیر، أی الذی موجدہ غیره، فهذا الموجود له ذات ووجود یغایر ذاته...».

انجام: «کما یشهد به بديهیة العقل، أن الواجب الوجود تعالی یجب أن یكون فی أعلى مراتب الموجودیة، تمت الرسالة الشریفیة المسمی بالشریفیة، بحمدالله وحسن توفیقه.»
 گزارش متن: رساله بسیار مختصری در مراتب موجودات است که به نظر می‌رسد، ترجمه عربی رساله فارسی خود مؤلف بوده باشد که نسخه‌هایی از آن با عناوین وجودیه یا مراتب وجود، به شماره‌های ۸/۸۸۰ و ۲/۵۶۵۷، در همین کتابخانه بزرگ موجود است.
 ناگفته نماند که از این اثر (نسخه حاضر) دو نسخه در همین کتابخانه، به شماره‌های ۶۵۴۳/۹ و ۶۸۶۹/۵ نگهداری می‌شود که به ترتیب در جلد‌های ۱۷ و ۱۸ فهرست کتابخانه، معرفی گردیده است.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: [شاه مراد (بن نقد علی) فراهانی ورامینی (به قرینه برگ ۴۴۷ الف)] □ تاریخ کتابت: [سال ۱۰۷۲ هـ] □ عنوانها و نشانیها: مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۱ (۱۲۳ ب) □ تعداد کل سطور: ۲۵ □ اندازه کل متن: ۱۹×۱۱/۵ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۸×۲۷/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: دو رو تیماج؛ برون: مشکی، ضربی، مجدول زرین، با ترنج و سر ترنج طلایی، قرمز و طرح گل و بوته، دارای لبه برگردان با عطف تیماج مشکی؛ درون: زرشکی مجدول به زر.
 ویژگی‌های نسخه: بر فراز برگ آغازین نسخه چنین آمده است: «من إفادات السيد السند المحقق المدقق الفاضل النحریر، السيد شریف العلامة...».

رک: فهرست نسخه‌های خطی ملی ملک: ج ۸، ص ۴۲.

«ذیل نسخه شماره ۲۸۶»



(فقه شیعه - عربی)

۹۱. مسائل الشکوک فی الصلاة

مؤلف: ناشناخته.

آغاز: «بسملة، اعلم أن مسائل الشکوک فی الصلاة مئتان وأربع وثلثون، لأن عروض الشک للمصلی لا یخلو من تسعة مواضع، الأول أن یكون بعد السجود...».

۱. در برخی نسخ: «بینت بما لا مزید...» آمده است.

انجام: «وهذه خمس عشرة صورة أخرى، إذا ضربتها في التسعة الأولى تبلغ مئة وخمسة وثلاثين، فالمجموع مئتان وأربعة وثلاثون صورة والله أعلم بالصواب وإليه المرجع والمآب».

گزارش متن: «احکام و مسائل مربوط به شکایات نماز است که ۲۳۴ فرض برای آن تصور شده، و در این رساله به صورتی بسیار مجمل و خلاصه بیان گردیده است.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نسخ □ تاریخ کتابت: سده ۱۳ ه □ عنوانها و نشانیها: قرمز □ نوع کاغذ: شرقی نخودی □ تعداد برگ: ۱ (۷۱ الف - ۷۱ ب) □ تعداد سطر: ۱۸ □ اندازه متن: ۸/۵ × ۱۵/۵ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۱/۵ × ۱۸ سانتیمتر □ نوع جلد: تیماج زرشکی، مجدول با ترنج و سر ترنج و لچک ترنج لاکی کرم؛ عطف: تیماج حنایی.

ویژگی های نسخه: در انجام این رساله ضمن برگهای «۷۲ الف - ۷۵ الف» چند زیارت نامه مربوط به زیارت حضرت رسول ﷺ، زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی ﷺ، زیارت حضرت امام رضا ﷺ، زیارت دیگر حضرت علی ﷺ، زیارت امام زمان ﷺ در روز جمعه و... آمده است.

«ذیل نسخه شماره ۵۳»



۹۲. مسائل الشكوك في الصلاة (۲)

(فقه شیعه - عربی)

مؤلف: ناشناخته.

آغاز: مانند نسخه پیشین.

انجام: مانند نسخه پیشین.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نسخ □ تاریخ کتابت: سده ۱۳ ه □ عنوانها و نشانیها: قرمز □ نوع کاغذ: شرقی نخودی □ تعداد برگ: ۲ (۷۵ ب - ۷۶ الف) □ تعداد سطر: ۱۸ □ اندازه متن: ۹ × ۱۶ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۱/۵ × ۱۸ سانتیمتر □ نوع جلد: تیماج زرشکی، مجدول با ترنج و سر ترنج و لچک ترنج لاکی کرم؛ عطف: تیماج حنایی.

ویژگی های نسخه: بنا به نوشته کاتب در انجام نسخه، این رساله سهواً مکرراً در این مجموعه نوشته شده است. در انجام نسخه جداول مسائل الشكوك بین برگهای «۷۶ ب - ۷۸ الف» و نیز ادعیه ای برای توسع رزق و روزی و برخی تعویذات آمده است.

«ذیل نسخه شماره ۵۳»



مؤلف: ناشناخته.

آغاز: «بسملة، هذه فوائد تشتمل على بعض مسائل الأصول الفقهية، الأول الحكم الشرعي توقيفي، موقوف على النص من الشرع وإن استقل به العقل...».

انجام: «الأصل عدم زيادة شرط في وجوب صلاة الظهر، مع أن بعض المجتهدين يدعى أن هذه الأصل لا دليل على حجتيه في أمثال المنام، فلا بد من التأمل في دليل حجتيه ولما أشرنا إليه، تمت الرسالة بعون الله».

گزارش متن: رساله مختصری در اصول فقه شیعه است که با عناوین «فائدة - فائدة» بیان گردیده است. در این رساله از مناط حکم شرعی بیان عبادات و نیز بیان حقایق شرعیّه و... سخن به میان آمده است. این احتمال وجود دارد که کاتب نسخه «علی نقی بن اسماعیل موسوی» خود مؤلف و نگارنده این اثر بوده باشد، که به هر تقدیر احتیاج به بررسی و تحقیق بیشتری دارد.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نسخ مایل به نستعلیق □ نام کاتب: [علی نقی بن اسماعیل موسوی (به قرینه برگ ۴۱ ب همین مجموعه)] □ تاریخ کتابت: [سال ۱۲۳۱ هـ] □ عنوانها و نشانیها: مشکى □ نوع کاغذ: فرنگی سفید آهار مهر زده □ تعداد برگ: ۲ (۱۰۰ ب - ۱۰۱ الف) □ تعداد سطر: ۲۰ □ اندازه متن: ۷/۵ × ۱۳/۵ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۲۰ × ۱۳ سانتیمتر □ نوع جلد: مشمعی (گالینگور) مشکى با عطف تیماج مشکى.

ویژگی‌های نسخه: قلم خوردگی اندکی، روی برخی عبارات قابل مشاهده است.

«ذیل نسخه شماره ۱۱۹»



از: شیخ جعفر بن خضر نجفی، مشهور به «کاشف الغطاء» (درگذشته: سال ۱۲۲۷ یا ۱۲۲۸ هـ).

آغاز: «من إفادات شيخنا المعظم الشيخ جعفر النجفي، مسألة: من أعطى ما اختاره^۱ على المجتهد في زمن الغيبة على المشهور من ثلاثة أسهم الخمس بنفسه من غير إذنه، ثم أجازه المجتهد...».

۱. در نسخه چنین است شاید: «ما فی اختیاره» بوده باشد.

انجام: «ولو كتب المجنب مثلاً أو نقش في بدنه آيت أو اسماً من أسماء الله، لم يشمله أدلة حرمة اللمس... الاجتناب عنه... من باب تعظيم الشعائر و حرمة... مثله».

گزارش متن: چند فتوا و مسأله فقهی و نیز اصولی است، مشتمل بر مباحث: خمس، زکات، وقف، لفظ مطلق، انجام عبادات به جهت ترس از آتش یا طمع بهشت، استعمال لفظ مشترک، اعمالی که مشروط به نیت هستند، اراده، تأخیر از اتیان صلاة، چگونگی نمازگزاردن در مساجد مخالفین با اینکه مساجد آنان برای صلوات صحیحه وقف گردیده است و از نظر آنها صلاة امامیه باطل و فاسد است! ایشان می گویند: «قلت إن الأمر بالعكس، لأن الصّحة عبادة عمّا هو كذلك في نفس الأمر، فيلزم بطلان صلاتهم في مساجد الشيعة وصحة صلاة الشيعة في مساجدهم...».

گزارش نسخه: □ نوع خط: شکسته نستعلیق □ تاریخ کتابت: سال ۱۲۲۳ هـ □ عنوانها و نشانیها: مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی □ تعداد برگ: ۱ (۵۴ الف - ۵۴ ب) □ تعداد سطر: به صورت چلیپا کتابت شده است □ اندازه متن: ۱۷ × ۱۰ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۹/۵ × ۱۲ سانتیمتر □ نوع جلد: تیماج قهوه‌ای فرسوده.

ویژگی های نسخه: این نسخه از آن حیث که در زمان حیات مؤلف نگاشته شده و عبارت «سلمه الله تعالی» در برخی فقرات و فرازها دیده می شود، حائز اهمیت است.

«ذیل نسخه شماره ۱۰۱»



۹۵. مسائل متفرقة سُئل عنها = المسائل المتفرقة من كلام الفارابی = المسائل الفلسفية والأجوبة عنها (طبیعیات و فلسفه - عربی)

از: ابو نصر محمد بن محمد بن طرخان فارابی (درگذشته: سال ۳۳۹ هـ).

آغاز: «بسملة، هذه مسائل متفرقة سُئل عنها الحكيم الفيلسوف الشيخ...؛ مسألة: سئل عن الألوان، كيف يحدث في الأجسام وفي أيّ الأجسام يحدث؟ فقال: إنّما يحدث في الأجسام، التي هي بحسب الكون والفساد...».

انجام: «فإذن العالم محدث والقياس على طريق الجدول، ردك الشيء إلى المشارك له في علته، ليحكم له بمثل حكمك الذي أوجبه له العلة وهذا هو التمثيل بعينه».

گزارش متن: مجموعه ای از سؤالات فلسفی و طبیعی (فیزیک) است که با عناوین

«سئل - فقال» و در اواخر با عناوین «فصل» از سوی معلّم ثانی ابونصر فارابی پاسخ داده شده است. در این نسخه چند مسأله (سؤال) و ۴ فصل آمده است، عناوین برخی سؤالات عبارتند از: الألوان كيف يحدث فى الأجسام (۴۰۲ الف)؛ اللون (۴۰۲ الف)؛ ماهية (۴۰۲ الف)؛ معنى التخلخل والتكاثف (۴۰۲ الف)؛ الخشونة والملامسة (۴۰۲ الف)؛ الأشياء الكثيفة (۴۰۲ الف)؛ الحفظ والفهم (۴۰۲ الف)؛ العالم هل هو يكون فاسداً أم لا؟ (۴۰۲ ب)؛ الأشياء العامية كيف يكون وجودها (۴۰۲ ب)؛ الانفعال فى الكيفية (۴۰۲ ب)؛ الاسم المشكك (۴۰۳ الف)؛ العرض كيف يحمل الأجناس؟ (۴۰۳ الف)؛ الجوهر كيف يحمل على الجواهر، بالتقدم والتأخر؟ (۴۰۳ الف)؛ اكتساب المقدمات (۴۰۳ الف)؛ قضية الإنسان موجود، هل هى ذات محمول أم لا؟ (۴۰۳ ب)؛ المتضادات (۴۰۳ ب)؛ مقولة يفعل وينفعل (۴۰۳ ب)؛ مقولة المضاف هل هى منقسمة إلى أنواع ذاتية أم لا؟ (۴۰۴ الف)؛ الحركة (۴۰۴ الف)؛ المحمول والموضوع المستعملين فى كتاب القياس، من أىّ الأسماء؟ (۴۰۴ الف)؛ الفصول هل يكون داخله تحت المقولة، التى يكون منها الجنس والنوع أو يكون خارجة عنها؟ (۴۰۴ ب)؛ المساوى وغير المساوى، هل خاصة للكّم؟ (۴۰۴ ب)؛... النسبة التى بين الجوهر وبين ما لطيف به كلّه أو بعضه (۴۰۴ الف)؛ الأدلة (۴۰۵ الف)؛ التصور بالعقل كيف يكون؟ (۴۰۵ الف) حصول الصورة فى الحس (۴۰۵ الف). در ضمن عناوین فصول چهارگانه نیز چنین هستند:

فصل ۱. الفرق بين الإرادة والاختيار (۴۰۵ ب).

فصل ۲. حدّ أرسطاطاليس النفس (۴۰۵ ب).

فصل ۳. الأسطقسات (۴۰۵ ب).

فصل ۴. الأفلاك كلّها متناهية... (۴۰۶ الف).

ناگفته نماند که این اثر نخستین بار از سوی جمعیت دائرة المعارف العثمانية در حیدرآباد هند، به سال ۱۳۴۰ هـ ضمن رسائل الفارابی به چاپ رسیده است. همچنین این اثر توسط دیتیریچی (f. dieterici) به زبانی آلمانی ترجمه، و در سال ۱۸۹۲ م منتشر شده است. و نیز به زبان ترکی (استانبولی)، به کوشش حلمی ضیاء اولکن وقوام الدین برسلان برگردانده شده و در سال ۱۹۴۱ م، در ترکیه به چاپ رسیده است.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: [شاه مراد (بن نقد علی) فراهانی ورامینی (به قرینه برگ ۴۴۷ الف)] □ تاریخ کتابت: [سال ۱۰۷۲ هـ] □ عنوانها و نشانیها:

مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۶ (۴۰۲ الف - ۴۰۷ الف) □ تعداد سطر: ۲۷ □ اندازه متن: ۱۱/۵ × ۲۰ □ اندازه جلد: ۱۸ × ۲۷/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: دو رو تیماج؛ برون: مشکی، ضربی، مجدول زرین، با ترنج و سر ترنج طلائی، قرمز و طرح گل و بوته، دارای لبه برگردان با عطف تیماج بمشکی؛ درون: زرشکی مجدول به زر. ویژگی های نسخه: برگ سوم این رساله آسیب دیده و مجدداً ترمیم گردیده است. رک: مؤلفات الفارابی: صص ۵۳، ۱۲۹؛ فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (سنای سابق): ج ۲، ص ۱۹۲.

«ذیل نسخه شماره ۲۸۶»



(حساب و جبر - عربی)

۹۶. المسائل المستخرجة من المسائل الست الجبرية

مؤلف: ناشناخته.

آغاز: «ولو قال لزيد: على ألف ونصف ما لعمرو ولعمرو على ألف ونصف ما لزيد، نفرض ما لزيد شيئاً، فلعمرو ألف ونصف شيء ولزيد ألف وخمسمئة وربع شيء معادلاً لشيء، فبعد المقابلة بعد إسقاط الربع...».

انجام: «فإذا نقصت نصفه وهو أربعمئة من الالفين، يبقى ألف وستمئة وهو لعمرو، فهذا مسائل استخراجها بالأولى من المفردات من المسائل الست الجبرية، وبالله التوفيق».

گزارش متن: رساله ای مختصر در بیان تمرینهای عملی با ذکر مثالهایی در استخراج مسایل جبری است، در این اثر ۹ مسأله با عنوان «لو قال» ذکر شده است.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نسخ □ نام کاتب: صدر الاسلام [بن ابو المولی] □ تاریخ کتابت: سال ۹۸۲ ه □ محل کتابت: [دارالسلطنه] شیراز □ عنوانها و نشانیها: قرمز □ نوع کاغذ: شرقی نخودی نازک □ تعداد برگ: ۲ (۱۲۸ ب - ۱۲۹ ب) □ تعداد سطر: ۱۴ □ اندازه متن: ۱۱/۵ × ۶/۵ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۹ × ۱۳/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: تیماج قهوه‌ای □ رقم کاتب: «تمت هذه المسائل والحمد لله على الأواخر والأوائل وصل على محمد وآله أكرم القبائل، به تاریخ شهر رجب ۹۸۲ ه، کتبه الفقیر صدر الاسلام».

ویژگی های نسخه: در انجام یک حاشیه نویسی با نشان «غل ام ع رحمه الله» دارد که شاید منظور غلامعلی باشد، آثار رطوبت دیدگی بر فراز و پایین برگهای نسخه مشاهده می شود.

«ذیل نسخه شماره ۶۳»



۹۷. مسأله من کتاب النفس = الصورة المعقولة = مسأله کتاب النفس (رسالة فی...) = اجوبة

الشیخ الرئيس إلی ابی سعید ابی الخیر (فلسفه - عربی)

از: شیخ الرئيس ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا (درگذشته: سال ۴۲۷هـ).

آغاز: «وکتب إلیه - قدس الله روحه - سأل سيدنا ومولانا الشيخ الرئيس... عن شرح قوله فی کتاب النفس: إن كان محلّ الصورة المعقولة جسماً... فأجاب وقال: الصورة المعقولة، إنما هي معقولة على ما هي فی الجوهر العاقل...».

انجام: «أو متشابهين لاتشابهان الكلّ فی المعنى، ليس فی القدر والشكل والعدد وليس كذلك وهو أعلم».

گزارش متن: رساله مختصر فلسفی مربوط به مطلبی از کتاب النفس الشفاء در ضمن المباحثات است که براساس نسخه حاضر و سایر نسخه‌ها در جواب سؤال ابو سعید ابوالخیر صوفی نیشابوری (درگذشته به سال ۴۴۰ هـ) نگاشته شده است. مرحوم یحیی مهدوی در این باره می‌نویسد: «چون در نسخه‌های متعدد قید شده است که سائل شیخ ابوسعید ابوالخیر بوده است، ما آن را در اینجا ثبت کردیم به خصوص که بعید نیست که بهمینار [درگذشته به سال ۴۵۸ هـ] یا گردآورنده المباحثات سؤالاتی را هم که دیگران از شیخ کرده‌اند، با جوابهای آنها در المباحثات آورده باشد.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: [شاه مراد (بن نقد علی) فراهانی ورامینی (به قرینه برگ ۴۴۷ الف)] □ تاریخ کتابت: [سال ۱۰۷۲ هـ] □ عنوانها و نشانیها: مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۲ (۳۵ ب - ۳۶ الف) □ تعداد سطر: ۲۷ □ اندازه متن: ۱۱/۵×۲۰ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۸×۲۷/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: دو رو تیماج؛ برون: مشکی، ضربی، مجدول زرین، با ترنج و سر ترنج طلایی، قرمز و طرح گل و بوته، دارای لبه برگردان با عطف تیماج مشکی؛ درون: زرشکی مجدول به زر.

ویژگی‌های نسخه: اندکی از آثار رطوبت دیدگی بر فراز برگها مشاهده می‌شود.

رک: فهرست نسخه‌های مصتقات ابن سینا: ص ۷.

«ذیل نسخه شماره ۲۸۶»



۹۸. المعودة فی امر النفس والفیض = اجوبة الشيخ الرئيس إلى ابی سعید ابی الخیر

(فلسفه - عربی)

از: شیخ الرئيس ابو علی حسین بن عبدالله بن سینا (درگذشته: سال ۴۲۷ هـ).
 آغاز: «فکتب الشيخ سلطان العارفين، خاتم المشايخ أبو سعید بن أبی الخیر - قدس
 الله روحه - أسبغ الله تعالى على الشيخ الرئيس مواد النعم المتواليه ورفع له عماد الدولة
 النامية، قد تجدد على الخادم اشكالان: أما الأول: قد ذكرت في خلال الكلام... فأجاب:
 فقد وصلت المسألة...».

انجام: «هذا ما أردنا أن نبين وبعد هذا يذكر رسالة الفيض الإلهي في أول السؤال الثاني
 من أمر النفس، فأقول: الأفعال والانفعالات.».

گزارش متن: رساله مختصر فلسفی است که ابن سینا در جواب سؤال ابوسعید
 ابوالخیر صوفی نیشابوری (درگذشته به سال ۴۴۰ هـ) نگاشته است. مرحوم مهدوی در
 فهرست مصنفات ابن سینا در باره این اثر می نویسد: «در بعضی از نسخ، مانند [نسخه های]
 بریتانیا ۹۷۸/۲۱ و حمیدیه ۱۴۴۸/۱۶ و مجلس ۶۲۵/۴ قید شده است که آن را شیخ در
 جواب ابوعبید جوزجانی [درگذشته به سال ۴۳۸ هـ] نوشته، و در آن نسخ [خود] سؤال
 آورده نشده است. و حال آنکه در بعضی دیگر، مخاطب هم شیخ الاجل سلطان العارفين
 خاتم المشايخ [مانند نسخه حاضر] نامیده شده است.

در خاتمه بعضی از نسخ، این جواب [مانند نسخه حاضر] قید شده است: و بعد، هذا
 يذكر رسالة الفيض الالهی [فی اول السؤال الثاني من أمر النفس]... بروکلیمان وقنواتی،
 نسخ این سؤال و جواب و جواب شیخ به ابوعبید جوزجانی را خلط کرده اند، علاوه بر
 اینکه ارگین و قنواتی نسخ این رساله را در زیر سه عنوان و شماره ثبت کرده اند و آن را
 سه رساله مستقل دانسته اند.

ناگفته نماند که بین برگهای «۱۳۰ ب - ۱۳۳ الف» همین مجموعه، رساله الفيض الإلهی
 آمده که در واقع جواب سؤال دوم ابوسعید ابوالخیر است.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: [شاه مراد (بن نقد علی) فراهانی
 ورامینی (به قرینه برگ ۴۴۷ الف)] □ تاریخ کتابت: [سال ۱۰۷۲ هـ] □ عنوانها و نشانیها:
 مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۲ (۳۴ الف - ۳۵ الف) □ تعداد
 سطر: ۲۷ □ اندازه متن: ۱۱/۵×۲۰ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۸×۲۷/۵ سانتیمتر

□ نوع جلد: دورو تیماج؛ برون: مشکی، ضربی، مجدول زرین، با ترنج و سر ترنج طلایی، قرمز و طرح گل و بوته، دارای لبه برگردان با عطف تیماج مشکی؛ درون: زرشکی مجدول به زر.

ویژگی‌های نسخه: اندکی از آثار رطوبت دیدگی بر فراز برگها مشاهده می‌شود.

رک: فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا: ص ۵.

«ذیل نسخه شماره ۲۸۶»



۹۹. معرفة كوكب السعد والنحس وما يتعلق بكل واحد منها (رسالة فی...) = رسالة بعض الحكماء فی معرفة كوكب السعد....

(نجوم - عربی)

مؤلف: ناشناخته.

آغاز: «قال أفلاطن: لا يدل على الحقائق إلا المشتري، قال إبقراط: إذا استولى برجيس، یعنی المشتري فی تحويل السنة الشمسية...».

انجام: «قال أبو معشر وهذا صحيح، لأن قسمتهم لزل و نسبتهم إليه وهو من شرکه عطارد و زحل، فالأجسام والألوان زحلیة والحكمة والفلك عطاردیة والعلم عندالله».

گزارش متن: رساله مختصری در نجوم و سعد و نحس کواکب و ستارگان است که با بهره گیری از اقوال بزرگان فلسفه و نجوم یونان باستان همچون: افلاطون، بقراط، ارسطو و... دانشمندان نجوم ایرانی همچون ابومعشر بلخی و دیگران به نحو اختصار نگارش یافته است. دو نسخه دیگر از این اثر یکی در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به شماره ۱۳۸۴/۵ و دیگری در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (سنای سابق) به شماره ۱۲۵۵/۲ نگهداری می‌شود.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: [شاه مراد (بن نقد علی) فراهانی ورامینی (به قرینه برگ ۴۴۷ الف)] □ تاریخ کتابت: [سال ۱۰۷۲ هـ] □ عنوانها و نشانیها: مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۲ (۱۱۹ ب - ۱۲۰ الف) □ تعداد کل سطور: ۲۰ □ اندازه متن: ۱۱/۵×۲۰ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۸×۲۷/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: دورو تیماج؛ برون: مشکی، ضربی، مجدول زرین، با ترنج و سر ترنج طلایی، قرمز و طرح گل و بوته، دارای لبه برگردان با عطف تیماج مشکی؛ درون: زرشکی مجدول به زر.

رک: فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران: ج ۳، ص ۴۴۳؛ فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (سنای سابق): ج ۲، ص ۱۸۷.

«ذیل نسخه شماره ۲۸۶»



۱۰۰. مفاخرة لأمیر المؤمنین علی بن ابی طالب و فاطمة علیهم السلام
ناظم: ناشناخته.

آغاز:

«قفوا واسمعوا یا حضرین وانظروا
یمثلها نظماً ملیحاً محمّداً
انجام:

مقالة شعر فیه درّ و جوهر
تفاخرت الزهراء والطهر حیدر»

«أیا سادتی یا آل أحمد حبّکم
أو إذن من قد قال قبلی قصید
تمّت و للخیر عمّت».

أموت علیه ثمّ أحمیا وأحشر
ة علی فقد من أهوی یطول التفکر

گزارش متن: قصیده‌ای راثیه در مفاخرة مثالی و فرضی بین حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و بانوی دو سرا، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در ۳۰ بیت است که بر اساس نسخه منشور کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۲۸۶۴/۱۷، اصل ماجرای این مفاخره از طریق حضرت سلمان فارسی رضی الله عنه نقل گردیده است.^۱ در بخشی از این قصیده زیبا آمده است:

وفاطمة قالت أنا خصّ والدی
فقال علی المفاتیح فی یدی
وفاطمة قالت أنا الشمس وا
ولی مهر خمس الأرض من غیر ر
فقال علیّ إنّنی سید الوری
فقال رسول الله یا فاطم
علیّ له منی محلّ و منزل

بجنات عدن صفوها لا یکدر
أجیز الذی قد حبّتی وأعبر
لضحی أنا ناقة الله التی لیس تعقر
یبة من الله مفروض بین مسطر
فقد ساد من ولدی شبیر و شبر
أقصری فمثلك عن مثل الوصی یقصر
کهارون من موسی وللدین ینصر

۱. آغاز نسخه دانشگاه تهران که با عنوان مفاخرة فاطمة و علی علیهم السلام معرفی شده، چنین است: «بسملة، روی عن سلمان الفارسی... أنه خرج النبی ذات یوم إلى زیارة ابنته فاطمة... (رک: فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: ج ۱۰، ص ۱۷۱)».

على اباد المشركين سيفه وهزمهم والنار للحرب تشعر
 على شفيع الخلق فى يوم حشرهم الى الله فى ما قدموا وتأخر
 فبشراً لمن والى علياً وحبته وسحقاً لمن عاداه فى النار يحشر
 گزارش نسخه: □ نوع خط: نسخ □ تاریخ کتابت: سده ۹ ه □ عنوانها و نشانیها: شنگرف
 □ نوع کاغذ: شرقی (سمرقندی) نخودی ضخیم نرم شده □ تعداد برگ: ۲ (۲۰۸ الف -
 ۲۰۹ ب) □ تعداد سطر: ۱۹ □ اندازه متن: ۹/۵×۱۴/۵ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۳/۵×۱۸
 سانتیمتر □ نوع جلد: تیماج قهوه‌ای روشن مجدول (فرسوده).
 ویژگی‌های نسخه: آثار رطوبت دیدگی بر روی برگهای این نسخه نفیس مشاهده
 می‌شود، لیکن به طور کامل خواناست.

«ذیل نسخه شماره ۶۷»



۱۰۱. مقاله فی بیان ان الأجسام السماویة تفعل فی الأجسام التى تحتها = المقالة فى الجهة
 التى یصح علیها القول فى احکام النجوم (احکام نجوم - عربی)
 از: ابو نصر محمد بن محمد بن طرخان فارابی، مشهور به «معلم ثانی» (درگذشته:
 سال ۳۳۹ ه).

آغاز: «بسملة، قال أبو نصر: الأجسام السماویة، إنما تفعل فى الأجسام التى تحتها
 سخونة أزيد وأنقص ويتبع مقادير تلك السخونة فى تلك الأجسام آثار وصور آخر وأعراض
 آخر، يتبع تلك الصور والآثار...».

انجام: «فأما الإرادات التى يكون على الفكر والرؤية الصحيحة، فالله يحكم عليها بشيء
 من الأجسام السماویة، تمت المقالة... والله الحمد بلا نهاية».

گزارش متن: رساله مختصری در احکام نجوم و چگونگی واکنش و تأثیر اجسام
 سماوی نسبت به اجرام دیگر است. گفتنی است که نسخه‌ای از این اثر، ذیل شماره
 MS.1.0.3832 در کتابخانه مطالعات هندی (India office) در لندن موجود است.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: [شاه مراد (بن نقد علی) فراهانی
 ورامینی (به قرینه برگ ۴۴۷ الف)] □ تاریخ کتابت: [سال ۱۰۷۲ ه] □ عنوانها و نشانیها:
 مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۱ (۳۰۴ الف - ۳۰۴ ب) □ تعداد
 سطر: ۲۷ □ اندازه متن: ۱۱/۵×۲۰ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۸×۲۷/۵ سانتیمتر □ نوع

جلد: دورو تیماج؛ برون: مشکى، ضربى، مجدول زرین، با ترنج و سر ترنج طلايى، قرمز و طرح گل و بوته، دارای لبه برگردان با عطف تیماج مشکى؛ درون: زرشكى مجدول به زر. ویژگی‌های نسخه: جای برخی کلمات در میان سطور خالی مانده، احتمالاً کلماتی از اصل نسخه قابل قرائت نبوده است.

رک: مؤلفات الفارابى: صص ۱۹۵-۱۹۶؛ توصیفى فارابى، ص ۳۹.

«ذیل نسخه شماره ۲۸۶»



۱۰۲. مقاله فی خطا من قال إن سینا هو جوهر و عرض معاً = خطا من قال إن الکیمة جوهریة و من قال إن سینا هو جوهر و عرض معاً (رسالة فی...)

از: شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا (درگذشته: سال ۴۲۷ هـ). آغاز: «بسملة، مقالة... قال: إن قوماً لما تشکل علیهم، فقیل: إن الفصول البسیطة المقومة للأنواع الجوهریة مثل النطق مثلاً فی تقویمها وجودها...». انجام: «ولکن لأن الصورة أخرى أعدمتم و فعلت فی الإقامة فعلها، فهذه کاف والحمد لله أولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً، تمت المقالة للرئیس أبى علی... تم».

گزارش متن: رساله مختصر فلسفی است در اینکه آیا کمیت از مقوله جوهر است یا از مقوله عرض. و سؤال دیگر اینکه: شیء واحد هم جوهر است و هم عرض که البته هر کدام طرفدارانی هم دارد. ابن سینا در این رساله مختصر، دیدگاههای شاذ را مردود و همان نظریه مشهور اینکه «کمیت» از مقوله عرض است را به اثبات رسانده، و قائلین به این نظریه را هم که «شیء واحد هم عرض است و هم جوهر معاً» رد می نماید.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: [شاه مراد (بن نقد علی) فراهانی ورامینی (به قرینه برگ ۴۴۷ الف)] □ تاریخ کتابت: [سال ۱۰۷۲ هـ] □ عنوانها و نشانیها: مشکى □ نوع کاغذ: شرقى نخودى ضخیم □ تعداد برگ: ۳ (۱۷۲ الف - ۱۷۴ الف) □ تعداد سطر: ۲۷ □ اندازه متن: ۲۰×۱۱/۵ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۸×۲۷/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: دورو تیماج؛ برون: مشکى، ضربى، مجدول زرین، با ترنج و سر ترنج طلايى، قرمز و طرح گل و بوته، دارای لبه برگردان با عطف تیماج مشکى؛ درون: زرشكى مجدول به زر. رک: فهرست مصنفات ابن سینا: ص ۹۸.

«ذیل نسخه شماره ۲۸۶»



۱۰۳. مقاله فی قوانین صناعة الشعراء = کتاب فی قوانین صناعة الشعر (منطق - عربی)
 از: ابونصر محمد بن محمد بن طرخان فارابی، مشهور به «معلم ثانی» (درگذشته:
 سال ۳۳۹هـ).

آغاز: «بسملة... قال: قصدنا فی هذا القول إثبات أقاویل و ذکر معان یقضى بمن عرفها
 إلى الوقوف علی ما أثبتته الحکیم فی صناعة الشعراء من غیر أن یقصد إلى استیفاء جمیع
 ما یحتاج إليه فی هذه الصناعة...».

انجام: «ویشغله عن الأنواع والجهات الآخر ولذلك ما لم یشرع فی شیء من ذلك قولنا
 هذا، تمت... والله المنّة والحمد بلا نهاية؛ تم».

گزارش متن: این رساله در یکی از صناعات منطق (صناعت شعر) است. آقای چاوشی
 در کتاب‌شناسی توصیفی فارابی درباره این اثر می‌نویسد: «این رساله تلخیصی از فن شعر
 ارسطوست، از روی شرح ثاسطیوس و بعضی شارحان دیگر که در واقع نه ترجمه کتاب
 ارسطوست و نه تلخیص درست آن، بلکه مطالب مختلفی است که ظاهراً از روی بعضی
 شروح متداول بین فضلالی مکتب اسکندریه تلفیق شده است.

ناگفته نماند که نسخه‌ای با عنوان صناعة المنطق به شماره «۵۱۰/۱/۳» در همین
 کتابخانه بزرگ موجود است که غیر این رساله می‌باشد.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: [شاه مراد (بن نقد علی) فراهانی
 ورامینی (به قرینه برگ ۴۴۷ الف)] □ تاریخ کتابت: [سال ۱۰۷۲ هـ] □ عنوانها و نشانیها:
 مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۲ (۲۲۳ الف - ۲۲۴ ب) □ تعداد
 سطر: ۲۷ □ اندازه متن: ۱۱/۵ × ۲۰ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۸ × ۲۷/۵ سانتیمتر □ نوع
 جلد: دو رو تیماج؛ برون: مشکی، ضربی، مجدول زرین، با ترنج و سر ترنج طلایی، قرمز
 و طرح گل و بوته، دارای لبه برگردان با عطف تیماج مشکی؛ درون: زرشکی مجدول به زر.
 رک: مؤلفات الفارابی: ص ۱۹۴؛ عیون الأنباء: ج ۳، ص ۲۳۴؛ الوافی بالوفیات: ج ۱،
 ص ۱۱۰؛ کتاب‌شناسی توصیفی فارابی: ص ۹؛

Geschichte der Arabischen Littratur (GAL): I,P.234, and GAL (supp): I,P.

957.

«ذیل نسخه شماره ۲۸۶»



۱۰۴. مقاله مستفادة فی تحصیل السعادة = تحصیل السعادة = الحجج الغز = الحجج العشرة فی جوهریة نفس الإنسان = التحفة فی النفس وما تصیر إلیه = المعاد الأصغر = النفس وما تصیر إلیه (فلسفه - عربی)

از: شیخ رئیس ابو علی حسین بن عبدالله بن سینا (درگذشته: سال ۴۲۷ هـ).
آغاز: «لو طرق للعاقل صرف المعروف إلی المعارف خصوصاً، إذا كان المعروف أفضل ما یتمسک به من سعد بالحیة والمصرف به إلیه...».

انجام: «عن زخارفها دون الید إلی ما هو فوقها ومنها أن کل واحدة منها یمکن التقاصر عنها من غیر إخلال من محض الإنسانیة فی العاجل؛ تم».

گزارش متن: رساله مختصر فلسفی در جوهریت نفس آدمی و معرفت نفس که ابن سینا آن را برای کسی که به او برادر خطاب کرده، تصنیف کرده است. این رساله در یک مقدمه و ده حجت در جوهریت نفس و مطالبی دیگر نگارش یافته است. مرحوم یحیی مهدوی درباره این رساله چنین می نویسد: «ظاهراً این رساله همان است که ابن ابی اصیبعه از آن به مقاله فی تحصیل السعادة و تعرف بالحجج الغز و صدر المتألهین در أسفار [الأربعة] به رساله حجج العشر نام برده اند و... در بعضی نسخ رساله فی النفس یا نفسیه ضبط شده است. امام فخر رازی در المباحث المشرقیة از رساله التحفة نام برده، و عباراتی نقل کرده است که عین آنها در رساله تحصیل السعادة دیده می شود. و بنابر این ممکن است این رساله همان رساله التحفه ای باشد که نام آن در فهرست مؤلفات شیخ آمده است. و مؤید این احتمال این است که در نسخه راغب پاشا و نسخه دوم [ملی] ملک این رساله به اسم التحفة ثبت شده است، شیخ در فصل پنجم رساله عشق و امام فخر رازی ایضاً در المباحث المشرقیة به آن اشاره کرده اند.

ناگفته نماند که رساله ای با عنوان تحصیل السعادة منسوب به فارابی در سال ۱۳۴۵ هـ در حیدر آباد هند به چاپ رسیده که به جز این رساله می باشد، همچنین این اثر از سوی آقای ضیاءالدین دژی به نام تحفه به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۱۹ ش، در تهران به چاپ رسیده است.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: [شاه مراد (بن نقد علی) فراهانی ورامینی (به قرینه برگ ۴۴۷ الف)] □ تاریخ کتابت: [سال ۱۰۷۲ هـ] □ عنوانها و نشانیها: مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۱ (الف - ۱۲۰ ب) □ تعداد کل

سطور: ۲۰ □ اندازه کل متن: ۱۱/۵×۱۶/۵ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۸×۲۷/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: دو رو تیماج؛ برون: مشکی، ضربی، مجدول زرین، با ترنج و سر ترنج طلایی، قرمز و طرح گل و بوته، دارای لبه برگردان با عطف تیماج مشکی؛ درون: زرشکی مجدول به زر.

رک: فهرست نسخه‌های مصتقات ابن سینا: صص ۵۵-۵۶؛ الذریعة: ج ۲۴، صص ۲۶۰-۲۶۱؛ فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران: ج ۱۱، صص ۵۸۲-۸۵۳. «ذیل نسخه شماره ۲۸۶»



۱۰۵. مکتوب مولانا شمس الدین کیشی به خواجه نصیر طوسی (فلسفه - فارسی)
 از: شمس الدین محمد بن احمد بن عبداللطیف کیشی (درگذشته: سال ۶۹۴ هـ).
 آغاز: «پرتو خورشید ضمیر منیر مخدوم ولی الانعام صاحب الآیات العظام... که سبب اهتداء سالکان طریقت و نوربخش دیده واصلان حقیقت است...»
 انجام: «و خادم داعی را از جمله مستفیدان شناسند و مجامع خاطر را ملازم حضرت علیا زاده الله علا داند، حق تعالی از همه مکاره حارس و در همه مطالب معین باد، بمحمد وآله الطاهربین».

گزارش متن: نامه شمس الدین کیشی از اصفهان به خواجه نصیرالدین محمد بن محمد طوسی (متوفای سال ۶۷۲ هـ) است که در آن خواستار توضیح و شرح سه مسأله از مسایل منطق و حکمت از خواجه گردیده است.

ناگفته نماند که متن این نامه از سوی مدرّس رضوی تصحیح شده، و در صفحات ۴۹۸-۵۰۲ شرح احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، درج گردیده است.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: [شاه مراد (بن نقد علی) فراهانی ورامینی (به قرینه برگ ۴۴۷ الف)] □ تاریخ کتابت: [سال ۱۰۷۲ هـ] □ عنوانها و نشانیها: مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۱ (۵۲ الف - ۵۲ ب) □ تعداد سطر: ۲۷ □ اندازه متن: ۱۱/۵×۲۰ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۸×۲۷/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: دو رو تیماج؛ برون: مشکی، ضربی، مجدول زرین، با ترنج و سر ترنج طلایی، قرمز و طرح گل و بوته، دارای لبه برگردان با عطف تیماج مشکی؛ درون: زرشکی مجدول به زر.

ویژگی های نسخه: آثار بسیار ناچیزی از رطوبت دیدگی بر فراز برگ نسخه قابل مشاهده است.

رک: احوال و آثار... نصیرالدین طوسی (مدرس رضوی): صص ۴۹۸-۵۰۲؛ فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جلد سوم، بخش یکم: صص ۱۸۸-۱۸۹.
«ذیل نسخه شماره ۲۸۶»



۱۰۶. مناظره شیعه علی بن ابی طالب علیه السلام مع ابی بکر
(عقاید - عربی)
مؤلف: ناشناخته.

آغاز: «بسملة، روى أن سائلاً أتى أبا عبدالله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام، فقال: يا ابن رسول الله، هل كان من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله أحد أنكر على أبي بكر بن أبي قحافة، فعله وجلوسه مجلس رسول الله صلى الله عليه وآله؟ فقال: نعم، وهم خالد بن سعيد وأبو العاص وسلمان الفارسي والمقداد بن الأسود وأبوذر الغفاري وعمار بن ياسر وبريدة السلمى وقيس بن عبادة الأنصاري وأبو أيوب الأنصاري وأبي بن كعب وخزيمة بن سهل وقيس الخزرجي وزيد السلمى - رحمة الله عليهم أجمعين - فكان انتقال رسول الله صلى الله عليه وآله إلى دار كرامته في يوم الاثنين وبقي القوم مختلفين إلى يوم الجمعة، أجمعوا على بيعة أبي بكر...».

انجام: «فوثب أمير المؤمنين عليه السلام وأخذ بمجامع أثواب عمر بن الخطاب وقال: يا ابن اللخنا، لو لا كتاب من الله سبق وعهد من رسول الله صلى الله عليه وآله لقتلتك ولكن أنت أضعف ناصرأ وأقل عدداً، ففحم عمر والذي جامعهم ولم يطيقوا جواباً ولا استطاعوا كلاماً...، تمت المناظرة والحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلّم».

گزارش متن: مناظره جالبی است، مربوط به صدر اسلام و عدم بیعت برخی از اصحاب و شیعیان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، با خلیفه نخستین و بیان دلایل و احتجاجات آنها با ابوبکر و عمر، که در این نسخه از طریق امام صادق علیه السلام روایت گردیده است.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نسخ □ تاریخ کتابت: سده ۹ ه □ عنوانها و نشانیها: شنگرف □ نوع کاغذ: شرقی (سمرقندی) نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۵ (۲۱۰ ب - ۲۱۴ الف) □ تعداد سطر: ۲۳ □ اندازه متن: ۱۴/۵ × ۱۰ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۸ × ۱۳/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: تیماج قهوه‌ای روشن مجدول (فرسوده).

ویژگی‌های نسخه: اندکی از آثار رطوبت دیدگی روی برگهای این نسخه نفیس قابل مشاهده است، لبه زیرین برگها اندکی آسیب دیده که به نحوی غیر اصولی و فنی ترمیم گردیده است.

«ذیل نسخه شماره ۶۷»



(مناقب - عربی)

۱۰۷. مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام

مؤلف: ناشناخته.

آغاز: «من المناقب، عن موسی بن جعفر، عن آبائه علیهم السلام، عن رسول الله صلی الله علیه و آله، أنه قال: لما خلق الله جنّة عدن، فقال لها: تزينی فتزنت، ثمّ ماست. فقال لها: قرّی فوعزّتی وجلالی ما خلقت...^۱ إلاّ للمؤمنین، فطوبی لك وإسکانك یا علی، أنت أمیر المؤمنین وشیعتك المؤمنون والذی بعثنی بالحق نبیاً یا علی، ما خلقت جنّة عدن إلاّ لك ولشیعتك...».

انجام: «فقال لی رسول الله صلی الله علیه و آله: یا علی، أما ترضی أن تكون فی منزلك مثل مریم بنت عمران علیها السلام: ﴿كلّما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقاً قال [یا مریم] أتئی لك هذا قالت هو من عند الله أن الله یرزق من یشاء بغير حساب﴾، تمّ الخبر بحمدالله وعونه وحسن توفیقه».

گزارش متن: روایات چندی (۲۷ روایت) در مناقب مولى الموحّدین حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است که از رسول الله صلی الله علیه و آله، امام موسی بن جعفر علیه السلام، امام رضا علیه السلام، امام صادق علیه السلام، امام سجاد علیه السلام، ابن عبّاس، بلال، سلمان فارسی، زید بن ارقم، عبدالله بن عمر، ابن مسعود، عایشه، ایوب سجستانی^۲، عمر بن خطاب، مالک، زید بن ثابت، ابو هریره، زید بن محمد غسانی، ابو سعید خدری و... نقل و روایت گردیده است.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نسخ □ تاریخ کتابت: سده ۹ ه □ عنوانها و نشانیها: شنگرف □ نوع کاغذ: شرقی (سمرقندی) نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۵ (۲۱۴ الف - ۲۱۸ الف) □ تعداد سطر: ۲۴ □ اندازه متن: ۱۴ × ۱۰ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۸ × ۱۳/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: تیماج قهوه‌ای روشن مجدول (فرسوده).

۱. یک کلمه افتاده است.

۲. شاید «سخنیانی» صحیح باشد.

ویژگی های نسخه: اندکی از آثار رطوبت دیدگی روی برگهای این نسخه نفیس قابل مشاهده است، برگهای آسیب دیده مرمت غیر اصولی و فتی گردیده است، پوسیدگی بر لبه برخی برگها قابل مشاهده است. در انجام دو بیت شعر با این عبارات دیده می شود:

آل الرسول هم الأشراف من مضر من حبّهم وتولّاهم فقد سعدا
هم خمسة لو درى إبليس أنّهم فى صلب آدم إجلاًلاً لهم سجدا

«ذیل نسخه شماره ۶۷»



(فلسفه - عربی)

۱۰۸. منتخبات من فوائد غیائیة

مؤلف: ناشناخته.

آغاز (۱): «(۶۳ ب) قال الشيخ الرئيس فى آخر الهيئات الشفاء: إنّ المعاد قسمان: جسمانى وروحانى؛ أما المعاد الجسمانى، فلا سبيل إلى معرفته إلا القبول من الشريعة الحقّه... وأما المعاد الروحانى، فللعقل إلى معرفته سبيل...».

انجام (۱): «وإن كانت مقدرة بعلائق المادّة بقيت معذّبة، حتّى تزول تلك العلائق، فتصير إلى النعيم المذكور من فوائد غیائیة».

آغاز (۲): «(۱۲۴ الف) اعلم أنّ الحدوث يطلق فى عروضهم على معنيين: أحدهما هو وجود الشىء بعد عدمه فى زمان مضى».

انجام (۲): «(۱۲۴ الف) والقديم المقابل له هو كون الشىء، بحيث لا يحتاج فى وجوده إلى غيره ولا قديم بهذا المعنى إلا الواجب لذاته وما عداه كلّ حادث بالمعنى الثانى، من فوائد غیائیة».

گزارش متن: منتخباتی از کتاب فوائد غیائیة است که در چند نقطه از این مجموعه نفیس به صورت پراکنده آمده است. از کتابی با عنوان فوائد غیائی یا فوائد غیائیة یکی از قاضی عضدالدین عبدالرحمن بن احمد ایجی (متوفای سال ۷۵۶ هـ) در موضوع معانی و بیان، و دیگری از ابو عبدالله فخرالدین محمد بن عمر رازی (متوفای سال ۶۰۶ هـ)^۱ در علم کلام می شناسیم. و البته ممکن است از غیاث الدین منصور دشتکی نیز اثری به این عنوان داشته باشیم، لیکن نگارنده تاکنون به نسخه‌ای از آن در منابع و مصادر برنخورده است.

۱. نسخه‌ای از این اثر در کتابخانه رضا، در رامپور هند موجود است.

لازم به توضیح است که انجام نسخه‌ای در مجلس سنا که با عنوان سلسله الفلاسفة یا العروس معرفی شده، با انجام رساله حاضر منطبق است که گویا در فهرست‌نگاری آن در فهرست مجلس سنا خلطی صورت گرفته است. و به تعبیر دیگر انجام رساله حاضر، انجام رساله العروس دانسته شده است که بدین وسیله تصحیح و استدرک می‌گردد.

به هر تقدیر این منتخبات در نسخه مجلس سنا نیز آمده است که در واقع نسخه دومی از این اثر محسوب می‌گردد و نسخه سوم نیز در کتابخانه ملی ملک قرار دارد. گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: [شاه مراد (بن نقد علی) فراهانی ورامینی (به قرینه برگ ۴۴۷ الف)] □ تاریخ کتابت: [سال ۱۰۷۲ هـ] □ عنوانها و نشانیها: مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۲ (۶۳ ب) و (۱۲۴ الف) □ تعداد سطر: ۲۷ □ اندازه متن: ۲۰×۱۱/۵ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۸×۲۷/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: دورو تیماج؛ برون: مشکی، ضربی، مجدول زرین، با ترنج و سر ترنج طلایی، قرمز و طرح گل و بوته، دارای لبه برگردان با عطف تیماج مشکی؛ درون: زرشکی مجدول به زر. رک: فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (سنای سابق): ج ۲، ص ۱۸۹؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک: ج ۸، ص ۴۲.

«ذیل نسخه شماره ۲۸۶»



۱۰۹. منتخب اسرار النجوم لأرسطو = احکام موالید الفلاسفة و...

مؤلف: ارسطو.

مترجم: ناشناخته.

آغاز: «قال المعلم الأول فی کتاب أسرار النجوم: الفلاسفة العظماء وأصحاب النوامیس والشرائع و... یكون موالیدهم فی سنی القران الأعظم، أعنی الحملی والقران الأوسط والانتقالی...».

انجام: «یوجد من حال النیرین والطالعین والأمر الأظهر فی القوّة من الكواكب المتحابّة والمساغصة ودلالة الموضع والصورة».

گزارش متن: منتخبی از اسرار النجوم تألیف فیلسوف برجسته یونانی ارسطاطالیس است که در آن پاره‌ای از احکام نجوم و طالع موالید فلاسفه بحث شده است. نسخه‌های

کاملی از اصل این اثر بین برگهای «۴۴۴ ب - ۴۴۷ الف» همین مجموعه نفیس و نیز نسخه شماره «۱۱۵۷۹/۴» همین کتابخانه بزرگ معرفی شده است.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: [شاه مراد (بن نقد علی) فراهانی ورامینی (به قرینه برگ ۴۴۷ الف)] □ تاریخ کتابت: [سال ۱۰۷۲ هـ] □ عنوانها و نشانیها: مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۱ (۳۵۲ الف - ۳۵۲ ب) □ تعداد کل سطور: ۲۰ □ اندازه کل متن: ۱۵×۱۱/۵ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۲۷/۵×۱۸ سانتیمتر □ نوع جلد: دو رو تیماج؛ برون: مشکی، ضربی، مجدول زرین، با ترنج و سر ترنج طلایی، قرمز و طرح گل و بوته، دارای لبه برگردان با عطف تیماج مشکی؛ درون: زرشکی مجدول به زر.

«ذیل نسخه شماره ۲۸۶»



(تفسیر - عربی)

۱۱۰. منتخب تفسیر مجمع البیان علوم القرآن

منتخب: ناشناخته.

آغاز: «قوله تعالى: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾. السبع المثنائی؛ هی الفاتحة وسبع سور...؛ فائدة قوله تعالى: ﴿يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ﴾، أي من النطفة...».

انجام: «سورة قريش، روى عن النبى ﷺ، أنه قال: إن الله اصطفى كنانة من بنى إسماعيل، واصطفى من بنى كنانة قريشاً، واصطفى من بنى قريش بنى هاشم... وفى الحديث يدخل أهل الجنة الجنة جرداً مردأً بيضاً جعاداً مكملين ابناً ثلاث وثلاثين، طبرسى».

گزارش متن: منتخب تفسیر مجمع البیان علوم القرآن، تألیف ابو علی فضل بن حسن طبرسى (درگذشته به سال ۵۴۸ هـ) می باشد که با عناوین «قوله [تعالى] - فائدة»، تفسیر آیات انتخاب و در هاشم رساله نخست این مجموعه نگارش یافته است. این انتخابها از سورة فاتحه تا سورة اخلاص را شامل است، تا سورة حجر با عنوان «فائدة» و سپس عناوین سورهها نیز بدان افزوده شده است.

یادآوری می شود این انتخاب جز منتخب مجمع البیان است که به شماره «۱۲۰۱۲/۸»

همین کتابخانه، در جلد ۳۰ فهرست همین کتابخانه معرفی شده است.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نسخ □ تاریخ کتابت: سده ۱۰ ه □ عنوانها و نشانیها: مشکی و قرمز □ نوع کاغذ: شرقی نخودی □ تعداد برگ: ۸۴ (۱ ب - ۸۴ الف) □ تعداد سطر: به صورت چلیپا در هامش کتابت شده است □ اندازه متن: به صورت چلیپا در هامش کتابت شده است □ اندازه جلد: ۲۵×۱۷/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: دورو تیماج؛ برون: زرد با عطف و مغزی تیماج مشکی فرسوده؛ درون: قهوه‌ای.

ویژگی‌های نسخه: این رساله در هامش رساله نخست این مجموعه نگارش یافته، و به نظر می‌رسد به خطی جز خط کاتب این مجموعه، یعنی حسن بن علی بن حسن حسینی بحرانی توبلی تکتانی، با تاریخ کتابت سال ۹۷۱ ه بوده باشد، لیکن کتابت مربوط به همان سده ۱۰ ه می‌باشد و دو الی سه حاشیه نیز از تفسیر کثاف نقل شده است.

«ذیل نسخه شماره ۲۴۵»



(حدیث - عربی)

۱۱۱. منتخب ثواب الأعمال وعقاب الأعمال

منتخب: ناشناخته.

آغاز: «بسملة، ذکر [عقاب] من أذى المسلمين واحتقرهم وأذاهم، قال أبو عبدالله عليه السلام: قال الله عز وجل: ليأذن بحرب من أذى عبدى المؤمن...».

انجام: «عقاب من حلف بالله كاذباً، قال أبو عبدالله: لا تحلفوا بالله صادقين ولا كاذبين... وهو عليه غضبان إلا أن يتوب، أى يعطى صاحب الحق حقه، حتى يقبل توبته.».

گزارش متن: منتخب بخشی از ثواب الأعمال وعقاب الأعمال شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی (درگذشته به سال ۳۸۱ ه) با عنوان «ثواب - عقاب» با حذف اسناد است که البته در برخی فقرات به مانند «ادخال السرور»، نسبت به اصل آن اثر اضافاتی نیز دارد! که بیشتر باید دقت شود. این منتخب مشتمل بر مبحث «اذیت و تحقیر مؤمن» تا «تحلیف به کذب» است.

ناگفته نماند، این نسخه به جز منتخب ثواب الأعمال است که به شماره «۱/۱۲۱۹۹»، در فهرست^۱ همین کتابخانه معرفی شده است.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نسخ □ تاریخ کتابت: سده ۹ ه □ عنوانها و نشانیها: مشکی □ نوع کاغذ: شرقی (سمرقندی) نخودی ضخیم نرم شده □ تعداد برگ: ۸ (۱۹۶ ب - ۲۰۳)

(ب) □ تعداد سطر: ۱۹-۲۲ □ اندازه متن: ۱۵×۵/۱۰ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۸×۱۳/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: تیماج قهوه‌ای روشن مجدول.

ویژگی‌های نسخه: آثار رطوبت دیدگی بر روی برگهای این نسخه نفیس مشاهده می‌گردد. برگهای نسخه بر اثر استفاده زیاد، نرم و پنبه‌ای شده است. کلمات ثواب، عقاب، قال أبو عبدالله علیه السلام، قال رسول الله صلی الله علیه و آله و قال أبو جعفر علیه السلام و... درشت‌تر از متن نگارش یافته است.

«ذیل نسخه شماره ۶۷»



۱۱۲. منتخب مقتضب الآثار فی النص علی عدد الأئمة الاثني عشر علیهم السلام (حدیث - عربی) منتخب: ناشناخته.

آغاز: «هذه فوائد من كتاب مقتضب الآثار فی أعداد الأئمة الأبرار، منها ما أسنده صاحب الكتاب إلى سلمان الفارسی، قال: دخلت علی رسول الله صلی الله علیه و آله، فقال لی: یا سلمان، لم یبعث نبياً إلا وجعل له اثني عشر نقیباً...».

انجام: «وفی مسند أحمد بن حنبل، عن جابر بن شهرة بأربعة وثلاثین طریقاً، منهم عباد بن سعید... منصور، عن أبي فیضة، عن... محمد العنبری، عن عبدالله... قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أنا نذیر هذه الأمة وأنت هادیها والحسن قائدها...» افتاده.

گزارش متن: انتخاب کتاب مقتضب الآثار فی النص علی عدد الأئمة الاثني عشر (در این نسخه: مقتضب الآثار فی أعداد الأئمة الأبرار) تألیف ابو عبدالله احمد بن محمد جوهری، مشهور به ابن عیاش (درگذشته به سال ۴۰۱ هـ) است که در آن روایات صحیح را که اهل سنت بر ائمه اثني عشر علیهم السلام، در منابع حدیثی خویش نص و صریح نموده‌اند، بیان نموده است. ناگفته نماند که نسخه کاملی از اصل کتاب مقتضب الآثار، به شماره «۱۲۲۸۷» در همین کتابخانه بزرگ موجود است.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نسخ □ تاریخ کتابت: سده ۹ هـ □ عنوانها و نشانها: مشکی □ نوع کاغذ: شرقی (سمرقندی) نخودی ضخیم نرم شده □ تعداد برگ: ۳ (۲۰۳) ب - ۲۰۵ (ب) □ تعداد سطر: ۲۱ □ اندازه متن: ۱۵×۵/۱۰ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۸×۱۳/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: تیماج قهوه‌ای روشن مجدول.

ویژگی‌های نسخه: آثار رطوبت دیدگی بر روی برگهای این نسخه نفیس مشهود

است، لیکن متن کاملاً خواناست. برگهای رساله بر اثر استفاده زیاد، نرم و پنبه‌ای شده است.

«ذیل نسخه شماره ۶۷»



(ترجم - عربی)

۱۱۳. من هو المعلم الأول (رسالة فی...)

مؤلف: ناشناخته.

آغاز: «بسم الله مجریها، اعلم أن الجمهور: أن المعلم الأول هو أرسطاطاليس وهو الذي لقب أولاً بهذا اللقب، لكن المولى الفاضل العلامة النحریر آیدمر الجلدکی، قال فی کتاب نهاية الطلب فی شرح المکتب فی زراعة الذهب: إن فیثاغورس عند الحكماء هو المعلم الأول...، فقال رسول الله ﷺ: مه يا عمرو، إن أرسطاطاليس كان نبياً، فجعله قومه». انجم: «فقال النبي ﷺ: لو عاش، حتى يعرف ما جئت به لاتبعني على ديني؛ منقولة من کتاب تاریخ الحكماء الشهرزوری...، قيل: قعد يوماً أفلاطن وعنده تلامذته، فقال: لو وجدت مستمعاً لتكلمت، فقيل له: حولك ألف تلميذ، فقال: أريد واحداً كألف! وأراد منه أرسطوطاليس، تمت».

گزارش متن: تلخیصی با تصرف از شرح احوال ارسطاطاليس^۱، فیلسوف مشهور یونانی (درگذشته به سال ۳۲۲ قبل از میلاد)، منقول از تاریخ الحكماء یا به تعبیر دقیق‌تر نزهة الأرواح وروضة الأفراح فی تاریخ الحكماء، تألیف شمس الدین محمد بن محمود شهرزوری حکیم (درگذشته بعد از سال ۶۸۷ هـ) است. در این نوشتار کوتاه به احادیثی منسوب به حضرت محمد مصطفی ﷺ استناد جسته شده که از آن جمله است: «یا عمرو! إن ارسطاطاليس كان نبياً، فجعله قومه» یا «لو عاش، حتى يعرف ما جئت به لاتبعني على ديني». برخی معتقدند فیثاغورس به معلم اول شهرت داشته است، ولی نظر مشهور همان است که این لقب مخصوص ارسطو می‌باشد.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: [شاه مراد (بن نقد علی) فراهانی ورامینی (به قرینه برگ ۴۴۷ الف)] □ تاریخ کتابت: [سال ۱۰۷۲ هـ] □ عنوانها و نشانیها: مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۱ (۴۰۱ ب) □ تعداد کل سطور: ۲۲ □ اندازه متن: ۱۷×۱۱ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۲۷/۵×۱۸ سانتیمتر □ نوع جلد: دو رو

تیماج؛ برون: مشکى، ضربى، مجدول زرین، با ترنج و سر ترنج طلايى، قرمز و طرح گل و بوته، داراى لبه برگردان با عطف تیماج مشکى؛ درون: زرشكى مجدول به زر.
 رک: دائرة المعارف بزرگ اسلامى: ج ۷، صص ۵۶۹-۶۰۷؛ هدیه العارفين: ج ۲، ص ۱۳۶؛
 كشف الظنون: ج ۲، ص ۱۹۳۹.

«ذیل نسخه شماره ۲۸۶»



۱۱۴. النحو والصرف (رسالة فى...)

(ادبیات عرب - عربى)

مؤلف: ناشناخته.

آغاز: «بسملة، فصل فى الحروف التى تجرّ الأسماء وهى سبعة عشر، مررت بزید، بالله لأفعلن والله لأضربن...؛ فصل فى الحروف التى تنصب الاسم وهى سبعة جاء القوم إلّا زیداً...؛ فصل فى الحروف التى تنصب الاسم وترفع...؛ تمّت الحروف ویتلوه تصريف الأسماء؛ (۹۶ الف) بسملة، حركات الإعراب تسمى الرفع والنصب والجرّ...».

انجام: «فصل تضعیف العدد من الثلاثة... ألف درهم وتنصب المعدود ومنكرأ فى غیر ذلك، لقولك أحد عشر وعشرون درهماً وتسعون دیناراً؛ تمّ تصريف الأسماء.»

گزارش متن: رساله‌ای در مباحث نحو است که گاهی به موضوعات صرفی نیز متعرض شده است. این اثر با عناوین «فصل - فصل» نگارش یافته است. در فهرست آغاز این مجموعه، از این اثر با عنوان رساله الحروف، تألیف کمال الدین فسایی یاد شده که وجهی برای آن یافت نشده است، چراکه فسایی در این موضوع سه اثر به نامهای: ۱. شرح الشافية؛ ۲. شرح الکافية؛ ۳. القيود الوافية فى شرح الشافية والوافية نگاشته که البته نسخه حاضر نظیر هیچ یک از آن سه اثر نیست. و در منابع و مصادر، از جمله طبقات اعلام الشيعة^۱ اثر دیگری در این موضوع - جز این سه مورد - برای فسایی ثبت نشده است که البته باید تحقیق بیشتری شود.

ناگفته نماند که نسخه دیگری هم نظیر این اثر، به شماره «۱۲۷۵۶» در فهرست^۲ همین کتابخانه معرفی شده است. در کتابخانه دارالکتب الظاهرية دمشق^۳ رساله‌ای با

۱. طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۲)، صص ۶۱۸-۶۱۹.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۳۲، ص ۴۲۲. باید توجه داشت که رساله‌های هفتم و هشتم آن مجموعه، همانند نسخه حاضر رساله‌ای مستقل نیستند، بلکه به نوعی ادامه هم هستند و جداسازی دو بخش (حروف و اسماء) از کتاب صحیح به نظر نمی‌رسد.

۳. فهرس النحو، ص ۵۷۰.

عنوان الحروف = معانی الحروف، بدون ذکر نام مؤلف با سرآغازی نزدیک به نسخه حاضر معرفی شده است که ممکن است نسخه دیگری نظیر همین رساله بوده باشد؛ والله العالم.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نسخ □ نام کاتب: [عبدالواحد کاتب دولت آبادی (به قرینه برگ ۶۶ الف)] □ تاریخ کتابت: سده ۱۱ ه □ عنوانها و نشانیها: مشکی و قرمز □ نوع کاغذ: شرقی نخودی □ تعداد برگ: ۴ (۹۵ الف - ۹۸ ب) □ تعداد سطر: ۲۱ □ اندازه متن: ۱۷/۵ × ۱۰ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۴ × ۲۳/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: مقوایی با روکش کاغذی بنفش کمرنگ با عطف و مغزی تیماج زیتونی.

ویژگی‌های نسخه: در حاشیه تصحیح گردیده و ندره حاشیه نویسی اندکی نیز دارد، آثار آسیب دیدگی جانوری و ترمیم غیر اصولی و فنی روی برگهای نسخه قابل مشاهده است.

«ذیل نسخه شماره ۲۱۰»



(عرفان و تصوف - فارسی)

۱۱۵. النصيحة (رسالة فی...) = رساله در عرفان

مؤلف: ناشناخته.

آغاز: «أصلحك الله، ای دوست هدایت قرین و شایسته احرام حرم هذا البلد الامین به مراتب عرفان و ایقان برسی، با وجود بی حاصلی از این سفر در یتیمی از بحر تجربه غواصان حال و مقال در یوزه نموده، بهر ارمغان آورده‌ام...؛ ای عزیز، مانند این فقیر هرزه گرد، همواره از وطن و خدمت دوستان دور نباش...».

انجام: «اگر همه مقیم کوره آهنگران باشی، به که بر دلها گران باشی، با بزرگتر از خود طریق اطاعت و ادب مرعی داری و با همگنان و اقران رعایت ترحم از دست ندهی، چرا که بعد از سخاوت و شجاعت و ضبط ناموس دینی و دنیوی چیزی اعظم و اهم از ادب نیست: وما نطقت إلا بالحق وكفی بالله شهيداً».

گزارش متن: رساله مختصری در نصایح اخلاقی بر مشرب عرفان است که بسیار ادیبانه و با نثر ادبی پر نغز نگارش یافته است، گویا این اثر یک دستورالعمل عرفانی یا نامه‌ای برای عزیزی بوده باشد.

گزارش نسخه: □ نوع خط: شکسته نستعلیق □ نام کاتب: حیدر بن علی بن اسماعیل

بن عبدالعالی هاشمی کرکی عاملی □ تاریخ کتابت: سال ۱۰۷۲ ه □ عنوانها و نشانیها:

مشکی و قرمز □ نوع کاغذ: شرقی نخودی آهار مهر زده □ تعداد برگ: ۴ (۱۴۰ ب - ۱۴۳ الف) □ تعداد سطر: ۱۳ □ اندازه متن: ۱۱/۵ × ۶/۵ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۲ × ۱۹/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: تیماج قهوه‌ای فرسوده □ رقم کاتب: «واقع شد فراغ از استکتاب این رسایل، در روز سه شنبه دوم ماه ذی العقده الحرام سنه ۱۰۷۲، در دست کمترین خلیق حیدر بن علی بن اسماعیل بن عبدالعالی الهاشمی الکرکی العاملی - غفرالله تعالی لهم بالنبی وآله - تم».

ویژگی‌های نسخه: فراز و پایین برگها اندکی رطوبت دیده است، در انجام نسخه پنج بیت شعر فارسی از صائب تبریزی با مطلع ذیل دیده می‌شود:
از عصای خود خطر دارند کوران وقت جنگ

بی بصیرت از دلیل خویش ملزم می‌شود

همچنین بندی ادیبانه و با سر آغاز: «شایم گلزار قدسی و نسائم حدایق فردوسی...» آمده، که برای شروع و مقدمه نامه‌ها و مکتوبات می‌توان از آن بهره جست. مهر مربع «الله اکبر ۱۲۲۴» و دو بیت:

به صوب حضرتت از دور با هزاران شوق رسیدم و گلی از گلبننت نچیدم من
زمان منتظر فیض خدمتت بودم تبارک الله در آن مدعا رسیدم من
که به نظر می‌رسد از صائب تبریزی بوده باشد.

«ذیل نسخه شماره ۱۰۱»



۱۱۶. نفس (رساله در...) (فلسفه - فارسی)
مؤلف: ناشناخته.

آغاز: «بسم الله مجریها، مصلحت حال طبع در آن نیست که سر ملایمی که مستعقب منافیی باشد در زمانی بگذرد، برای آنکه طبع نه قوتی است...»
انجام: «دردا و دریغا چه چاره سازیم با این بئس القرین... سبحان ربك رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین؛ تمت».

گزارش متن: رساله مختصری در خصوص نفس آدمی و تبیین جایگاه آن است که به نظر می‌رسد، متن نامه فلسفی کسی بوده باشد. علی رغم تفحص فراوان در مصادر منابع و فهارس، نسخه دیگری نظیر این رساله یافت نگردید، شاید نسخه منحصر به فرد بوده باشد.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: [شاه مراد (بن نقد علی) فراهانی ورامینی (به قرینه برگ ۴۴۷ الف)] □ تاریخ کتابت: [سال ۱۰۷۲ هـ] □ عنوانها و نشانیها: مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۲ (۳۲۷ ب - ۳۲۸ الف) □ تعداد سطر: ۲۷ □ اندازه متن: ۱۱/۵ × ۲۰ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۸ × ۲۷/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: دو رو تیماج؛ برون: مشکی، ضربی، مجدول زرین، با ترنج و سر ترنج طلایی، قرمز و طرح گل و بوته، دارای لبه برگردان با عطف تیماج مشکی؛ درون: زرشکی مجدول به زر. «ذیل نسخه شماره ۲۸۶»



۱۱۷. النکت فیما یصح وما لا یصح من احکام النجوم = فصوص الحکم الصغیر رسالة النکت = ما یصح وما لا یصح من احکام النجوم (رسالة فی...)

از: ابو نصر محمد بن محمد بن طرخان فارابی «معلم ثانی» (درگذشته: سال ۳۳۹ هـ). آغاز: «بسملة، نکت... قال أبو اسحاق ابراهیم بن عبدالله البغدادی، کنت شدید الحرص علی معرفة الأحکام النجومیة، صادق الرغبة فی اقتناء علمها، کثیر السعی فی طلبها، مد من النظر فی الکتب المؤلفة مشعوفاً مستهتراً بها واثقاً بصحتها...». انجام: «و عمل بما قیل کلّ مقول محذور منه، هذا ما وجد... والله الموفق لكلّ خیر».

گزارش متن: رساله‌ای در احکام نجوم، مشتمل بر سی فصل به روایت ابو اسحاق ابراهیم بن عبدالله بغدادی است. همچنان که در سرآغاز و مقدمه نیز آمده، بغدادی می‌گوید: «من سخت در صدد دسترسی به احکام نجوم صحیح بودم، تا اینکه ملاقاتی بین من و فارابی حاصل گردید و از وی درخواستم را بیان داشتم، وی نیز یادداشتهایی را به من عرضه داشت که خواسته من در آنها بود، آنها را دسته بندی نموده و این رساله را ساختم».

گفتنی است که این اثر در سال ۱۳۲۵ هـ، ضمن مجموعه فلسفی ابونصر فارابی در مصر به چاپ رسیده است. در ضمن این اثر از سوی فردریک دیتیریچی به آلمانی ترجمه و در سال ۱۸۹۲ م منتشر گردیده است. و همچنین ترجمه‌ای از آن به زبان ترکی استانبولی، از سوی ضیاء اولکن وقوام الدین برسلان صورت گرفته که در سال ۱۹۴۱ م، در ترکیه به چاپ رسیده است.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نستعلیق □ نام کاتب: [شاه مراد (بن نقد علی) فراهانی ورامینی (به قرینه برگ ۴۴۷ الف)] □ تاریخ کتابت: [سال ۱۰۷۲ هـ] □ عنوانها و نشانیها:

مشکی □ نوع کاغذ: شرقی نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۴ (۴۲۰ ب - ۴۲۳ الف) □ تعداد سطر: ۲۷ □ اندازه متن: ۱۱/۵ × ۲۰ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۸ × ۲۷/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: دورو تیماج؛ برون: مشکی، ضربی، مجدول زرین، با ترنج و سر ترنج طلایی، قرمز و طرح گل و بوته، دارای لبه برگردان با عطف تیماج مشکی؛ درون: زرشکی مجدول به زر □ رقم کاتب: «هذا [آخر] ما وجدنا من التذاکیر بخطّ أبی نصر، أثبتّها لنفسی وکتبتّها لك، لتأملها أن يبسط لذلك والله الموفق لكلّ خير، نقلته من خطّ نقل من خطّ الفارابی المعلم الثاني في شهر ذي حجة الحرام سنة ۱۰۷۲ هـ.

رك: الذريعة: ج ۲۴، ص ۳۰۵؛ مؤلفات الفارابی: صص ۱۳۳-۱۳۶؛ فهرست كتابهای چاپی عربی: ص ۹۶۷؛ كتاب شناسی توصیفی فارابی: صص ۱۵-۱۶.

«ذیل نسخه شماره ۲۸۶»



۱۱۸. نوابغ الكلم = الكلم النوابغ (ادب - عربی)

از: جارالله ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری خوارزمی (درگذشته: سال ۵۳۸ هـ).
 آغاز: «بسملة، اللهم إنّ ممّا منحتني من النعم السوابغ إلهام هذه الكلم النوابغ ناطقة بكلّ زاجرة وموعظة حائنة على كلّ عبرة موقظة، كأتى ألقنّ بها مجلّة لقمان أو أصف بها حكمة أصف سليمان...».

انجام: «ونريد أطلب وجه الله في كلّ ما أنت صانع وإلا فعملك كلّه ضايع عوّل على دينك نسبق في السباق في جميع... جمجمة مزهوه لا فضل في...» افتاده.

گزارش متن: نثر ادبی مستجع مشتمل بر صنعتهای ادبی که مضامینی اخلاقی و موعظه دارد. این متن زیبا نخستین بار به همت شولتنز J.K.Schultens در سال ۱۷۱۲ م، برای بار دوم در مجلّه آسیایی Journal Asiatque در سال ۱۸۷۰ م، در پاریس منتشر گردیده است. همچنین در سالهای ۱۲۸۶، ۱۳۰۵ و ۱۳۲۵ هـ، در قاهره به چاپ رسیده است. نوابغ الكلم از سوی بهیجة باقر الحسنی و نیز صلاح الدین البستانی نیز تحقیق گردیده که به ترتیب در: مجلّه العرب (الریاض): س ۵، ش ۹، ۱۳۹۱ هـ / ۱۹۷۱ م، صص ۸۳۶ - ۸۴۴ و ضمن مجموعه أمثال الشرق والغرب: صص ۱۹۸-۲۲۴، از سوی دارالعرب در سال ۱۹۶۱ م، در قاهره انتشار یافته است.

یادآور می شویم که این اثر از سوی کسانی همچون: سعدالدین تفتازانی با عنوان النعم

السوانغ فی شرح النوائغ، مؤید الدین بن الموفق، بایزید بن عبدالغفار قونوی و مولی محمد منشی شرح گردیده که برخی نیز منتشر شده است.

گفتنی است که دو نسخه دیگر از این اثر به شماره‌های ۳۶۹۶ و ۶۰۲۶، در همین کتابخانه بزرگ نگهداری می‌گردد.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نسخ □ نام کاتب: [عبدالواحد کاتب دولت آبادی (به قرینه برگ ۶۶ الف)] □ تاریخ کتابت: سده ۱۱ ه □ عنوانها و نشانیها: مشکی و قرمز □ نوع کاغذ: شرقی نخودی □ تعداد برگ: ۵ (۹۸ ب - ۱۰۲ ب) □ تعداد سطر: ۲۱ □ اندازه متن: ۱۰×۱۷/۵ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۴×۲۳/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: مقوایی با روکش کاغذی بنفش کمرنگ با عطف و مغزی تیماج زیتونی.

ویژگی‌های نسخه: در حاشیه تصحیح گردیده است، اندکی از آثار رطوبت دیدگی روی برخی برگها قابل مشاهده است، لبه برگها ترمیم غیر اصولی و فنی شده است. در انجام نسخه نیز، نشان عرض دارد با عبارت: «عرض دیده شده، سنه ۱۰۴۷ ه».

رک: کشف الظنون: ج ۲، ص ۱۹۷۸؛ المعجم الشامل للتراث العربی المطبوع: ج ۳، صص ۱۱۴-۱۱۵.

«ذیل نسخه شماره ۲۱۰»



۱۱۹. وصیة السهروردی (اخلاق و تصوف - عربی)

از: شیخ شهاب الدین ابو حفص عمر بن محمد سهروردی (درگذشته: سال ۶۳۲ ه).
آغاز: «هذه وصیة شیخ شیوخ الإسلام، قطب الأولیاء لسان الحق شهاب الملة والدين، وارث علوم الأنبياء والمرسلین، ناصر الشریعة النبویة مطهر السنة المصطفویة، جنید الثانی بقیة السلف أبو حفص محمد السهروردی بن عمر بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن سعید بن الحسین بن عاصم بن نصر بن القاسم بن محمد بن عبدالله بن عبدالرحمن بن القاسم بن محمد بن أبی بکر الصدیق رضی اللہ عنہ، قال: یا بُنّی، أوصیکم بتقوی الله وخشیته ولزوم حق الله تعالی وحق رسوله صلی اللہ علیہ وسلم، وحق والديک وحق المشایخ أجمعین...».

انجام: «یا بُنّی، علیک بالخلوة وکن فريداً وحيداً متفكراً فی القلب من خوف الله تعالی، تفرق فی کرامات الله تعالی وعش فی الدنيا، كأنک غریب وأخرج منها كما دخلتها، فإنک لا

تدری ما اسمک غداً فی القيامة والله أعلم».

گزارش متن: متن وصیت نامه عرفانی (صوفیانه) و اخلاقی شیخ شهاب الدین عمر سهروردی است که به فرزندش با عنوان «یا بنی» بیان داشته است. وصیت وی حاوی موضوعاتی است از قبیل: تقوای الهی و لزوم خشیت و مراعات حقوق خداوند تبارک و تعالی و رسول الله ﷺ و والدین، لزوم تواضع، لزوم سفر و مراقبت از قلب و خطورات آن، عزلت‌گزینی و خلوت و موضوعات دیگر که در واقع دستورالعملها و اندرزهایی عرفانی و صوفیانه برای سالکان بوده و بسیار قابل توجه و دقت است.

ناگفته نماند که نسخه دیگری از این اثر به شماره «۱۴۰۳»، پیشتر در فهرست^۱ همین کتابخانه معرفی شده است.

گزارش نسخه: □ نوع خط: نسخ قدیم □ تاریخ کتابت: [سال ۶۹۷هـ (به قرینه برگ ۱۳۵ الف همین مجموعه نفیس)] □ عنوانها و نشانیها: سنگرف و مشکی □ نوع کاغذ: شرقی (سمرقندی) نخودی ضخیم □ تعداد برگ: ۲ (۱۳۵ ب - ۱۳۷ الف) □ تعداد سطر: ۲۱ □ اندازه متن: ۸×۱۶ سانتیمتر □ اندازه جلد: ۱۳×۲۲/۵ سانتیمتر □ نوع جلد: تیماج زرشکی تیره با عطف و مغزی تیماج قهوه‌ای تیره.

ویژگی‌های نسخه: این نسخه نفیس که حدود ۶۵ سال پس از وفات مؤلف (در سال ۶۳۲هـ) کتابت گردیده است، حائز اهمیت فراوان می‌باشد. این نسخه در حاشیه تصحیح گردیده است و آثار رطوبت دیدگی بر روی برگهای نسخه مشاهده می‌شود. در انجام فوایدی در موضوعات کلامی که به طور کامل بی نقطه کتابت گردیده، در هامش دو برگ پایانی نگاشته شده است.

«ذیل نسخه شماره ۱۷۱»



چند نسخه به خط حسن شیعی سبزواری

جواد بشری

در دانش نسخه شناسی، برای گروهی از دستنویسها اهمیت ویژه‌ای از برخی جهات قائل می‌شوند. مثلاً اینکه نسخه‌ای به خط مؤلف (نسخه اصل) و یا اینکه به خط دانشمند، شاعر یا شخصیت شناخته شده‌ای باشد. حتی اگر در برخی موارد در دستنویس یادداشتی از دانشمندی یافت شود، آن را بیش از پیش ارج می‌نهند. دستنویس‌هایی می‌شناسیم که به دست بزرگان نامبرداری کتابت شده‌اند و یا بر خود نگهدارنده یادداشت‌های آنها هستند؛ مثلاً یادداشت شیخ طوسی بر روی دستنویسی از «التبیان» او، در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته، نسخه ینایع اللغة جعفرک بیهقی به خط خودش در همانجا، نسخه به خط قطب الدین کیدری از مجمع البیان شیخ طبرسی در کتابخانه آستانه حضرت معصومه علیها السلام، نسخه‌های چندی که به خط یا دارای یادداشت‌هایی (اجازه یا...) از علامه حلی است، چندین نسخه به خط ابن عتایقی حلی از آثار خودش، فهرست کتابخانه صدرالدین قونوی به خط خودش در کتابخانه ملک، نمونه‌هایی از خط خواجه نصیرالدین طوسی، مجموعه مورخ ۷۰۳ هـ کتابخانه آیت‌الله العظمی گلپایگانی که حاوی چندین رساله است و باید مجموعه ورام باشد (در فهرست تک جلدی آنجا، تک تک رساله‌ها مجزاً معرفی شده است)، یادداشت‌های خواجه رشید در وقفنامه ربع رشیدی، نمونه خط فخرالمحققین حلی فرزند علامه حلی، نقد النقود سید حیدر آملی به خط خودش در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

و کتابخانه ملک، و نیز تفسیر محیط الاعظم سید حیدر به خط خودش در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته، خط صلاح الدین صفدی (صاحب الوافی بالوفیات)^۱ و نیز خط عبید زاکانی (که نسخه‌ای از اشجار و اثمار را به خط خود در ۷۶۷ هـ استنساخ کرده، محفوظ در کتابخانه ملک به شماره ۶۰۳)، ابوالمکارم حسنی واعظ (مؤلف البلابل والقلل و نیز دقائق التأویل و حقائق التنزیل) که مجموعه شماره ۳۹۶۶ کتابخانه ملک به خط اوست، مجموعه‌های موجود از جُباعی و... .

به هر روی، قصدم از نوشتن این یادداشت واره توجه دادن به چند دستنویس است که به خط دانشمند شیعی فارسی نویس قرن هشتم هجری، حسن شیعی سبزواری می‌باشد و تاکنون به دقت بررسی نشده، به خصوص که در مقدمه دو اثر او که در دوران اخیر، به همت آقای سپهری تصحیح و منتشر شده، بدانها اشارتی نرفته است.

حسن شیعی سبزواری کیست؟^۲

ابوسعید حسن بن حسین شیعی سبزواری بیهقی، از علمای امامیه قرن هشتم هجری است که گویا در وعظ شهرتی و قدرتی داشته است. درباره او، تراجم نویسان شیعی را باید وامدار ملا عبدالله افندی دانست که اطلاعات بعضاً میدانی او، کامل‌ترین در نوع خود است.^۳

افندی در ریاض، او را هم عصر شهید [اول] می‌داند. حق این است که اطلاعات ما در باره زندگی او، نحوه و محل تحصیلاتش، اساتید و شاگردانش و... بسیار ناچیز، بلکه

۱. در باره این موارد رک: نسخه‌های اصل از سده چهارم تا هشتم هجری، مریم تفضلی در نسخه پژوهی ابو الفضل حافظیان بابل، دفتر یکم، قم مؤسسه اطلاع رسانی اسلامی مرجع، ۱۳۸۳، صص ۳۱۱-۳۴۴.
 ۲. هدف از ترتیب دادن این بخش صرفاً ایجاد ذهنیت برای گروهی خاص از خوانندگان است، راجع به این دانشمند قرن هشتم و پیشاپیش می‌گویم که: در ارجاعات این قسمت هیچ گونه کشف تازه‌ای ندارم، البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که در مقدمه راحة الارواح و مصابیح القلوب بعضاً کم‌کاری‌هایی در بررسی‌های کتابشناسانه دیده می‌شود که سعی کرده‌ام در این بخش بدان دچار نشوم. نیز در یک مورد هم اطلاعات این بخش را باید تازه و منحصر به این گفتار دانست: آگاهی دادن به نسخه غایة المرام حسن شیعی سبزواری.

۳. رک: ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، المیرزا عبدالله افندی الاصبهانی، تحقیق السید احمد الحسینی، مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۱، صص ۸-۱۷۶؛ متأسفانه در مقدمه آقای سپهری به اصل ریاض العلماء افندی که در دسترس هم بوده مراجعه نشده و از آن با واسطه الذریعة و اعیان الشیعة نقل قول شده است.

نزدیک به هیچ است. اینکه استاد اشکوری او را شاگرد علامه حلّی دانسته، برای من واضح نیست و به منبع آن دست پیدا نکرده‌ام^۱. تنها از یکی از اساتید او که ابوالمحاسن جرجانی باشد (صاحب تکملة السعادات که ذکرش خواهد آمد) در ریاض العلماء یاد شده است^۲. از نظر مراودات حکومتی، او را باید وابسته یا در آمد و شد با حاکمان سربدار دانست، چرا که تعدادی از آثارش را به نام نظام الدین یحیی بن شمس الدین خواجه کرابی (۷۵۳-۷۵۹ هـ) کرده است^۳. تاریخ وفات حسن شیعی نیز روشن نیست، تنها برخی منابع بر اساس تألیف راحة الارواح او را زنده در سال ۷۵۳ یا ۷۵۷ هـ دانسته‌اند.

گفتنی است مرحوم استاد محدّث را درباره او، سهوی رخ داده و آن خطی است که بین او و سلیمی، شاعر قرن نهم هجری مرتکب شده و حقیقت جز این است^۴.

آثار حسن شیعی

۱. مصابیح القلوب (فارسی): که اثری بسیار رایج و متداول بین گروههای مختلف مردم بوده است (یادآور برخی آثار ملا حسین واعظ کاشفی) و از آن دستنویس‌های بسیاری

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته، سید احمد حسینی، زیر نظر سید محمود مرعشی، قم، ۱۳۵۴ ش/۱۳۹۵ ق، ج ۱، ص ۳۴۰؛ شاید بهتر است چنانکه استاد جعفریان گفته است او را بزرگ شده و ناشر افکار و نسخه‌هایی از آثار علامه حلّی و فرزندش فخرالمحققین در این منطقه (خراسان و در حوزه حکومت سربداران) بدانیم. رک: تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، رسول جعفریان، قم، انصاریان، چاپ سوم، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۷۰۱.

۲. ریاض العلماء، ج ۵، ص ۵۰۹.

۳. تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، ج ۲، ص ۷۰۱؛ ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه یو، ا، برگل؛ مترجمان: یحیی آرین پور، سیروس ایزدی، کریم کشاورز؛ تحریر احمد منزوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۸۵.

۴. الرسالة العلیة فی الأحادیث النبویة، کمال الدین حسین کاشفی بیهقی سبزواری، سید جلال الدین حسینی ارموی (محدّث)، چاپ دوم، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، ص ۹۰؛ در باره حسن شیعی نیز بنگرید به: تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، ج ۲، ص ۵۳۱؛ ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکبنة واللقب، میرزا محمّد علی مدرّس، تبریز، چاپ دوم، ج ۳، صص ۳۳۸-۳۳۹؛ الحقائق الراهنة فی المئة الثامنة، الشیخ آغا بزرگ الطهرانی، تحقیق ولده علی نقی منزوی، بیروت، دارالکتب العربی، الطبعة الاولى، ۱۹۷۵، ص ۳۹؛ اعیان الشیعة، الامام السید محسن الامین، حقّقه و اخرجه حسن الامین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ هـ، ج ۵، صص ۵۱-۵۲؛ هدیة العارفين اسماء المؤلفين وآثار المصنفين، اسماعیل باشا البغدادی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱، ص ۲۸۹؛ و نیز صفحات متعدّد از الذریعة و فهرستواره استاد منزوی که در بخش آثار حسن شیعی، بدانها اشاره خواهد رفت.

برجاست. این اثر در ۵۳ فصل تنظیم شده که در هر فصل بر اساس حدیث و داستان، نصایح و اندرزهایی عرضه شده است.^۱

۲. راحة الارواح ومونس الاشباح (فارسی): در سرگذشت چهارده معصوم در ۱۵ باب که در دستنویس‌های آن، به خصوص در بخش تاریخ تألیف آن (در مقدمه) و ذکر آثار مؤلف (که در برخی نسخ هست و در گروهی نه) تفاوت‌هایی دیده می‌شود.^۲

۳. بهجة المباح فی تلخیص مباح المہج (فارسی): که گزیده‌ای است با افزودگی‌هایی از کتاب مباح المہج فی مباح الحجج، علامه قطب الدین کیدری نیشابوری (صاحب حقائق الحقائق در شرح نهج البلاغة، چاپ استاد عطاردی). این کتاب نیز چنانکه افندی تصریح کرده شایع و متداول بوده است (در سجستان دستنویس‌هایی از آن دیده بوده و خود نیز نسخه‌ای از آن داشته است)^۳ و امروزه نیز باقی است. البته هنوز منتشر نشده است و تنها مژده تصحیح و انتشار آن به دست محمد سپهری، در مقدمه مصابیح القلوب و راحة الأرواح و مونس الأشباح داده شده است.^۴

اینکه آیا اصل کتاب قطب الدین کیدری هم به فارسی بوده و اصلاً باقی مانده یا نه، نیاز به توضیح دارد. صاحب ریاض به گونه‌ای سخن گفته که نمی‌توان از لحن او دریافت

۱. درباره نسخه‌های پر شمار آن رک: فهرست نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ج ۲، بخش ۲، ۱۳۴۹، صص ۴-۱۶۸۳؛ همان، ج ۶، ص ۴۵۴۰؛ فهرست‌واره کتابهای فارسی، احمد منزوی، تهران، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱، ج ۶ (فلسفه و اخلاق)، صص ۶۰۷-۶۰۸؛ همین اثر است که به تصحیح آقای محمد سپهری منتشر شده است: مصابیح القلوب، حسن شیعی سبزواری، تصحیح محمد سپهری، تهران، میراث مکتوب، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۲. رک: فهرست نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی، ج ۶، صص ۴۴۶۵-۴۴۶۶؛ فهرست‌واره کتابهای فارسی، ج ۳، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۵۲ و نیز ج ۹، ص ۲۹۹؛ الذریعة الی تصانیف الشيعة، العلامة الشيخ آغا بزرگ الطهرانی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، الطبعة الثالثة، ج ۱۰، ص ۵۵؛ این اثر نیز به دست همان مصحح، تصحیح و توسط میراث مکتوب منتشر شده است: راحة الأرواح ومونس الأشباح، حسن شیعی سبزواری، تصحیح محمد سپهری، تهران، میراث مکتوب، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

۳. ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۷۷.

۴. درباره آن رک: فهرست نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی، ج ۶، صص ۴۴۲۰-۴۴۲۱ (۱۸ نسخه از آن معرفی شده است)؛ فهرست‌واره کتابهای فارسی، ج ۳، ص ۱۵۶۳ (البته در این بخش فهرست‌واره، اشتباهی وجود دارد و آن خلط بهجة المباح منظوم حیاتی تونی است با بهجة المباح حسن شیعی، درباره معرفی درستی این اثر نیز بنگرید: فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۶، ص ۴۴۱۹)؛ الذریعة الی تصانیف الشيعة، ج ۳، صص ۱۶۳-۱۶۴؛ کشف الحجب والأستار عن أسماء الكتب والمنقار، السيد اعجاز حسین النیسابوری الکتوری، قم، مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی، الطبعة الثانية، ۱۴۰۹، صص ۸۹-۹۰؛ ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ج ۲، ص ۷۸۵.

که اصل کتاب کیدری را دیده یا نه؛ استاد رسول جعفریان در تاریخ تشیع در ایران درباره اثر کیدری آورده است: «این اثر تاکنون چاپ نشده، اما نسخی از آن موجود است»^۱. هنگامی که منبع این اطلاع را از ایشان جویا شدم، به مقاله مرحوم سید عبدالعزیز طباطبایی و دانشور فاضل جویا جهانبخش ارجاع دادند که همین جا از ایشان در باز یافتن این منابع سپاسگزاری می‌کنم^۲.

۴. ترجمه کشف الغمّة، علی بن عیسی اربلی (فارسی): افندی نسخه‌ای از آن را در اصفهان نزد شیخ علی بن مریم بیکم دیده بوده است^۳، اما باقی کسانی که از این کهن‌ترین ترجمه کشف الغمّه یاد کرده‌اند، نسخه‌ای از آن نمی‌شناخته‌اند^۴ جز استاد جعفریان که نسخه‌ای از آن را که از آن کتابخانه مجلس است معرفی کرده است^۵.

۵. غایة المرام فی فضائل علی واولاده الکرام (عربی): صاحب ریاض آن راکتابی مختصر شامل جمع اخبار شیعه و مخالفین با حذف اسانید دانسته، تصریح کرده که نسخه‌ای از آن در اصفهان دیده است^۶. البته نه او و نه آقا بزرگ طهرانی به عربی یا فارسی بودن اثر اشاره‌ای نکرده‌اند^۷، اما نسخه‌ای از آن را که در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری

۱. تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، ج ۲، ص ۵۳۱. (ارجاع «۱») این صفحه از نظر فنی مشکل دارد و درست نیست.

۲. رک: نهج البلاغه عبر القرون (۷)، السید عبدالعزیز الطباطبائی در: تراث، ج ۳۹، ص ۳۱۶، آنجا آمده است که: «مباحج المهج فی مناهج الحجج، فارسی، فی سیرة النبی ﷺ و الاثمة الطاهرة من عترته ﷺ، ذکره میرزا عبدالله افندی فی تعلیقه علی أمل الآمل، ص ۲۳۲، وقال: فی المعجزات والفضائل، واحوال الائمة ﷺ، فارسی مسوط جداً، قد رأیته، ورأیت بخط مولانا حسین الاردبیلی علی ظهر هذا الكتاب أنه عشر مجلدات وأنه تألیف المولی الاعظم، قانون المفسرین، سلطان المحدثین، برهان المحققین، مولانا قطب الملة والحق والدینا والدین، الکیدری السبزواری... لم یطبع حتی الآن، وقد عثرنا للأصل علی مخطوطین: ۱. مخطوطة فی مکتبة المسجد الاعظم فی قم، رقم ۲، ذکر فی فهرسها ص ۳۸۶؛ ۲. مخطوطة فی مکتبة مدرسة السید الکلبایکانی فی قم، رقم ۲۱۲۵، ذکر فی فهرسها ۱۶۹/۳؛ قطب الدین کیدری و انوار العقول (به مناسبت تصحیح تازه کتاب)، جویا جهانبخش، علوم حدیث، ش ۱۲ (در بخش ذکر آثار مؤلف شماره ۱۳)؛ ایشان آورده است که بهجه المباحج به تحقیق آقای مالک محمودی در دست انتشار است.

۳. ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۷۷.

۴. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۱۳۰؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج ۳، ص ۱۵۹۲.

۵. علی بن عیسی اربلی و کشف الغمّة، رسول جعفریان، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۷۱؛ نسخه شماره ۴۶۶۴ کتابخانه مجلس (فهرست نسخه‌های خطی)، ج ۱۳، صص ۴۸-۴۹).

۶. ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۷۷.

۷. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۱.

می شود می شناسیم که به عربی است و گویا حجم کمی هم دارد^۱.
 ۶. المصباح المنیر فی فضائل النبی و اهل بینه (فارسی): تنها کسی که ذکر از آن به میان آورده، صاحب اعیان الشیعة است^۲ و مأخذ آن روشن نیست.
 ۷- دلائل العصمة (۹): آقا بزرگ طهرانی تنها مأخذی است که از این اثر یاد می کند و آن هم بر اساس کتاب جهادیه است از مولی عبدالعباس دامغانی (که مقتلی است جدید التألیف)^۳.

نسخه های به خط حسن شیعی سبزواری

نخستین بار در ریاض العلماء، از نسخه ای به خط حسن شیعی ذکر آمده، و ترجمه عبارت افندی در این باره این است: «من به خط شریف او کتاب تکملة السعادات فی کیفیة العبادات المسنونات، تألیف شیخ ابوالمحاسن جرجانی را که به فارسی است و آن را در سال ۷۰۲ تألیف کرده دیدم. و تاریخ کتابتش به خط مولی حسن مذکور، سال ۷۴۷ بود و خط آن متوسط است»^۴. لحن عبارت و نیز اطلاعات افندی در مجلدات بعدی ریاض درباره این کتاب و مؤلف آن و نسخه مورد بحث متفاوت است که برای مزید فایده نقل (ترجمه) می شود، آنجا که در معرفی شیخ ابوالمحاسن جرجانی است: «از دانشمندان معاصر شیعه هم عصر علامه حلی بود، از بین تألیفاتش بر کتاب تکملة السعادات فی کیفیة العبادات المسنونات به فارسی دست یافتم که آن را در سال ۷۰۲ تألیف کرده، و نزد ما نسخه کهنی به خط مولی اجل حسن شیعی سبزواری، فاضل مشهور موجود است که قریب العصر مؤلف، بلکه از شاگردان او بوده است. تاریخ کتابت آن نسخه به خط مولی حسن مذکور در سال ۷۴۷ است»^۵. متأسفانه این کتاب باقی نمانده است، ولی روزگاری بوده و شاید هم، اکنون در گوشه ای مهجور مانده باشد.



۱. فهرست هزار و پانصد نسخه خطی، رضا استادی، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، سال ۱۳۷۳، ص ۲۶۶.
 مجموعه ش ۵۶۰، بخش سوم، تحریر ۹۳۰ هجری، آغاز کتاب: الحمد لله الواحد فی ملکه، العالی فی دنوه....
 ۲. اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۵۲؛ آقای سپهری نیز در مقدمه آثار حسن شیعی به این نکته اشاره کرده اند.
 ۳. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۸، ص ۲۵۱.
 ۴. ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۷۶.
 ۵. ریاض العلماء، ج ۵، ص ۵۰۹؛ نیز رک: تاریخ تشیع از آغاز تا قرن دهم، ج ۳، چاپ دوم، ۱۳۸۳، ص ۱۰۶۸ و ص ۱۲۲۷؛ الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۴۱۴-۴۱۵.

اما چند نسخه کهن که به خط حسن شیعی سبزواری است (مورد اول قطعی نیست، ولی دو مورد بعدی قطعی است):

الف - دستنویس شماره ۱۱۲۷ دانشگاه تهران: نسخه‌ای است از تحریر الأحكام علامه حلی، چون نسخه را خود ندیده‌ام، اطلاعات کامل مرحوم دانش پژوه را درباره آن عیناً نقل می‌کنم: «این نسخه به نسخ کهن است با نشانه‌های شنگرف و حسن بن حسین در بامداد ۱۸ ذی حجة ۷۲۸ نوشتن جزء سوم آن را از روی نسخه اصل حلی (به جز از طلاق تا ایمان) به انجام رسانده، و باز پسین مقابله آن در [سال] ۷۲۹ بوده است. بسیاری از جاها «بلغ قراءة ایدة الله» یا «بخطه» حاشیه دارد. از عنوان کتاب در ۱- الف هم بر می‌آید که پس از مرگ حلی نوشته شده است، به اندازه یک صفحه در پایان ندارد، برخی صفحه‌ها هم فرسوده شده و صالی کردند. میان برگهای ۱۳۴ و ۱۳۵ افتاده، چنانکه در بالای برگ ۱۳۵ هم نوشته‌اند... در پایان جزء سوم (۱۵۷ الف) حلی می‌نویسد [پس از نقل جمله پایانی متن، ترقیمه کاتب آمده]: و فرغ العبد الضعیف حسن بن الحسین من نسخه... (تراشیده شده): الاصل بخط المصنف علیه السلام الا من کتاب الطلاق الی کتاب الایمان، صبیحة الثامن عشر من ذی الحجة سنة ثمان وعشرین وسبعمئة حامداً ومصلياً ومسلماً، بلغ المقابلة والنظر فی مجالس آخرها شهر سنه تسع وعشرین وسبعمئة (کلیشه را ببینید).

۲۷۷ برگ، کاغذ سمرقندی، جلد تیماج سرخ ساده با برگردان در یک سوی، اندازه جلد و متن: ۱۷×۲۳/۵ و ۱۲×۱۹، تعداد سطر: ۲۵^۱.

ب - دستنویس شماره ۴۳۵۷ کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام: که نسخه‌ای کهن از ارشاد الازهان علامه حلی است. معرفی مختصر و مفیدی در فهرست کتابخانه دیده می‌شود^۲. نسخه‌ای است در قطع ۱۵×۷ سانتیمتر، با حجمی زیاد (بیش از ۱۹۰ برگ) که در هر صفحه ۲۶ سطر یا کمتر کتابت شده است. خط آن نسخ است

۱. کتابهای اهدایی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، محمد تقی دانش پژوه، جلد سوم، بخش سوم (مجلد پنجم)، کتابهای اخبار و اصول و فقه، دانشگاه تهران، ۱۳۳۵، صص ۱۸۱۳-۱۸۱۵، به همراه عکس برگ ۱۵۷ الف؛ نیز بنگرید: مکتبه العلامة الحلی، السید عبدالعزیز الطباطبائی، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، الطبعة الاولى، ۱۴۱۶ هـ، ص ۸۰.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام، سید احمد حسینی، زیر نظر سید محمود مرعشی، قم، ج ۱۱، ۱۳۶۵، ص ۳۵۵. عکس صفحه ترقیمه دار در پایان فهرست آمده است.

و حواشی و تصحیحات آن به همان خط کاتب متن، یعنی حسن شیعی است. برگ اول متن ارشاد الاذهان نونویس است و از برگ ۲، برگهای کهن شروع می‌شود تا پایان کتاب (البته برگهای ۶ و ۸ نیز جدید و نونویس است).

اکثر اوراق پا برگ دارد، علائم سرفصلها بیشتر به شنگرف است، حاشیه طولی اوراق بعضاً مرمت و وصالی شده است. درباره اوراق نسخه توضیح داده شود که پیش از آغاز متن (که شماره برگ ۱ از آنجا شروع می‌شود) سه برگ هست که شماره نخورده، برگ نخست که گویا خیلی جدید است سفید مانده، برگ دوم و سوم که کهن تر است شامل اینهاست:

- مسأله‌ای فقهی درباره عصیر و جواب آن، نوشته حسن بن حسین بن مطر (کذا).

- یادداشت تملک محمد باقر بن محمد تقی الاصفهانی فی شهر رجب سنة ۱۳۲۴.

- اطلاعی درباره رموز و اشاراتی که راجع به علمای بزرگ شیعه به کار می‌رود و نیز

رموزی که برای نام کتابهای آنها، استفاده می‌شود.

- نکته‌ای درباره طهارت.

- یادداشت تملکی از شجاع بن علی الحسینی، در صفر سال ۹۷۱ هـ.

- مهری ساییده شده و محو.

در پایان نسخه هم مطالب متفرقه‌ای هست به این شرح:

- برگ ۱۹۴ ب، پس از ترقیمه کتاب: دو حدیث و نسب رسول الله ﷺ.

- برگ ۱۹۵ الف: «اتفاق افتاد ولادت فرزند اعز اکرم سعادت‌مند، فرزند غیاث الدین

محمد در بهترین ساعتی از ساعات شب پنجشنبه دو دانگ از شب گذشته، شب شانزدهم رجب المرجب سنة اربع وستین وثمانمئة»، به اضافه حدیثی نبوی به خطی جدیدتر از یادداشت پیشین.

- برگ ۱۹۵ ب و ۱۹۶ الف: أسامی الکتب الفقهية والرسائل التي نقل السيد منها

واسامی مصنفیها الامامية ﷺ.

- برگ ۱۹۶ ب: دعا برای محافظت.

- برگ ۱۹۷ الف: رباعی ای از «ملا محمد صوفی» به خطی بسیار بد و بدون نقطه.

- برگ ۱۹۷ ب: مطلبی مشوش و بسیار بد خط (گویا حدیثی باشد).

ترقیمه کاتب در این نسخه چنین است: «فرغ من کتابته العبد الضعیف الخاطی

المحتاج الى رحمة ربه الباری، الحسن الشیعی السبزواری فی غرة شهر ذی القعدة من سنة ثمان عشرة و سبعمئة حامداً ومصلياً» (۱۹۴ ب).

از این نسخه در تصحیح کتاب ارشاد الاذهان بهره برده شده است با رمز (م) ۱.

ج - دستنویس شماره ۲۹۴ کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله: نسخه ای کهن است از مجمع البیان طبرسی که از آیه ۳۳ انعام آغاز می شود و تا آخر سورة یوسف (مجلد پنجم تفسیر) را کامل دارد. در حاشیه بالای سمت چپ برگ ۱ الف به خط مرحوم آیت الله العظمی مرعشی آمده است: «جزو من مجمع البیان، بخط العلامة المولی حسن الشیعی السبزواری. شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی». نیز در برگه ای که در بین اوراق نسخه نگهداری می شود به خط ایشان چنین آمده: «قطعة من مجمع البیان بخط العلامة الشیخ حسن الشیعی السبزواری، تاریخ الفراغ من کتابته سنه ۷۳۱ والنسخة موجودة عندنا فی المكتبة العامة الموقوفة ببلدة قم المشرفة وترجمة الکاتب موجودة فی کتاب ریاض العلماء للمولی أفندی رحمته الله».

نسخه حاضر ۱۸۸ برگ دارد که در هر برگ حداکثر ۴۰ سطر، به خط نسخ کتابت شده؛ قطع اوراق ۲۸×۲۰ سانتیمتر است. آیات با خط درشت و به صورت معرب آمده و عناوین غالباً به سنگرف است. در نوشتن آیات نیز کاتب علائمی را لحاظ کرده از جمله اینکه با دایره ای سرخ (سنگرف)، گاهی توپر و گاهی توخالی، آیات را از هم جدا کرده است؛ پایان صفحات پا برگ دارد تا ارتباطی بین برگها برقرار باشد؛ نام سوره ها در بالا یا گوشه اکثر صفحات به خطی جدید نوشته شده؛ علائم تصحیح توسط کاتب در حواشی برخی اوراق دیده می شود، مثل: ۴ الف، ۲۲ ب، ۳۴ الف، ۴۷ الف، ۵۶ ب، ۸۳ ب، ۸۸ ب، ۱۰۰ ب، ۱۰۲ الف، ۱۰۳ ب، ۱۱۴ ب، ۱۲۶ ب، ۱۵۹ ب، ۱۶۳ الف و ۱۷۵ ب.

۱. در مقدمه تصحیح ارشاد الاذهان، دو جا از حسن شیعی سبزواری مورد بحث، به عنوان شاگرد علامه و شاگرد فرزند علامه (فخرالمحققین) یاد شده است که البته سندی برای آن ذکر نشده؛ رک: ارشاد الاذهان الى احکام الايمان، الحسن بن یوسف بن المطهر (العلامة الحلّی)، تحقیق الشیخ فارس الحسون، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۰ هـ.ق، ص ۴۸ و ص ۲۰۰ (مقدمه)، عکس برگ پایانی متن کتاب که ترقیمه (انجامه) دارد هم آمده است. درباره این نسخه، بنگرید به: مکتبه العلامة الحلّی، ص ۴۵؛ تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، ج ۲، ص ۶۹۹.

نظم و ترتیب سوره‌ها در این نسخه، با ذکر شمارهٔ اوراقِ خاص هر سوره چنین است:
- از آغاز تا برگ ۳۱ ب: سوره انعام (آغاز افتاده).

- از ۳۱ ب تا ۷۱ ب: سوره اعراف.

- ۷۲ الف تا ۸۷ ب: سوره انفال (پایان مجلد چهارم تفسیر).

- ۸۸ الف تا ۱۱۸ ب: سوره براءت.

- ۱۱۸ ب تا ۱۳۷ ب: سوره یونس.

- ۱۳۷ ب تا ۱۶۲ الف: سوره هود.

- ۱۶۲ الف تا ۱۸۷ الف: سوره یوسف^۱.

در پایان برگ ۸۷ ب (پایان مجلد چهارم تفسیر) ترقیمه‌ای چنین آمده است: «آخر المجلد الرابع، من کتاب مجمع البیان فی علوم القرآن. وقع الفراغ من اتمامه فی شهر الله الاصح رجب من سنة سبع وعشرين وسبعمئة ویتلوه فی المجلد الخامس سورة براءة، إن شاء الله تعالی».

در پایان نسخه، این ترقیمه که نام کاتب را دارد آمده: «وتیسر الفراغ لکاتبه الحسن الشیعی السبزواری - أصلح الله أمور دنیاہ وعقباه وأتاه تقواه وزکاه وحشره مع من تولاه - فی اواخر جمادی الآخر سنه احدی وثلاثین وسبعمئة... (بریدگی و وصالی)» (۱۸۷ الف). چنانکه دیده می‌شود این نسخه گویا در فاصلهٔ سالهای ۷۲۷ تا ۷۳۱ هجری کتابت شده است.

دربارهٔ این دستنویس باید گفت که: از کهن‌ترین نسخه‌های مجمع البیان است و چون به خط دانشمندی فاضل است اهمیت ویژه‌ای دارد^۲.

۱. همهٔ اوراق را به دقت بررسی کردم، افتادگی نداشت، فقط یک جا به جایی در اواخر نسخه رخ داده که اصلاح آن باید چنین باشد: برگ ۱۷۵ باید بین ۱۷۲ و ۱۷۳ قرار گیرد.

۲. دربارهٔ آن رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته، سید احمد حسینی، زیر نظر سید محمود مرعشی، ج ۱، صص ۳۳۹-۳۴۰، قم. و نیز عکس دو صفحه از نسخه که در پایان فهرست آمده است؛ فهرست موضوعی نسخه‌های خطی عربی کتابخانه‌های جمهوری اسلامی ایران، علوم قرآنی، بخش دوم، تفسیر (۳)، سید محمد باقر حجتی، تهران، سروش، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۲۰ (که از این نسخه به عنوان سومین نسخه کهن مجمع البیان یاد شده است و این البته در صورتی است که نسخه‌های کهن بدون تاریخ کتاب را در نظر نگیریم)؛ مجلهٔ تراثنا، شماره ۱۵ (ربیع الثانی و جمادی الآخر ۱۴۰۹ هـ)، ص ۲۳۴ ذیل عنوان «کتب قید التحقیق» از تحقیق و تصحیح مجمع البیان یاد شده که از نسخه‌های کهنی که در آن کار لحاظ شده، یکی همین نسخهٔ مورد بحث است.

آخرین نکته درباره این نسخه، ترجمه برخی کلمات به فارسی، در حاشیه و لابه‌لای سطور است. پس از بررسی صفحه به صفحه دستنویس به این نتیجه رسیدم که نباید قدمت تمام این یادداشتها به یک اندازه باشد، چرا که بعضی از نظر خط و رنگ مرکب به متن می‌ماند و برخی جدیدتر و کاملاً نونویس می‌نماید. در مورد تعدادی از این موارد هم تعیین قدمت برای چون منی دشوار بود. اکثر این واژگان ترجمه شده را برای خود استنساخ کردم و فقط برای نمونه مواردی ذکر می‌شود: التقام (ناخاییده به حلق فرو بردن - ۹ الف)، حظیره (محوطه که برای چاروا و غیر آن کنند و دیواری است - ۲۵ ب)، اوز (مرغ آبی نر که به زبان کیل نرسیکا گویند. که ۱ - ۲۷ الف)، تنشیه (پروردن و افزایش کردن و افزون کردن - ۳۱ ب)، نشاء (نوپیدا شدن و نوجوان شدن - ۲۸ الف)، قرابة (خویشی و در کشاف به معنی خویشان هم آمده است - ۳۸ الف)، شرف (کنکرها - ۴۱ الف)، تمحض (جنبیدن و آبستن شدن و درد زه پیدا شدن - ۴۶ ب)، صدا (موریانه آهن و غیر آن - ۵۱ ب)، عقال (بندی که بر دست و پای چاروا نهند - ۵۲ ب)، سفیر (ایلجی - ۵۷ ب)، مسح (پلاس رهبان - ۶۶ ب)، تخلف (واپس ایستادن - ۷۳ ب)، تعبیه (لشکر به ترتیب داشتن برای چنک [کذا] - ۷۵ الف)، زیببتان (دو نقطه سیاه بر زور چشم - ۹۷ الف)، شعب (به سکون عین، واهم آوردن - ۹۷ ب)، فلکه (چوبکی گرد میان سوراخ که در میان دوک چرخ می‌کند - ۱۲۳ الف)، اقصاع (واشیدن - ۱۴۶ ب)، نار الحباحب (آتش ضعیف پی [کذا] نفع - ۱۵۷ الف)، لَجَف [کذا] (چاهکها خرد که بر کنار چاه بزرگ باشد - ۱۶۴ الف).

نکته نهایی این که، بر اساس سندی ارزشمند محفوظ در همین کتابخانه، می‌دانیم که حسن شیعی گویا تا سال ۷۷۳ق زنده بوده است. این سند، یادداشتی است در حاشیه برگ پایانی تفسیر ابوالفتوح، شماره ۳۶۸ مورخ ۵۹۵ق که از آن برمی‌آید شمس‌الدین اسحاق بن عبدالملک بن فتحان الواعظ - یکی از افراد

۱. پس از ترجمه برخی از لغات، علامت «که» دیده می‌شود که باید علامت منبع لغوی باشد که از آنجا، این ترجمه گرفته شده (شاید کتزاللغة)، در برگ ۱۷۸ الف هم دو مورد در حاشیه آمده که صراحةً نام کتزاللغة را برده است: «هَبَّةٌ: به فتح هاء، روان در شدن شم[شیر] (بریدگی)، و نیزه در مضروب، کتزاللغة؛ «مَقْعَدٌ: نشستن و نشسته...» (بریدگی)، کتزاللغة».

سرشناس خاندان فتحان قم - این نسخه را در حدود ۷۷۳ق از تاج‌الدین حسن شیعی سبزواری خریده است. این نکته که از کشفیات استاد مدرسی طباطبایی است، حائز اهمیت فراوان است و اطلاع مفیدی در باره تاریخ تقریبی وفات حسن شیعی به دست می‌دهد و آن را به بعد از ۷۷۳ق منتقل می‌کند.^۱

۱. خاندان فتحان (احوال و آثار دانشمندان یکی از خاندانهای علمی قم در قرنهای هفتم تا دهم)، مدرسی طباطبایی، چاپ حکمت قم، ۱۳۵۲، صص ۱۰-۱۱؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۱، صص ۳۸۸-۳۸۹.

سفرنامه ابن‌الشیخ

تصحیح محسن شریفی دانا

شیخ محمد حائری، معروف به ابن‌الشیخ سومین پسر شیخ زین‌العابدین معروف به آیت‌الله مازندرانی، پسر مسلم بارفروشی مازندرانی می‌باشد. شیخ زین‌العابدین از روحانیان درجه اول ساکن کربلا (م ۱۳۰۸ ق) و نگارنده ذخیره المعاد می‌باشد که همه روحانیان پس از او، آن را حاشیه نگاشته‌اند و بارها در ایران و هند چاپ شده است. شیخ زین‌العابدین سه پسر به نام عبدالله و علی و محمد داشته و سومین ایشان بعدها لقب ابن‌الشیخ گرفت. او در کربلا به سال ۱۲۸۲ ق، زاده شد و بر پدر علم آموخت و پس از مرگ پدر (۱۳۰۸ ق)، شاگرد میرزا حبیب‌الله رشتی و پس از مرگ او (۱۳۱۲ ق) به خواهش مریدان پدرش به هندوستان رفت و حدود چهارده سال در آنجا بماند.

برخورد با ملتهای گوناگون او را به سیاست استعماری غرب آگاه کرد و به آزادیخواهی کشانید و پس از بازگشت به ایران با مشروطه‌خواهان همکاری کرد و پس از بمباران مجلس در دوم تیر ۱۲۸۷ ش و تسلط شاه بر مردم، وی به نجف رفته و روحانیان آنجا؛ آخوند محمدکاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی را به هواخواهی از مشروطیت تشویق می‌کرد، ولی چنانکه می‌دانیم روزگار سیاه که به نام «استبداد صغیر» خوانده شده کوتاه بود، و در ۱۵ اردیبهشت ۱۲۸۸ ش، قزوین به دست مردم افتاد و شاه فرار کرد و مجلس دوم گشوده شد، پس آزادیخواهان به کشور بازگشتند. و ابن‌الشیخ نیز از نجف به ایران بازگشت و از طرف دولت ملی به

عنوان نخستین رئیس دیوان کشور منصوب شده و دو سال این کار را انجام می‌داد، ولی نتوانست با مسیو پرینی مستشار فرانسوی دادگستری همکاری کند و از کار کناره گرفت، و سپس مدتی نیابت تولیت مدرسه سپهسالار به او واگذار شد و از آن نیز کناره گرفت. و در حدود سال ۱۳۴۰ق، به قم رفت و در ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۵۰ق، به سکنه قلبی درگذشت و در مسجد بالاسر ضریح حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

سفرنامه جای گفتگو گزارش روزانه اوست، از روز حرکت از نجف برای بازگشت به ایران، پس از فرار شاه تا رسیدنش به اینجا، و دارای مطالب تاریخی سودمند می‌باشد.

از این سفرنامه چیرگی او بر دانشهای کلاسیک روزگار خود و نیز اطلاعات ریاضی و ستاره‌شناسی او آشکار می‌شود، همه جا دانشمندان و روحانیان شهرها به دیدارش می‌آیند. روز عید غدیر (۱۸ ذیحجه ۱۳۲۷ق، برابر اول سال ۱۹۱۰م) در کاظمین مانده و روز بعد به سوی ایران حرکت می‌کند، همان روز در بعقوبه است و می‌گوید بار سوم است که به این شهر آمده‌ام، یکبار سال ۱۳۰۵ق بود. روز ۲۲ ذیحجه ملا قربانعلی^۱ که مشروطه خواهان تبعیدش کرده بودند به آنجا می‌رسد و با او برخورد می‌کند و چون ملا از مشروطه گله می‌کند، ابن الشیخ می‌گوید: «آثار بدی که ظاهر شده^۲، تقصیر مشروطه نیست». به کرمانشاه که می‌رسد به نائب السلطنه و سپهدار آگاهی می‌دهند و فرماندار کرمانشاه از طرف دولت او را گرامی می‌دارد، در اینجا از مجالس مجاهدین و تجار قفقازی^۳ دیدار می‌کند، مردم کرمانشاه که از انجمن ایالتی خود ناراضی بوده، تجدید انتخابات را از او می‌خواهند، ولی او روی پنهان کرده است. در دولت آباد، عضدالسلطان برادر محمدعلی شاه فراری، از او دیدن کرده و از برادر خود بیزار می‌جوید.

ابن الشیخ کتابچه‌ای به نام تمیزیه یا قانون دیوان عالی تمیز، در ذیحجه همان سال

۱. ملا قربانعلی از کسانی است که بقا و پایداری روحانیت را وابسته به برقراری حکومت اشراف می‌دانست و با آزادیخواهان ستیزها کرد و مردم شهر خود زنجان را چند بار به خون کشید، ولی چون آزادیخواهان پیروز شدند، به جای اینکه وی را اعدام کنند، او را به عراق عرب راندند.
۲. گویا ابن الشیخ از کسانی است که گمان می‌کردند مردم ایران فقط از قدرت و زور اشراف و دولتی‌ها بیزار هستند، و اگر از دست ایشان رها شوند به قدرت و نفوذ روحانیان سر فرود می‌آورند، چون در این هنگام می‌دید مردم پس از فرار دادن شاه، از سر شیخ فضل الله‌ها و ملا قربانعلی‌ها نیز دست برنداشتند، نگران شده است.
۳. نباید فراموش کرد که آزادیخواهان ایران همیشه با سوسیال دموکراتهای قفقاز رابطه داشتند.

۱۳۲۸ق که به تهران رسید، در ۱۴۹ ماده بنگاشت و در ۵۴ صفحه در تهران در چاپخانه تهران به سال ۱۳۲۹ق چاپ کرد.

لازم به ذکر است که نسخه مذکور متأسفانه دارای افتادگی می‌باشد، کمی در ابتدای آن و بیشتر در انجام که تا تاریخ ۲۳ محرم سال ۱۳۲۸ را در بردارد که نگارنده به دلجان رسیده بود.^۱

در نسخه مذکور حواشی‌ای نیز وجود دارد که به خط سفرنامه نیست و توضیحاتی پیرامون آن آورده که ما آنها را نیز، برای ادای امانت آورده‌ایم. همچنین اسامی افرادی که در این رساله به صورت متفاوت آورده شده بود، یکدست گردید.

بسم الله الرحمن الرحيم

روز چهارشنبه سیم شهر ذی قعدة الحرام سنهٔ یکهزار و سیصد و بیست و هفت هجری، مطابق بیست و پنجم ماه عقرب، تقریباً چهار ساعت به غروب مانده از خانه بیرون آمدم. ساعت نه و ده دقیقه در گاری تراموای سوار شدم، ساعت نه و ربع حرکت نمود، یک ساعت کشید که وارد شریعهٔ کوفه شدم. از حال علی صادق جويا شدم، فوراً او را پیدا کرده آوردند. به او گفتیم که از برای ماکستی کوچکی اجاره کن تا روانهٔ طویرج شویم، هرچه بیشتر جستجو کردیم، کمتر یافتیم. تا دو مجیدی هم راضی شدیم، با وجود اینکه ما سه نفر بودیم، قبول نکردند.

ساعت یازده و نیم جناب آقای آشیم ابراهیم خوانساری با عزیز و اسبابها وارد شدند، قرار شد که امشب را بمانیم. علی صادق اطاق کوچکی در عمارت خانوادهٔ شمس که مشرف بر شطّ فرات بود از برای ما گرفت، اسبابها را در آنجا برده، بعد از استراحت و صرف شام مشغول نوشتن این سفرنامه شدیم و ان شاء الله اگر توفیق یافتیم سلسله‌وار می‌نویسیم.

چون اسمی از تراموای کوفه برده شد، لازم آمد که شرحی از او نگارش یابد. مدتی بود شنیده بودیم که حاج عبدالرحمن پاچچی که یکی از تجّار معروف بغداد است، امتیاز این تراموای را از اسلامبول گرفته که از شریعهٔ کوفه الی نجف اشرف خط آهن بکشد. در

۱. متأسفانه تلاشهای این جانب برای پیدا کردن نسخهٔ دیگری از این سفرنامه یا بخشهای افتادهٔ آن بی‌نتیجه ماند و هیچ نسخه‌ای یافت نشد.

اوایل شهر رمضان هذه السنة این کار به انجام رسید که تقریباً یازده هزار متر خط آهن کشیده شده و اکنون با اسب حرکت می‌کند، ولی می‌گویند که چندی بعد خیال دارند که او را آتشی نمایند. و اگرچه این کار را چنانچه باید و شاید به اتمام نرسانیدند - هم از جهت راه و تنگی آن و هم از جهت دبه‌ها و بی‌وسعتی آنها -، لکن باعث آبادانی و عمارت کوفه و شریعه خواهد شد.

اگر بخواهم به مناسبت، تاریخ نجف اشرف و کوفه و مسجد آن را بنویسم مثنوی هفتاد من کاغذ شود، با بی‌اسبایی از قوه تحریر من بیرون است، ولی اجمالاً این شهر کوفه، در قدیم از بلاد معتبره عالم بوده که در زمان خلیفه ثانی بنا شده، و تقریباً دو کرور جمعیت داشته و عساکر منصوره اسلام در اینجا سکنی نموده، باعث آبادانی اینجا شدند. و به «کوفه الجند» معروف بوده، در سال یکصد و سی و دو هجری از بی‌آبی خراب شد و به عمر طبیعی نرسید، ولی در این مدت قلیل که معمور بوده، اتفاقاتی و حوادثی در اینجا روی داده که بلادی که یکهزار و دو هزار سال عمر نموده، این‌گونه وقایع در آنها اتفاق نیفتاده است.

و من غالب امکانه مخروبه او را دیده‌ام و تقریباً بیست - سی سال است که یوماً فیوماً آبادانی و عمارت آن در تزیید است و اگر آب فرات قطع نشود، ترقیات کلی خواهد نمود. و سبب قطع او آن است که شطّ ابو ثوره، آب او را متصل به خود می‌کشد. و عرض نجف اشرف سی و دو درجه و دو دقیقه و طولش شرقی گرینچ^۱ [کذا] لندن است.

روز پنجشنبه (۴ ذی قعدة): چون شب بسیار بلند بود، سحر زود از خواب بیدار شده و بعد از ادای دوگانه و طلوع آفتاب، شیر گاو میش بسیار اعلاء صرف شد. و دیشب معلوم شد که پوستین مرا از نجف نفرستاده بودند، صبح عزیز را به نجف فرستادم که بیاورد.

علی صادق را طلبیدم و به جهت اجاره کردن کشتی فرستادم، چون این ایام که اوایل تشرین دوم^۲ است آب فرات زیاد می‌شود و کشتی‌ها به جهت جمع نمودن شلتوک به

۱. احتمالاً منظور گرینویچ است.

۲. ماه سوم پاییز، اول آن مطابق است تقریباً با غره نوامبر قیصری و آدوکنیش ایران باستانی و بیست و هشتم آبان ماه جلالی.

مشخاب^۱ رفته بودند. کشتی بسیار کم بود، آخر به زحمات زیاد یک عدد کشتی کوچک اجاره نمودیم تا طویرج به ده بشلک.^۲

وقدیری در کنار شط تمشی و تماشا نمودیم تا عزیز رسید و پوستین را آورد. ساعت هفت از روز مذکور سوار شده: «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مَرْسَاهَا»^۳ گفته، حرکت نمودیم. هوا شرقی بود، شراع کشیده، ولی هوا سرد نبود، لهذا از کنار هم ملاحظا می‌کشیدند. و امروز کاغذی هم به نور چشم علام، آقای آقا شیخ باقر^۴ - طال عمره - نوشته که محتوی بر بعضی از دستورالعملها بود، با عزیز به نجف فرستادم. از کوفه تا طویرج تقریباً دوازده فرسخ راه است، اگر ساعتی یک فرسخ کشتی ما برود، باید دوازده ساعت برسیم، ولی مشکل است.

نهار امروز در کشتی صرف شد، جای احباب خالی بود، به جهت نور چشمی - آقا جعفر -^۵ بسیار دلتنگم، به واسطه اینکه همیشه در مسافرت از نجف به کربلا مونس من بود. اکنون در این کشتی سه نفر می‌باشیم؛ من و جناب آشیخ ابراهیم و علی صادق. ملاحظای کشتی هم سه نفر هستند، بر هر سه تا...، ولی یک نفر مهمان هم دارند.

و کشیدند کشتی را تا ساعت شش و نیم از شب و توقفی که نمودند، همان به جهت نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا و شام خوردن بود. قریب مسجد خرابه‌ای لنگر انداخته، چون در مسجد اعراب زیادی بودند، شب را در کشتی خوابیدیم، بعد از صرف طعام شام، هوا هم سرد بود.

...^۶ کوفه ساکن و بزرگ شده آنجاست، لذا خائف بود. استخاره نمودم که فسخ عزیمت نموده، از راه سده برویم، میانه آمد. به جهت بردن او به حله استخاره نمودم، خوب آمد. توکل بر خدا نموده، به عزم خود ثابت ماندم. و کاغذی به جهت نور چشم علام، آقا شیخ باقر نوشته که فردا بفرستم.

۱. در ۳۰ کیلومتری جنوب نجف قرار دارد.

۲. اسم ترکی، سکه مسین یا نیکی عثمانی.

۳. هود / ۴۱.

۴. شیخ باقر پسر نگارنده نیست، داماد اوست.

۵. آقا جعفر، پسر دیگر او.

۶. نسخه افتادگی دارد.

روز شنبه (ششم شهر ذی قعدة): سحر زود از خواب بیدار شده، بعد از ادای واجب و صرف نمودن شیر و جمع نمودن اسباب، از شط عبور نمودیم. معلوم شد که اگر دیشب خودمان عبور نموده بودیم، مال خوب پیدا می‌کردیم. به هر جهت مالهایی که دیروز، آن شخص به جهت ما کرایه نموده بود، با اینکه رهوار نبودند، سوار شده، روانه حله شدیم.

نهر سنیه در راه خراب و آب گرفته بود، با زحمات زیاد مکاری، مالها و احمال و ائقال را عبور داده و ما را بر دوش گرفته، عبور نموده، سوار شدیم. در وسط راه به سقاخانه حاج فاضل رسیده، در آنجا نهار را صرف نموده، روانه شدیم.

ساعت هشت و نیم از روز وارد حله شدیم، بر لب شط. آب این شط چهار روز است که آمده است و شط از آب مالامال بود. وقفه‌های زیادی بود که مردم را عبور می‌داد، فرستادیم سراغ حاجی هادی که دلیل راه ما بشود.^۱ بعد از حضور، اصرار زیادی داشت که ما را در منزل خودش ببرد، قبول نمودیم. و اسبابها را در قفسه گذاشته، خودمان هم سوار شده، عبور نمودیم. و به توسط حمال و دلالت حاجی هادی اسبابها را در مرکز عربانه برده، در آنجا رحل اقامت انداختیم.

معلوم شد که حاجی محمدرضا صراف شش ماه است که کمپانی عربانه خود را در حله دائر نموده، فی الفور از آن اداره عربانه گرفتیم، شب را در همانجا بیتوته و سحری را حرکت به بغداد نماییم. امروز ساعت هشت و چهل و پنج دقیقه، اول ماه پنجم از سال چهل و پنجم شمسی خودم شروع می‌شود^۲، به طالع نیکو مطالع اول ثور خداوند، ان شاء الله مبارک کند.

ساعت یازده جناب مستطاب آقا شیخ محمود سماکی که از اجلة علمای حله بود، ورود ما را شنیده، با جمعی وارد شدند و اصرار زیادی نمودند که ما را شب به منزل خودشان ببرند، قبول نمی‌کردیم، بعد اللتیا و التی بنا شد که برویم و ساعت سه از شب، بعد از صرف شام، مراجعت به مرکز نماییم.

در آنجا معلوم شد که حاجی هادی شام به جهت ما تهیه کرده و از مهمان شدن ما در اینجا مکدر شده، او را طلبیده، با زحمت زیاد راضی‌اش نمودیم. و مقرر شد که توشه راه

۱. نگارنده یکی از معتبرین حله را احضار کرده.

۲. نگارنده ۴۵ ساله است.

در عهدهٔ او باشد. و بعد از صرف شام مراجعت به مرکز نمودیم و در آنجا استراحت کردیم] تا ساعت نه، از خواب بیدار شده و بعد از صرف چای، اسبابها را در عربانه گذاشته، ساعت ده سوار شده، حرکت نمودیم.

روز یکشنبه (هفتم ذی حجه): اول فجر وارد محاوایل شدیم که از حله تا آنجا تقریباً سه فرسخ است و نماز صبح را خوانده، روانه شدیم. ساعت چهار از روز وارد خان حصوه شدیم که از محاوایل تا آنجا تقریباً چهار فرسخ است و خان حصوه را معلوم نیست که کی ساخته، باید تحقیق کرد. از آنجا هم حرکت نموده، ساعت شش وارد محمودیه شدیم که از حصوه تا آنجا سه فرسخ است. پیاده شدیم و بعد از صرف نهار، ساعت شش و نیم سوار شده، حرکت کردیم.

ساعت ده و نیم وارد بغداد شدیم. معلوم شد که جناب حاج آقا مهدی از ورود ما خبر نداشته، مخصوصاً آدمی را سراغ او فرستادم و اسبابها را به مرکز تراموای نقل نمودند و خودم به طرف جسر رفته‌ام که شاید حاج آقا مهدی را ملاقات نمایم. بر سر جسر که رسیدم، از کثرت جمعیت که بر سر جسر بود و همه متوجه من بودند که لباسی غیر از لباس آنها پوشیده‌ام، خجل و شرمند شده، رو به مرکز تراموای آمدم.^۱

نزدیک مرکز مسجدی است، در آنجا نماز خواندم. حاج آقا مهدی آنجا آمد، ملاقات شد و دوازده الاربع در تراموای سوار شده، اول مغرب وارد کاظمین علیهم‌السلام شدیم و رأساً به خانهٔ مرحوم حاج شعبانعلی مازندرانی^۲ وارد شدم. جناب مستطاب آقای امیرزا ابراهیم سلماسی که از اجلهٔ علما و مجتهدین آنجاست به دیدنی تشریف آوردند، پس از رفتن ایشان تجدید وضو نموده، به حرم محترم مشرف شدم.

بعد از توسلات لازمه خدمت امامین همامین علیهم‌السلام به خانه آمدم، جناب مستطاب اجل اکرم آقای یمن الممالک - دام اقباله - تشریف آوردند.^۳ قدری صحبت فرموده و دلسوزی از برای ملت ایران نموده، تا ساعت سه از شب تشریف بردند. جناب حاج آقا مهدی را طلبیدم، بعضی مطالب لازمه در خصوص سفر خود به ایشان گفتم و بعضی خطوط لازمه به جهت کربلای معلی و نجف اشرف نوشته، فرستادم.

۱. لباس نگارنده، غیر از پوشاک مردم عادی بوده است.

۲. اجلهٔ علما به دیدارش آمدند.

۳. قنصل ایرانی یمن الممالک، برای کشور ایران دلسوزی کرده... و انقلاب مشروطه....

روز دوشنبه (هشتم ذی القعدة): باز جناب آقای امیرزا ابراهیم تشریف آوردند، با جمعی از اهالی کاظمین دیدنی نمودند. بعد از صرف نهار به حمام رفته، مراجعت نموده، تا شام مشغول مکاتبات بودیم.

سه شنبه (نهم ذی القعدة): صبحی جناب مستطاب آقای آسید مهدی سید حیدر که سیدی جلیل است و از علمای آنجاست، با جمعی از اهل علم تشریف آوردند. و به جهت این مسافرت در کربلا و نجف به تسبیح استخاره نموده بودم، خوب آمده بود. امروز صبح قرآن را گرفتم و به کلام الله استخاره نمودم، این آیه وافی هدایه آمد: ﴿رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ اَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ * وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ * وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ﴾^۱.

و اتفاقی که امروز روی داد، کاغذی از مدیر جبل المتین کلکته^۲ رسید که: شنیده‌ام جناب عالی به طهران تشریف می‌برید، جداً خواهش می‌نمایم از جناب عالی که هرچه زودتر حرکت نمایید، که بهترین خدمت شما به اسلام و اسلامیان حرکت از نجف است به طهران، الخ.

این مطلب خیلی موجب حیرت شد که از کجا ایشان حرکت ما را فهمید و کی به ایشان نوشته؟ به هر حال چون روز حرکت پُسته بود، مشغول نوشتجات خطوط لازمه شدیم. امروز شخصی از علما از معنای این دو بیت سؤال نمود:

من قصر الليل اذا زرتني	أشكوا وتسكين من الطول
عدوّ شانيك وشانیهما	أصبح مشغولاً بمشغول

دو سه معنا از برای او نمودیم. شب جناب مستطاب آقای حاجی میرزا محمدرضا، نجل اجل آقای شریعتمدار دشتی با جناب مستطاب آقای میران [کذا] آقاسی، اخ الزوجة جناب مستطاب آقای سردار منصور به دیدنی آمدند، شرحی از تعریف مجاهدین و احرار و ناامنی طرق و شوارع نقل نمودند.

روز چهارشنبه (دهم ذی القعدة): جناب آقای مصباح السلطنه، پسر جناب آقای یمن الملک، جنرال قنصلگری دولت علیه ایران مقیم بغداد، از طرف والد بزرگوار خود به دیدنی تشریف آوردند و از طرف والدشان معذرت خواستند که به درد دندان

۱. شعراء: ۸۳-۸۵

۲. کی به مدیر جبل المتین اطلاع داده که نگارنده... از نجف به تهران....

مبتلا بودند، امروز را نتوانستند تشریف بیاورند. ما هم اظهار محبت نموده، اظهار داشتیم که امروز را خیال حرکت به سامره داریم، ان شاء الله بعد از مراجعت ملاقات می‌شود.

بعد از تشریف بردن ایشان، بازدید جناب مستطاب آقای *یمن الممالک* رفتیم. واقعاً این مرد عزیز در اینجا قدرش مجهول است، بعد از صحبت و تطویل کلام به منزل مراجعت [نمودم].^۱

... به ایشان بدهند. گفتم: بنویسید و به ما بدهید بفرستم. بنا بود که بنویسند و بفرستند، ولی نفرستادند. بعد از رفتن ایشان، بعضی مطالب لازمه خدمت حضرت حجت‌الاسلام آیت‌الله خراسانی - مد ظله - عرض نموده، فرستادم.^۲

روز دوشنبه (سیزدهم شهر ذی‌الحجه): دیشب شنیده بودم که جناب مستطاب آقای سید ابراهیم خراسانی که از علمای کاظمین بود، دو نفر مترافعین، مردی و زنی در منزل ایشان زد و خورد نموده و ایشان خائف شده، حالت غشوه‌ای عارض او شده، و امروز صبح معلوم شد که به رحمت ایزدی پیوسته، جمع زیادی تشییع جنازه او را نموده و در صحن مطهر آوردند. جناب آقا سید مهدی - پسرش - بر او نماز خواند و در رواق دفنش نمودند.

روز سه‌شنبه (چهاردهم شهر ذی‌الحجه): صبحی رفتیم به فاتحه مرحوم آقا سید ابراهیم، جمعی از اهل علم و غیره حضور داشتند. یک حزب قرآن خوانده، مراجعت به منزل نمودیم.

روز چهارشنبه (پانزدهم شهر ذی‌الحجه): صبحی به دیدنی جناب آقا سید مظهر حسین، صاحب منشی قنسولخانه انگلیس^۳ رفتیم.^۴ از آنجا بیرون رفته، عازم فاتحه شدیم. در بین راه مرهون را دیدیم، معلوم شد که ملعون دست و خیال آمدن ندارد. و از آنجا به فاتحه رفتیم و روضه‌خوانی به منبر رفته، روضه بسیار خوبی خواند. از آنجا به منزل آمدیم، در صدد تحصیل مکاری برآمدیم، چند نفر

۱. نسخه از اینجا افتادگی دارد.

۲. از کاظمین برای آخواند خراسانی کاغذ می‌دهد.

۳. اصل: انگریز.

۴. با دبیر کنسولگری انگلیس ملاقات می‌کند.

مکاری را طلبیدیم، با هیچکدام معامله نشد. و سیاههٔ آذوقه و لوازمات راه نوشتیم که بگیرند.

عصری جناب میرزا حسن خان نائب اول قنصلگری ایران مقیم بغداد تشریف آوردند، قدری با یکدیگر به حال ایران دلسوزی نمودیم. پس از رفتن ایشان، جناب مستطاب آقای آقا شیخ یوسف رشتی که از رفقای قدیم و اصداقا کوچکی ماست از کربلای معلی تشریف آورده، به منزل وارد شدند، از قدومش بسیار مسرور و فرحناک شدیم.

روز پنجشنبه (شانزدهم شهر ذی الحجه): امروز نور چشم علام، آقای آقا شیخ باقر و آقای آقاسید ابراهیم، مکاری پیدا نمودند و قطع و فصل نمودند. مال را هر یک هفت تومان و نیم تا کرمانشاه و بار را چهل و پنج من [کذا] که ان شاء الله روز شنبه را حرکت بنماییم. و جناب حاجی آقا مهدی امروز عصری از کربلا وارد شدند، معلوم شد که اخوان گرام هر دو به جهت زیارت غدیر به نجف اشرف مشرف شده‌اند.

روز جمعه (۱۷ شهر ذی الحجه): امروز تهیهٔ اسباب سفر را نمودیم و لوازمات سفر را از مأکول و ملبوس - به قدر ضرورت - خریده و فراهم کردیم. الحق نور چشمی، آقای آقا شیخ محمد باقر در این باب بسیار زحمت کشیدند. عصری جناب آقا شیخ مهدی ترک وارد شدند و جناب آقا شیخ مجید، پسرش [که] تازه از کربلا وارده شده، همراه ایشان بود. چون که سابقاً به والدش گفته بودم که اگر آقا شیخ مجید از کربلا بیاید، او را همراه خود می‌برم و پدرش هم راضی بود. قرار شد که او را همراه ببریم، می‌خواستم استخاره نمایم، والدش اظهار داشت که استخاره لازم نیست، امیدواریم که در راه از او خوش بشویم و به او هم خوش بگذرد.

میرزا احمد کاتب امانتی به ما داد که در طهران برسانیم، جناب حاجی ملا احمد تاجر یزدی هم تشریف آوردند، سفارش جناب آقا شیخ علی یزدی که در قصر شیرین امام جماعت است نمودند که تولیت حمام که به او مفوض است، ما هم اسباب تقویت او را فراهم کنیم که حمام را از دست او نگیرند.^۱

پس از آن به حرم مشرف شدم، چون مال سواری تحصیل نکرده بودم، در حرم مطهر

استخاره نمودم که روز شنبه حضرات را حرکت داده و خودم روز یکشنبه باگاری حرکت نموده، در بعقوبه به آنها ملحق شوم، مراجعت نموده به خانه آمدم، مشغول بستن اسباب شدیم.

به حکم استخاره با رفقا مشورت نموده، پس از استشاره قرار شد که فردا حضرات را حرکت داده و خودم بعد از زیارت وداع روانه بغداد شوم. در خانه جناب مستطاب آقای حاج یمن الممالک - دام اقباله - مهمان شدیم، چون استخاره مساعدت نموده بود و خانه جناب ایشان هم نزدیک مرکز عربانه بود، عزم ما در این باب جزم شد، ساعت هفت از شب خوابیدیم.

روز شنبه (۱۸ شهر ذی الحجه): صبحی مکاری آمد و مشغول کشیدن اسباب شد، معلوم شد که بار تنها چهار بار است. مقرر شد که نه مال بیاورد، چهار بار و سه نفر سرنشین و یک جفت کجاوه و یک جفت محمل، بعد از آنکه مکاری مشغول بار کردن شد، ساعت بین سه و چهار تقریباً، به قصد زیارت روانه شدم. جناب آقا شیخ مهدی و پسرش را در صحن ملاقات نموده، به اتفاق آنها مشرف به حرم مطهر شدیم. بعد از خواندن زیارت وداع و نماز زیارت به آقا شیخ مجید بعضی نصایح مشفقانه نموده، از حرم بیرون آمدیم. در صحن مطهر، رفقا حاضر بودند، قرار شد که تا مغطّم بیایم و حضرات را سوار نموده، از آنجا روانه بغداد شویم.

امروز چون روز عید غدیر بود، زوّار زیادی از بغداد به کاظمین آمده بودند و می‌آمدند، خاصّه از طریق مغطّم، به هر کس که می‌رسیدیم مصافحه نموده، دعا مأثور را که: «الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بحبل ولایة امیر المؤمنین والائمة المعصومین (علیهم السلام)» [است]، می‌خواندیم. و متائماً روز به دروازه مغطّم حرکت نمودیم و قافله هم پیش رفته بودند، از جسر که عبور کردیم، حضرات را سوار نموده، روانه نمودیم. خودم با آقا شیخ مهدی و آقا شیخ مجید گاری لندو اجاره نموده، روانه بغداد شدیم. در راه جمعیت زیادی زن و مرد، سواره و پیاده به زیارت کاظمین ۸ می‌رفتند، تماشای غریبی داشت. بین ساعت شش و هفت وارد خانه جناب آقای یمن الممالک شدیم، بعد از مصافحه کاغذ و قلمدان طلبیده، کاغذ و داعیه به جهت حضرات خداوندگار اعظم آقای حاج آقا - دام ظلّه و روحی فداه - نوشته و به جهت دیگران هم نوشتیم.^۱ چون

۱. حاج آقا؟ پدرش مرده است.

امروز روز اول سال هزار و نهصد و ده مسیحی بود، آقای یمن الممالک از ما اجازه طلبیده، به دیدن قناسل خارجه رفتند. بعد از یک ساعت، نور چشم علام، آقای آقاشیخ محمدباقر آمدند و خطوطی که نوشته بودم تسلیم ایشان نمودم و ایشان را مرخص نمودم که بروند و اگر شد همان شب را حرکت به کربلا نمایند و الا شب بعد حرکت کنند. و دو بلیت گاری به جهت بعقوبه گرفتیم به یک مجیدی،^۱ بعضی اشیاء لازمه از بغداد خریدیم و تا شام با آقای یمن الممالک دلسوزی به جهت ایران و اهل ایران می نمودیم.

روز یکشنبه (۱۹ شهر ذی الحجه): سحر زود از خواب بیدار شده، بعد از صرف چای وضو گرفته، روانه به مرکز عربانه شدیم. نیم ساعت گذشته از دسته که اول فجر بود سوار عربانه شده، حرکت نمودیم و عربانه‌هایی که حرکت کردند مجموعاً نه عدد بودند. از بغداد الی خان بنی سعد پنج فرسخ است و اغلب حرکت هم به سمت شمال است، هوا مه و خباب^۲ غریبی داشت و خالی از سردی نبود، بین راه بغداد و بعقوبه چهار نقطه عسکریه داشت که به جهت امنیت طریق ساخته‌اند. ساعت چهار ونیم وارد خان بنی سعد شدیم، در آنجا قهوه و محاضری صرف شد، دو اسب گاری را بدل نموده، حرکت به بعقوبه نمودیم. از خان بنی سعد تا بعقوبه چهار فرسخ است، در خان بنی سعد تقریباً سی - چهل خانوار اعراب بادیه‌نشین سکنی دارند.

کاروانسرای به جهت زوآر ساخته‌اند که بدون اخذ کرایه در آنجا منزل می‌کنند، ساعت هفت و ده دقیقه وارد لب جسر بعقوبه شدیم، زوآر و قافله‌ها هم کنار آنجا افتاده بودند، چون جسر مقطوع بود. دو ساعت معطل شدیم تا قافله و مالها را عبور دادند، بعد از عبور از آب، سوار الاغ شدم و وارد بعقوبه شده، در کاروانسرای شه‌بندر منزل کردیم. الحق کاروانسرای بسیار بزرگی بود، سه اطاق تنها گوشه داشت، آنجا را اختیار نموده، ماندیم.

آن شب فهمیدم که آفتاب‌خانه حاج آقا مهدی را عزیز اشتباهاً آورده، به سلطان - نام مکاری خودمان - دادیم که به کاظمین بفرستند، به توسط حسون بن علوان فرستاد، لحافی هم از آنها مانده بود، به آدمها گفتیم که بفرستند.

۱. پسرش به نجف برگشت و خودش آماده حرکت به ایران شد.

۲. جوشیدن دریا.

در آنجا صد عدد نارنگی پانزده قمری و صد پرتقال بیست و پنج قمری خریدیم. الحق زوّار در عبورشان از شط - به جهت نبودن جسر - بسیار صدمه می‌کشند و پول زیادی مصرف و ضرر می‌کنند. دولت مشغول درست کردن جسر بود، اما بسیار با تأنی. مثلاً جسر سابق بزرگی، یکی - دو عمه گذاشته بودند، به جهت میخ کوبیدن و درست کردن و حال اینکه باید صد عمه بگذارد که به فاصله سه چهار روز تمام بشود. الحق در این‌گونه امور بسیار تقصیر می‌کنند.

امروز معلوم شد که جناب آقا سید کاظم - پسر حاجی سید حسن کرمانشاهی - در قافله ماست، به ما تعارف نمود که: بیا بید جای بفرمایید، چون خسته بودم و می‌خواستم تهیه امورات را بدهم، وعده کردم که بعد خدمت می‌رسم. الحق جوان آراسته و شایسته‌ای به نظرم آمد، بسیار با محبت و سخی مخارج می‌باشد. جمعیت بعقوبه باید تقریباً چهار - پنج هزار باشد، باغات و اشجارش زیاد و قریه‌ای معمور است.

این مرتبه سیم است که ما به بعقوبه آمدیم، مرتبه اول در سنه هزار و سیصد و پنج بود، در آن وقت خیلی ارزانی بود، یاد دارم که یک سله^۱ زردآلو به پنج شاهی خریدم. آبش از شط دیاله است، فعلاً آب شهر مقطوع بود، آب چاهش شیرین و خوش‌گوار بود. امروز فرستادم به جهت دو نفر عربانه اجاره نمودم، تا شهروان^۲ که صبحی حرکت نماییم.

روز دوشنبه [۲۰ ذی‌الحجه] صبحی قافله نماز خوانده، روانه شدند. خودمان رفتیم به مرکز گاری، ساعت دو از دسته سوار شدیم، حرکت نمودیم. راه خیلی گل بود، تا خان خورشید تقریباً سه ساعت آمد. ساعت هشت وارد شهربان شدیم، از بعقوبه تا شهربان تقریباً هشت فرسخ است. در کاروانسرای اسماعیل پسر عبدالله، در بالاخانه منزل نمودیم و چند عدد درّاج خریدیم.

و جناب حاجی ملا ابوطالب واعظ اصفهانی وارد شدند، در حالتی که به مرض افلیج مبتلا بودند، از ایشان دیدنی نمودیم و فرستادیم عربانه، به جهت خانقی اجاره نمودند. و قدری در بازار گردش کردیم و مقداری انار خریدیم، قافله ساعت

۱. سله: زنبیلی که چیزها در آن گذارند و هر سبد را نیز گویند.

۲. همان شهربان است.

مابین ده - یازده وارد شدند و صاحب کاروانسرا هم اجرت منزل را به ما بخشید و محبت نمود - جزاک الله خیراً..

روز سه شنبه (۲۱ ذی الحجّه): صبحی قافله را روانه نموده و خودمان به مرکز عربانه آمدیم، عربانه چی جبار نام از کثرت اسباب مسافری داد و بیداد می نمود. بعد از داد و فریاد زیاد، بنا شد که امشب را در قزلرباط بمانیم. ساعت سه از شهر بان عربانه حرکت نمود، راه بسیار گل بود و ساعت پنج و نیم در قهوه خانه بین راه در نقطه عسکریه صرف نهار شد و حرکت نمودیم. ساعت هفت و نیم وارد قزلرباط شدیم و قافله هم همان ساعت رسید، آن شب باران زیادی بارید و باد بسیار تندی می وزید، ساعت یازده از خواب بیدار شدیم.

روز چهارشنبه (۲۲ ذی الحجّه): از کثرت بارش و باران که تا ساعت چهار می بارید، بنا شد که قافله امروز را در اینجا لنگ [کنیم]. ساعت چهار از دسته که دو ساعت از طلوع آفتاب باشد، باران به کلی منقطع شد. عربانه چی را راضی نمودیم که حرکت کند که یک شب از قافله به خانقی برسیم، ساعت پنج و ربع عربانه [حرکت] نمود، راه هم بسیار آب و گل بود، ساعت یازده به زحمت زیاد وارد خانقی شدیم.

خیال داشتیم که یکسر به کاروانسرای مجید بیگ برویم، جناب میرزا احمدخان ثقه الوزارة نائب خانقی، در مرکز عربانه تشریف داشتند^۱ ما را دعوت به منزل خودشان نمودند، چون هوا سرد و خسته بودیم، اجابت نموده، به منزل ایشان رفتیم. از قراری که مذکور هستند به ایشان امر شده بود که فردا در سرحد رفته و جناب مستطاب حجت الاسلام آقای ملا قربانعلی زنجانی را از مأمورین سرحد تسلیم گرفته و به بغداد بفرستند.^۲ بعد از استماع این خبر، تلگراف ذیل را فوراً در دو نسخه به نجف مخابره نمودم:

نجف:

حضرت آیت الله آقای خراسانی - مدظله -

حضرت آیت الله مازندرانی - مدظله -

جناب مستطاب حجت الاسلام آخوند ملا قربانعلی زنجانی را فردا وارد می کنند.

۱. قنسول در خانقین.

۲. ملا قربانعلی مستبد، از ایران به بغداد تبعید شد.

فردا توقف می‌کنم، نسبت به ایشان امری فرمایشی باشد بفرمایید.

محمد بن‌الشیخ^۱

شب هوا متغیر بود، بعد از صرف طعام شام خوابیدیم.

روز پنجشنبه (۲۳ ذی‌الحجه): صبح وقت نماز هوا بسیار صاف بود، مطمئن شدیم که قافله به راحتی می‌آید، بعد از یک ساعت باز طوفان و باران شروع شد. الحق در این دو روزه باران خوبی بارید و چند سال بود که اهالی عراق همچو بارانی ندیده بودند و اجناس بسیار گران شده بود، با عربانه خداحافظی نمودیم، فرستادیم دو مال اجاره نمودند، از خانقی الی قصر به مبلغ بیست [و] دو قران، ولی بیعانه ندادیم.

قرار شد که در حضور جناب ثقة‌الوزارة، بعد از مراجعت از استقبال جناب حجت‌الاسلام ملاقربانعلی بیعانه بدهیم که مطمئن باشیم. جناب مستطاب مجید بیگ از بزرگان خانقی است و با ما کمال محبت را دارد، مطلع شد. قرار شد که دو رأس اسب از خودش بفرستد که ما را به قصر برساند، بسیار ممنون شدیم، بین ساعت هشت - نه قافله ما وارد شدند.

در این ضمن جناب آخوند هم وارد شدند، فوراً فرستاده خبر دادم و به دیدنش مشرف شدم، خیلی محبت فرمود و به جهت مرحوم شیخ والد ماجد طلب رحمت نمود.^۲ بسیار پیرمرد روشندل روشن‌ضمیری است، متجاوز از هشتاد سال عمر او - به اعتقاد من - باید باشد. و بسیار از مشروطه و اهل آن مکتر بود و کلمات نامناسب در حق آنها ادا می‌فرمود، به لطایف الحیل فی الجملة معنای مشروطه را نموده که اگر فعلاً آثار بدی ظاهر شد، تقصیر مشروطه نیست. بعد از صحبت زیاد، صورت ما را بوسیده و ادعیه خیریه نموده، از خدمتش مرخص شدم و به منزل آمدم و مشغول نوشتن کاغذجات شدیم، مسافت راه از قزلباط الی خانقی تقریباً پنج فرسخ است.

روز جمعه (۲۴ شهر ذی‌الحجه): قبل‌الفجر جناب مجید بیگ یک رأس اسب و یک رأس قاطر فرستادند، با آدم مخصوصی که ما را به قصر برساند و اسبش اسب عربی سرخ

۱. امضای نگارنده.

۲. پدر نگارنده، مرحوم بوده است.

رنگ بسیار خوبی بود. ساعت یک و نیم از دسته گذشته از خانقی سوار شده، حرکت نمودیم. قدری با قافله راه آمده، بعد یرتمه^۱ رانده، در سر یک فرسخ و نیم قوللر^۲ عسکر عثمانی که در سرحد ساخته‌اند. ساعت دو و نیم رسیدیم، داخل سرحد ایران شدیم و خواندیم: «اللهم انزلنی منزلاً مبارکاً و أنت خیر المنزلین». از سرحد تا به قلعه سبزی ربع ساعت آمدیم، ساعت چهار و نیم وارد قصر شدیم. و بحمدالله مال از کثرت خوبی، تعب نداشت. به بلد نرسیده، به گمرکخانه‌ای که خارج بلد ساخته‌اند رسیدم و از احوال ناصرالوزاره، پسر ناصرخان و ثوق‌الوزاره، ترجمان قنصلخانه بغداد جويا شدم. گفتند که امروز جمعه است و در گمرکخانه نمی‌آید، وارد بلد شده و از خانه او جويا شدم، یکسر به در خانه او رفتم، او را طلبیدم و سفارش نمودم که در گمرکخانه برود و سفارش کنند که اسباب ما را در گمرکخانه باز نکنند و خودم بر سر بلندی آمده، پیاده شده، نشستم.

و ناصرالوزاره از آمدن ما خبر نداشت، ولی جناب حسین خان سالار منصور کورانی مطلع بود و در قلعه‌اش، متصل سوار می‌آمد و جمع می‌شد، از شخصی سبب اجتماعشان جويا شدم. گفت: مجتهدی امروز از خانقی می‌آید و اینها می‌خواهند به استقبالش بروند.

ناصرالوزاره از گمرک مراجعت نمود، گفت که: این هیأت مجتمعه که می‌بینید به جهت استقبال شما می‌روند. گفتم که: آنها را به حال خودشان بگذار و همراه برویم، فکر منزلی کنیم که اطاق تحتانی داشته باشد و جای سلطان مکاری خودمان هم باشد. چون جای باصفایی بود، خودم در آنجا مکث نموده و او را فرستادیم که ترتیب منزلی بکند. رفتند و شخصی را فرستادند محمود نام که منزلی را از برای شما، جناب سالار منصور خالی نموده و توصیه کرده، خودش هم با جمعیت فعلاً می‌خواهد سوار بشود، خوب است به همان منزل تشریف بیاورید و جناب سالار را هم از ورود شما خبر کنیم. در این ضمن آقای آقا شیخ اباذر رسیدند و فرمودند که: سلطان مکاری گفته که در کاروانسرای علی‌مردان خان منزل نمایید، به آن شخص گفتیم که در کاروانسرای علی‌مردان خان منزل می‌کنیم و شما به جناب سالار اطلاع بدهید که به استقبال نروند.

۱. یرتمه: چهار نعل رفتن اسب را گویند.

۲. اسم ترکی، قسمی از سه قسم سپاه جدید که شاه عباس به وجود آورد.

و به سمت آن کاروانسرا حرکت نمودیم، در اثنا راه جمعی ما را شناخته و همراه ما آمدند، از آن جمله جناب آقای حسین خان، پسر عمه مشهدی عسکرخان باغبان‌باشی قصر و دیگر آقا سلیمان، وکیل التجار قصر و میرزا باقرخان.

از آقای شیخ ابادر، به جهت نهار نان و تخم مرغ طلبیدم. آقا حسین گفتند که: نان و کباب حاضر می‌کنم، گفتم که: اگر زود حاضر می‌شود [مهیا] نمایید. در این ضمن دو سوار آمده، متعجبانه سؤال می‌نمودند که: فلان کس وارد شد؟ آقا میرزا باقرخان هرچه به آنها می‌گفت که بلی، باور نمی‌کردند. مشغول خوردن نان و کباب بودیم که جناب مستطاب آقای آقا شیخ علی یزدی که چندی است به جهت هدایت مردم در قصر مقیم می‌باشند، به دیدنی تشریف آوردند. چون از دوستان خانواده ما بودند، به اصرار زیاد ما را به خانه خودش که جای باصفایی بود برد.

سالار و جمیع مستقبلین هم در آنجا به دیدنی آمدند و از بی‌خبر وارد شدن اظهار رنجش می‌نمودند. گفتم که: رسم من این است که بی‌خبر در بلدان وارد می‌شوم و خوش ندارم که اسباب زحمت مستقبلین شوم.^۱ و واقعاً نیز همین است که شخص باید وقت خروج، مردم به او راغب و خوش و از مفارقتش دلگیر، نه آنکه در وقت ورود استقبالش کنند و در وقت خروج طالب اخراجش باشند.

تهیه غذایی دیده بودند، چون صرف شده بود معذرت خواستم، تشریف بردند و مقداری قند و روغن و برنج و گوشت فرستادند. گفتم که: تسلیم خانه جناب آقا شیخ علی بنمایند، چون مهمان ایشان بودیم، ساعت یازده باز هم تشریف آوردند. بعد از ورود ایشان جناب رشید نظام تبریزی که مأمور آوردن جناب آخوند ملا قربانعلی بودند، به دیدنی تشریف آوردند. قدری از احوال جناب آخوند ذکر فرمودند، چون غالبش مکدر خواطر است ذکر ننمودم، از لیاقت و قابلیت و حسن سلوک ایشان و مجاهدین نسبت به جناب آخوند تشکر و اظهار امتنان نمودم، تشریف بردند و فرمودند که: ان شاء الله فردا با شما سوار می‌شویم.

پس از آن مجلس را خلوت نموده، به جناب سالار منصور سفارشات اکیده، درباره جناب آقای آقا شیخ علی نمودم. الحق جناب سالار منصور آدم بسیار خوبی

است و می‌گویند که: علی‌اللهی است و بسیار سخی طبع و درویش دوست می‌باشد، قول دادند که با جناب شیخ همراهی نمایند و در باب حمام به رضایت جناب شیخ عمل نمایند.

چون فهمیدند که مال سواری نداریم و مالهای مجید بیگ را مسترد می‌نماییم، مقرر فرمودند که دو مال سواری با دو سوار، تا کنند همراه ما بیایند و به باقرخان شجاع الرعایا که رئیس قره‌سوران آن حد بوده است، سفارش فرمودند و تشریف بردند. جمعی تعریف باقرخان را از حسن سلوک و خدمات او نسبت به زوار نمودند، لذا ورقه‌ تعریفیه نوشته، به او دادیم که موجب شوق و مزید خدمت او بشود.

بعد از صرف شام، اهل بیت را در کاروانسرای که منزل نموده بودیم فرستادم و خودم در آنجا خوابیدم، شبانه یک عدد کدو پر از انجیر، جناب سالار فرستادند. و مسافت خانقین تا قصر پنج فرسخ است و زمین قصر هم بسیار ملک قابلی است که اگر توجه نمایند، بسیار معمور و باغات او زیاد خواهد شد و بهترین از خانقی است.

روز شنبه (۲۵ شهر ذی‌الحجه): صبح قافله از کاروانسرا روانه شدند و مالهای ما را دیر آوردند، آدم فرستادیم. معلوم شد که جناب سالار می‌خواهند خودشان سوار شوند و از ما مشایعت نمایند، فوراً فرستادم که ابدأ زحمت نکنند که راضی نیستم و مالها را معجلأً بیاورند، چون مالها را آوردند، جناب آقای آقا شیخ علی با جمعی هم خیال مشایعت داشتند، همه را منع نموده و سوار شدم. با وجود این جمعی سوار که حاضر بودند، همراه ما حرکت نمودند. بیرون قصر که آمدم، همه را مراجعت داده و جناب شجاع الرعایا، رئیس آنها را هم اظهار محبت به او نموده، مراجعت نمودم و پرتمه حرکت نمودیم.

و آن دو نفر سوار که مقرر شده بود با ما بیایند؛ یکی را پیش فرستادیم که در پل ذهاب تهیه منزل کند و دیگری را همراه نگاه داشتیم و آمدیم تا به قافله رسیدیم، در بین راه تنگ مال پاره شد و خدا به ما رحم نمود که نیفتادیم. قدری توقف نموده، [تنگ مال را] درست کردیم. در راه دوغ و کره بسیار خوبی بود، در این فصل زمستان نوبر بود.

نزدیک به پل ذهاب که رسیدیم، جمشید پسر نایب الحکومه، با جمعی سوار استقبال نموده، معلوم شد که خود نایب الحکومه در قصر بوده، به آنها اطلاع داده، به منزل

رسیده، در خانه‌ای که معین شده بود منزل نمودیم و مالها را در کاروانسرای شاه عباس بردند. جناب حاج علی خان سرهنگ مبصر الممالک رئیس تلگرافخانه سابق قصر در آنجا بود و معزول بود، دیدن نمودند. به او اطمینان دادم که امور او را در طهران - اگر خدا بخواهد - اصلاح بکنم. جناب میرزا علی خان سرحددار تشریف آوردند.

قدری بر کنار آب رودخانه رفتیم، الحق بسیار جای باصفایی بود، دست و پا را شسته و وضو گرفتیم. چند روز است با اینکه اواسط چله می‌باشد، بحمدالله هوای بسیار خوشی است، مثل هوای بهار. ما را بسیار از سردی هوا می‌ترسانیدند، ولی الحمدلله تا به حال که سختی ندیدیم.

و جمعیت پل ذهاب تقریباً هزار نفر می‌شود و ملک قابل بسیار خوب و حاصلخیز، با آبی که دارد اگر به قاعده توجه نموده و کشت و زرع نمایند، انتفاع کلی عائد دولت و ملت خواهد شد.^۱ از آنجا و از قصر تا پل ذهاب، تقریباً پنج فرسخ است.

اول مغرب که رفتیم به جهت تفقد مالها که جو می‌دادند، معلوم شد که مالهایی که به ما دادند، مال شجاع الرعایا می‌باشند نه سالار منصور.

روز یکشنبه (۲۶ شهر ذی‌الحجه): اول فجر قافله حرکت نمود، خودمان نیم ساعت بعد از آفتاب حرکت نمودیم، راه امروز بسیار سنگلاخ بود، نتوانستیم یرتمه برویم. اهل بیت در پای طاق از کجاوه و محمل پیاده شدند، ولی خودمان پیاده نشدیم و با مال بالا رفتیم. و خودمان ساعت هفت و قافله هفت و نیم وارد سرخ‌دیزه شدیم، بحمدالله امروز با اینکه راه سخت بود به ما خوش گذشت، بعد از ورود ما باران و برف و تگرگ هر سه بارید و تگرگ در این ایام نوبر بود. مسافت از پل ذهاب تا سرخ‌دیزه را چهار فرسخ می‌گویند و در اینجا باید تقریباً چهل الی پنجاه خانوار داشته باشد. در اثناء راه شخصی چهار عدد کبوتر صید نموده بود، به ما هدیه نمود، انعامی به او دادیم.

جمعیت سرخ‌دیزه تقریباً باید چهارصد نفر باشد. راه امروز هر چند سخت بود، ولی بسیار باصفا بود، خصوصاً در فصل بهار. درخانه شاه‌مراد نام منزل کردیم که واقع در منبع چشمه آب است. سرخ‌دیزه محلی بین دو کوه است که از طرف مشرق و مغرب دو

کوه به او احاطه نموده و آفتاب در آنجا دیر طلوع و زود غروب می‌کند، از جهت حجاب دو کوه و سایه ممتدی دارد. هیزم و زغال در آنجا ارزان و سایر اجناس گران و در جنگلش درخت بلوط و سقز و سایر اشجار و فواکه دارد و شکار باید در اینجا زیاد باشد. و در اینجا مترقب سردی فوق العاده بودیم، ولی هوا چندان سرد نبود، درجه حرارت نگاه کردیم، بین چهل - پنجاه بود.

روز دوشنبه (۲۷ شهر ذی الحجه): دیشب از اول مغرب، برف شروع به باریدن نمود. صبح بین الطلوعین با اینکه برف می‌بارید، قافله حرکت نمود و خودمان سه ساعت و نیم از دسته که یک ساعت و نیم از طلوع آفتاب باشد حرکت نمودیم، چونکه برف همان وقت ایستاد. و بعد از حرکت تا ساعت چهار و نیم برف نمی‌آمد و هوا بسیار خوب بود و راه هم بسیار سخت، تمامش سنگلاخ و گل و آب و برف بود. از ساعت چهار و نیم برف باریدن گرفت، تا قهوه‌خانه‌ای که سر سه فرسخی است برف می‌آمد. در آنجا پیاده شدیم، جناب رشید نظام هم در آنجا تشریف داشتند.

یک فنجان چای صرف نموده که هوا بوران شد، رفقا تعجیل در حرکت داشتند و مصلحت را چنین می‌دانستند، حسب المصلحة حرکت نمودیم، راه هم بسیار گل و آب بود و برف و باد و بوران و تگرگهای ریزه بی‌اندازه، ساعت هفت و نیم وارد کردند شدیم، قافله نیم ساعت قبل تقریباً وارد شده بود. جناب رشید نظام در تلگرافخانه تشریف بردند و مرا طلبیدند که چون بخاری مشتعل است، در اینجا تشریف بیاورید که گرم بشوید. حسب الخواش ایشان اجابت نموده، رفتم.

معلوم شد که رئیس تلگرافخانه کرمانشاه از احوال ما استفسار نموده بود و جناب مستطاب رشید نظام هم ورود مرا به سرحد ایران اطلاع داده بود، چون من می‌خواستم که بی‌خبر وارد کرمانشاه بشوم، لذا تلگراف زده بودم. حال که دیدم در مجلس رندان خبری نیست که نیست، به طهران به اخوی خودم،^۱ آقای حاج شیخ عبدالله تلگرافی زدم و از ورود خود اطلاع دادم که خطوط مرا به کرمانشاه بفرستند. سرهنگ تلگرافخانه اسمش میرزا نظر علی خان است، آدم بسیار خوب مشروطه‌خواهی است، ورود ما را فوراً به جناب مستطاب آقای علی مرادخان

۱. برادر نگارنده، شیخ عبدالله.

احتشام‌الممالک اطلاع دادند، با وجودی که برف و باران به شدت هر چه تمامتر می‌آمد، پسرش جناب آقای سهام السلطان را به دیدنی فرستادند. دربارهٔ اسب و سوار با او گفتگو نمودم، قرار شد که صبح بفرستند.

برف و بوران تا حال که ساعت سه از شب است و مشغول نوشتن روزنامه هستیم، منقطع نشده و اگر تا صبح این طور باشد، مشکل [است] فردا را بتوانیم حرکت کنیم، تا خدا چه خواهد.

اهل بیت در اینجا مقداری اسباب از قندشکن و انبار و قفل اینجا که ممتاز است خریداری نموده، و اهل اینجا در این صنعت و حرفه بی‌بدلند. مقداری شیرۀ انگور در اینجا طلبیدم، از قرار مذکور خیلی گران بود، من تبریز به شش قران سفید [خریدم]. و سبب گرانی او را و سایر اجناس را گفتند، الحضار دکان بقالی اوست به یک نفر. و این گونه مطالب در اینجا بسیار است، امید که به زودی رفع این ظلمها بشود.

سه‌شنبه (۲۸ شهر ذی‌الحجه): دیشب از نصف شب هوا صاف و ستاره‌ها درخشیدن گرفت، ولی هوا بسیار سرد بود. یک ساعت به صبح مانده بیرون آمده، تجدید وضویی نمودم، برفها یخ زده بود، رفقا از شدت سرما افتاده و از ما غافل شده و به ما چای ندادند، من هم پوستین را به خود پیچیده راه می‌رفتم. بین الطلوعین قافله بار نموده، حرکت نمود، ولی ما ماندیم منتظر اینکه جناب علی‌مرادخان مال و سوار بفرستند، تا ساعت سه خبر نرسید. آقای رشید نظام فرستادند که حرکت بکنیم؟ جواب دادم که هنوز اسبها نرسیده و خود در منزل ایشان که در تلگرافخانه بود رفتم، غلام تلگرافخانه را فرستادم که خبر بگیرد که چه شد؟ معلوم شد که حضرات خیال دارند که دو رأس اسب اجاره نموده، بفرستند. بنا را بر این گذاشتم که همین دو اسب شجاع‌الرعا یا را تا هارون آباد ببرم.

در این ضمن خبر رسید که اسبهای زینی خوب، به جهت شما می‌آورند. می‌خواستم که تلگرافی به قصر اطلاع بدهیم و از شجاع‌الرعا اجازه بگیریم که مالها را ببریم، این خبر که رسید منصرف شدیم، بعد از نیم ساعت گفتند که مالها را آوردند.

در این ضمن از کرمانشاه، جناب میرزا حاجی آقا تلگرافی از ما احوال‌پرسی نمودند. و همان وقت هم از پل ذهاب جناب میرزا واقف‌خان، سرهنگ تلگرافخانه آنجا، تلگرافی

از حال ما استفسار و اظهار تأسف نمودند که نتوانستم در سرپل ذهاب خدمت شما برسم، ما هم اظهار تشکر خود را نموده و مهیای حرکت شدیم. آمدیم سراغ اسبها، معلوم شد که زین ندارند و هر دو پالان دارند. خواستم که رد کنم، یکی از آن دو نفر سوار که مأمور بودند همراه ما بیایند، اسب خود را که زین بود به ما داد.

و ساعت چهار ونیم از دسته حرکت نمودیم، الحق جناب رشید نظام هم کمال محبت را نموده، با ما موافقت نمودند. در حرکت قدری که راه آمدیم، چون مالش خوش راه نبود، با جناب میرزا اسدالله خان مجاهد در قهوه‌خانه اول عوض کردیم، نیم فرسخ که رفتیم باز با قره‌سورانی که همراه ما بود و مادیان عربی خوبی داشت عوض نمودیم، الحق مادیان خوبی بود، هم یرتمه خوب می‌رفت و هم قدم خوبی داشت. راه بسیار سخت، تمامش برف و یخ و گل بود.

در قهوه‌خانه دو فرسخی، خدا به ما رحم نمود، گودال آبی بود و رویش یخ بسته بود و اطرافش خانه‌ها بود و مردم هم ایستاده بودند. اسب رو به گودال رفت، چون چاله معلوم بود که یک مرتبه یخ شکسته و تا زانوی او را آب گرفت. ملتفت شدم که پیش رویش گودال عمیقی است، خواستم که او را برگردانم، خدا رحم نمود، نزدیک بود که بیفتم، به هر تدبیر بود اسب را برگردانیده و شکر خدا را نمودیم.

دو فرسخ به هارون آباد مانده بود که به قافله رسیدم، معلوم شد که کجاوه دو مرتبه افتاده، واقعاً راه بسیار بدی بود، ساعت نه و نیم وارد هارون آباد شدیم، یکسر در دم پل آمدیم، مقابل نهر آب که سابقاً منزل نموده بودم منزل کردیم و قافله ساعت یازده وارد شد. هوا بسیار سرد شده بود و کمی برف هم می‌بارید، نیم ساعت بعد از مغرب هوا بسیار صاف، ولی باد شدیدی وزیدن گرفت و بر برودت هوا افزود. امشب دو شب است که کرسی می‌گذاریم، دیشب در کردند و امشب در اینجا.

روز چهارشنبه (۲۹ شهر ذی‌الحجه سنه هزار و سیصد و بیست و هفت): قافله قبل از آفتاب بار نموده، حرکت کرد. جناب رشید نظام در خانه کدخدای هارون آباد بودند، رفتیم در آنجا و از آنجا دو مال اجاره نمودیم تا کرمانشاه؛ یکی با زین و یکی با پالان بود. اسب زینی قدم نداشت، ولی بد نبود.

ساعت چهار به اتفاق جناب رشید نظام حرکت نمودیم، مقدار نیم فرسخی با ایشان مرافقت نمودم، بعد از ایشان جلو افتادم. از گردنه‌ای که معروف به گردنه

نعل شکن است عبور نموده، آمدم در حسن‌آباد و قافله هنوز نرسیده بود و در گردنه بود، صبر کردم تا قافله رسید. بعد از گذشتن قافله از حسن‌آباد من هم سوار شده، روانه شدم. و هوا رو به سردی گذاشت و متصل بر برودت او زیاد می‌شد، عبا و پوستین من پیش جناب آقای شیخ اباذر صدیق الشریعه بود و باد شدیدی وزیدن گرفت. اسب [را] حرکت دادم که شاید از حرکت اسب گرم بشوم، باد کم‌کم برفروبه شد و خاکه برف را مثل خاک بر سر و صورت می‌ریخت، به طوری که اسب را برمی‌گردانید و هوا تیره و تاریک می‌شد که چشمه خورشید دیده نمی‌شد، به وسط گردنه که رسیدیم، قریب دویست قاطر معطل بود و به زور مکاریها آنها را حرکت می‌دادند و می‌رانند و هر چند دست و پا را در برف حرکت می‌دادند، باد خاکه برف را بلند می‌نمود و بر سر و صورت می‌ریخت.

با کمال زحمت از آنجا گذشتم، ولی در فکر بودم که قافله و کجاوه چگونه از آنجا عبور خواهند نمود؟ به قهوه‌خانه پایین گردنه که رسیدم، از آنجا کسی را جلو قافله فرستادم که به سلطان مکاری بگوید که: اگر آمدن آنها سخت است، برگردند و در حسن‌آباد بمانند. خودم با کمال مشقت راندم، تا ساعت نه و نیم وارد مایه‌دشت شدیم. در خانه مشهدی صادق کرسی داشتند، یکسر در زیر کرسی رفتم، ولی تمام اعضا درد می‌کرد و توجه و فکرم همه به کجاوه بود که چطور خواهد شد؟ در این ضمن خوابم برد، در عالم رؤیا دیدم که کسی می‌گفت که هی به تشویش نباشید که قافله و کجاوه به سلامتی وارد خواهد شد. از خواب بیدار شدم، دیدم ساعت یازده بود. شخصی را بر سر بام فرستادم که ببیند اثری از قافله و کجاوه پیدا هست یا نه؟ رفت و برگشت و گفت: کجاوه بر قاطر سفیدی بار و از سر یک فرسخی پیدا است. باور نکردم، چون کجاوه ما را بر قاطر سفید بار نمی‌کردند. وضو گرفته و نماز کردم و خودم بر سر بام رفتم، قریب به دوازده بود، قافله نمودار شد.

و معلوم شد که کجاوه را بر قاطر سفید بسته‌اند و کجاوه و یک محمل و یک بار، از سر گردنه تا اینجا، بدون مکاری راه را قطع نموده و الحمدلله به سلامتی وارد شد. فوراً آنها را پیاده نموده و آتش به جهت آنها روشن نمودم، کم‌کم بعضی از رفقا و اجزای همراه قافله رسیدند و بعضی دیگر در قهوه‌خانه‌ای که در پای گردنه واقع است ماندند و نتوانستند بیایند، آن شب به وضع غریبی گذرانیدیم.

روز پنجشنبه (غرة شهر محرم الحرام سنه یکهزار و سیصد و بیست و هشت): صبح قافله ساعت سه حرکت کرد و خودم با جناب رشید نظام ساعت چهار حرکت نمودم، قدری که راه رفتیم، سواری آمد و تعظیم نمود و گفت: امر شده به من از جناب آقای نظام السلطنه، حکمران کرمانشاه که در مایه دشت خدمت شما مشرف شوم و از شما مهمان داری نمایم.^۱ چون با جناب نظام السلطنه راه و رسمی نداشتم، خیال نمودم که اشتباه کرده مرا به رشید نظام و او را خدمت جناب رشید نظام فرستادم.

در قهوه خانه یک فرسخی به اصرار زیاد پیاده شدیم و صرف چای نموده، آقا سید حسین موسوی و آقای سید محمود مایه دشتی به قصد دیدنی ما از مایه دشت سوار شده، در قهوه خانه وارد شدند. وقت سوار شدن، سوارها جمیعاً «زنده باد مشروطه» و غیره گفتند.^۲ راندم تا به قافله رسیدیم، جناب رشید نظام جلو افتادند و خودم قدری با قافله همراهی نمودم.

در این ضمن ملازمان جناب آقا سید کاظم، خلف آقای سید حسن، آقا سید عبدالباقی رسیدند و قاطری به جهت ما آوردند، سوار بر قاطر شده راندم تا به قهوه خانه رسیدیم.

جناب رشید نظام و ملازمین او و جمعی از مجاهدین که به استقبال آمده بودند، در آنجا منتظر ما بودند. بعد از مصافحه، اصرار نموده پیاده شدیم و لقمه نانی صرف شد. و قافله گذشت، بعد از ربع ساعت سوار شده، قدری که رفتیم شاهزاده اسعد الدوله با درشکه جناب شاهزاده محتشم الدوله و یدک با جمعیتی استقبال نمودند. اصرار نمودند که بر درشکه سوار شوم، قبول نکردم. با همان قاطر روانه شدیم و یکی از مجاهدین صدای «زنده باد» را بلند و سایرین با او موافقت نمودند. قدری که رفتیم کاریسکه جناب آقای نظام السلطنه حکمران با یدک و جمعیت، استقبال کرده و با اصرار آنها که سوار کاریسکه بشوم، سوار نشدم.

و قدری دیگر که راه پیمودیم، جمعی از طرف جناب آقای فریدالملک کارگزار و اخوی ایشان سرتیپ و آقازاده ایشان با یدک استقبال نمودند. قدری دیگر که رفتیم، جناب آقای آقاسید علی آقا و جناب آقا حسن آقا، ترجمان بغداد استقبال نمودند و تاسر

۱. حکمران کرمانشاه، از او پذیرایی می کند.

۲. زنده باد مشروطه.

قبر آقا که رسیدیم، جمعیت از زن و مرد زیاد شد. و من خودم به ملاحظاتی ورود خودم به اهل شهر اطلاع نداده بودم و رسم خودم همین است، متحیر بودم که اینها از کجا اطلاع داشتند.

معلوم شد که حضرت مستطاب اشرف آقای عضدالملک نائب السلطنه - دام اقباله - به جناب شاهزاده محتشم‌الدوله، نائب‌الایاله کرمانشاه تلگراف مخصوصی زده بودند و قبل از ورود ما به یک ساعت، یک نفر از قره‌سور آنها به آنها اطلاع داده بود، خیلی اظهار تأسف می‌نمودند که چرا خودم اطلاع نداده بودم، ساعت نه تقریباً وارد شهر شدیم و در خانه مشهدی علی نام که به جهت ما اجاره نموده بودند، وارد شدیم.

بعضی از آقایان و رؤسا خواستند که ما را مهمانی کنند، چون رسم ما نبود که بر کسی مهمان شویم، قبول نکردیم. جناب آقای امام جمعه و آقای آقا رحیم و شاهزاده سعدالدوله و جماعتی تا شام به دیدنی آمدند، منزل هم بسیار خوب بود و جناب نائب‌الصدر هم از جانب حکومت آمدند و اظهار محبت نمودند. و جناب معین‌الرعا یا نیز ساعت ورود حاضر بودند و از اینکه ورود خود را به ایشان اطلاع نداده بودم، تأسف می‌خوردند. نزدیک غروب رفقا و اجزایی که عقب مانده بودند و از قهوه‌خانه صبحی سوار شده بودند، به سلامتی وارد شدند.

روز جمعه (۲ شهر محرم الحرام): صبحی هیأت علما، مثل جناب آقای حاج آقا آخوند اصفهانی و آقای آقا شیخ محمدحسین و آقای آقا شیخ هادی و آقا محمدصالح، خلف حاج آقا و آقای ظهیرالعلماء، اخوی آقا شیخ هادی، خلفان آقا شیخ عبدالرحیم و آقای آقا معصوم و آقا شیخ عبدالحسین و آقا سید حسن اجاق‌زاده و جمعی دیگر دیدنی نمودند.

و از غیر علما جناب شاهزاده محتشم‌الدوله، نائب‌الایاله و جناب اسعدالدوله با اجزاء عدلیه و جناب حاج حسن خان کلانتر و جناب فریدالملک کارگزار و جناب عبدالله‌خان بیگلربیگی - که سابقاً کلانتر بودند و با ما دوست بود - و جناب جلیل‌الدوله و جناب معین‌الرعا یا و جناب سرتیپ، برادر فرید الملک و جناب لقمان السلطان و جناب میرزا حاج آقا، سرهنگ تلگرافخانه و آقای یمن‌المالک و جناب آقا سید حسن، آقا سید عبدالنافی و صراف‌باشی و جمعی دیگر از تجار و غیره به دیدنی آمدند، با آنها در خصوص مشروطه و استبداد نطقهای مفصلی نمودم و گفتم که: دولت ایران امروز

محتاج است که اقلّاً شصت هزار عسکر منظم داشته باشد که بتواند ذمه‌دار امنیت ایران بشود و یک عدلیه منظمی که ذمه‌دار امنیت مالی و جانی رعیت و اهالی ایران باشد و تا این قوه را درست نکنند، کارها غیر منظم است و این دو صورت نمی‌گیرد، الاّ به پول. و از این‌گونه سخنان بسیار گفته شد.

در باب تعدّیات قره‌سوران راهها هم، به حکومت جلیله پیغامات دادم، ان شاء الله رفع تعدّیات آنها را خواهند نمود.

هیأت علما و اعیان اصرار نمودند که تا بعد از عاشورا را توقف نماییم. امروز به حضور حضرت مستطاب اشرف آقای نایب‌السلطنه و حضرت اشرف، آقای سپهدار - دام اقبالهما - ورود خود را به کرمانشاه، تلگرافی اطلاع دادم.

روز شنبه (۳ شهر محرم الحرام): امروز جمعی از آقایان، مثل آقای آقا محمد مهدی رئیس انجمن و آقای آقا محمود، برادرش و آقای شمس‌الدین، برادر آقای آقا رحیم و شاهزاده محتشم‌الدوله و جناب صمصام‌الممالک با خوانین سنجابی و جناب مختار السلطنه، رئیس قشون و جمعی دیگر دیدنی نمودند. امروز تلگراف حضرت اشرف آقای نایب‌السلطنه که در بیستم ذی‌حجه مخابره و از ما احوال‌پرسی فرموده بودند از تلگرافخانه آوردند، با وجودی که اهالی تلگرافخانه روز ورود دیدنی نموده بودند، تعجب است که چرا تلگراف را معطل نمودند.

امشب را جمعی از مجاهدین و تجار قفقازی^۱ آمدند که ما را ببرند در مسجد خودشان که روضه‌خوانی می‌کنند. جناب آقای معین‌الرعا یا هم شب [ما] را به منزل خودشان دعوت نموده بودند و گماشته ایشان منتظر بود که ما را ببرد.

آخر الامر حضرات مجاهدین غالب شدند و ساعت یک از شب ما را در مسجد بردند و جناب رشید نظام هم تشریف داشتند. الحق مجلس روضه‌خوانی بسیار خوب بی‌ریایی بود، تا ساعت سه ونیم نشسته بودیم، پس از ختم مجلس برخاسته با جناب رشید نظام خداحافظی نموده، به منزل آمدیم.

روز یکشنبه (۴ شهر محرم الحرام): امروز را جمعی دیدنی نمودند و چون روز ورود پسته عربستان بود، منتظر خطوط بودیم، نرسید. ساعت ده ونیم، از دسته جناب آقای نظام‌السلطنه حکمران، به دیدنی تشریف آوردند. شرحی از طرق و شوارع و قره‌سوران

۱. مجاهدین و تجار قفقازی در کرمانشاه.

و انتظامات و وضع انجمن ایالتی و مشروطه و استبداد، با جناب ایشان مذاکره نمودم و غروب تشریف بردند، پس از آن جناب رشید نظام تشریف آوردند و ما را بردند در تکیه جناب معین‌الرعا، اولاً در حمامی که در همان تکیه می‌باشد رفتیم، بعد از ساعتی بیرون آمده، در ایوان بالا رفته، نشستیم. مشغول روضه‌خوانی شدند، سیدی را هم به منبر فرستادم، اشعار خوبی در مدح مشروطه خواند، پس از ختم مجلس و بعد از صرف شام، تا صبح همانجا خوابیدیم.

روز دوشنبه (۵ شهر محرم الحرام): صبحی از آنجا، بازدید جناب آقا شیخ محمدحسین رفتیم و در مسأله جواز لبس عمامه حریر در حال صلاة و غیر صلاة قدری صحبت داشتیم.

روز سه‌شنبه (۶ محرم): چون روز حرکت پست بود، خطوطی به کربلا و نجف نوشتم و امروز تلگرافی از حضرت اشرف آقای عضدالملک نائب السلطنه - دام اقباله - رسید که احوال‌پرسی و اظهار محبت فرموده بودند و جمعی از دوستان هم دیدنی نمودند.

روز چهارشنبه (۷ شهر محرم الحرام): به منزل جناب رشید نظام رفتیم و مجاهدین هم در آنجا جمع شدند، صحبت کردیم. گفتم: خوب است که مجاهدین در صدد تحصیل شرافت باشند، نه اینکه کلّ بر دولت و ملت بشوند. و هر کس که شریف است در زمره خودشان داخل نموده و قانونی به جهت خود بنویسند. و غرضشان حفظ وطن از اجانب باشد. و به همین جهت قانون عسکریه را تعلیم بگیرند.

بلی، از جانب دولت خوب است، برای شما رئیس معین شود که قانون عسکریه را به شما تعلیم نماید.

و شب را در مسجد ترکها رفتیم، مجلس روضه خوبی بود، به دیوار آن قالیچه‌های خوب بسته بودند، تا ساعت سه و نیم از شب بودیم، پس از آن به منزل مراجعت نمودیم. و امروز خطوط به ایران نوشتیم.

پنجشنبه (هشتم [محرم الحرام]): امروز تلگرافی از حضرت اشرف آقای سپهدار اعظم - دام اقباله - رسید که احوال‌پرسی و اظهار محبت فرموده بودند و عصری بازدید جناب حاجی آخوند اصفهانی رفتیم.

روز جمعه (نهم [محرم الحرام]): امروز چون روز تاسوعا بود، از خانه بیرون

رفتیم. روز شنبه دهم را هم در خانه بودیم، این دو روز به خواندن کتب مصیبت مشغول بودیم.

روز شنبه (دهم [محرم الحرام]): صبحی منزل جناب آقا رحیم رفتیم و از مشروطه صحبت بسیار شد و عصری هم به منزل جناب آقای آقا محمد مهدی رفتیم و بعد از آنجا به منزل جناب یمین الممالک - دام اقباله - رفتیم و در هر دو مجلس صحبت بسیار از مشروطه نمودیم.

روز یکشنبه (یازدهم شهر محرم الحرام): امروز جناب اجل آقای نظام السلطنه حکمران - دام اقباله - جناب میرزا حسین خان، معاون خودشان را فرستاده از ما احوال پرسی نمودند. و امروز خطوط از عراق، از نجف و کربلا داشتم و همه صحیح و سالم بودند، بسیار مسرور شدم. معلوم شد که حضرات آیات الله - مدظلّهما - هر دو تعلیقه به جهت ما مرقوم فرمودند و به جناب یمین الممالک - دام اقباله - مرحمت نموده‌اند که ایشان بفرستند، ولی هنوز نرسیده [است].

روز دوشنبه (دوازدهم شهر محرم الحرام): امروز جناب صمصام الممالک شیرخان سنجابی تشریف آوردند و کاغذی هم از کربلا، از اخوی آقای شیخ العراقین^۱ آوردند. معلوم شد که این کاغذ در هفته سابق آمده و در نزد یکی از تجار معطل شده بود. و امروز جناب فریدالملک کارگزار تشریف آوردند و خواستند که ما را به جهت روز سیزدهم دعوت بنمایند، گفتم که در منزل جناب شاهزاده اسعدالدوله، نجل آقای محتشم‌الدوله موعود هستیم، کاغذی به او نوشتند و دعوت او را واپس خواندند. و امروز شاهزاده محتشم‌الدوله، برادر خود سالار نظام را به دیدنی آوردند، بسیار آدم مشروطه‌خواه با لیاقتی بود.

روز سه‌شنبه (سیزدهم محرم): امروز صبحی جناب نائب‌الصدر آمدند و ما را به بازدید جناب آقا امیر و آقا محمد صالح و آقا شمس‌الدین و آقای امام بردند، بعد از آن به منزل جناب فریدالملک آمدیم. بعد از صرف نهار، خطوط متعدده به کربلا و نجف و هند نوشتیم. و به جناب مستطاب اشرف آقای نظام السلطنه حکمران پیغام دادم که چون پس فردا خیال حرکت دارم، وقتی را معین فرمایید که بازدید می‌کنم.

۱. شیخ العراقین ساکن کربلا، برادر دیگر اوست.

جناب شبل‌الممالک را فرستادند؛ اولاً: اظهار افسوس کردند که من چون ایام عاشورا بود و مشغول عزاداری بودید، نخواستم مزاحم شوم. و ثانیاً: چرا به این زودی تشریف می‌برید و فردا را از صبح تشریف بیاورید که نهار هم اینجا صرف شود و قدری صحبت بنماییم. گفتم که: فردا در خانهٔ جناب نایب‌الصدر دعوت دارم، رفتند و رقعهای دعوتی فرستادند.

معلوم شد که از نایب‌الصدر دعوت ما را واپس خوانده بودند و قرار شد که شام را در منزل نایب‌الصدر باشیم. عصری به دیدن جناب آقا شیخ هادی رفتیم، آنجا شنیدم مرحوم والد ماجدش - آقا شیخ عبدالرحیم رحمه‌الله - شرحی بر منظومهٔ مرحوم سید بحرالعلوم نوشته تا مبحث صلاة اموات یا صلاة، جلد اولش را طلبیده و از آنجا به منزل جناب جلیل‌الدوله رفتیم.

امروز معلوم شد که جمعی منزل ما آمده بودند و شکایت داشتند از انجمن ولایتی که می‌خواهیم اعضای بلدیہ را انتخاب جدید نماییم، انجمن راضی نمی‌شود.^۱ شکر کردیم که در خانه نبودیم، ولی با بعضی از آنها ملاقات نمودم و آنها را نصیحت نمودم.^۲

روز چهارشنبه (۱۴ شهر محرم): صبحی از کثرت جمعیت مردم در منزل، نتوانستم به دیوان خانه برویم، تا ساعت شش تقریباً رفتیم. حضرت اشرف آقای نظام‌السلطنه در خلوت با جناب شاهزاده محتشم‌الدوله نشستند، وقتی که وارد شدم، گلهٔ زیاد فرمودند که چرا دیر تشریف آوردید؟ عذرخواهی نمودم. بسیار افسوس خوردند از اینکه فردا حرکت می‌کنم.

مختصر اینکه نهار صرف شد و شاهزاده محتشم‌الدوله تشریف بردند و تا ساعت ده و ربع با جناب ایشان مشغول صحبت و مذاکرهٔ همه نوع بودیم و غالب صحبت‌های ما دلسوزی به جهت ایران و ایرانیان بود.

و از آنجا ساعت ده و ربع بیرون آمده، به منزل جناب رشید نظام رفتیم. و جناب آقا میرزا حبیب‌الله‌خان، رئیس گاریخانه را طلبیدم و از ایشان یک دستگاه دلیجان گرفتیم که هشت نفر در او بنشینند و به اختیار خودمان باشد که منزل به منزل

۱. مردم می‌خواهند انتخابات انجمن ایالتی تجدید شود.

۲. شکر می‌کند که مردم مزاحم او نشده‌اند.

برویم یا پستی حرکت کنیم. الحق کمال محبت را به ما نمودند و بسیار آدم مشروطه خواه لایقی می باشند.

و از آنجا بازدید جناب مختار السلطنه، رئیس قشون رفتیم و از کاخ دولتی که تقریباً چهل و پنج - شش پله داشت، با مختار السلطنه به جهت سیاحت بالا رفتیم. جمیع کرمانشاهان و اطرافش نمایان بود، جنگلهای بسیار خوبی داشت و تاکوه بیستون نمایان بود، شهر کرمانشاه تقریباً دوازده هزار خانوار می باشد و خود شهر هم تمامش در پستی و بلندی واقع است و خالی از لطف نیست.

و از آنجا به منزل جناب نائب الصدر رفتیم و در حمام خانه اش رفتیم و بیرون آمده، فرستادیم که مکاری به منزل خودمان برود و بارها [را] ببندد که صبح حرکت کند. و آشیخ مجید و عزیز را هم مقرر نمودیم که همراه اسباب و بارها بروند. و پس از صرف شام به منزل آمدیم و تا ساعت شش از شب مشغول تهیه اسباب مسافرت بودیم.

روز پنجشنبه (۱۵ شهر محرم): صبحی در منزل جمعیت زیاد شد و دوستان غالب جمع شدند، بارها [را] بار نموده و شیخ مجید و عزیز همراه آنها روانه شدند، بعد خودمان همراه با هیأت مشایعین به منزل جناب رشید نظام آمدیم، چون قریب به مرکز گاریخانه بود و اهل بیت هم روانه مرکز شدند. بعد از آنکه آنها در دلیجان مستقر شدند، خودم با جمعیت روانه مرکز شدم، با مردم مصافحه نموده سوار شدم و جمعی هم همراه ما سوار شدند؛ مثل جناب شاهزاده اسعدالدوله و جناب معین الرعايا و جناب میرزا حاجی آقا تلگرافچی و آقا میرزا حبیب الله خان رئیس گاریخانه و غیره و جمعی از سوار. و جناب رشید نظام هم با مجاهدین سوار شده، ساعت شش از دسته حرکت نمودیم و هیأت مشایعین تا قهوه خانه با ما همراهی نموده و از آنجا خدا حافظی گفته، آنها را برگردانیدیم. و با جناب رشید نظام و مجاهدین روانه راه شدیم و چهار فرسخ که آمدیم، اسبهای دلیجان را عوض نمودند. و تقریباً یک ساعت و نیم در آنجا معطل شدیم و الحق دلیجان بسیار خوبی بود، نصفش مردانه و نصفش زنانه بود.

پس از آنجا حرکت نموده، نیم فرسخ به بیستون مانده، جمعی سوار از طرف جناب اعظم الدوله، نجل جناب ظهیرالملک به استقبال آمدند. و قریب به غروب وارد بیستون

شدیم، نماز ظهر و عصر خوانده، جناب اعظم‌الدوله به دیدنی آمدند. قدری صحبت نموده، رفتند. ساعت سه، شام به جهت ما فرستادند. بعد از صرف شام، نعمت‌الله پسر مشهدی علی که در کرمانشاه [در] خانه‌اش منزل داشتیم، وارد شد.

معلوم شد که بقیهٔ حسابی که از ما طلبکار بود و جناب آقا شیخ علی‌اصغر، برادر جناب معین‌الرعا یا هم قبول نکرده بود که بدهد، از این جهت سوار شده، عقب ما آمد. قدری به جناب آقا شیخ اباذر صدیق‌الشریعه اوقات تلخی نمودم، زیرا که او تقصیر کرده بود و حساب او را درست رسیدگی نکرده بود، به هر جهت حساب او را رسیدگی نمودم و بقیهٔ طلب او را حواله کردیم.

روز جمعه (۱۶ شهر محرم): اسبها را که به دلیجان حمل نمودیم، معلوم شد که جناب آقا شیخ اباذر از حرفهای دیشب ما مکدر شده بود و امروز صبح لباسهایی که ما به جهت او گرفته بودیم، تمام راکنده و لباسهای خودش را پوشیده و عازم شده بود که به کرمانشاهان مراجعت نماید. آمد پیش ما و پولهایی که پیش او داشتیم خواست به ما پس بدهد، سه چهار فحش به او دادم و او را همراه خود سوار دلیجان نموده، حرکت کردیم [و به] سر چشمه‌ای که مقابل نقشه‌ای است که در کوه تراشیده‌اند رسیدیم.

معلوم شد که جناب اعظم‌الدوله آنجا را فرش نموده و چای و شیر به جهت ما مهیا نموده، آن نقشهٔ فرهاد را با دوربین تماشا نمودیم. اینکه معروف است که کوه بیستون کج است، از این جهت بیستونش می‌گویند اصلی ندارد، زیرا که این کوه چون صاف و بلند است و دامنه ندارد، از این جهت به نظر می‌آید که کج شده [است].

از آنجا با اعظم‌الدوله خداحافظی گفته، سوار شدیم. و سوارهای او که تقریباً صد نفر بودند، با ما همراهی نموده و مسافت یک فرسخ همراه آمده، آنها را مراجعت دادیم. و این سوارها به جهت امنیت طریق، مهیا نموده بودند. و نصف راه که آمدیم، نزدیک قهوه‌خانه عده‌ای سوار هم از آنجا استقبال نمودند و به قدر نیم فرسخ که آمدند، آنها را مراجعت دادیم. راه امروز تا صحنه تقریباً پنج فرسخ است و با دلیجان چهار ساعت آمدیم، ساعت چهار و نیم از بیستون حرکت نموده، ساعت هشت و نیم وارد صحنه شدیم. و در صحنه تلگرافی از جناب آقامیرزا حاجی آقا تلگرافچی از کرمانشاهان رسید که از ما احوال‌پرسی نموده بودند، جواب تشکرانه دادم. جناب سرهنگ جعفرقلی خان، داماد جناب ظهیرالملک به دیدنی آمدند. پس از رفتن ایشان، نیم ساعت به غروب مانده با جناب آقا

شیخ ابراهیم در کنار رودخانه رفته و وضو گرفته، در همانجا فریضه ظهر و عصر را ادا نموده، به منزل مراجعت کردیم. و صحنه جای باصفایی است.

روز شنبه (۱۷ شهر محرم الحرام): صبح اول آفتاب اسبابها را در دلیمان گذاشتیم. معلوم شد که مالها تازه از راه رسیده و بسیار خسته می باشند، به گاریچی گفتم که قدری صبر کنید تا مالها از خستگی بیرون بیایند و به ملاحظه اینکه راه امروز هموار نبود، مفرشهای جناب رشید نظام را که روی دلیمان بود برداشته و یک مال کرایه نموده، بار کردیم، جلو فرستادیم. و ساعت پنج از دسته مالها را بسته، حرکت کردیم. و راه امروز می گویند چهار فرسخ است، ولی بسیار سنگلاخ و ناهموار بود. و هوا بسیار خوش، مثل هوای ماه دویم بهار بود.

و تقریباً ساعت ده وارد کنگاور شدیم و در مرکز گاریخانه، در اطاقهای فوقانی منزل نمودیم. جناب آقا شیخ عبدالصمد که اصلاً تویسرکانی می باشد، با سه نفر دیگر از اهل علم به دیدنی آمدند. پس از رفتن ایشان وضو گرفته، با جناب آقا شیخ اباذر در امامزاده به جهت زیارت رفتیم. و این امامزاده به شاهزاده ابراهیم بن شاهزاده عبدالله معروف است، باید تحقیق شود که کیست.

و کنگاور معلوم است که بنای او قدیمی است، نظر به بعضی آثار قدیمه که در او مشاهده می شود و تقریباً هزار خانوار دارد و چند شب است که ستاره دنباله دار، اول شب از طرف مغرب نمایان و دیده می شود. همچو ستاره های کمتر دیده ام، دنباله اش متجاوز از سی - چهل درجه آسمان را می گیرد و محاذی برج دلو یا حوت طالع می شود، باید تحقیق کرد که چه ستاره ای می باشد.

روز یکشنبه (۱۸ محرم الحرام): صبحی که اسبابها را در دلیمان گذاشتند، جناب فرج الله خان، پسر جناب ساری اسلان فرستاده بودند که می خواهیم با سرهنگ تلگرافخانه به دیدنی بیاییم. معذرت خواستم که اسبابها را در دلیمان گذاشته اند و وقت ندارم، می خواهم حرکت کنم، اسبابها را که تمام در دلیمان گذاشتند.

معلوم شد که آقا شیخ اباذر ما، باز حماقت او را گرفته و از ما رو پوشانده، به آقا شیخ ابراهیم گفتم که برو شاید او را پیدا کنی و او را نصیحت نموده، بیاوری. آقا شیخ ابراهیم که رفت، فرج الله خان و رئیس تلگرافخانه آمدند، همان طور که سر بام قدم می زدیم از وضع کنگاور از آنها سؤال می نمودم.

امروز دلیجان دیگر هم از کنگاور همراه ما حرکت می‌کند، قدری از اسبابهای خودمان را در آن دلیجان دیگر گذاشتیم. و آقا شیخ ابراهیم و آقامیرزا حسن در آن دلیجان دیگر سوار شدند و آقا شیخ اباذر که آمد، با من در دلیجان خودمان سوار شدیم. ساعت سه و نیم حرکت کردیم، صبیۀ مرحوم حاجی اسدخان که یک سال است در کنگاور است، بستهٔ امانتی به جهت شوهرش آقا شیخ مهدی خان آورد که در طهران ببریم.

راه امروز بسیار سخت بود، قدری راه که آمدیم، به جناب رشید نظام رسیدیم. جناب رشید نظام هم همراه ما در دلیجان سوار شد و همان وقت هم با آقا شیخ اباذر قدری اوقات تلخی نموده، او را تأدیب نمودم. و آمدیم تا به قهوه‌خانه که رسیدیم، نهار صرف نموده، جناب رشید نظام پیاده شدند. و دو کاریسکه رسید که در آنها زوآر شگی و شیروانی بودند، مالهای دلیجان را با مال کاریسکه عوض نموده، حرکت کردیم. و تقریباً ساعت نه وارد فرسبه شدیم، در مرکز گاریخانه دو اطاق خوب داشت، منزل نمودیم. و فرسبه تقریباً صد خانوار دارد و در آنجا امامزاده‌ای هست مستماً به پیرعلی، می‌گویند از اولاد امام موسی بن جعفر علیه السلام است.

شب قدری هوا برودت پیدا نمود که احتمال برف و باران می‌دادیم، ولی برف و باران نیامد. و از کنگاور تا فرسبه می‌گویند چهار فرسخ است، ولی راهش به جهت گاری بسیار سخت است.

روز دوشنبه (۱۹ شهر محرم الحرام): صبح مشغول بار نمودن اسباب در دلیجان شدیم و من خودم به زیارت امامزاده رفتم. و مزارش بر سر بلندی است و ایوان او هم بلند است. منظر خوبی دارد، خصوصاً در فصل بهار. مراجعت نموده، ساعت سه و نیم سوار شدیم، نزدیک گردنه که رسیدیم، دو اسب از آن دلیجان باز نموده و به دلیجان ما بستند که شش اسب شد، تا به آخر گردنه که رسیدیم، در آنجا به کاریسکهٔ ارباب عسکر رسیدیم، اسبها را عوض نمودیم. منشی ارباب عسکر شاهزاده محمود میرزا سعیدزاده، پیش دلیجان ما آمد و از ما احوال پرسى نموده و ما را شناخت و گفت که بعضی مطالب در عرض راه دیده‌ام و نوشته‌ام، می‌خواهم در طهران خدمت جناب عالی بفرستم، گفتم که بفرستید، قدری سفارش جناب میرزا حبیب‌الله‌خان را نمودم و روانه شدیم. ساعت هشت وارد حمیل آباد شدیم، از فرسبه تا حمیل آباد می‌گویند دو فرسخ است، ولی بسیار به صدمه آمدیم.

امروز بنا بود که به جوکار برویم، منتظر دلیرجان عقب شدیم، خیلی دیر کرد و تقریباً ساعت ده رسید، با زحمت زیاد مالها را بستیم. قدری که حرکت کردیم، دیدیم مالها خسته و قدرت رفتن نداشتند، از آن طرف هم جناب رشید نظام به جوکار رفته بودند و بعضی اسباب و لوازشان همراه ما بود و منتظر ما بود، با میرزا اسدالله مجاهد که دو سه روز است از طرف جناب رشید نظام مأمور شده است که همراه ما باشد، در رفتن و ماندن مشورت نمودیم. آخر مصلحت دیدیم که شب را در حمیل آباد بمانیم و مراجعت نمودیم، منزل گرفتیم و ماندیم.

اتفاقاتی که امروز از برای عزیز گماشته ما اتفاق افتاده، این بود که: در بین راه نزدیک قهوه‌خانه، دو سه نفر به عنوان اینکه ما قره‌سوران راه هستیم، کره الاغی که عزیز بر او سوار بود گرفته بودند که این مال دزدی است، با اینکه عزیز بر ماده الاغ مادرش سوار بود و کره او از مادر جدا نموده، در قهوه‌خانه برده بودند. و چند مشت هم بر سر عزیز زده بودند، عزیز هم افسار الاغ را گرفته، در همانجا نشسته بود، تا اینکه جناب رشید نظام از عقب رسیده بودند. عرض حال را به ایشان نموده بود و ایشان هم فوراً به مجاهدین امر نموده، آن شخص را از قهوه‌خانه بیرون کشیده، به ضرب او را تأدیب نموده بودند که عبرت دیگران شود. و عزیز را با الاغ و کره‌اش روانه راه نموده بودند. و فردا را ما از عزیز مفارقت می‌کنیم، زیرا که او با مکاری از راه قزان می‌رود و ما ان شاء الله به دولت آباد می‌رویم، شاید که عزیز در قم به ما برسد. و هوا هم امروز بحمدالله خوش بود.

روز سه‌شنبه (۲۰ شهر محرم الحرام): ساعت ده از شب بیدار شده، حضرات را از خواب بیدار نمودم که اسباب را جمع‌آوری نموده، زود حرکت کنیم. بعد از صرف چای و بار نمودن اسباب، بعد از آفتاب حرکت نمودیم. راه بسیار گل و خراب بود، با سورچیهای ناقابل تقریباً ساعت شش به جوکار رسیدیم.

معلوم شد که جناب رشید نظام در جوکار منتظر و اهل جوکار از ورود ما مستحضر و تماماً از صغیر و کبیر و زن و مرد به استقبال آمده بودند، بعد از ورود و مصافحه نمودن، ما را در منزل آقا شیخ جعفر که ملای آنجا بود بردند، بعد از صرف نهار با آنها خداحافظی نموده، ساعت نه از آنجا حرکت کردیم. نیم ساعت به غروب مانده که تقریباً یک فرسخ به دولت آباد مانده بود، چند نفر سوار رسیدند و گفتند که ما از طرف

نائب‌الحکومه دولت‌آباد به استقبال آمده‌ایم^۱. و هر چه اصرار نمودند که مرا سوار اسب کنند قبول نمودم، قدری که پیش آمدیم، نایب‌الحکومه از طرف شاهزاده عضدالسلطان کاریسکه آورده بودند، به اصرار زیاد ما را در کاریسکه سوار نمودند، با نایب‌الحکومه شرط نمودم که مرا در مرکز گاری ببرید. گفتند که در وسط شهر خانه‌ای به جهت شما معین نموده‌ایم که دلیجان تا آنجا می‌آید، قبول کردم و گفتم که سواری بفرستید که دلیجان را بیاورد. گفتند که می‌فرستم آسوده باشید، بعد ما را آورد در همان خانه که معین نموده بود.

معلوم شد که در خانه قفل است و کلیدش پیش صاحب‌خانه است. از آنجا [به] منزل جناب رشید نظام رفتیم، قدری که نشستیم شاهزاده عضدالسلطان تشریف آوردند، قدری صحبت شد و مذمت از برادرش محمدعلی میرزا نمود.^۲ ساعت دو از شب گفتند که من خسته‌ام و به منزل می‌روم، اصرار زیادی فرمودند که فردا را بمانم، قبول نکردم.

و از آنجا آمدم به همان منزل که معین شده بود، منزل خوب و جای مرغوبی بود. قدری نشستیم، خبر آوردند که دلیجان در گاریخانه وارد شده و به قدر نیم ساعت مانده که خبر از ما به آنها برسد و از طرف نایب‌الحکومه هم کسی سراغ آنها نرفته بود، آنها هم دو اطاق فوقانی در مرکز گرفته و اسباب را به آنجا برده، منزل نموده بودند.

این خبر را که شنیدم، فوراً خودم حرکت نمودم و هر چه اصرار نمودند که می‌فرستیم آنها را هم در اینجا بیاورند، قبول نکردم و روانه شدم، به مرکز آمدم. جناب رشید نظام، آقا میرزا حبیب‌الله را فرستادند که تحقیق کند که چرا در آنجا نماندم. گفتم به ایشان که تکدّری پیدا نکرده‌ام، ولی چون اهل بیت در اینجا هستند، خوش ندارم از آنها جدا باشم.

آن شب را به خوشی به روز آوردیم، اسم نایب‌الحکومه را فعلاً فراموش کرده‌ام، بعدها تحقیق خواهم نمود. و مسافت از جوکار الی دولت‌آباد می‌گویند سه فرسخ است، ولی بیشتر است.

۱. اصل: آمدند.

۲. ملاقات با عضدالسلطان، برادر محمدعلی شاه قاجار.

روز چهارشنبه (۲۱ [محرم الحرام]): صبحی بعضی از علمای آنجا، مثل جناب آقا شیخ محمد مدرّس و پسر شیخ الاسلام و جمعی دیگر از علما دیدنی نمودند. و دلجانها خراب بود، مشغول درست کردن آنها بودند. شهر دولت آباد تقریباً شش هزار خانوار دارد و بسیار جای خوبی است.

ساعت پنج که دلجانها درست شد، حرکت کردیم. سورچی ناقابل و راه بد، ساعت هشت به قریه بابا رئیس که مرکز است رسیدیم، هوا هم بسیار خوش [بود]. دو ساعت در آنجا معطل شدیم تا مالها را بستند، از دولت آباد تا آن قریه دو فرسخ است. ساعت ده از آنجا حرکت نمودیم، غروب آفتاب وارد حسین آباد که مرکز است شدیم. و از قریه بابا رئیس تا حسین آباد سه فرسخ است و از آنجا هم مالها را بسته، حرکت کردیم. قدری که راه آمدیم، به رودخانه رسیدیم که پی‌اش خراب شده بود، به زحمت زیاد با دلجان از آب حرکت نمودیم. و ساعت یک و نیم از شب وارد قریه دیز آباد شدیم که از حسین آباد تا آنجا یک فرسخ است و هوا هم سوزی داشت، ولی خوش بود. اگر می‌دانستم که شب وارد می‌شوم، امروز را در دولت آباد لنگ می‌کردم، بلکه جا داشت که یک روز را در دولت آباد لنگ کنیم، ولی خبط نمودیم که نمائیم.

دولت آباد و تويسرکان و نهاوند، تحت حکومت شاهزاده عضدالسلطان می‌باشد و مالیات این سه شهر با مضافاتشان پنجاه هزار تومان نقد و تقریباً ده خروار غله می‌باشد. و قریه دیز آباد تقریباً دویست خانوار دارد.

روز پنجشنبه (۲۲ شهر محرم الحرام): صبحی اسبابها را در دلجان گذاشته، تقریباً ساعت سه حرکت نمودیم. چند قدم که رفتیم، گاری از جلو رسید. مالها را عوض کردند با مالهای خسته و سه فرسخ راه آمده، مقدار ربع فرسخ که آمدیم، مالها از حرکت ماندند و ابدأ راه نمی‌رفتند. جناب رشید نظام که امروز با ما در دلجان سوار شده‌اند، امر نمودند که اسبهای آن دلجان را به این دلجان ببندند. قدری که راه رفتیم، اسبهای آن دلجان دیگر ماندند و قسم خوردند که قدم از قدم برندارند. و ما جلو افتاده رانیدیم، تا به قریه محمد آباد که مرکز است رسیدیم، ساعت شش قرار گذاشتیم که دو اسب ببرند و آن دلجان را بیاورند.

در این ضمن آقا میرزا اسدالله، یک اسب آن دلجان را سوار شده رسید که اسب ببرد. و دو اسب فرستادیم، ساعت هشت آن دلجان با یک دستگاه گاری پست وارد شد.

ساعت هشت و نیم حرکت کردیم و رانیدیم. راه قدری پستی و بلندی داشت، ولی خوب بود. ساعت ده وارد ساروق شدیم و ساروق قریهٔ بزرگی است و می‌گویند امامزاده‌ای دارد که هفتاد و دو تن امامزاده در آن مدفونند، فردا صبح ان شاء الله به زیارتشان مشرف می‌شوم. و از دیزآباد تا ساروق تقریباً پنج فرسخ است و ساروق جای بسیار خوب و باصفایی است.

روز جمعه (۲۳ شهر محرم الحرام): صبحی بعد از آنکه مشغول جمع‌آوری اسباب شدند، خودم به زیارت امامزاده‌هایی که در ساروق مدفونند رفتم و اسامی آنها تماماً مسطور می‌شود: امامزاده عبدالله و شهزاده محمد و احمد و مختار و شهزاده جعفر، فرزندان گرام سلیمان بن امام زین‌العابدین علیه السلام؛ قاسم و حمزه، فرزندان علی بن امام محمد باقر علیه السلام؛ و عقیل و زکریا و محسن و یحیی، فرزندان عبدالرحمن بن امام زین‌العابدین علیه السلام؛ و شهزاده ابراهیم و محمد و اسماعیل و عبدالله و ابوجعفر، فرزندان گرام هادی بن علی بن هادی بن امام زین‌العابدین علیه السلام؛ جلال‌الدین و عمادالدین و محمد و اصغر و علی و حسن، فرزندان گرام اسماعیل بن امام محمد باقر؛ و عبدالفضل و ابراهیم و یعقوب و اسماعیل و حسام‌الدین و محمود، فرزندان مسلم بن هادی بن امام زین‌العابدین علیه السلام؛ شهزاده اسحاق بن امام موسی کاظم با برادر خود شهزاده احمد و همشیره‌ها، خدیجه سلطان و آمنه سلطان و حمیده سلطان و فاطمهٔ صغری و حلیمه خاتون و رقیه بانو، شش دختر از جناب امام موسی کاظم با چهل نفر دختران از آل فاطمه.

و دو گنبد مقابل هم، تقریباً صد قدم فاصله دارد و در تحت هر قبهٔ ضریح و صندوقهای چوبی که هر یک علامت قبری است، متعدد دارد. و در کتیبهٔ یکی از آن صندوقها به خط کوفی نوشته است: «بسم الله الرحمن الرحیم، هذا قبر امیر سید شهید، جعفر بن محمد بن زید بن امام زین‌العابدین علی بن [حسین بن علی بن] ابی‌طالب علیه السلام. عمر هذا التربة، العبد الضعیف المحتاج الی رحمة الله تعالی».

MIIRAS-E

SHAHAB

Journal of

The Grand Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi

- The world Treasure of Islamic Manuscripts -

Managing Director: Dr. Seyed Mahmoud Marashi Najafi

under the supervision of the Editorial Board Reza

Chief editor: Mohammad Esfandiary

Editor: Hosein Rafiei

Typesetting and Layout: Mohammad Mohammadi

Address: Ayatollah Marashi Najafi st.

Qom - 37157. I.R. IRAN

Tel: + 0251 - 7741970-8

Fax: + 0251 - 7743637

[http:// www.marashilibrary.com](http://www.marashilibrary.com)

[http:// www.marashilibrary.net](http://www.marashilibrary.net)

[http:// www.marashilibrary.org](http://www.marashilibrary.org)

E-mail: info@marashilibrary.org

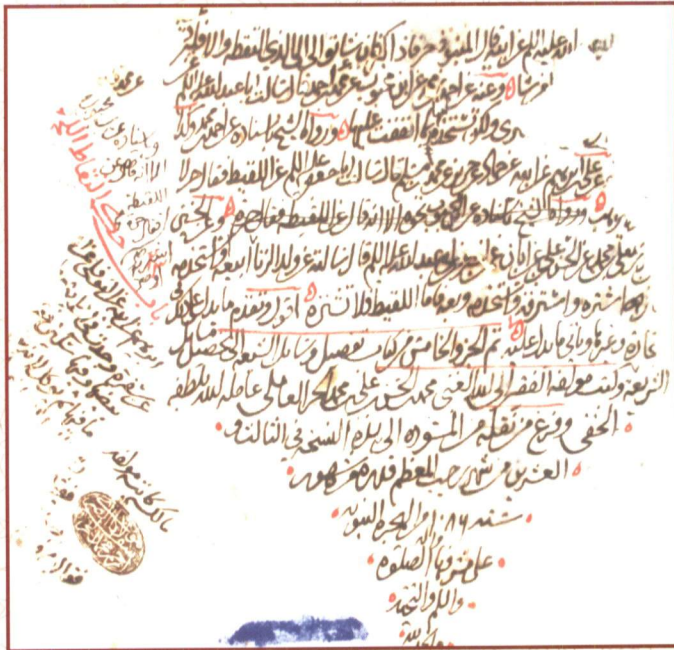
- ***Miras-e Shahab***, covers the news of the Grand Library of Ayatollah Marashi Najafi, as well as the following issues:
 - *To introduce Manuscripts of the Library.*
 - *To introduce the incunabuls kept in the Library.*
 - *To introduce the Publications of the Library.*
 - *Reports from tours by Library's researchers.*
 - *Articles on Criticism and Authorship.*
 - *Articles on Librarianship and Bibliography.*
 - *Articles on introducing various Libraries.*
-
- *The use of the articles from this journal is permitted only if reference is made.*
 - *The views presented in this journal are those of the authors.*
 - *No article received will be sent back to the sender.*
 - *The received articles will be edited technically by the editorial board.*
 - ***Miras-e Shahab*** is published quarterly at the end of each season.



The Journal of The Grand Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi

- The World Treasure of Islamic Manuscripts -

Vol. 14, No.3&4, Autumn & Winter 1386/2007-2008



The End Page of the One of the 3 vols. of *Wassāel-Al-Shi'ā'eh*, The original Mss., Handwritten by Shikh Hūr-re-'Aāmeli, registered in No. ((15252)) of this Grand Library